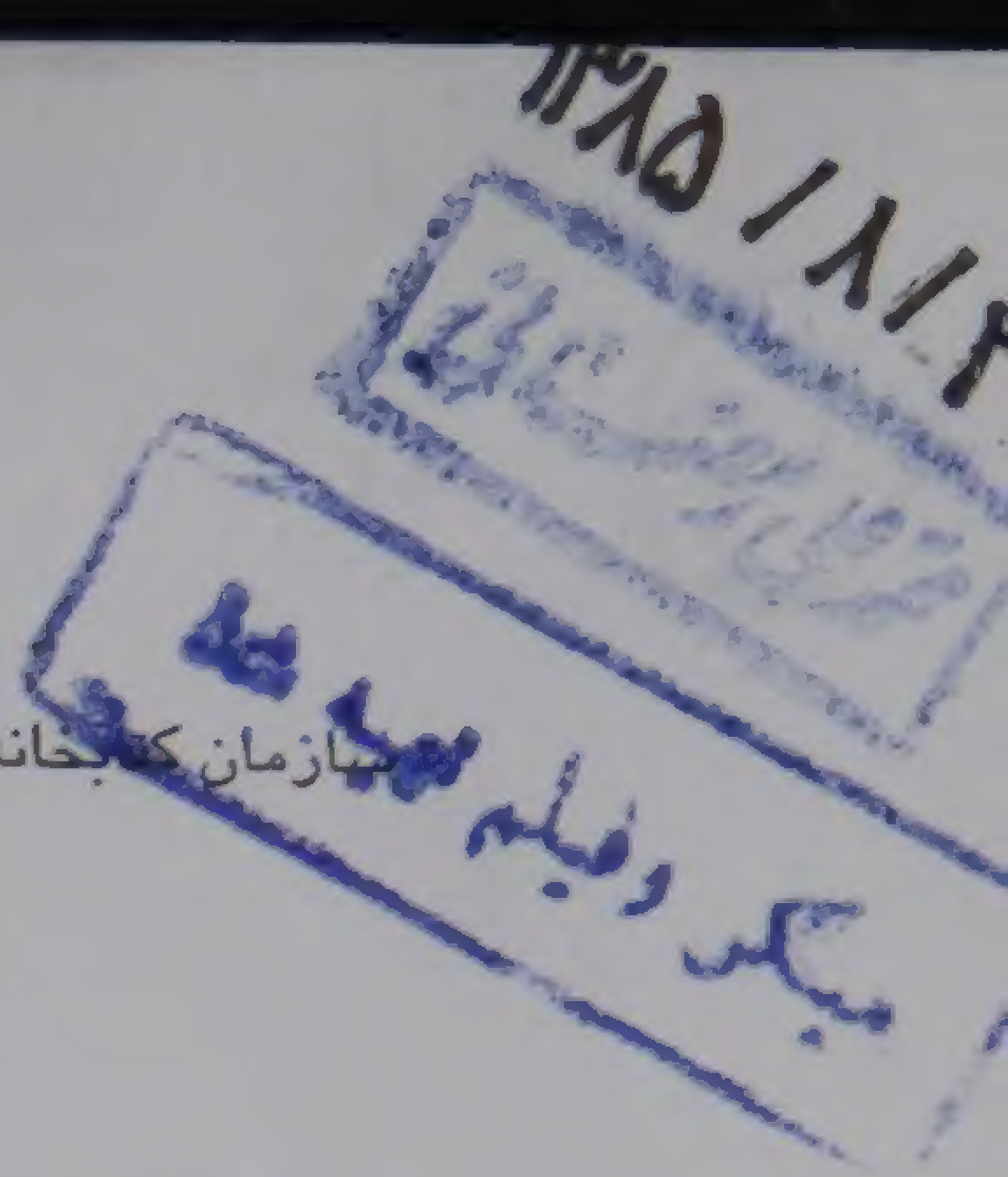




سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

اداره مخطوطات

نام کتاب: حلیة المتقین

مؤلف متن: علامه مجلسی محشی

شارح مترجم

تاریخ تحریر نوع خط: نسخ تعداد سطر: ۱۹

نام کاتب

موضوع: اخبار زبان: فارسی عدد اوراق: ۱٤۱

طول: ۱۹٫۵ عرض: ۱٤ شماره عمومی: ۳۲۰۵۸

وقفی / اهدائی: مقام معظم رهبری تاریخ وقف: بهمن ۸۳

ملاحظات

* ناقص الاول

حلیة المتقین



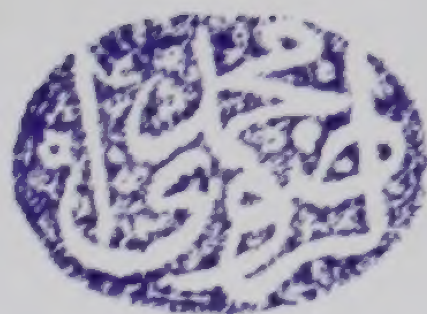
تالیف

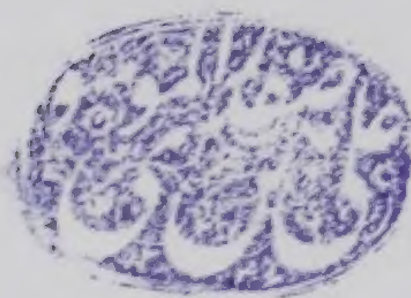
محمد باقر بن محمد تقی المجلسی

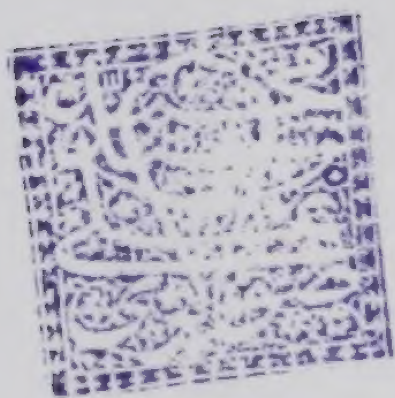
منقولست که مکروهست که کسی که بگوید حیاک الله مگر آنکه بگوید حیاک الله
بالسلام و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سه کس اند که بر ایشان سلام
نباید کرد کسی که با جنازه براه رود و کسی که بنماز جمعه رود و کسی که در حمام
باشد و عمل کرد و نه بصورتی که لنگ نبسته باشد و از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام منقولست که چون داخل مسجد شوی و مردم نماز کنند بر
ایشان سلام مکن و بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله سلام کن و متوجه نماز
شو و اگر بمجلسی داخل شوی که مردم سخن گویند بر ایشان سلام بکن و از حضرت
امیر المؤمنین منقولست که کسی که داخل خانه خود شود بر اهل خانه خود
سلام کند و اگر اهلی نداشته باشد و خانه خالی باشد بگوید السلام علینا
من ربنا و فرمود که اگر کسی بتو بگوید حیاک الله بالسلام در جواب
انت فحیاک الله بالسلام و احلک دار المقام و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله منقولست که چون یکدیگر را ملاقات کنید سلام و مصافحه
بکنید و چون از یکدیگر جدا شوید طلب آمرزش از برای یکدیگر بکنید
و در حدیث دیگر فرمود که کسی که داخل خانه خود شود سلام بکند که سبب برکت
میشود و ملایکه انس میگیرند در آن خانه و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که چون زن بر جماعتی داخل شود بگوید علیکم السلام و چون مرد داخل
شود بگوید السلام علیکم و در بعضی از اخبار وارد شده است که چند
کس اند که بر ایشان سلام نمیباید کرد جهود و گبر و ترسا و بت پرست و کسی که
در بیت الخلا باشد و کسی که بر سر خوان و شراب نشسته باشد و بر شاعری که
بزنان محصنه عفیفه فحش گوید و جماعتی که خوش طبعی ایشان دشنام مادر

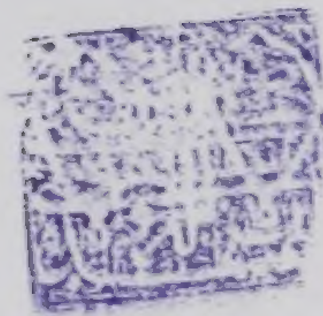














و بر کسی که نرد یا شطرنج یا سایر انواع قمار بازی کند و بر کسی که عود و طنبور
نوازد و بر مردی که مردم با او عمل لواطه کنند و کسی که در اثنای غاز باشد و
کسی که سود خورد و فاسقی که علانیه فسق کند و پروا نکند و در روایت صحیح
وارد شده است که سلام کردن بر کسی که شطرنج بازی کند گناه کبیره است
و همچنین نهی وارد شده است از سلام کردن بر کسی که شراب خورد و نیز ثبت
که اگر ایشان مشغول باشد بر آنکه سلام کردن بر ایشان فضیلت بسیار ندارد
یا بر آنکه از روی مهربانی و محبت راضی بودن بگناه از ایشان سلام بر
ایشان نباید کرد بر آنکه اخبار بسیار وارد شده است که بر [illegible] سلام
کردن حرمت دارد و از حضرت [illegible] منقولست که چون کسی از مجلسی برخیزد
و وداع کند اهل آن مجلس را سلام کردن اگر بعد از خروج چیزی بگویند
در ثواب شریک خواهد بود و اگر حرف بدی بگویند گناهش بر ایشان
خواهد بود و بر او گناهی نخواهد بود و از حضرت صادق علیه السلم منقولست
که کوچک بر بزرگ سلام بگوید و کسی که نشسته باشد سلام بکند
و جماعت کم بر جماعت بیشتر سلام بکند و در حدیث دیگر منقولست که سواره
باید که بر پیاده سلام بکند و استر سوار بر خر سوار سلام کند و اسب سوار
بر استر سوار سلام بکند و ایستاده بر نشسته سلام بکند و در چند
حدیث معتبر از حضرت [illegible] منقولست که چون جماعتی بر جماعتی بگذرند یکی
از ایشان که سلام کند از دیگران مجزیست و اگر کسی بر جماعتی سلام کند
یکی از ایشان جواب بگوید از دیگران مجزیست و در حدیث حسن از امام [illegible] حضرت
منقولست که رسول خدا بر زنان سلام میکردند و ایشان جواب میگفتند

فصل



...خواب و این رساله زیاده از این گنجایش نداشت **فصل دوم** در سبب
خواب است و [illegible] و تعبیر خواب در حدیث معتبر منقولست که از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلم پرسیدند که چه سبب دارد که مومن گاهی خواب
می بیند و چنان میشود که دیده است و گاهی خواب می بیند و اثری
از آن ظاهر نمیشود فرمود که چون مومن بخواب میرود روحش بجانب
آسمان حرکت میکند پس آنچه روح مومن در ملکوت آسمان می بیند
در محل تقدیر و تدبیر آن حق است و اثرش ظاهر میشود و آنچه در زمین
و هوا می بیند خواب پریشان است راوی پرسید که آیا روحش همه
با آسمان میرود و هیچ در بدن نمیماند فرمود که اگر چنین باشد خواهد مرد
بلکه از آن با آفتاب که در آسمان است و روشنی و شعاعش در زمین است
و همچنین روح اصلش در بدن است و پرتوی از او با آسمان حرکت میکند
و در روایت دیگر از حضرت امیر المومنین منقولست که هر مومنی که
بخواب میرود روح او را بسوی عرش پروردگار او میبرند پس آنچه در
آنجا می بیند حق است و آنچه در وقت برگردانیدن در هوا می بیند
خواب پریشانی است و بر مضمون این احادیث بسیار است و در حدیث
معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که شیطانی هست که او را هزع
میگویند در هفت بلاد از مشرق تا مغرب را پر میکند از بدن خود و بخواب
مردم می آید و از این سبب مردم خوابهای پریشان می بینند و در روایت
دیگر مرویست که دو نصرانی بنزد ابوبکر آمدند و از چند مسئله سوال
کردند و از عهده برنیامد پس حضرت امیر المومنین ایشان را جواب گفت

از جمله آنها آن بود که پرسیدند که خواب راست و دروغ چه سبب دارد
فرمود که راست و دروغ چه سبب دارد فرمود که حق تعالی روح را خلق کرده است
و برای او سلطانی مقرر ساخته و سلطان او نفس است چون آدمی بخواب
میرود روح بیرون میرود و سلطان در بدن میماند پس روح میگذرد
بگروهی چند از ملایکه و گروهی چند از جن پس هرچه خواب راست است
از ملایکه است و هرچه خواب دروغ است از جن است و در روایت دیگر منقولست
که خوابهای مومن صحیح میباشد زیرا که نفس پاکیزه و یقینش
درست است و چون روحش بدر میرود با ملایکه ملاقات میکند پس
خواب او بمنزله وحی است و در حدیث دیگر منقولست که وحی بعد از حضرت
رسول صلعم منقطع شد اما خوابهای بشارت دهنده هست و در حدیث
دیگر وارد شده است که خوابهای راست یک جزو از هفتاد جزو پیغمبریست
و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقولست که رویای مومن و خواب
او در آخر الزمان بر هفتاد جزو از اجزای پیغمبریست و در حدیث صحیح
از حضرت امام رضا علیه السلم منقولست که چون صبح میشد حضرت رسول صلعم
با اصحاب خود میگفت که آیا کسی خواب بشارت دهنده دیده است و در
حدیث معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقولست که شخص
از حضرت رسول سوال کرد از تفسیر این آیه کریمه الَّذِینَ آمَنُوا
وَکَانُوا یَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَی فِی الْحَیَوةِ الدُّنْیَا وَفِی الْآخِرَةِ
یعنی آنکسانی که ایمان آوردند و پرهیزکار بودند ایشانرا بشارت هست
در زندگانی دنیا و در آخرت حضرت فرمود که بشارت زندگانی

دنیا خوابهای

٣ 3

دنیا خوابهای نیکوست که مومن در دنیا می‌بیند و بآن بشارت می‌یابد
و شاد میشود و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقولست که خواب بر سه
قسم است اول بشارتی از خدا از برای مومن دویم ترسانیدن شیطان
سیم خوابهای پریشانی و در حدیث معتبر دیگر فرمود که خوابهای دروغ
که اثرش ظاهر نمیشود و آن خوابهائی است که در اول شب دیده میشود
که وقت سلطنت و استیلای شیاطین متمرد است و اینها خیالی چند است
که نزد او صورت میدهند شیاطین و اصلی ندارند و اما خوابهای
راست و آن خوابی چند است که در ثلث آخر شب دیده میشود که آن
وقت نزول ملایکه است و وقت سحر و آن خواب راست میباشد و تخلف
نمیکنند مگر آنکه جنب خوابیده باشد یا بی وضو یا آنچه سزاوار است
از ذکر یا یاد خدا بجا نیاورده باشد پیش از خواب که اگر باین حالات خوابیده
باشد خوابش بعمل نمی‌آید یا دیر بعمل آید از حضرت علی بن موسی الرضا
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که مرا در خواب
ببیند چنانست که مرا بیدار دیده است زیرا که شیاطین متمثل
نمیتوانند شد بصورت من و نه بصورت یکی از اوصیای من و نه
بصورت یکی از شیعان خالص ایشان و بدرستی که خوابهای راست
یک جزو از هفتاد جزو از پیغمبریست و از حضرت رسول منقولست که
در آخر الزمان خواب مومن دروغ نمیشود هرکه راست گوتر است خوابش
درستتر است و تحقیق این مقال آنست که چون حق سبحانه و تعالی روح مومن را
از عالم قدس جدا کرده است و در آن شاطی با ارواح انبیا و اوصیا علیهم السلام

داده است و در بعضی از اخبار ارواح ایشان محشور بوده است چنانچه در احادیث
بسیار وارد شده است که ارواح لشکرهای مجتمع بودند نوع نوع در
عالم ارواح پس ارواحی که در آن عالم آشنای یکدیگر بوده‌اند در عالم بدن
هم آشنا میشوند و اگر جمعی در آن عالم جدائی و نفرت داشتند درین عالم
نیز یکدیگر را نشناسند و از یکدیگر نفرت مینمایند و چون بحسب مصالح
غیر متناهیه آن ارواح مقدسه را در زندان بدنهای کثیف ظلمانی
محبوس کرده‌اند با نواع تعلقات جسمانی و شهوات نفسانی و خیالات
شیطانی مبتلا ساخته‌اند [illegible] را از عالم قدس بعد بعید و غفلتی
روداده اما اشخاص در این باب اختلاف دارند [illegible] است جمعی که مقربان
درگاه الهی اند ارواح ایشان بملاء اعلی در آویخته و آن تعلقات جسمانی
ایشانرا از آن عالم دور نساخته است بلکه با بدن با مردم محشورند
و ارواح ایشان پیوسته با قدسیان ملاء اعلی مشغول مکالمه و
محادثه اند و پیوسته روح القدس ایشانرا [illegible] دارد و [illegible] است
و افاضات ربانی علی الدوام بر ارواح ایشان فایض است و جمعی هستند
از اشقیا که بالکلیه آن عالم را فراموش کرده‌اند و بغیر این نشاء فانیه
و لذات دنیه چیزی بخاطر [illegible] اند حتی جمعی از ایشان از کثرت
شقاوت و ضلالت نشاء دیگر بغیر این نشاء را باور نمیکنند و پیغمبران
در امر معاد تکذیب مینمایند ایشانرا مهر بر دیده و گوش و دل زده‌اند
و راه خیر و سعادت را بر ایشان بسته‌اند جمعی دیگر هستند
که با وجود تشبث این علایق دنیه دست از تعلق مرا[illegible] علیه برنداشته‌اند



و هر روز که حنا مالیدن بوی [illegible] برد و آبرو را زیاده میکند و دهانرا
خوشبو میکند و فرزند نیکو میکند و هر که بعد از نوره از سر تا پای حنا
بمالد فقر و پریشانی از و برطرف شود **فصل دوازدهم** در آداب غسل جمعه
و سایر غسلها بدانکه غسلهای واجب بنا بر مشهور میان علما شش است
غسل جنابت و حیض و استحاضه و نفاس و غسل مس میت و مستحبست
که در وقت غسل جنابت این دعا بخواند اللهم طهر قلبی و زک عملی
و تقبل سعیی و اجعل ما عندک خیرا لی اللهم اجعلنی من التوابین
و اجعلنی من المتطهرین و اگر این بخواند بهتر است اللهم طهر قلبی
و اشرح لی صدری و اجر علی لسانی مدحتک و الثناء علیک
اللهم اجعله لی طهورا و شفاء و نورا انک علی کل شیء قدیر
و بعضی این دعا را بعد از غسل ذکر کرده‌اند و در تفسیر حضرت امام حسن عسکری ع
مذکور است که هر که بعد از وضو یا غسل جنابت این دعا بخواند گناهان از و
[illegible] چنانکه برگ از درختان میریزد و بهر قطره از قطرات آب وضو
[illegible] ملکی خلق فرماید که تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر الهی
کند و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستند و ثوابش از و باشد و گناهانش
آمرزیده شود دعا اینست سبحانک اللهم و بحمدک و اشهد ان لا اله
الا انت استغفرک و اتوب الیک و اشهد ان لا اله الا انت استغفرک
و اتوب الیک و اشهد ان محمدا عبدک و رسولک و اشهد ان
علیا ولیک و خلیفتک بعد نبیک علی خلقک و ان اولیاء
ه خلفاؤه و اوصیاؤه اوصیاؤک و اما غسلهای سنت [illegible] دو

غسل است و از جمله آنها غسل جمعه است و بعضی از علما واجب میدانند و حق
آنست که تا مقدور باشد ترک نکند و در احادیث معتبر وارد شده است
که غسل جمعه واجب است بر همه مردان و زنان در سفر و حضر مگر آنکه
رخصت داده اند زنان را که ترک کنند در سفر برای کمی آب و از حضرت صادق ع
منقولست که غسل جمعه کفاره گناهان است از جمعه تا جمعه
دیگر و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که هر که غسل جمعه کند
و بگوید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَ اَشْهَدُ
اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ محمد و آل محمد و اجعلنی
مِنَ التَّوَّابِینَ و اجعلنی مِنَ الْمُتَطَهِّرِینَ این غسل و دعا پاک میگرداند
او را تا جمعه دیگر و بهتر است که این دعا را نیز بخواند اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِی
وَ طَهِّرْ قَلْبِی وَ اَنْقِ غُسْلِی وَ اَجْرِ عَلیٰ لِسَانِی مَحَبَّةً مِنْکَ و باز بگوید
اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِی مِنْ کُلِّ آفَةٍ تَمْحَقُ بِهَا دِینِی وَ تُبْطِلُ بِهَا عَمَلِی
و در فقه الرضا ع مذکور است که چون از غسل جمعه فارغ شوی بگو
طَهِّرْنِی وَ طَهِّرْ قَلْبِی وَ اَنْقِ غُسْلِی وَ اَجْرِ عَلیٰ لِسَانِی ذِکْرَکَ وَ ذِکْرَ
نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و اجعلنی من التوابین و المتطهرین
و وقت آن از صبح صادق است روز جمعه تا پیشین و مشهور آنست که
هر چند نزدیکتر است به پیشین بهتر است و اگر خوف داشته باشد
که در روز جمعه یافت نشود در روز پنجشنبه میتوان کرد و اگر فوت شود
بعد از پیشین تا شام روز جمعه میتوان کرد و بنیت قضا در تمام شب و
از صبح روز شنبه تا شام بقصد قضا میتوان کرد و در فقه الرضا ع

مذکور ا

مذکور است که در روزهای دیگر هفته هم میتوان کرد و ظاهر اکثر علما
قایل شده اند باین و سنت است غسل در شبهای طاق ماه مبارک رمضان
خصوصا در شب اول و شب سیم هفدهم آن شبی است که مسلمان
و کافران در بدر جمع شده اند و در روزش عمده فتحهای اسلام واقع
شده و شب نوزدهم و آن شبی است که تقدیر برات سال در آن شب
نوشته میشود بنا بر بعضی از احادیث و شب بیست یکم آن شبی است
که اوصیاء انبیا در آن شب شهادت یافته اند و حضرت عیسی ع
در آن شب باسمان رفته است و حضرت موسی ع در آن شب رحلت
و احتمال قوی دارد که شب قدر آن شب بوده باشد و شب بیست سیم
شب قدر است باحتمال اقوی و غسل اکثر در آن شب دو غسل میکنند
یکی مقارن غروب آفتاب و دیگری در آخر شب و در بعضی از روایات
وارد شده است که در شبهای دهه آخر هر شب غسل بکنند و سنت است
در شب عید فطر و روزش و روز عید قربان و اظهر آنست که
در این دو روز غسل را تا شب میتوان کرد و لیکن افضل آنست که
پیش از نماز عید واقع سازد و روز هشتم ذی حجه و روز عرفه نزد
زوال و شب نیمه رجب و منقولست از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
که هر که ماه رجب را دریابد و غسل کند در اول ماه و آخر ماه و میان
ماه از گناهان بدر می آید مثل روزی که از مادر متولد شده است
و روز مبعث و آن بیست و هفتم رجب است و اکثر علما گفته اند که
اگر چه حدیثی بخصوص بنظر نرسیده است و شب نیمه ماه شعبان

و روز عید غدیر خم که هجدهم ذی الحجه است و روز مباهله که
بیست و چهارم ذی الحجه است و بعضی گفته اند که روز بیست و نهم است
و روز دحو الارض بر مشهور و آن روز بیست و پنجم ذی القعده است
و در این غسل نیز محل بحثی بنظر رسیده است و روز نوروز
بنابر مذهب بعضی در حدیث معلی بن خنیس بران دلالت دارد
و مشهور آنست که روزیست که آفتاب به برج حمل منتقل میشود و همچنین
سنت است غسل برای احرام حج و عمره و بعضی واجب میدانند و احوط
آنست که ترک نکنند و غسل زیارت حضرت رسول و ائمه معصومین
صلوات الله علیهم اجمعین از نزدیک و دور و غسل استخاره مطلقا
خصوصا نمازهای خاص استخاره و برای نمازهای مخصوص که در طلب
حاجت وارد شده است و غسل توبه از گناهان و باز سنت است غسل
از برای قضای نماز کسوف هرگاه عمدا ترک کرده باشد و تمام قرص گرفته
باشد و بعضی گفته اند بواسطه قضا غسل میکند اگر عمدا
کرده باشد اگرچه تمام قرص نگرفته باشد و از برای او غسل می کند
اگر تمام قرص گرفته باشد این قول قوی نیست و سنت است از برای دخول
حرم و از برای داخل شدن مکه معظمه و از برای داخل شدن خانه کعبه
و از برای طواف و از برای داخل شدن شهر مدینه منوره و از برای
داخل شدن مسجد رسول صلعم و از برای کشتن هدی و غسل مولودی
که متولد شود چنانکه گذشت و غسل روز ولادت حضرت رسول صلعم
بنابر قول بعضی و آن هفدهم ماه ربیع الاول است و آنچه بنظر رسیده

غسل از برای

غسل از برای نماز طلب باران و از برای کشتن چلپاسه و غسل بعد از کشتن
و هرگاه همچنین شخصی و برای دیدن کسی که او را بدار کشیده باشند
غسل سنت است بعد از دیدن و بعضی واجب دانسته اند و اکثر علما گفته اند
که هرگاه سعی بعد از سه روز باشد سنت است خواه بحق او را کشته
باشند یا بباطل خواه بطریق شرعی او را کشته باشند یا غیر آن
و بعضی از علما گفته اند که سنت است اعاده غسل هرگاه بعنوان ناقصی
بر وجه ضرورت بعمل آمده باشد مثل جبیره و تقیه و همچنین گفته اند
که هرگاه جامه میان دو کس مشترک باشد و منی بر آن بیابند
معلوم نباشد که از کدام یک بوده باشد هر دو را غسل کردن سنت است
و برای کفن کردن میت نیز گفته اند که سنت است و ظاهر حدیث
آنست که همان غسل مس میت است که سنت است که پیش از کفن کردن بجا
آورد و همچنین سنت است غسل کسی که هرگاه مرده را بعد از غسل دست مالد
بعضی گفته اند هرگاه شخصی جنب مرده باشد سنت است که غسل جنابت
بدهند او را پیش از غسل میت یا بعد از آن و از حضرت امام جعفر صادق
منقولست که چون خواهی که غسل روز عید فطر بجا آری در زیر سقفی
بجا آور و چون خواهی که شروع کنی بگو اللهم ایمانا بک و تصدیقا بکتابک
و اتباع سنة نبیک محمد صلی الله علیه و آله و چون از غسل فارغ
شوی بگو اللهم اجعله کفارة لذنوبی و طهر دینی اللهم اذهب
عنی الدنس و بدانکه تفاصیل اغسال و احکام آنها را این رساله
گنجایش ندارد ان شاء الله تعالی در کتاب عبادات نوشته خواهد شد

والموفق **باب ششم** در آداب خواب رفتن و بیدار شدن
و بیت الخلا رفتن **فصل اول** در بیان خواب اوقات خواب
بدانکه خواب کردن بعد از طلوع صبح تا طلوع آفتاب و میان نماز
شام و خفتن و بعد از عصر مکروه است و پیش از ظهر در وقت گرمی
هوا و بعد از نماز ظهر تا عصر خواب قیلوله است و سنت است و از
حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیه منقولست که با ابی حمزه ثمالی
فرمود که خواب مکن پیش از طلوع آفتاب که من او را برای تو دوست
زیرا که حق تعالی روزی بنده‌ها را در این وقت قسمت مینماید و هر که
در این وقت در خواب باشد از روزی محروم میشود و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که زمین بسوی حق تعالی ناله و فریاد
میکند از سه چیز از خون حرامی که بر او ریخته شود یا غسلی که
از زنا کنند بر روی او یا خواب کردن بر او پیش از طلوع آفتاب
و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که خواب بامداد شوم است و
روزی را منع میکند و رنگ را زرد میکند و رو را قبیح و متغیر
میکند و این خواب شوم است بدرستی که حق تعالی روزیها را ما بین طلوع
صبح تا طلوع آفتاب قسمت مینماید پس زنهار که این خواب را مکنید
و فرمود که من و سلوی بر بنی اسرائیل در همین وقت نازل
میشد هر که در این وقت در خواب بود بهرهٔ او نازل نمیشد و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که در جای نماز خود بنشیند از طلوع
صبح تا طلوع آفتاب خدا او را مستور کرده اند از آتش جهنم و در حدیث
دیگر

فرموده مثل ثواب حج کنندهٔ خانه کعبه داشته باشد و گناهانش
آمرزیده شود و در چند حدیث تجویز وارد شده است که اگر
نماز بکند و قدری بتعقیب مشغول شود پیش از برآمدن آفتاب بخواب
باکی نیست چنانچه در حدیث منقولست که حضرت امام رضا ع شخصی
فرمود که فردا بعد از طلوع آفتاب بیا که من بعد از نماز صبح خوابی میکنم
و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که شخصی گفت که چون نماز صبح
کردی بعد از آن چندان خوابیدی اگر پیش از طلوع آفتاب بخواب روی باکی
نیست و از حضرت امام محمد باقر منقولست که خواب اول روز حماقت
و خواب قیلوله نعمت است و خواب بعد از عصر حماقت و خواب میان
شام و خفتن از روزی محروم میکند و از حضرت امیر المؤمنین منقولست
که خواب کردن پیش از طلوع آفتاب و پیش از نماز خفتن پریشانی
و فقر می‌آورد و در روایت دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت
رسول ص آمد و عرض کرد که من حافظه قوی داشتم و اکنون
فراموشی بر من غالب شده است فرمود که آیا خواب قیلوله میکردی
و الحال ترک کرده گفت بلی فرمود که باز قیلوله بکن و چنان کرد و
حافظه‌اش برگشت و در روایت دیگر وارد شده است که خواب
قیلوله کنید که شیطان قیلوله نمیکند و منقولست که نیکو
یاوریست خواب قیلوله بر بیداری و عبادت شب **فصل دوم**
در وضو ساختن پیش از خواب از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
منقولست که هر که وضو بسازد و برختخواب برود رختخواب

2

برای او سجده ملائکه باشند و اگر به بیماری سخت خواب بیرون آید
که وضو نتواند از طاقت خود بیم کند اگر بی وضو و تیمم بخوابد
بیدار شدن بیاید چنانست که نماز کرده باشد و از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که نخوابد مسلمان در
حالتی که جنب باشد و نخوابد مگر با وضو و اگر آب نیابد برای غسل
و وضو تیمم کند بخاک زیرا که روح مؤمن را در وقت خواب
بآسمان میبرند و حق تعالی او را قبول مینماید و برکت بر وی میفرستد
پس اگر اجلش رسیده است او را در گنجهای رحمت خود میسپارد و اگر
اجلش نرسیده او را با امینان خود از ملائکه بر بدن او میگرداند
و در حدیث معتبر دیگر منقول است که روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله
با اصحاب خود فرمود که کدام یک از شما تمام سال روزه میدارید
سلمان گفت که من حضرت فرمود که کدام یک از شما تمام شب را احیا میکند سلمان
گفت که من فرمود که کدام یک از شما هر روز ختم قرآن میکند سلمان گفت
که من پس عمر بخشم آمد و گفت که این مردی است از فارس میخواهد که
با ما که از قریشیم فخر کند دروغ میگوید در اکثر روزها روزه نیست
و در اکثر شبها خواب است و در اکثر روزها خاموش میباشد حضرت فرمود
که او مانند لقمان حکیم است از او سوال کن تا جوابت بگوید
عمر پرسید سلمان گفت که اما روزه سال من ماهی سه روز روزه
میدارم و حق تعالی میفرماید که هر که حسنه بکند ده برابر ثواب
میدهد این برابر روزه سال میشود با آنکه ماه شعبان را هم روزه



میگیرم و با ماه رمضان متصل میکنم و اما بیداری شب هر شب با وضو
میخوابم و از حضرت رسول شنیدم که میفرمود که هر که با وضو
بخوابد چنانست که تمام شب را بعبادت احیا کرده باشد و اما
ختم قرآن در هر روز سه مرتبه سوره قل هو الله را میخوانم و از
رسول شنیدم که بحضرت امیر المؤمنین را میفرمود که یا علی مثل
تو در میان امت من مثل قل هو الله احد است هر که سوره قل هو الله
یکبار بخواند چنانست که ثلث قرآن را خوانده است و هر که دو بار
بخواند چنانست که دو ثلث قرآن را ختم کرده است و هر که سه بار بخواند
چنانست که ختم قرآن کرده است پس هر که ترا دوست دارد بزبان ثلث ایمان
در او کامل میشود و هر که ترا بزبان و دل دوست دارد دو ثلث ایمان در او کامل
شده است و هر که ترا بزبان و دل دوست دارد و بدست خود ترا یاری
کند تمام ایمان در او کامل شده است یا علی بحق آن خداوندی که مرا
براستی فرستاده است سوگند که اگر ترا اهل زمین دوست میداشتند
چنانچه اهل آسمان ترا دوست میدارند خدا هیچکس را با آتش جهنم
عذاب نمیکرد پس عمر ساکت شد که گویا سنگی بر دهانش گذاشتند

فصل سوم در مکان خوابیدن و در آداب پیش از خوابیدن
مشهور میان علما آنست که خوابیدن در مساجد مکروه است که
مکروه نیست مگر در مسجد الحرام و مسجد رسول و در اینها نهی
واقع شده است و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که
که رسول خدا صلی الله سه کس را لعنت کرد کسی که تنها چیزی بخورد

وتنها بسفر برود و در بیرون تنها بخوابد بیم آنست که دیوانه شود و از
حضرت امام موسی ع منقولست که هرکه تنها در خانه بخوابد بگوید اللّهم
آنِسْ وَحْشَتی وَاَعِنّی عَلی وَحْدَتی وَاَعِنّی . در حدیث دیگر منقولست که
حضرت رسول ص نهی فرمود از خوابیدن بربامی که دیوار نداشته باشد
و فرمود که بربامی که بخوابد که دیوار نداشته باشد از امان خدا
بیرون رفته و در احادیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که مکروه است کسی که بربامی که دیوار نداشته باشد بخوابد و فرمود
که مرد و زن در این حکم مساوی اند پرسیدند اگر سه طرف دیوار داشته
باشد چونست که فرمود که نه بلکه هر چهار طرف میباید دیوار داشته
باشد و در بعضی از روایات وارد شده است که حد بلندی دیوار
دو ذرع است و در بعضی از احادیث یک ذرع و یک شبر هم وارد شده ۱۵
و حضرت امیرالمؤمنین ع نهی فرمود از خوابیدن [illegible] و از حضرت رسول ص
نهی وارد شده است از آن کسی که با دست چرب و الوده بغمر بخوابد
و اگر چنین کند شیطان بر دست یابد یا دیوانه شود ملامت نکند مگر
خود را و فرمود که اطفال خود را در وقت خوابیدن دست و دهان
شان را بشویید که اگر نکنید شیطان ایشان را میبوید و در خواب
میترسند و در حدیث از حضرت رسول ص منقولست که هرگاه
جامه خواب [illegible] که داخل شود بکنار جامه و دامن را بر رخت خواب
بکشد و اگر جانوری داخل شده باشد بدر رود و [illegible]
و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه وارد شده که پیش از خواب

باید به بیت الخلا برود و بعد از آن بخواند سیوم در آداب
خوابیدن سنتست که بر دست راست رو بقبله بخوابد و دست راست
در زیر رو بگذارد و بر دست چپ خوابیدن و بر روی خوابیدن بد است
چنانچه از حضرت امیرالمؤمنین منقولست که خواب بر چهار قسم است پیغمبران
بر پشت میخوابند و دیده های ایشان در خواب نمیرود و منتظر وحی
پروردگار خود میباشند و مؤمن بر دست راست میخوابد رو بقبله
و پادشاهان و فرزندان ایشان بر دست چپ میخوابند که آنچه خورده اند
گوارا شود و شیطان و برادران او و هر دیوانه و مبتلایی بروی افتاده
میخوابند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که آدمی بر رو نخوابد ۱۲
به بیند که بر رو خوابیده است او را بیدار کنید و مگذارید که بدین
حال و فرمود که هرگاه کسی اراده خواب کند باید که دست راست را
بزیر جانب راست بگذارد بدرستی که نمیداند که از این خواب بیدار
خواهد شد یا نه و احادیث در فضیلت خوابیدن بر دست راست
و منع خوابیدن بر دست چپ بسیار وارد شده است چهارم در آداب
و ادعیه پیش از خواب باید که خوانده شود و در حدیث صحیح از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که هرگاه کسی دست را در زیر سر گذاشت بگوید
اللّهم اِنّی اَسْلَمْتُ نَفْسی اِلَیْکَ وَوَجَّهْتُ وَجْهی اِلَیْکَ وَفَوَّضْتُ اَمْری
اِلَیْکَ وَاَلْجَأْتُ ظَهْری اِلَیْکَ وَتَوَکَّلْتُ عَلَیْکَ رَهْبَةً
مِنْکَ وَرَغْبَةً اِلَیْکَ لا مَلْجَأَ وَلا مَنْجا مِنْکَ اِلّا اِلَیْکَ آمَنْتُ
بِکِتابِکَ الَّذی اَنْزَلْتَ وَرَسُولِکَ الَّذی اَرْسَلْتَ بعد از آن تسبیح حضرت

تا المعوذه [illegible] السلم بخواند و در حدیث صحیح دیگر فرموده که [illegible]
در وقت خواب این دعا را اعید نفسی و دینی و اهلی و مالی بکلمات الله
التامات من کل شیطان و هامة ومن کل عین لامة و این دعا تعویذ
نمودن حضرت رسول امام حسن و امام حسین علیهما السلام را و در حدیث صحیح
از حضرت صادق منقولست که سوره قل هو الله احد و سوره قل یا ایها
[illegible] از حضرت بخوانند که قل یا ایها الکافرون بیزاری از شرکست و قل هو الله
نسبت پروردگار است و در حدیث صحیح دیگر فرموده که سید ارخواب بیدار
شود سه مرتبه بگوید الحمد لله الذی علا فقهر والحمد لله الذی
بطن فخبر والحمد لله الذی ملک فقدر والحمد لله الذی یحیی الموتی
ویمیت الاحیاء وهو علی کل شیء قدیر از گناهان بیرون آید مانند
روزی که از مادر متولد شده باشد و از حضرت امام رضا منقولست که
هرکه آیة الکرسی در وقت خواب بخواند از فالج ایمن گردد و از حضرت صادق
منقولست که هرکه سوره تبت پیش از خواب بخواند حق تعالی هزار ملک را
موکل کند که او را از شر شیطان و هر بلائی حفظ کنند و از حضرت امام
محمد باقر منقولست که هرکه سوره اذا وقعت الواقعه هر شب پیش از
خواب بخواند در قیامت روی او مانند شب چهارده باشد و در حدیث
دیگر فرموده که سورهائی که در اول آنها سبح لله و یسبح لله است پیش
از خواب بخواند نمیرد تا خدمت صاحب الامر صلوات الله علیه برسد و اگر بمیرد
در جوار حضرت رسول جا دهند او را و در حدیث دیگر فرموده که هرکه
شب این دعا بخواند هیچ او را عقرب و هیچ گزنده نگزد اعوذ بکلمات الله

التامات التی لا یجاوزهن بر ولا فاجر من شر ما ذرا ومن شر ما
برا ومن شر کل دابة هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم
و از حضرت امام [illegible] منقولست که هرکه در وقت خواب این آیه را بخواند
خانه بر سرش خراب نشود ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا
ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا
و از حضرت صادق منقولست که چون کسی بر رخت خواب رود بگوید اللهم
انی احتسبت نفسی عندک فاحتسبها فی محل رضوانک ومغفرتک
وان رددتها الی بدنی فارددها مؤمنا عارفا بحق اولیائک حتی تتوفاها
علی ذلک و در حدیث دیگر فرموده که حضرت رسول در وقت خواب آیة الکرسی
میخواندند و بعد از آن میگفتند بسم الله آمنت بالله وکفرت بالطاغوت
اللهم احفظنی فی منامی وفی یقظتی و بعضی روایت کرده اند که آیة الکرسی را با
بعضی از آیات بعد بخوانند و در حدیث دیگر فرموده که چون بر رخت خواب روی
تسبیح حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها بخوان و آیة الکرسی و قل اعوذ
برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و ده آیه از اول سوره والصافات صفا
و ده آیه از آخر سوره صافات در وقت خواب بخوان اشهد ان لا اله
الا الله وحده وان محمدا صلی الله علیه وآله عبده ورسوله اعوذ
بعظمة الله و اعوذ بعزة الله و اعوذ بقدرة الله و اعوذ بجلال الله
و اعوذ [illegible] ان الله علی کل شیء قدیر و اعوذ [illegible] و
اعوذ بغفران الله و اعوذ برحمة الله من شر السامة والهامة ومن
شر کل دابة صغیرة او کبیرة بلیل او نهار ومن شر فسقة

العرب والعجم ومن شر الصواعق والبرد اللهم صل على محمد وآل ... ک
ورسولك وآله الطاهرين و در حديث صحيح دیگر فرموده که هرکه
شب سوره قل هو الله احد وقت خواب بخواند گناهان پنجاه ساله اش
آمرزیده شود و در حدیث دیگر فرموده که هرکه در وقت خواب سه مرتبه
آیة الکرسی بخواند و بگوید آیه شهد الله و آیه سجده و آیه آخر سوره حم
... بخواند حق تعالی دو ملک موکل کرده اند که شیاطین را از او دور کردانند
... ملک را امر نماید که تا بعد و تسبیح و تهلیل و تکبیر حق را بگویند
و ... استغفار کنند تا بیدار شدن او و ثواب همه از برای او نویسند
منقولست از حضرت امیر المومنین منقولست که کسی که اراده خواب داشته باشد
پهلو را بر زمین بگذارد بعد از این دعا بخواند اعیذ نفسی و دینی و اهلی
ومالی وخواتیم عملی وما رزقنی ربی وخولنی بعزة الله وعظمة الله
وجبروت الله وسلطان الله ورحمة الله ورأفة الله وغفران الله
وقوة الله وقدرة الله وجلال الله وبصنع الله وأركان الله وبجمع الله
وبرسول الله صلى الله عليه وآله وبقدرة الله على ما يشاء من شر السامة
والهامة ومن شر الجن والانس ومن شر ما يدب في الارض وما
يخرج منها وينزل من السماء وما يعرج فيها ومن شر كل دابة
ربي آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم وهو على كل شيء
قدير ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم بدرستیکه آن حضرت
که حضرت رسول صلی الله علیه وآله از برای حسنین صلوات الله علیهما
میخواندند و تعویذ مینمودند که چون کسی اراده خواب کند باید که ...

... پهلو بگذارد و بگوید بسم الله وضعت جنبي لله على ملة
ابراهیم ودین محمد صلی الله علیه وآله وولایة من افترض الله
طاعته ما شاء الله كان وما لم يشأ لم يكن ... این
دعا بخواند در وقت خواب محفوظ بماند و از دزد و غارت و خانه فرود
آمدن و ملایکه از برای او استغفار کنند و فرموده هرکه قل هو الله
احد در وقت خواب بخواند حق تعالی پنجاه هزار ملک بر وی موکل گرداند
که ایشان شب او را پاسبانی کنند و از حضرت صادق ... و از امام علیه السلام
منقولست که هرکه پیش از خواب صد مرتبه لا اله الا الله بگوید
خانه در بهشت از برای او بنا کند و هرکه صد مرتبه استغفار کند
گناهانش بریزد چنانچه برگ درخت بریزد و از حضرت رسول
منقولست که هرکه سوره الهیکم التکاثر در وقت خواب بخواند از عذاب قبر
ایمن گردد و ... از حضرت ... منقولست که هرکه ده مرتبه
سوره قل هو الله احد پیش از خواب بخواند گناهانش آمرزیده شود و او
... ایمانش ... و اگر صد مرتبه گناه پنجاه ساله اش
آمرزیده شود و در حدیث معتبر دیگر فرموده که هرکه
در وقت خواب بگوید اللهم انی اشهد انك افترضت علي
طاعة ... علی والحسن والحسین وعلی بن الحسین ومحمد بن علی و
جعفر بن محمد وموسی بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن علی وعلی بن محمد و
الحسن بن علی والحجة القائم صلوات الله علیهم اجمعین
... شب ... داخل بهشت شود و در روایت معتبر دیگر ...

که هرکه در وقت خواب یازده مرتبه سوره انا انزلناه بخواند [illegible] یازده
ملک [illegible] وکل کرده اند که او را از شر شیاطین حفظ کنند تا صبح
و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست
که هرکه در وقت خواب این آیات را بخواند از دزد ایمن گردد
قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمَٰنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا
تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَٰلِكَ سَبِيلًا وَقُلِ الْحَمْدُ
لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ
لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا و در حدیث معتبر از حضرت
امام حسن صلوات الله علیه و آله منقولست که هرکه در وقت خواب این
دعا بخواند فقر و پریشانی از او دور شود و هیچ گزنده با او ایذا نرساند اللهم
انت الاول فلا شیء قبلک وانت الظاهر فلا شیء فوقک وانت الباطن
فلا شیء دونک وانت الآخر فلا شیء بعدک اللهم رب السموات
السبع ورب الارضین السبع ورب التوراة والانجیل والزبور
والفرقان الحکیم اعوذ بک من شر کل دابة انت آخذ بناصیتها
انک علی صراط مستقیم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که هرکه در وقت رفتن به رخت خواب سوره تبارک الذی بخواند
پس بگوید [illegible] اللهم رب الحل والحرام [illegible]
[illegible] وسلاما [illegible] و ملائکه [illegible]
که از حضرت رسول [illegible] السلام
[illegible] برساند [illegible]

[illegible] فوت شدن در خواب و خواب بردن دیدن
و محتلم شدن و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که هرکه در
خواب نترسد پیش از [illegible] ده مرتبه بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک
له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت ویمیت ویحیی وهو حی لا یموت
پس تسبیح حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها بخواند و در حدیث معتبر
وارد کرده است که آیة الکرسی و قل هو الله احد بخواند و از حضرت ع
منقولست که چون در خواب نترسد یازده [illegible] مسئول این
آیه بخواند فضربنا علی آذانهم فی الکهف سنین عددا ثم بعثناهم
لنعلم ای الحزبین احصی لما لبثوا امدا و اگر طفلی بسیار گریه کند
این آیه را بر او بخوانند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع
12 منقولست که هرکه در خواب نترسد در وقت خوابیدن سوره قل اعوذ
برب الناس و سوره قل اعوذ برب الفلق [illegible] بخواند و در
حدیث دیگر منقولست که برای ترسیدن [illegible] ده مرتبه بخواند این
دعا اعوذ بکلمات الله من غضبه ومن عقابه ومن شر عباده
ومن همزات الشیاطین وان یحضرون و آیة الکرسی بخواند و بگوید
[illegible] النعاس امنة منه وجعلنا نومکم سباتا و در حدیث
معتبر [illegible] شهاب بن عبدالله [illegible] حضرت صادق ع
عرض کرد که [illegible] و مرا [illegible] که
با خود [illegible] تسبیح در وقت خواب سی و چهار مرتبه الله اکبر و سی
و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله بگو و [illegible] بگو لا

لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَحدَهُ لا شَریکَ لَهُ لَهُ المُلکُ وَلَهُ الحَمدُ یُحیی
وَیُمیتُ وَیُحیی بِیَدِهِ الخَیرُ وَلَهُ اختِلافُ اللَّیلِ وَالنَّهارِ وَهُوَ عَلی
کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ ... مرادش تسبیح حضرت فاطمه زهرا ع در وقت
خواب بجا آورد است که سبحان الله ... الله ... ربیش ... حمد بگوید با بعد
و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که هرکه ترسد محتلم شود
در جنب خواب بود این دعا بخواند اللّهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِکَ
مِنَ الاِحتِلامِ وَمِن سُوءِ الاَحلامِ وَمِن اَن یَتَلَعَّبَ بِیَ الشَّیطانُ
فِی الیَقَظَةِ وَالمَنامِ و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولست که اگر کسی خواب پریشانی ببیند از آن پهلو که خوابیده
بپهلوی دیگر بگردد و بگوید اِنَّمَا النَّجوی مِنَ الشَّیطانِ لِیَحزُنَ
الَّذینَ آمَنُوا وَلَیسَ بِضارِّهِم شَیئًا اِلّا بِاِذنِ اللهِ پس بگوید
عُذتُ بِما عاذَت بِهِ مَلائِکَةُ اللهِ المُقَرَّبُونَ وَاَنبِیاؤُهُ المُرسَلُونَ
وَعِبادُهُ الصّالِحُونَ مِن شَرِّ ما رَاَیتُ وَمِن شَرِّ الشَّیطانِ الرَّجیمِ
و در روایت معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که چون کسی خواب
پریشانی ببیند و بیدار شود بگوید اَعُوذُ بِما عاذَت بِهِ مَلائِکَةُ اللهِ
المُقَرَّبُونَ وَاَنبِیاءُ اللهِ المُرسَلُونَ وَعِبادُ اللهِ الصّالِحُونَ وَ
الاَئِمَّةُ الرّاشِدُونَ المَهدِیُّونَ مِن شَرِّ ما رَاَیتُ ... اَن یَضُرَّنی
مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ پس بر جانب چپ سه مرتبه آب دهان
بیندازد و در روایت دیگر وارد شده است که شخصی بحضرت
شکایت کرد که ... در روز و شب بسیار ... میرسد فرمود که

که صدقه بده و در روایت دیگر منقولست که شخصی شکایت کرد که در خشم
بر من می‌رسد و گاهی بسیار ... ضعف میشود و اعضای من سست
میشود ... فرمود که ... صدقه بده
شبها با عسل به ... در ... شفا یابی و
در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت صادق ع شکایت کرد که زنی در
خواب من می‌آید و مرا می‌ترساند حضرت فرمود که مگر کات ...
میدهم گفت بلی ... بعد از آن ... حضرت صادق ع و
آنحضرت فرمودند ... در بیان ... برای دفع ...
برای بیدار شدن در آخر شب در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست
که هرکه در وقت خوابیدن این آیه را بخواند قُل اِنَّما اَنَا بَشَرٌ مِثلُکُم
یُوحی اِلَیَّ اَنَّما اِلهُکُم اِلهٌ واحِدٌ فَمَن کانَ یَرجُوا لِقاءَ
13 رَبِّهِ فَلیَعمَل عَمَلًا صالِحًا وَلا یُشرِک بِعِبادَةِ رَبِّهِ اَحَدًا هر وقت
... که خواهد بیدار شود و در روایت دیگر منقولست از حضرت
... حضرت رسول ص فرمود که هرکه خواهد که در آخر شب بیدار شود
و چون بجنب خواب رود بگوید اللّهُمَّ لا تُؤمِنّی مَکرَکَ وَلا تُنسِنی
ذِکرَکَ وَلا تَجعَلنی مِنَ الغافِلینَ اَقُومُ ساعَةَ کَذا و کَذا یعنی در
فلان ساعت ... و چون دعا بخواند خدا ملکی را ... که او را
در آن ساعت بیدار کند و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی کاظم ع
منقولست که هرکه خواهد که در شب بیدار شود در وقت خواب
بگوید اللّهُمَّ لا تُنسِنی ذِکرَکَ وَلا تُؤمِنّی مَکرَکَ ... وَاَعِنّی

مِنَ الغافِلینَ وانبَهنی لِاَحَبِّ السّاعاتِ اِلَیکَ اَدعوکَ فیها اَستَجیبُ
لی واَسئَلُکَ فَتُعطینی واَستَغفِرُکَ فَتَغفِرَ لی اِنَّهُ لا یَغفِرُ
الذُّنوبَ اِلّا اَنتَ یا ارحَمَ الرّاحمینَ که چون این دعا بخواند حق تع دو ملک
بفرستد که او را بیدار کنند و اگر بیدار نشود امر کند آن دو ملک را
که از برای او که استغفار کنند و اگر در آن شب بمیرد شهید مرده
معتبر
باشد و اگر بیدار شود بهر حاجتی که خواهد از او روا شود و در حدیث
ساعتی که
از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه وآله منقولست که هر که عزم کند که در
این شب برای عبادت برخیزد خدا بالذکه در آن اراده او صادقست
الله دو ملک را بفرستد که در آن ساعت او را حرکت دهند تا
بیدار شود و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که بیخوابی
او را عارض شود و خوابش نبرد این دعا بخواند سُبحانَ اللهِ ذِی الشّانِ
دائِمِ السُّلطانِ کُلَّ یَومٍ هُوَ فی شَانٍ و در حدیث دیگر منقولست که
حضرت فاطمه صلوات الله علیها شکایت فرمود که برسول ص از بیخوابی بزد
که این دعا بخوان یا مُشبِعَ البُطونِ الجائِعَةِ ویا کاسِیَ الجُنوبِ العاریَةِ
ویا مُسَکِّنَ العُروقِ الضّارِبَةِ ویا مُنَوِّمَ العُیونِ السّاهِرَةِ سَکِّن عُروقی
الضّارِبَةَ واذَن لِعَینی نَوماً عاجِلاً فصل پنجم در بیان نماز و دعای
از برای خوابهای نیک ... و از ائمه ارشد نار ... حضرت امام ... صلوات الله علیه
منقولست که هر که ... خواهد که حضرت ... در خواب ببیند
بعد نماز خفتن غسل بکند بوی عمل او ... چهار رکعت نماز بگذارد و در
هر رکعتی بعد از حمد صد مرتبه آیة الکرسی بخواند و بعد از نماز هزار مرتبه

... و برپهلوی راست بخوابد ... بفرستد ... بر جانب پاکیزه بخوابد که بر روی نجاسه یا حلال
و حرامی جمع نکرده باشد و دست راست در زیر جانب رو بگذارد صد نوبت
بگوید سُبحانَ اللهِ والحَمدُ لِلّهِ ولا اِلهَ اِلّا اللهُ واللهُ اَکبَرُ ولا حَولَ ولا قُوَّةَ
14 اِلّا بِاللهِ پس صد نوبت بگوید ما شاءَ اللهُ پس هر چه خواهد ببیند حضرت رسول ص
در خواب ببیند و در روایت دیگر منقولست که اگر خواهد که حضرت امیر المؤمنین ع
در خواب ببیند چون این دعا بخواند اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ یا مَن لُطفُهُ
خَفِیٌّ واَیادیهِ باسِطَةٌ لا تَنقَضی اَسئَلُکَ بِلُطفِکَ الخَفِیِّ الَّذی ما لَطُفتَ
بِهِ لِعَبدٍ اِلّا کَفی اَن تُرِیَنی مَولایَ امیرَ المؤمنینَ عَلیَّ بنَ ابی طالِبٍ
فی مَنامی و در روایت دیگر منقولست که اگر کسی خواهد که یکی از مردگان را
بخواب ببیند با وضو بر جانب راست بخوابد پس بگوید اَللّهُمَّ اَنتَ الحَیُّ
الَّذی لا یوصَفُ والایمانُ یُعرَفُ مِنهُ مِنکَ بَدَتِ الاَشیاءُ والَیکَ
تَعودُ فَما اَقبَلَ مِنها کُنتَ مَلجَأَهُ ومَنجاهُ وما اَدبَرَ مِنها لَم یَکُن
لَهُ مَلجَأٌ ولا مَنجا مِنکَ اِلّا اِلَیکَ فَاَسئَلُکَ بِلا اِلهَ اِلّا اَنتَ و
اَسئَلُکَ بِبِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ وبِحَقِّ حَبیبِکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وآلِهِ
سَیِّدِ النَّبِیّینَ وبِحَقِّ عَلِیٍّ خَیرِ الوَصِیّینَ وبِحَقِّ فاطِمَةَ سَیِّدَةِ
نِساءِ العالَمینَ الَّذین وبِحَقِّ الحَسَنِ والحُسَینِ اللَّذَینِ جَعَلتَهُما سَیِّدَی
شَبابِ اَهلِ الجَنَّةِ عَلَیهِم اَجمَعینَ السَّلامُ اَن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ
واَن تُرِیَنی مَیِّتی فِی الحالِ الَّتی هُوَ فیها منقولست که چون حضرت رسول
بر جنب خواب میرفتند میفرمودند که بِاسمِکَ اَللّهُمَّ اَحیا واَموتُ
و چون بیدار میشدند میفرمودند الحَمدُ لِلّهِ الَّذی اَحیانی

بعد ما اماتنا والیه النشور و از حضرت صادق منقولست که چون کسی از خواب
برخیزد بگوید سبحان الله رب النبیین واله المرسلین ورب المستضعفین
والحمد لله الذی یحیی الموتی وهو علی کل شیء قدیر چون این را بگوید
حق تعالی میفرماید که راست گفت بنده من و شکر کرد مرا و در حدیث دیگر
منقولست که چون آنحضرت در آخر شب بر میخاستند بصدای بلند میگفتند
[...]نی علی هول المطلع ووسع علی المضجع وارزقنی خیر ما قبل
الموت وارزقنی خیر ما بعد الموت و در حدیث دیگر منقولست که
[...] از خواب بیدار شوی بگو سبوح قدوس رب الملائکة و
الروح سبقت رحمتک غضبک لا اله الا انت انی ظلمت نفسی
فاغفر لی وارحمنی انک انت التواب الرحیم الغفور و از حضرت صادق ع
منقولست که هر وقت از پهلوی بر پهلوی دیگر گردد الحمد لله والله اکبر
بگوید و از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه منقولست که چون در میان
شب بیدار شود از پهلو به پهلوی دیگر بگردد بگوید لا اله الا الله الحی
القیوم وهو علی کل شیء قدیر سبحان الله رب العالمین اله
المرسلین سبحان الله رب السموات السبع وما فیهن ورب الارضین
ورب العرش العظیم وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین
و در روایت دیگر [...] که چون از خواب [...] الحمد لله
الذی رد علی روحی لاحمده واعبده و دعا[...] منقول در
اداب [...] دست کردن [...] باین باب [...] از مقدمات
[...] شب است انشاء الله در کتاب عبادت بیان خواهد شد با سایر دعاهای

[...] از نفس لوامه جون مراد است که گاهی کشش خیل شیطان میدهند
وگاهی از ملک لطیف میشنوند زمانی با واعظان و راه نمایان همره میشو[ند]
و زمانی با شیطان [...] مشغول فسق و فجور میزند و گاه ملامت کننده خود را
می‌آلایند و گاه باب تضرع و توجه میزند [...] مینمایند اجتماعات
جون روح [...] با اعتبار اشتغال و تعلقات [...] وسایت [...]
عظیم از قاضی الحاجات و انبیا و ایمه و ملائکه سموات [...]
در وقت خواب که نفس را از اشتغال بدنی فی الجمله فراغی حاصل شد
وخیالات فاسده که از راه بدن [...]
مسدود کرده اند فی الجمله با آشنایان قدیم یاد می آید و با دوستانی
روحانی شروع اختلاط می اندازد و [...] صورت و معنی عروج می نماید
و با روحانیان و قدسیان همزبان میگردد اما در اول شب چون پاره از
خیالات بیداری [...] حاضر است [...] هوای تعلقات خود
[...] میکند و [...] با تعالم [...] باین سبب [...]
[...] مشغول میشوند و خیالات و علایق باطله او را [...]
[...] در نظر او می آورند و هر چند از اول شب دور تر میشود
و نفس [...] بیداری بیشتر محو میشود [...] بعالم بالا [...]
[...] وقت سحر میشود [...] آسمان و زمین
هوا [...] رنگین [...] بر عرش
الهی بصحبت مقربان فایز گردیده استیلای شیاطین ضعیف [...]
ولطف ربانی ملائکه آسمان را برای تنبیه غافلان و بیدار کردن [...]

غفلت بر وی کمان و دنی کردن عنا کی شیاطین وجنیان فرو سپرند
لهذا در آن وقت خوابهای رحمانی وافاضات سبحانی بر ارواح
مومنان فایض میشود و انبیا مرا برای نماز و تضرع وزاری و
توبه و پشیمانی آنچه در روز خطا کرده اند بیدار میکنند و باین
سبب نماز شب را در آن وقت مقرر ساخته اند ایه کریمه إِنَّ نَاشِئَةَ
اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا در شان آن فرستادند که
حاصل مضمونش آنست که عبادتی که در شب کرده میشود موافقت
[illegible] در ان بیشتر است و گفتار در آن درست تر است پس
[illegible] شدید که قدر آن وقت را بدانند و به اندازه آن نعمتهای بی
اندازه را بشناسند و ملائکه روحانی را بر دفع وسواس شیطانی [illegible]
خود کرده اند و روح مقدس خود را از آلودگیها تعلقات دنیه پاک
گردانیده بساحت قدس [illegible] و هم کار خود ساخته اند و در آن وقت مبارک
که منظم را از دنیا و مقربانست با خداوند بی نیاز خود در راه [illegible]
ایشان کرده اند و قدمی که خود را بدانند و اند کی اصل خود را بیاد
آورده وان جوهر قدسی را از [illegible] شده وانطایر عرشی را
در قفص هیولانی محبوس نکرده اند وفقنا الله تعالی وسایر المومنین
لسلوک [illegible] والمتنبه عن نوم الغافلین [illegible] که
چون آن پرده ها زنگ تعلقات جسمانی وشهوات از آیینه
[illegible] های دنیوی در وقت خواب در پیش دیده و دل او [illegible] است
و وجود [illegible] با تعلقات از نصیرش باین خیالات آمیخته است

نفس را

لهذا در خواب چیزها بصورتهای دیگر دیده میشود و هر چیزها
باعتبار مناسبات شکلها بصورتها است که در کلام الهی [illegible] و همچنان
انبیا و اوصیا برای عقلهای ضعیف و بصیرتهای [illegible] محسوسات
سرای غرور را بآنها مثل زده اند چون اینان خود را از معقولات معزول
ساخته مدار ایشان بر محسوسات ایشان مینمایند چنانچه فرموده اند
که دنیا ماریست که خط و خال نیکو دارد و طفل نادان بآن رغبت [illegible]
و نیشش زهر قاتل است و در میانش زهر کشنده هست و چنانچه
علم که باعث حیات دلهاست تشبیه کرده اند بآبی که باعث حیات [illegible]
16 و چنانچه زمین باب [illegible] سبزی دلها بعلم است و چنانچه علم را باز دیگر
بنور آفتاب و چراغ تشبیه کرده اند زیرا که [illegible] تاریکیهای ظاهر را بر
طرف میکند و علم [illegible] شکوک و شبهات و حیرتهای جهالات
و ضلالات را زایل میکند و کلام حق [illegible] انبیا و اوصیا باین امثال
[illegible] است و [illegible] که مذکور شد لهذا در عالم خواب نیز
باعتبار ضعف بصیرت ایشان هر چیز بصورتی نموده میشود و باین
سبب خواب محتاج بتعبیر میباشد و کار تعبیر کننده آنست که از [illegible]
صورتها بآن صورت منتقل میشود چنانچه کسی در خواب می بیند
که [illegible] افتاده است یا دستش بریده [illegible] شده است
معبر [illegible] از ان صورت پی میبرد که [illegible] فضله
و [illegible] کند [illegible] مالی بدست آدمی آید یا [illegible]
[illegible] در میان [illegible] او را [illegible] و علمی عظیم [illegible] مخصوص [illegible]

و او صباست و معجزه حضرت یوسف تعبیر خواب بود و تحقیق
انبیا مرتبه‌ای مبسوطی هست که این رساله گنجایش آن ندارد انشاء الله
در کتاب دیگر در خاطر است اگر خدا خواهد بوجه کامل مذکور شود
و در حدیث صحیح از حضرت امام [illegible] علیه السلام منقولست که فرمود که خوابی
می‌بینم و تعبیر خواب برای خود میکنم واقع میشود و در حدیث معتبر
دیگر فرمود که زنی در زمان حضرت رسول صلعم شوهرش در سفر بود خواب
دید که ستون خانه‌اش شکست بخدمت حضرت عرض کرد حضرت فرمود که شوهرت
می‌آید بسلامت پس چنان شد پس بار دیگر شوهرش بسفر رفت و او
همین خواب دید و حضرت همین تعبیر فرمود شوهرش آمد بار سیم
دیگر شوهرش بسفر رفت و او همین خواب دید بمرد سوئی بر خورد و
این خواب را از برا نقل کرد او گفت که شوهرت میمیرد چنان شد
این خبر بآنحضرت رسید فرمود که چرا تعبیر خواب برای او نکردی
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقولست که حضرت رسول صلعم میفرمودند
که خواب مومن در میان آسمان و زمین است بر بالای سرش پرواز میکند
تا آنکه خود آنرا از برای خود تعبیر کند یا دیگری برای او تعبیر کند پس
بآنحو که تعبیر کرده‌اند واقع میشود پس خواب خود را نقل مکنید مگر
برای شخصی که دانا باشد و در حدیث معتبر دیگر از [illegible]
منقولست که خواب را نقل نمیباید کرد مگر برای مومنی که خالی باشد از حسد
و [illegible] و طغیان و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت
[illegible] علیه السلام آمد و گفت که در خواب دیدم که آفتاب بر سرم تابید

حضرت فرمود که تو [illegible] و دین شامل میشوی تو فقط مرسید آن همه
نوانش را منکرند [illegible] مجوز [illegible] آنشخص گفت دیگر [illegible]
پادشاهی تاویل [illegible] فرمود که کدام یک از پدران تو
پادشاه بوده‌اند که این خیال میکنی پادشاهی بهتر است از دین حق
که بآن امید بهشت بهم میرسانی و در روایت معتبر دیگر منقولست
که محمد بن مسلم بخدمت آنحضرت عرض کرد که خوابی دیدم که [illegible] جامه‌ام
دنبال آمد گرگان بسیاری [illegible] و بر سر من ریختند حضرت فرمود که [illegible]
خواهی کرد و زن مطلع خواهد شد و رختهای نوکه بر بدنت [illegible]
باشی پاره پاره خواهد کرد زیراکه پوست گرگان بمنزله جامه است
محمد مسلم گفت که چون [illegible] رختهای نوکه در عیدها می
پوشیدم در کردم و بر در خانه نشستم دختری گذشت او را طلبیدم
و بخانه بردم و متعه کردم زنم مطلع شد و آمد بر سر ما و آن دختر
گریخت [illegible] در خانه ماندم و رختهای نوم را پاره کرد و منقولست
که شخصی دیگر بآنحضرت عرض کرد که خوابی دیدم بسیار میترسم
و دلتنگی داشتم که مرده است در خواب دیدم که دست در گردن [illegible]
کرد و میترسم که بمیرم حضرت فرمود که [illegible]
[illegible]
عمرت [illegible] داشت گفت [illegible]
حضرت امام حسن [illegible] شد زیرا که [illegible] هم
نامه آنحضرت [illegible] میکند توفیق زیارت [illegible]

و در حدیث صحیح از آن حضرت منقولست که شخصی گفت در خواب دیدم
چون تیری در دست داشتم که از آهن [illegible] گفت نه فرمود اگر آهن
میداشت خدا از ایشان پسری میداد چون این نداشت است خدا ترا
دختری خواهد داد پس ساعتی بر نیامد که بعد از آن پرسیدند
که آن تیر چند بند داشت گفت دوازده بند فرمود دوازده دختر
خواهی داشت محمد بن یحیی میگوید که من این حدیث را از شخصی
نقل کردم او مرا گفت که من فرزند یکی از آن دخترها بودم و دوازده خاله ۲۰
داشتم و در حدیث صحیح منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که
من در مسجد کوفه علی بن یقطین را در خواب دیدم که در میان دو
چشمش سفیدی بود چنین تعبیر کردم که بدین حق در خواهد آمد
و در حدیث دیگر منقولست که یاسر خادم بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام
عرض کرد که در خواب دیدم که هفت شیشه در میان قفسی بود
ناگاه آن قفس بیفتاد و شیشه‌ها شکست حضرت فرمود که اگر
خوابت راست است میباید که شخصی از اهل بیت و خویشان من هفت
روز پادشاه شود و بعد از آن بمیرد پس محمد بن ابراهیم با ابو السرایا
خروج کرد و بعد از چند روز بمرد و در روایت دیگر منقولست
که حضرت امام [illegible] فرمود که در خواب دیدم که [illegible]
من [illegible] بعد [illegible] که دیدم از میان ناخنهای [illegible] بیرون
می آید [illegible] پرسیدند که چه چیز تعبیر کردید فرمود که بعلم [illegible]
در روایت دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت [illegible] عرض کرد

که خواب دیدم

که خوابی که از قند کوفه بیرون رفتم بموضعی [illegible] انجا شخصی از خوا
بیدم که بر اسب چوبی سوار بود و شمشیری بدست داشت و حرکت میداد و
من او را مشاهده میکردم و [illegible] حضرت فرمود که در آن زمین
که تو مشغولی بعربیت شخصی را [illegible] از خدا بترس و مرگ را
بیاد آور و همچنین مکن آن شخص گفت که گواهی میدهم که خدا علم [illegible]
و علم را از معدنش اخذ کرده بدرستی که شخصی [illegible] در پیش من
آمد و گفت زرعه دارم و بتو میخواهم که بفروشم من چون دیدم که مشتری
دیگر بغیر از من ندارد و در خاطر گذرانیدم [illegible] که بقیمت [illegible]
18 از [illegible] در اداب بیداری و خواب از
حضرت [illegible] منقولست که [illegible] و صحبت داشتن بعد از
نماز خفتن مکروه است و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که
شب بیداری [illegible] مگر در سه چیز در نماز شب کردن و قرآن
خواندن [illegible] طلب علم و برای عروسی که [illegible] شوهرش برند و از
حضرت صادق منقولست که سه کس اند که [illegible] کسی که قصد
کشتن داشته باشد و کسی که مال بسیار داشته باشد و [illegible]
باشد [illegible] کند و کسی [illegible] بسیار
باشد [illegible] باشد و کسی
[illegible]
[illegible]
[illegible]

خوب باشد که دین بنا و دین است و پیوسته در پی کشتن این کین
و سرمایه ایمان و طاعات است بیکبار دارد امین ندارد و نفس و شیطان و هوا
و شهوات همه اتفاق کرده‌اند بر غارت آنها و دروغ و بهتان بسیار گفته است
هر کس و از هر که طاعات و بندگی خدا میخواهند و لیکن باید تحصیل
نکرده‌اند چون نحو محبوبی دارند و بخواب غفلت فریب او برا از دست
میدهند پس کسی که این همه اسباب بیداری نه او باشد چگونه خواب
کند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که عجب دارم از کسی که دعوی
محبت الهی میکند و شبها خواب میکند و از حضرت امیر المومنین صلوات الله
علیه و آله منقولست که هر که از شب خیزد [illegible] بیشتر نیابد که خواب
کم کند و منقولست که چهار چیز است که اندکش بسیار است آتش و خواب
و بیماری و دشمنی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که مادر
حضرت سلیمان به او میگفت که ای پسر زنهار که در شب خواب مکن که بسیار خواب
شبها بی را در قیامت فقیر میگرداند و حضرت امام جعفر صادق ع
فرمود که سه چیز را خدا دشمن میدارد خواب کردن بی آنکه بیدار
شده باشد و خنده کردن بی تعجبی و با سیری چیزی خوردن و فرمود
که اول معصیتی که خدا را کردند پیش شش چیز بود محبت دنیا و محبت
ریاست و محبت طعام و محبت زنان و خواب و محبت راحت و از حضرت
امام محمد [illegible] منقولست که شیطان را سرمه ایست که در دیدهای
مردم میکشند و لعوقی هست که در حلق مردم میکند و سرمه [illegible]
[illegible] همه مردم [illegible] سرمه اش [illegible] کسالت و لعوقش

راست

دروغ است [illegible] تکبر است و حضرت امیر المومنین صلوات الله
فرمود که مستی چهار است مستی شراب و مستی مال و مستی خواب و مستی
پادشاهی و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حضرت موسی ع
مناجات کرد که پروردگارا کدام بنده از بندگان خود را بیشتر دشمن میداری
خطاب رسید که [illegible] که شب تا صباح مانند مردار افتاده است و روز
بطالت بسر میرساند و از حضرت امام موسی ع منقولست که [illegible]
را بخواب [illegible] که [illegible] شکر خدا [illegible]
و حضرت صادق ع فرمود که خدا دشمن میدارد بسیاری خواب کردن و بسیار [illegible]
۱۹ [illegible] فرمود که بسیار خواب دنیا و آخرت [illegible] برد و بدانکه بیان
بیداری کشیدن مذموم است در همه شبها که مخصوص [illegible] احیای
انها وارد شده است تمام شب بیدار بودن کراهت دارد و در اخبار
وارد شده است که دیده را بر آدمی حقی هست بسیاری خواب حق آنرا
ضایع باید کرد و بدانکه در خواب و بیداری و اوقات خوابیدن و
نشستن کراهت دارد چنانچه از حضرت امیر المومنین منقولست که
کسی که در اوقات [illegible] نشیند [illegible] را باوقات که [illegible] افتاد [illegible]
در بهای پنهانی [illegible] حدیث دیگر فرمود که [illegible] آفتاب [illegible]
که [illegible] را [illegible] که [illegible]
و [illegible] از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
[illegible] منقولست که در اوقات چهار خصلت هست [illegible]
میکند و [illegible] میکند و [illegible] در دهان [illegible]

در آداب بیت الخلا چون خواهد که داخل بیت الخلا شود
سر را برهنه نسازد و اگر در بالای عمامه چیزی دیگر بر سر کند بهتر است و
بسم الله بگوید و دعا بخواند باین عنوان که بسم الله و بالله اللهم انی
اعوذ بک من الخبث الخبیث الرجس النجس الشیطان الرجیم و دیگر
بگوید بسم الله و بالله ولا اله الا الله رب اخرج عنی الاذی سرحا
بغیر حساب واجعلنی لک من الشاکرین فیما تصرفه عنی من الاذی
والغم الذی لو حبسته عنی هلکت لک الحمد اعصمنی من
شرها فی هذه البقعة واخرجنی منها سالما وحل بینی وبین
طاعة الشیطان الرجیم و چون داخل شود پای چپ مقدم دارد بنابر مشهور
و حد تخلی ستر عورتست [illegible] و چون بنشیند بسم الله بگوید و بگوید
اللهم اذهب عنی القذی والاذی واجعلنی من المطهرین و
جمع کرده اند که سنتست که تکیه بر پای چپ کند و پای راست را گشاده
گذارد و مستند [illegible] است و چون غایط یا بول بر شوارع
بیرون آید این دعا بخواند و بعضی گفته اند که مطلقا این دعا بخواند
اللهم کما اطعمتنیه طیبا فی عافیة فاخرجه منی خبیثا فی
عافیة و در حدیثست که هر بنده را فرشته موکلست که سر او را
بزیر آورد تا ببیند [illegible] که نظر بحدث خود کند پس آن فرشته
مگوید ای فرزند آدم این عاقبت خوردنیهای تست [illegible]
و پاک [illegible] فکر کن که از کجا آمد [illegible] عاقبت بکجا
رسید پس سزاوار است که بنده این دعا خواند اللهم ارزقنی

الحلال وجنبنی الحرام و چون [illegible] فارغ شود استنجا کند و بگوید الحمد لله الذی
جعل الماء طهورا ولم یجعله نجسا و چون خواهد که استنجا کند
بگوید اللهم حصن فرجی واعفه واستر عورتی وحرمنی علی النار
ووفقنی لما یقربنی منک یا ذا الجلال والاکرام و چون برخیزد دست
بر شکم مالد و بگوید الحمد لله الذی هنانی طعامی وشرابی وعافانی
من البلوی و چون خواهد که بیرون آید پای راست بیرون مقدم
دارد بنابر مشهور و الحمد لله الذی عرفنی لذته وابقی فی جسدی
قوته واخرج عنی اذاه یا لها من نعمة لا یقدر القادرون قدرها
و در بعضی از نسخ [illegible] است و سنت است
که بعد از انقطاع قطرات بول استبرا کنند و بعضی استبرا واجب
میدانند و طریق استبرا آنست که انگشت میان دست چپ را
در مقعد گذاشته بقوت بکشد تا زیر خصیتین سه مرتبه
انگشت شهادت را بر زیر ذکر گذارد و انگشت مهین را بر بالای آن
و بقوت بکشد تا سر ذکر سه مرتبه و اکثر علما گفته اند که سر ذکر را
سه مرتبه بیفشارد و این مستلزم [illegible] است استنجا با آب
سرد کردن که دفع بواسیر میکند و بسیار نشستن در بیت الخلا
مکروهست و منقولست که حضرت لقمان [illegible] در بیت
[illegible] بسیار نشستن در بیت الخلا باعث بواسیر میشود
[illegible] و سر کشف کردن مکروهست [illegible]
حضرت رسول [illegible] و از برای خود و از برای [illegible] خود

طلبید منصحه ها استخوانرا برای ایشان و سرگین را برای حیوانات
ایشان قرار داد و باین سبب استخوانرا از گوشت پاک کردن خوب نیست و
همچنین استنجا نمودن بمطعومات کردن خصوصا نان کراهیت شدید
دارد و استنجا بچیزهای محترمه مثل تربت حضرت امام حسین
و نوشته های قرآن یا نام خدا و نام پیغمبران یا ائمه صلوات الله علیهم
یا حدیث یا فقه بوده باشد حرام است اگر بر وجه استخفاف که
کافر میشود و استنجا بدست راست کردن مطلقا مکروه است و
بدست چپ هم مکروه است در صورتی که در آن انگشتری باشد که
در آن اسم خدا باشد و الحاق کرده اند علما نامهای انبیا و ائمه صلوات الله
علیهم را هرگاه بقصد نام ایشان کنده باشند و مکروه است
با خود بردن به بیت الخلا مثل انگشتری را هر چند در انگشت
نباشد و همچنین با خود بردن قرآن و تعویذ و دعا و همچنین با خود
بردن نقره سکه دار مگر آنکه در کیسه باشد و مکروه است مسواک
کردن در بیت الخلا که باعث گند دهان میشود و مکروه است حرف
زدن در آن حال مگر بذکر خدا و دعای صغیره و آیة الکرسی و حمد الهی
کردن و الحمد نمودن بگوید بانی او کفش چنانچه منقولست که حضرت
موسی [illegible] گفت که حالتی چند میشود مرا که شرم
که ترا در آن حال یاد کنم فرمود که ای موسی در همه
حال مرا یاد کن [illegible] و اجابت [illegible] اگر
اسم حضرت [illegible] را بشنود صلوات بفرستد بنا بر قول جمعی واجب است

که اگر [illegible]

21

که اگر عطسه کند حمد و صلوات بفرستد و جایز است که اگر [illegible] با کسی
داشته باشد و ترسد که نابود [illegible] بگوید [illegible]
اعلام نتواند کرد سخن بگوید و منقولست که هرکه در بیت الخلا حرف بگوید
حاجتش بر آورده نشود و مکروه است خوردن و آشامیدن در حال
بول و غایط و استنجا پاک کردن که بوش متغیر شده باشد بغیر
نجاست تا آنکه آب بکار مبتلا نشود [illegible] در بیان احوال
و اوضاع و مکانهایی که نهی از آن وارد شده است که واجب است عورت
خود را از ناظر محترم بپوشاند نه از زن و منکوحه خود و نه از کنیزی
که وطی آن [illegible] و نه اطفال که ممیز نباشند [illegible] و این
حیوانات [illegible] ذکر است [illegible] و دبر و فرج زن و مقعد
که تمام بدن را بپوشاند یا آنکه پنهان شود در خانه تاریکی و اگر [illegible]
باشد [illegible] که کسی او را نبیند و اکثر علما بر آنند که حرام است
رو بقبله کردن و پشت بقبله کردن در حال بول و غایط صحرا باشد
و خواه در بنا و احوط اجتناب است [illegible] از حضرت امام رضا منقولست
که هرکه برابر قبله بول کند از روی فراموشی پس بخاطر بیاید
از برای تعظیم و اجلال قبله بگرداند [illegible] دیگر از آنجا [illegible] مکروه
[illegible] و احوط است در حالت استنجا نیز رو بقبله و پشت
بقبله نکند و سنت است که رو و پشت [illegible] مغرب [illegible]
این احکام نسبت به بلادیست که قبله آنها مابین مشرق و مغرب
باشد و اما [illegible] است که از مابین مشرق [illegible] نیز اجتناب کند

و این خطاست که اگر قبله نداند سعی کند در معرفت قبله تا حاجت کند
و روی و پشت بقبله نکرده است و اگر متعذر باشد باکی نیست و در بین
اگر پشت بقبله کند بهتر است و سنت است که اگر خواهد بول برجای
بلندی یا جائی که خاک بسیاری نرم داشته باشد برود که خاطر جمع
باشد که باو ترشح نمیکند چنانچه منقولست که حضرت رسول ص
همه کس بیشتر احتراز از بول میکردند تا آنکه هرگاه اراده بول میکرد
بجای بلندی میرفتند یا جائی که خاک نرم بسیاری بود که مبادا بول
ترشح کند و در احادیث بسیار وارد شده است که بیشتر عذاب قبر
[illegible] شمردن بول و اینکه [illegible] است و در آب بول کردن مکروه است
در آب ایستاده بول کردن بدتر است و در احادیث معتبره وارد شده
که تجویز بول کردن در آب روان وارد شده است که در ایستاده بول کردن
باعث تسلط اجنه و شیاطین میشود و مورث دیوانگی و غلبه فراموشی است
و بهتر آنست که غایط را هم در میان آب نکند و ایستاده بول کردن
مکروه است و از حضرت صادق ع منقولست که هرکه ایستاده بول میکند
بیم آنست که دیوانه شود و از جای بسیار بلند بزیر بول کردن
مکروه است و بول کردن در سوراخ جانوران و بول و غایط کردن
در مجرای آب هرچند آب نداشته باشد و همچنین در زیر [illegible]
[illegible] و [illegible] دیوارهای مسجد و در خانها و در
جائی که بسبب آن مردم دشنام دهند و لعنت کنند و در زیر درخت
میوه دار در وقتی که میوه داشته باشد زیرا که ملائکه در آن وقت

22

باشند [illegible] ان میباشند که نگاه میدارند میوه را [illegible] ابوان
و بعضی گفته اند که در [illegible] هم مکروه است و در جاهائی که
مردم قافله فرود می آیند و جاهائی که مردم از آن متأذی میشوند
حتی از بوی آن و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که خدا لعنت کرده است کسی را که در سایه [illegible] غایط کند
که قافله در آنجا منزل میکنند و کسی که منع کند مردم را که از آب
مباحی که در جاها و چشمها مردم نوبت بران وارد میشوند با آنکه
ملک کسی نباشد و هر روز یا هر شب نوبت شخصی باشد صاحب
نوبت را منع کند و کسی که راه شارع مردم را مسدود کند بدبوئی
یا زن کردن یا عشوه کردن [illegible] در آداب حجامت
و تنقیه و خواص بعضی از ادویه و معالجه بعضی از امراض و ذکر بعضی
از ادعیه و احراز فصل اول در ثواب بیماری و صبر کردن بر آن
و بیان شدت ابتلای مومنان و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام منقولست که روزی حضرت رسول صلی الله علیه [illegible]
آسمان بلند کردند و تبسم فرمودند صحابه از سبب آن پرسیدند حضرت
فرمود که تعجب کردم از دو ملک که بزمین فرود آمدند [illegible] بنده مومن
صالحی را که در جای نمازش بیابند نیافتند با آسمان رفتند و گفتند پروردگارا
فلان بنده را در جای نمازش طلب کردیم [illegible] او [illegible]
بیمار است خدا فرمود که بنویسید برای [illegible] مثل آنچه در حال
صحت از او [illegible] در شب و روز میکرد [illegible] که در [illegible]

و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون بنده مومن
ضعف پیری عارض شود حق تعالی امر میفرماید که آنچه در قوت و جوانی
میکرده است برای او بنویسند و همچنین ملکی را موکل میکرده اند که
برای مومن بیمار بنویسد آنچه در حالت صحت میکرده است از کارها
از کارهای خیر و از برای کافر بیمار بنویسد آنچه در حالت کارهای بد میکرده است
و در حدیث حسن و غیر آن از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که
بیداری یکشب از بیماری و درد بهتر است از عبادت یکسال و در حدیث
دیگر منقولست که حق تعالی ملک دست چپ را امر میفرماید که در ایام
ضعف گناه بر مومن ننویسد و در حدیث معتبر از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام منقولست که بدنی که بیمار نگشته طغیان بهم میرساند و
خیری نیست در چنین بدنی و در حدیث دیگر فرمود که یک شب تب
شب برابر است با عبادت دو سال است و سه شب تب برابر است با عبادت
هفتاد سال و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که یکشب تب کفاره
گناهان گذشته و آینده است و در چند حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که حق تعالی میفرماید که هر که سه شب بیماری بکشد و با جمعی
که بعیادتش آیند شکایت نکند بدل میکنم برای او گوشتی بهتر از
گوشت او و خونی بهتر از خون او و در احادیث معتبره از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هر که یک شب بیماری بکشد و قبول کند آنرا بخوبی و شکر
قیام کردن باو کند ... بنده از آنچه کشیده و چون صبح شود
خدا را شکر کند ... ثواب عبادت خود شصت ساله

23

با وعده‌ها در آمد و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که حد
شکایت نه آنست که بگوید که دیشب تب داشتم بلکه
آنست که بگوید که ببلائی مبتلا شدم که هیچکس آن مبتلا نشده است و
آنچه بمن رسیده است هیچ کس نرسیده است و مثل اینها و در حدیث دیگر
فرموده است که تب رسول مرگ و زندان خدا است در زمین و گرمیش
از جهنم است و بهره مومن از جهنم همین است و از حضرت علی بن الحسین صلوات الله
علیه منقولست که مومن چون در یک شب تب کند هر عضوی میسازد بهره او از بلای
و خیری نیست در کسی که به بلا مبتلا نشود و در حدیث دیگر وارد شده است
که مومن چون تب کند گناهان او میریزد مانند برگ درختان و اگر
بر روی رختخواب بغلطد ناله او ثواب سبحان الله دارد و فریادش ثواب
لا اله الا الله دارد و از پهلو به پهلو بگردد مانند کسی است که در راه
خدا شمشیر زند و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که بیماری برای مومن
پاک کننده اوست از گناهان و رحمت الهی است نسبت باو و از برای
کافر عذاب و لعنت است و فرمود که یکشب درد سر هر گناهی را بر طرف
میکند مگر گناهان کبیره و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی
بنده را دوست دارد یکی از سه تحفه از برای او میفرستد یا تب
یا درد سر یا درد چشم و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که
بلای پیغمبران از همه شدیدتر است پس بعد از ایشان اوصیا و بعد از ایشان
هر که بعد از ایشان بهتر است هر که نیکوتر است بلای او بیش و عظیم
تر است و مومن بقدر ایمان و اعمال نیکش بلا به او میرسد پس هر که

ایشان صعب نشود و عمل بکنی که نیکست و در احادیث معتبر از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که ثواب عظیم با بلای عظیم میباشد و هیچ
گروهی را خدا دوست نمیدارد مگر آنکه ایشان را مبتلا میگرداند
و فرمود که حق تعالی را بندگانی هستند که از آسمان هیچ تحفه بزمین
نمیفرستد مگر آنکه از ایشان میگرداند بسوی غیر ایشان و هیچ
بلائی نمیفرستد مگر آنکه از دیگران بسوی ایشان و بروایت معتبر
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون حق تعالی بنده را دوست
دارد غوطه میدهد او را در بلا غوطه دادنی و میریزد و بلا را بر او
چنین پس اگر خدا را برای دفع آن بلا بخواند حق تعالی میفرماید
لبیک ای بنده مومن اگر زود بتو بدهم آنچه طلبیدی قادرم
بر آن و اگر ذخیره کنم برای تو ذخیره بهتر است از برای تو و در حدیث
حسن از صادق علیه السلام منقولست که مومن چهل شب بر او نمیگذرد
مگر آنکه او را امری رو میدهد که اندوهگین میشود که بسبب آن متذکر
خدا گردد و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که در بهشت منزلی
هست که هیچ کس بآن مرتبت نمیرسد مگر آنکه بلائی ببدن او برسد
و فرمود که اگر مومن بداند که در مصیبتها چه ثواب برای او
هست آرزو کند که بدنش را بمقراض پاره پاره کنند و حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که خداوند عالمیان یاد میکند مومن را بتحفه
بلا چنانچه کسی از سفر تحفه برای اهل خود میفرستد و او را
پرهیز میفرماید از دنیا چنانچه طبیب بیمار را پرهیز میفرماید که

انچیزی که

٢٤

انچیزی که او را ضرر میرساند و در حدیث است از آنحضرت علیه السلام منقولست که شخصی
حضرت رسول صلی الله علیه و آله را بخانه خود طلبید چون حضرت داخل خانه او شدند
دیدند که مرغی بر بالای دیوار تخم کرد و آن تخم افتاد و بر روی میخی که در میان
دیوار بود بند شد و نشکست حضرت تعجب فرمودند آن شخص گفت
که از این تعجب میفرمائید بحق خداوندی که ترا براستی خلق فرستاده است
که هرگز نقصانی بمن نرسیده است حضرت برخاستند و طعام او را تناول
نفرمودند و گفتند که هر که نقصانی نرسد بر او امید خیری در او نیست
و در حدیث دیگر فرمود که خدا مومن را بهر بلائی که مبتلا میکند و بهر
مرضی که او را مبتلا میکند امانت بلکه او را بر طرف میکند نمی بینی که شیطان و فرزندان
او بر مال و اهل حضرت ایوب مسلط شد و بر عقلش مسلط نشد که با آن
عقل خدا را بیگانگی شناسد و در حدیث حسن دیگر فرمود که حق تعالی مقرر ساخته
که اگر بنا این بود که مومن در دل خود خیری می یافت هر آینه عصابه بر سر
کافر می بستم که هرگز درد سر او نرسید فصل دوم در فضیلت و آداب
حجامت بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که دواها در
چیز است که حجامت و سعوط و حقنه کردن و قی کردن
و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت گذشتند بر جماعتی که حجامت
میکردند پرسیدند که چه میشد اگر تأخیر میکردید تا شب سه شنبه
که دردها را بیرون میکند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت روز
سه شنبه روز دوشنبه حجامت میکرد با جرت حجام که میداد اند در حدیث
دیگر فرمود که حضرت رسول ص روز دوشنبه بعد از عصر حجامت میکردند

و فرمود که حجامت کردن در آن روز روز دوشنبه در وقت ... میکنند
و در روایت دیگر منقولست که شخصی دید که حضرت امام موسی ع در روز جمعه
حجامت میکردند گفت فدایت شوم در روز جمعه حجامت میکنی حضرت
فرمود که خون که زیادتی کند پس تو خواه در شب خواه در روز آیة الکرسی
بخوان و حجامت بکن و از حضرت رسول منقولست که هر که حجامت کند
در روز سه شنبه هفدهم یا چهاردهم یا بیست کم ماه او را شفا دهد
از دردهای سال و روشنائی چشمش را افزاید و [illegible] و بینی
... و بینی و در روایت دیگر منقولست که شخصی دید که حضرت امام
علی نقی صلوات الله علیه در روز چهارشنبه حجامت میکردند گفت که اهل
مکه و مدینه از حضرت رسول ص روایت میکنند که هر که در روز چهارشنبه
حجامت کند و پیس شود ملامت نکند مگر خود را فرمود که دروغ میگویند
کسی که پیس میشود مادرش در حیض او را حامله شده باشد و از حضرت
صادق علیه السلم منقولست که هر که خواهد که حجامت کند باید که در روز
پنجشنبه حجامت کند بدرستی که در هر شب جمعه خون از جای خود حرکت
میکند [illegible] تا صبح روز پنجشنبه شود
... که هر که حجامت کند در روز پنجشنبه آخر ماه در اول [illegible]
دردها را از بدنش بیرون کند و در حدیث دیگر فرمود که چون [illegible] کسی
و چون [illegible] حجامت [illegible] بس بگوید پیش از آنکه [illegible] را ببرند
بسم الله اعوذ بالله الکریم فی حجامتی هذه من العین [illegible] ومن کل
سوء [illegible] دیگر فرمود که حضرت رسول ص حجامت در روز [illegible]

کتف و [illegible] کردن میکردند و [illegible] را
معیشه یعنی [illegible] یعنی خلاص کنند از بلاها
و در روایت دیگر فرمود که منقبه آنست که از سر بینی شرکی بجانب بالا و
[illegible] اینجا حجامت کنی و در روایت معتبر منقولست که
که حضرت امام موسی ع در روز چهارشنبه حجامت کردند و شب برطرف شدند
پس در جمعه حجامت کردند و شب برطرف شدند و از حضرت امام رضا علیه السلم منقولست
که هر که در روز چهارشنبه آخر ماه حجامت کند برای رد [illegible] عافیت
یابد از [illegible] بعمل حجامتش [illegible]
در روایت دیگر منقولست که حضرت امام جعفر صادق ع [illegible] حجامت کردند
و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که [illegible] را صحیح میکند
و عقل را محکم میکند و فرمود که حجامت کنید در روز چهارشنبه که روز
نحسی است و در روز جمعه ساعتی هست که هر که در آن ساعت حجامت کند بمیرد
و در حدیث دیگر فرمود که روز سه شنبه روز خون کردن است و در روایت
دیگر از حضرت [illegible] واقع شده است که حجامت کردن در روز چهارشنبه
و از حضرت امام موسی ع منقولست که اگر چیزی شغلست در شنبه [illegible]
و در [illegible] است و فرمود که نیکو [illegible] حجامت [illegible]
و در [illegible] حضرت صادق ع فرمود که [illegible]
مسواک [illegible] و حجامت [illegible] و در فقه الرضا [illegible] است که چون
اراده حجامت کنی [illegible] بگو [illegible] الرحیم
اعوذ بالله الکریم فی حجامتی من العین فی الدم ومن کل سوء

وَالْاِقْلَالِ مِنَ الْاَمْرَاضِ وَالْاَسْقَامِ [illegible] وَالسَّلَامَةِ الْعَافِيَةِ وَمَعُوذَاتِ
وَالشِّفَاءِ وَمِنْ كُلِّ دَاءٍ و در حدیث دیگر منقولست که حضرت
حضرت صادق ع عرض کردند که مردم بد میدانند حجامت در روز شنبه
و چهارشنبه فرمود که حضرت رسول ص فرمود که هرگاه کسی زیادتی خون
در خود یابد البته حجامت [کند] که مبادا او را هلاک کند و فرمود که اول سه شنبهی
که از ماه رومی که ماه اول بهار است حجامت [illegible] که باعث [illegible] او میشد
و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که حضرت رسول ص را [illegible]
[illegible] را بحجامت بردند و در حدیث دیگر فرمود که حجامت سر شفای
همه دردهاست بغیر از مرگ و در حدیث دیگر فرمود که چون کسی نظر کند
باول محجمه از خون [illegible] امان یابد از درد چشم تا حجامت دیگر
در روایتی دیگر از حضرت [illegible] منقولست که چون حضرت رسول حجامت
میکردند بابت [illegible] میکردند تا حرارت خون فرو نشیند و در حدیث
دیگر فرمود که حضرت رسول ص در [illegible] کردن حجامت میکردند پس جبرئیل
آمد و امر کرد آنحضرت را بحجامت میان دو کتف و در حدیث دیگر [illegible]
که حضرت صادق ع حجامت کردند و بعد از حجامت سر پاره قند طلبید
و تناول نمودند و فرمودند که صافی میکند [illegible] و حرارت [illegible]
[illegible] و از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه منقولست که [illegible]
بعد از حجامت [illegible] میکند و خون [illegible] میکند و از حضرت
صادق منقولست که حجامت روز شنبه باعث ضعف میشود و در [illegible]
دیگر منقولست که بسیار بود که حضرت امام رضا علیه السلام در صباح [illegible] خون

زیادی میانند

که طبیعت را معتدل میآورد [illegible] و بنفشه
و یاسمن [illegible] منقولست که سیاه دانه شفای همه دردهاست
بغیر از مرگ [illegible] روایات وارد شده است که از حضرت رسول ص
پرسیدند که چگونه استعمال کنیم سیاه دانه را فرمود که بیست و یک دانه
را [illegible] بگیرند [illegible] در آب بخیسانند [illegible]
راست [illegible] یک قطره بچکانند و در روز دوم [illegible] کنند
و در روز سوم در بینی راست بکشند و در بینی چپ دو قطره بچکانند و در
هر شب دانه را [illegible] کشید و در روایتی دیگر از حضرت صادق ع
منقولست که شخصی شکایت کرد که از بسیار آمدن بول [illegible] فرمود که
سیاه دانه را در آخر شب بخور و فرمود که من [illegible] بخورم برای شب و [illegible]
از آنچه [illegible] و صبح [illegible] فاسد [illegible] حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که [illegible] اسفند
ملکی موکلست که [illegible] تا آنکه بروید [illegible]
بر میروید [illegible] شفای هفتاد و دو درد است پس مداومت کنید
با اسفند و کندر و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که خانه که اسفند
در آن [illegible] شیاطین تا هفتاد خانه از آن خانه دوری کنند و از آن شفاست [illegible]
[illegible] و در روایتی دیگر [illegible] شکایت
کرد [illegible]
اسفند [illegible]
که هیچ [illegible] با آسمان [illegible]

دفع کند بلاها است [illegible] حضرت امام حسین علیه السلام منقول است
که اگر مردم بدانند که چه منافع [illegible] در سدر هست هر آینه بودن آن
از طلا عزیزتر دانند و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که بخور هلیله
که برای دفع قولنج نافع است و فرمود که کندر دندانها را بر طرف میکند و
استخوانها محکم میکند و موی بدن میرویاند و درد دندان را میبرد و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که [illegible] و خنک
بواسیر را قطع میکند و تشویش و غلبه بر وحشت بر آدمی را دفع میکند
حضرت [illegible] علیه السلام فرمود که برگ حرفه را عقل زیاده میکند و هیچ
گیاهی از آن شریفتر نیست و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که
بادروج از ماست و تره تیزک از بنی امیه است و حضرت صادق علیه السلام
منقولست که خوردن کاسنی والیاسین کرفس و دمیلات و آن
حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که هر کسی شب سداب بخورد در شب
وجع البعران شاید ایمن باشد از دردهای بیرونی و [illegible] ذات الجنب
و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت زنبیان و سیاه دانه و انیسون بسیار
میکردند و بعد از لبنیات و طعامی که بیم ضرری از آن بود تناول میفرمودند
[illegible] باملک [illegible] بیشتر از طعام میخوردند [illegible] فرمودند
که [illegible] اسداد این را [illegible] از خوردن هیچ پروا مکنم و نقرس [illegible]
بالجمله [illegible] و [illegible] از لفوه [illegible] که [illegible] قرار
داده است [illegible] از جمیع دردها [illegible] هفتاد و چهار
[illegible] نهاده است و حضرت صادق علیه السلام فرمود که سرکه شراب بند را

محکم میکند و کرمهای شکم را میکشد [illegible] را محکم میکند و فرمود که
خوردن [illegible] زاید [illegible] بیرون [illegible] میکند و دهن را
خوشبو میکند که [illegible] زنبیان و کرمکان را [illegible] بواسیر را میبرد و زائل
و بادها را دفع میکند و معده را دباغت میکند و کرمهای شکم را میکشد و فرمود که
[illegible] بادها را دفع میکند و سده را میگشاید و بلغم را میبرد و
[illegible] بوی دهن را خوشبو میکند و دفع لقوه را میکند
و قوت [illegible] را زیاده میکند و در چند حدیث وارد شده است که مالیدن
نمک دفع زهر عقرب و گزندگان میکند [illegible]
بادام و حقوق [illegible] ایشان [illegible] بیان حقوق خویشان و
غلامان و کنیزان در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که رحم در روز
قیامت چنگ در عرش الهی میزند و میگوید پروردگارا هر که مرا در دنیا
[illegible] است تو او را امروز برحمت خود وصل کن و هر که مرا قطع کرده است در دنیا
تو امروز او را از رحمت خود قطع کن و در احادیث بسیار وارد شده است که
نیکی با خویشان و احسان کردن باعث قبول اعمال است و مال را زیاده میکند و
بلاها را دفع میکند و عمر را دراز میکند و حساب قیامت را آسان میکند
و در حدیث حسن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که دو طرف
صراط امانت و صله رحم است پس کسی که در دنیا انس مردم خیانت [illegible] است
و با خویشان نیکی کرده است از صراط باسانی [illegible] و به بهشت میرود
و کسی که خیانت [illegible] امانت کرده است و قطع رحم کرده است [illegible] دیگر او را نفع
نمی‌دهد و صراط او را در آتش می‌افکند و حضرت صادق علیه السلام فرمود

صله رحم کردن با همسایگان نیکوئی کردن شهرها را آبادان میکند
و عمرها را زیاده میکند و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که
هیچ عملی نیست که زودتر ثوابش برسد و در حدیث دیگر از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که چیزی که نمیدانیم که عمر را زیاده کند
مانند صله رحم حتی آنکه گاه هست که شخصی سه سال از عمرش مانده است
و بسبب صله رحم عمرش سی و سه سال میشود و گاه هست که سی و سه سال عمرش
مانده است و بسبب قطع رحم سه سال میشود و در روایت معتبر منقولست
که شخصی از آن حضرت سؤال کرد که خویشان دارم که شیعه نیستند آیا
ایشانرا بر من حقی هست فرمود بلی حق رحم را هیچ چیز قطع نمیکند اگر
شیعه باشند دو حق دارند حق رحم و حق اسلام و فرمود که صله
رحم و نیکی با برادران مؤمن حساب قیامت را آسان میکند و از گناهان
نگاه میدارد پس صله رحم و نیکی با برادران ترک مکنید اگرچه بسلام
کردن و نیکو جواب سلام دادن باشد و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
فرمود که هرگاه خویشان با یکدیگر بدی کنند مال از دست ایشان
میرود و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
[illegible] است که هرگاه [illegible] بعد از من [illegible] ناگهان بسیار
ظلم و قطع رحم و قسم [illegible] بسیار است که [illegible] کردارند و بسبب
قطع رحم مالها [illegible] بسیار میشود [illegible] و ظلم رحم
خانها را از اهلش خالی میکند و نسل را منقطع میکند و از حضرت
رسول صلی الله علیه وآله منقولست که هرکه [illegible]

از برای بدن ایشان بلاهای آسمانی [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] که [illegible]
نوشته شود و [illegible]
درجه برای او در بهشت بلند میشود [illegible] صله رحم
با مادر کرده باشد و در حدیث دیگر [illegible] کسی که [illegible] بهشت
کسی که [illegible] رحم [illegible]
هرکه [illegible] کند [illegible] در بهشت [illegible] درجه [illegible]
که از [illegible] درجه دیگر صد سال راه باشد [illegible]
طلا و دیگری از نقره و دیگری از زمرد و دیگری از زبرجد و [illegible]
و دیگری از عنبر و دیگری از نور و مثل اینها [illegible] در بهشت
خلق فرموده است و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که در شب [illegible]
دیدم رحمی بعرش آویخته [illegible]
پرسیدم که [illegible] نسبت [illegible] که در [illegible]
و در حدیث معتبر دیگر فرمود که [illegible] برای کسی که صله رحم کند [illegible]
او را دوست دارد [illegible] و روزیش فراخ کند و عمرش را زیاد میکند و او را [illegible]
بهشت میکند فرمود که بوی بهشت از هزار سال راه شنیده میشود [illegible]
نمیشنود عاق پدر و مادر و قطع کننده رحم و مرد پیر زناکار [illegible]
از حضرت امام [illegible] علیه السلام منقولست که [illegible]
[illegible]
[illegible] باشد [illegible]

منقولست که از حضرت امام موسی [illegible] منقولست که [illegible]
فرمان [illegible] [illegible] آنکه [illegible] بطریق [illegible]
نگاه دارد [illegible] و در حدیث معتبر از حضرت صلوات الله
منقولست که در حدیث [illegible] و کبیران [illegible] باشد [illegible]
مرسید و از [illegible] و در حدیث [illegible] منقولست
که در زمان [illegible] که از [illegible] هر کس [illegible] ایمانست او
ملک شود [illegible] اما اگر کرده است [illegible]
[illegible] که [illegible] او را فرمود [illegible] نماید [illegible]
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که پیوسته جبرئیل [illegible]
سبب [illegible] و کبیر [illegible] کرده که برای [illegible]
[illegible] کرد که [illegible] آزاد شود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که [illegible] مومن [illegible] آزاد میشود و بعد از آن
[illegible] و حال [illegible] برای [illegible]
[illegible] که [illegible] سال [illegible] آزاد کرد [illegible]
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چهار صفت است که در هر که باشد
[illegible] برای [illegible] او را [illegible] و دو [illegible]
[illegible] که [illegible] احوال او کرده [illegible] برای [illegible]
[illegible] کند بر ضعفا و [illegible] ایشان باید
و کسی که [illegible] و مادر خود را [illegible] ایشان [illegible] کند
[illegible] باید و ایشان [illegible] نکند و کسی که [illegible] باشد

خود [illegible] و [illegible] باید [illegible] که [illegible]
[illegible] باید [illegible] معتبر [illegible]
۲۰۹ [illegible] که [illegible] نماید
[illegible] و در روایت دیگر منقولست که آنحضرت با اصحاب خود
در [illegible] که [illegible] مردم [illegible]
[illegible] که [illegible] کند
[illegible] و [illegible] دیگر [illegible] که [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] و [illegible]
دیگران [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] معتبر منقولست که [illegible] باید
[illegible] در [illegible] که [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible]
که [illegible] شب [illegible] و [illegible]
[illegible] معتبر از آنحضرت منقولست که سه کس [illegible]
ایشان [illegible] که [illegible] کرده [illegible] و
خود [illegible] که [illegible] کند که [illegible]
و [illegible] که [illegible] معتبر [illegible]
منقولست که [illegible] و [illegible]
[illegible] که [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] او [illegible] معتبر [illegible]

منقولست که هر که بنده آزاد کند حق تعالی بهر عضوی از آن بنده عضوی از و
از آتش جهنم آزاد گرداند و حضرت صادق علیه السلم فرمود که مستحب است که
در شب عرفه و روز عرفه و [illegible] بگویند یا آزاد کردن [illegible] قصد نمودن

فصل

در حقوق همسایگان و یتیمان و [illegible] و قبیله از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که پیوسته مرا جبرئیل وصیت مینمود
برعایت همسایه تا آنکه گمان کردم که برای او میراث قرار خواهد داد و فرمود
که هر که همسایه خود را آزار کند حق تعالی بوی بهشت را بر او حرام گرداند و
ماوای او جهنم باشد و فرمود که هر که از زمین [illegible] یک شبر
زمین خیانت کند حق تعالی آن زمین را تا طبقه هفتم طوقی گرداند در گردن
او تا چون او را بمقام حساب [illegible] آن طوق در گردن او باشد مگر آنکه
توبه کند [illegible] پس دهد و از حضرت صادق علیه السلم منقولست
که هر که آزار خود را از همسایه باز دارد حق تعالی در قیامت از گناهان
او در گذرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که سه چیز است
بدترین بلاهاست پادشاهی یا صاحب حکمی که اگر احسان باو بکنی شکر نکند
و اگر بدی بکنی نگذراند و همسایه که چشمش نخوابد در پیش مرگ
[illegible] خواهد اگر نیکی ببیند [illegible] بپوشاند [illegible] و اگر بدی ببیند
ظاهر کند و منتشر گرداند [illegible] که اگر حاضر باشی [illegible] و اگر
غایب باشی [illegible] نباشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که
از آزار همسایه [illegible] طمع در خانه او [illegible] باید برساند
و در حدیث معتبر منقولست که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله پرسیدند

که ایا همسایه

که آیا در حال حق همسایه [illegible] هست فرمود که [illegible] اعلام کردن [illegible]
که با تو بدی کرده [illegible] همسایگان مسلمانان [illegible] که ایمان
ندارند کسی که شب سیر بخوابد و همسایه مسلمانش گرسنه باشند
و در چند حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلم منقولست که تا چهل خانه
30 از هر طرف همسایه اند و در حدیث دیگر فرمود که از جمله حقوق مال حق
ماعون است که حق تعالی وعید جهنم فرموده است برای کسی که منع آن نماید
و آن قرضی است که بهمسایه دهد و آنکه با ایشان کند با ضرورت [illegible]
که با ایشان عاریه دهد [illegible] که همسایگان ندانم [illegible]
با ایشان بدهیم میشکنند و ضایع میکنند [illegible] بر ما گناهی هست
اگر با ایشان ندهیم فرمود که هرگاه چنین باشد گناهی بر شما نیست اگر با ایشان ندهید
و در حدیث دیگر فرمود که حلال نیست منع کردن نمک و آتش از همسایگان و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرگاه ماعون را منع نماید از همسایگان
حق تعالی منع نماید [illegible] خیر و احسان خود را در آخرت و او را بخود واگذارد
[illegible] بخود واگذارد وای بر حال او و از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه
منقولست که [illegible] متوجه [illegible] میشوید که بر خود لازم کنید [illegible]
[illegible] واقع میشود [illegible]
[illegible] شما [illegible] شما [illegible]
[illegible] قبول مکنید و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امیر المومنین
صلوات الله علیه در جواب یزید بن صعصعه [illegible] که از بزرگان عرب
[illegible] فرمودند که من [illegible] آمده ام [illegible]

بر قوم خود و کار ایشان را پیوسته ببینی خود را از آن امر بکنار مگیر که آدمی و بسیار
نسبت از قوم و قبیله خود و با ایشان بغضی است اگر یاری ایشان نکنی یک یاری
را از ایشان منع کرده و یاری های ایشان را از خود کرده باشی پس اگر ایشان را
در حال خوبی ببینی یاری ایشان بکن برای او و اگر در بدحالی باشند ایشان را
وامگذار باید که یاری کردن شما یکدیگر را در طاعت خدا باشد و یاری که
که همیشه با رفاهیت و نعمت خواهید بود اگر یاری یکدیگر بکنید باشید
در طاعت خدا باز ایستید از معصیت خدا و در حدیث معتبر منقول است
که اسیری چند از [illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله آوردند از کافران
پس یکی از ایشان را بنزد ایشان آوردند که گردن بزنند و در این حال حضرت
جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت یا محمد این اسیر که میخواهی گردنش بزنی
نرم اخلاق میهمان [illegible] بود و مهمانداری میکرد خرجهایی
که در میان قبیله واقع میشد میداد و بارهای گران اهل قبیله
را بر دوش خود میداشت پس حضرت بان اسیر فرمودند که حق تعالی
چنین وحی فرستاده است و من ترا آزاد کردم از کشتن بان خصلتها
آن اسیر گفت که پروردگار تو این خصلتها را دوست میدارد فرمود
که بلی اسیر گفت که شهادت میدهم بوحدانیت خدا و پیغمبری
تو بحق آن خداوندی که ترا براستی بخلق فرستاده است که هرگز
از مال خود کسی را رد نکرده ام و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است
که خوردن مال یتیم بناحق از جمله گناهان کبیره است و در حدیث
معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که کسی

نگاهداری کند

نگاهداری کند یتیمی را و او را نفقه دهد من و او در بهشت مانند دو انگشت
باهم باشیم و اشارت بانگشت شهادت و میان فرمودند و در حدیث
دیگر فرمود که هر که یتیمی را در عیال خود داخل کند و خرج او را بدهد
تا او مستغنی شود خدا بهشت را برای او واجب گردانید چنانچه برای
خورنده مال یتیم جهنم را واجب گردانیده است و در روایت معتبر ۳۱
از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقول است که هر مرد مؤمن و
زن مؤمنه که دست بر سر یتیم بکشد و بمالد از روی ترحم حق تعالی برای
او بعدد هر موئی حسنه ای بار کرامت فرماید تا روز قیامت و در حدیث
معتبر از حضرت رسول صلعم منقول است که هر که از سنگینی دل خود آزرده
آزرده باشد و خواهد که دلش نرم شود یتیمی را نزدیک خود بخواند
و با او مهربانی کند و بر سر خوان خود بنشاند و از روی شفقت دست
بر سرش بمالد بدرستی که دلش را نرم میکند حق تعالی هست و در حدیث
دیگر فرمود که چون یتیمی بگرید عرش الهی برای او بلرزد پس پروردگار
عالم فرماید که کیست آنکه بگریه آورده است این بنده مرا که پدر و مادرش
را گرفتم بعزت و جلال خود سوگند میخورم که هیچ بنده او را ساکن نگرداند
مگر آنکه بهشت را برای او واجب گردانم و در احادیث معتبره از حضرت
صادق منقول است که حق تعالی در قرآن مجید برای کسی که مال یتیم را بناحق
بخورد دو عقاب مقرر ساخته یکی عذاب جهنم در آخرت و دیگری آنکه
در دنیا بعد از او بازماندگان او دیگری میکند آنچه با یتیمان بد کرده باشد
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حق تعالی در قیامت

تر مستور کرداند که ان صفتهای ایشان آتش شعله ور باشد و تنها
جامع است که مال یتیمان را خورده باشند چنانچه حق تعالی میفرماید
که بدرستی که آنجماعتی که مالهای یتیمان را بظلم میخورند [illegible] در شکم خود
مگر آتش و بزودی آتش افروخته جهنم کردند و [illegible] ولی یتیم که
تصرف در مال او میتواند نمود پدر پدر راست و جد پدری [illegible] که
ایشان تعیین کرده باشد واگر اینها نباشد حاکم شرع یعنی امام علیه السلام
وکسی که آنحضرت تعیین نموده باشد واگر امام حاضر نباشد اکثر
علما را اعتقاد انست که مجتهد جامع الشرایط میکند یا کسی که او
نصب کرده باشد واز احادیث معتبره ظاهر میشود که مومنان صالح
از برای خدا متکفل احوال ایشان وضبط اموال ایشان میتوانند شد
که [illegible] در میان باشد رعایت کنند واگر [illegible] ایشان
باشد وسعی در مال [illegible] مانع کسب ایشان باشد بقدر خرج ضروری
خود از مال ایشان خرج میتوانند کرد و بهتر است [illegible] رعایت کنند
که زیاده از اخراجات متعارف آن عمل بر ندارند وهمچنین پدر وجد پدری
ووصی باید که نهایت رعایت در صرفه ایشان بکنند واگر اینقدر مال
نداشته باشند که وفا بقرض کنند از مال ایشان قرض [illegible] واگر
پدر وجد پدری [illegible] باشند بقدر نفقه ضروری خود از مال اطفال
میتوانند برداشت واگر مادر هم پریشان باشد نفقه او را ولی از مال
یتیم میتواند داد [illegible] خرج طفل را حساب کنند و نفقه خود ضم
کنند و باهم چیزی بخورند [illegible] در حقوق صدقات

واحوط

واحوط [illegible] بحدیث معتبر منقولست که [illegible] علیه السلام
در هر وقت [illegible] از حضرت امام حسن علیه السلام که [illegible]
برادران از برای خدا ودوست داشتن ایشان از برای [illegible] ایشان وانحضرت
امام رضا علیه السلام منقولست که هر که برادر مومنی را برای خدا دوستی
نماید خانه در بهشت یافته شود وانحضرت رسول صلی الله علیه واله
منقولست که کسی که بعد از اسلام فایده نیافته است که بهتر باشد از برادری
که از برای خدا گرفته باشد ودر حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت
امام محمد باقر علیه السلام عرض کرد که [illegible] است که اندوهگین [illegible]
جهتی که اهل وعیال [illegible] اثر آن از روی من مشاهده میکنند فرمود
که حق تعالی مومنانرا از طینت بهشت افرید واز نسیم رحمت خود روح
در ایشان جاری گردانیده پس از این سبب مومنان برادران پدر ومادری
یکدیگرند پس چون بروح یکی از مومنان اندوهی رسد مومنان دیگر
برای او اندوهناک [illegible] میشوند ودر حدیث معتبر از حضرت رسول
منقولست که نظر کردن بسوی امام عادل عبادت است ونظر کردن
بسوی عالم عبادتست ونظر کردن بسوی پدر ومادر از روی مهربانی
وشفقت عبادتست ونظر کردن بروی برادری که دوست داری او را برای
خدا عبادتست وانحضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که
برادران دو نوع اند یکی برادرانی که محل اعتماد باشند [illegible]
ودیگر برادرانی برای خندیدن وصحبت داشتن [illegible] ایشان بمنزله
دوستند [illegible]

باشی از برای خود که امام علیه السلام ... اورا دوستانش دوستی کن و با دشمنانش
دشمنی کن و رازش را بپوشان و عیبش را مخفی دار و بنگر اسبابش را افشا کنی
و بدانکه اینقسم برادر را کمتر توان یافت و گوگرد سرخ که اکسیر است و اما دوم پس
دولت ایشان میباش و بهره از ایشان قطع مکن و در فوق زیاده ازین از ایشان
مدار و در احادیث معتبر وارد شده است که اخوت و برادری و آشنایی در عالم
ارواح در میان مومنان بهم رسیده و در این نشاء چون یکدیگر را میبینند از آن
بیاد می آورند و در احادیث معتبره دیگر وارد شده است که مومن برادر مومن است
و دیده او و راهنمای اوست با او خیانت نمیکند و بر او ظلم نمیکند و او را فریب
نمیدهد و با او وعده که میدهد خلاف نمیکند و با او دروغ نمیگوید و غیبت
او نمیکند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که صداقت
و یاری و دوستی حد چند دارد که هر که همه اینها در او نباشد او را بکمال
صداقت نسبت مده و کسی که هیچ یکی اینها را در او نباشد هیچ چیز از
بصداقت نسبت مده اول آنکه آشکار و پنهانش با تو یکسان باشد دوم آنکه
زینت ترا زینت خود داند و عیب ترا عیب خود داند سوم آنکه بهمرسانیدن
مالی و حکومتی و ملوک او را با تو تغییر ندهد چهارم آنکه آنچه توانائی او باشد
بتو رساند و منع نکند پنجم آنکه در وقت نکبتها و بلاها ترا نگذارد و ترک
یاری تو نکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که از برادران مومن تو سه مرتبه
با تو غضب کند و در هیچ مرتبه حرف بدی در حق تو نگوید او را بدوستی
و یاری خود بگیر و در حدیث صحیح دیگر فرمود که اعتماد بسیار بر برادر
دوست مکن که رانهای خود را با او بسپاری که [illegible] رفیقی که از تو برگردد

چاره ای

چاره شوانی و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که صحبت با
خویشان و نسب و علم و اهلش را با یکدیگر جمع میکند و [illegible] بسیار
از بدیها و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون دوستی داشته باشید
و حکومتی بهمرسانید ده یک آنچه پیشتر با او دوستی میکرد بکند دوست
بدی نیست از برای تو و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که
دوستی با دوستان خود هموار کن و خود را برمدار با ایشان [illegible]
33 دشمن تو شوند و دشمنی را با دشمنان خود هموار کن نباید که روزی
دوست تو شوند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مطلع مگردان
دوستان خود را بر راز خود مگر رازی که اگر دشمن تو بداند بتو ضرری
نرسد زیراکه گاه هست که دوست بگردد و دشمن میشود و از حضرت
امام موسی علیه السلام منقولست که بهترین [illegible]
بسیاری دوستانست و حضرت سلیمان علیه السلام به فرزند خود گفت که با صد
کس دوستی کن و با یک کس دشمنی مکن و راضی باش که غلام نیکان باشی
و راضی مشو که فرزند بدان باشی و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که سه چیز است که در هر که نباشد زندگی بر او گوارا نیست صحت بدن
و امنیت و توانگری [illegible] و مونس موافق و در حدیث دیگر فرمود
که هر که را [illegible] از [illegible] نصیحتش
که او را به راه خیر [illegible] نباشد شیطان [illegible] سوار میشود و در
حدیث دیگر فرمود که نفع آشنایی اندک [illegible]
[illegible] میشود و فرمود [illegible] سخن [illegible] مجلس

بگرداند خود مسرور شد [illegible] شدند و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله منقولست که هرکه خود را در محل تهمت در آورد ملامت نکند کسی را که
گمان بد باو ببرد و هرکه راز خود را پنهان دارد اختیار با خودش است و هر سخنی که
از دو کس گذشت فاش میشود چون با کسی برادری کنی آنچه از وی ببینی بر محل
نیک حمل کن تا آنکه بحدی برسد که دیگر محل نیک نیابی و ظن بد
مبر بسخنی که از برادرت صادر شود تا محمل نیکی برای آن یابی و بسیار بگیر از
برادران نیک که ایشان در وقت رفاهیت ذخیره اند برای دفع وقت بلا
و در وقت بلا سپرند برای دفع عدو و مشورت با جماعتی بکن که از خدا ترسند
و برادران مومن را بقدر پرهیزکاری ایشان دوست بدار و به پرهیزکاران
زنان بد و از نیکان در حذر باش و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که
اگر خواهی [illegible] نعمت و کامل شود بر تو مردی و مروت و اصلاح
بر تو سو معیشت [illegible] شریک مکن [illegible] و مردم دون را در کارهای خود
که اگر ایشان امین کردی خیانت میکنند و اگر سخنی با تو [illegible] دروغ میگویند
و اگر بلائی ترا پیش آید بازی میکنند و با عقل مصاحبت کن هرچند کریم
نباشد و از عقلش بهره ور شو و از خلق بدش احتراز کن و اگر کریم مصاحبت
کن هرچند عاقل نباشد که بعقل خود کار کنی و منتفع میشوی بکرمش
نهایت [illegible] بیش از [illegible] که عمل باشد فصل پنجم در بیان حقوق مومنان
بر یکدیگر و حسن معاشرت با خلق بسند معتبر منقولست که معلی بن خنیس
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسید که حق مسلمان بر مسلمان چیست
فرمود که هفت حق است که همه [illegible] واجبست که اگر یکی از آنها را ضایع کند

از دو

از دوستی و ولایت خدا بدر میرود و بهره ندارد پرسید که آنها چیست فرمود که من
بر تو مشفقم [illegible] رعایت آنها [illegible] آسانترین آن حقوق
آنست که آنچه از برای خود دوست داری از برای او دوست داری
و آنچه از برای خود نخواهی از برای او نخواهی دوم آنکه بپرهیزی از
خشم او و پیروی خشنودی او بکنی و امر او را اطاعت کنی سوم
آنکه او را یاری کنی بجان و مال و زبان و بدست و پا چهارم آنکه دیده
و راهنما و آینه او باشی پنجم آنکه تو سیر باشی و او گرسنه باشد
و تو سیراب باشی و او تشنه باشد و تو پوشیده باشی و او عریان
باشد ششم آنکه اگر تو خدمتکار داشته باشی و او نداشته باشد
واجبست که خادم خود را بفرستی که جامه او را بشوید و طعام برای او
بپزد و رختخوابش بگسترد هفتم آنکه اگر ترا قسم دهد قبول
کنی و اگر ترا بخانه دعوت کند قبول کنی و اگر بیمار شود بعیادت او
بروی و اگر بمیرد بجنازه اش حاضر شوی و اگر دانی که حاجتی دارد پیش
گیری به برآوردن پیش از آنکه از تو سوال کند چون چنین کنی پیوند
کرده محبت خود را بمحبت او و محبت او را بمحبت خود در حدیث دیگر
فرمود که هیچ عبادتی نزد خدا بهتر از ادا کردن حق مومن نیست و
بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که وعده کردن مومن
برادر مومن خود را نذریست که کفاره ندارد پس هرکه خلف وعده
مومن کند اول با خلاف وعده خدا کرده است و [illegible] غضب
الهی شده است و در حدیث حسن دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله

منقولست که هرکه ابتدا کند [illegible] رفاقت دارد [illegible]
و بسندهای معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که مومن
بر مومن هفت حق واجب هست از جمله آنکه در حضور او را تعظیم نماید
و محبتش در سینه او باشد و مال خود را صرف او نماید و غیبت او را بر
خود حرام داند و چون بیمار شود بعیادت او برود و چون بمیرد بجنازه‌اش
حاضر شود و بعد از مرگش بغیر از نیکی او چیزی نگوید و بسند حسن
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که دوست دار برادر مسلمان
خود را و بخواه از برای او آنچه از برای خود میخواهی و مخواه از برای
او آنچه از برای خود نمیخواهی و چون محتاج شوی از او سوال کن و هرگاه
از تو سوال کند با او عطا کن و نیکی را از او ذخیره مکن تا او هم از تو ذخیره
نکند و او را باش [illegible] باشد اگر غایب شود حرمت او را
غایبانه نگاهدار و چون بیاید بدیدنش برو و او را گرامی دار و تعظیم کن
و از [illegible] و اگر با تو در مقام عتاب باشد از او جدا مشو
تا کینه را از سینه او بدر کنی و اگر نعمتی باو برسد خدا را شکر کن و اگر
بلائی او را پیش آید یاور او باش و با او مهربانی زیاده کن و از حضرت امیرالمومنین
منقولست که مسلمانرا بر مسلمان شش حق هست هرگاه باو برسد
بر او سلام کند و هرگه بیمار شود بعیادت او برود و هرگاه که عطسه کند
او را تحیت گوید و چون بمیرد بجنازه‌اش حاضر گردد و هرگاه او را بضیافت
بطلبد قبول کند و از برای او دوست دارد آنچه از برای خود دشمن
میدارد و بسندهای معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست

که هرکه

که هرکه [illegible] کند با مور مسلمانان اهتمام نداشته باشد مسلمان نیست و کسی که
بشنود که کسی فریاد میکند که ای مسلمانان بفریاد من برسید و اجابت او نکند
او مسلمان نیست و فرمود که محبوبترین [illegible] کسیست که نفعش بمردم بیشتر
برسد و فرمود که هرکه از گروهی از مسلمانان ضرر آبی یا آتشی را دفع کند
بهشت او را واجب شود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق مومن
بر مومن آنست که او را بدل دوست دارد و مال خود را از او دریغ ندارد و اگر
[illegible] باحوال اهل و بیرون دارد و اگر کسی بر او ظلم کند او را یاری نماید و اگر عطای
مسلمانان دهند و او غایب باشد بهره او را از برای او بگیرد و چون بمیرد
بزیارت قبرش برود و بر او ظلم نکند و او را فریب ندهد و با او خیانت نکند
و بر روی او اف نگوید و اگر او بگوید دوستی از میان ایشان برطرف شود
و اگر بگوید تو دشمن منی یکی از ایشان کافر است و نیز اگر [illegible] گفته خود
کافر است و اگر راست گفته است دیگری کافر است یعنی صاحب کبیره است
و چون او را [illegible] متهم سازد ایمان در دلش بگدازد چنانچه نمک در آب
و در حدیث دیگر فرمود که باید که برادر مسلمان خود بخواهد از برای عزیز
ترین اهل خود میخواهد و نخواهد از برای او آنچه از برای عزیزترین اهل
خود نخواهد و دوستی او را خالص گرداند از ثواب آنکه در شادی او
شاد باشد و در اندوه او اندوهگین باشد و اگر تواند سعی کند که غم او را
زایل گرداند والا دعا کند که خدا اندوهش را بردارد و در حدیث دیگر منقولست
که شخصی بخدمت آنحضرت آمد و پرسید که برادر از خود را بچه حال

كه ايشان را گفت برسيد حالي [illegible] ايشان را فرمود توانگران ايشان چگونه
باحوال فقيران بپرسند گفت نيكو فرمود كه توانگران ايشان چه قدر مدد
و فقيران ميبرند گفت كم [illegible] توانگران ايشان چه قدر ايشان را مدد
ميكنند گفت چيزى نيست فرمود كه در پيش ايشان چنين نيست فرمود
كه پس چگونه ايشان دعواى تشيع ميكنند و در حديث ديگر فرموده كه
برادران و نيكوكاران باشيد از براى خدا يكديگر دوستى كنيد و بديدن
يكديگر برويد و با يكديگر بنشينيد و دين ما و احاديث ما را ياد كنيد و از حضرت
امام محمد باقر عليه السلام منقولست كه واجبست از براى مومن بر مومن كه هفتاد
كبيره او را بپوشاند و از حضرت صادق عليه السلام منقولست كه واجبست از
براى مومن بر مومن كه خيرخواه او باشد در حضور و غيبت و در حديث
ديگر فرمود كه [illegible] حرام [illegible] كه هيچ عملى نزد خدا از [illegible] نيست

فصل پنجم در قضاء حاجت مومنان و سعى نمودن در كارهاى ايشان
و شاد كردانيدن ايشان در حديث صحيح از حضرت رسول صلى الله عليه و آله
منقولست كه هر مومنى را شاد كرد مرا شاد كرده است و هركه
مرا شاد كرد خداى را شاد كرده است و در حديث معتبر از حضرت امام
محمد باقر عليه السلام منقولست كه تبسم كردن در روى برادر مومن حسنه است
و خاشاكى از روى او دور كردن حسنه است و هيچ عبادتى را خدا دوست نميدارد
از شاد كردن مومن و در حديث ديگر فرمود كه حق تعالى خطاب فرمود كه
با حضرت موسى عليه السلام [illegible] مرا بندگانى هست كه بهشت را براى ايشان

مباح كنم

مباح كنم و ايشان را [illegible] بخشند
ايشان فرمود [illegible] مومن
در مملكت پادشاه [illegible] بود و آن پادشاه [illegible]
[illegible] كرد
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible] بهشت [illegible]
و ليكن [illegible] حرام است [illegible]
كه او را [illegible]
[illegible] حضرت صادق عليه السلام منقولست كه حق تعالى وحى فرمود
بحضرت داود كه [illegible] كه من [illegible]
[illegible] و مباح ميگردانم [illegible] گفت كه [illegible] فرمود كه
[illegible] مومن [illegible]
[illegible]
و در حديث ديگر فرمود كه هر كه مومنى را شاد كرد [illegible] او را شاد كرده است
بلكه حضرت رسول صلى الله عليه و آله را [illegible]
از حضرت [illegible] منقولست كه چون مومن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

حساب الله نبین و نام کند که او [illegible] بهشت برند بار میگوید که بشارت باد
که خدا فرموده که [illegible] بهشت [illegible] مومن که [illegible] کسی که از دنیا تا اینجا بشارت دادی
و مونس من بودی [illegible] منم آن شادی که
در دل برادر مومن خود داخل کردی در دنیا خدا مرا از آن خلق کرده است که
بشارت دهند تو در تنهائی مونس تو باشم و در حدیث دیگر فرموده که هرکه
مومنی را شاد کرده اند حق تعالی هزار حسنه برای او بنویسد و در حدیث معتبر
دیگر فرموده که هرکه یک حاجت برای برادر مومن خود برآورد حق تعالی در
قیامت صد هزار حاجت او را برآورد که یکی از آن بهشت باشد و دیگری
آنکه خویشان و آشنایان خود را داخل بهشت کند اگر ناصبی نباشد و در
حدیث دیگر فرموده که برآوردن حاجت مومن بهتر است از هزار بنده آزاد
کردن و هزار اسب در راه خدا بجهاد فرستادن و در حدیث دیگر فرموده که
بهتر است از بیست حج که در حجی صاحبش صد هزار درهم صرف کند و در
حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که یک حج بهتر است از هفتاد بنده
آزاد کردن و حج کشیدن و نفقه دادن اهل یک خانه از مسلمانان که
ایشان را سیر کند و بپوشاند و روی ایشان را از سوال کردن حفظ کند بهتر است
از هفتاد حج و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است
که هرکه هفت شوط طواف در دور خانه کعبه بکند حق تعالی برای او شش هزار
حسنه بنویسد و شش هزار گناه محو کند و شش هزار درجه برای او بلند
کند و شش هزار حاجت او را برآورد و برآوردن حاجت مومن بهتر است

ارادهٔ طوا

37

ارادهٔ آن و در حدیث دیگر فرموده که هر مسلمانی که حاجت مسلمانی برآورد حق تعالی
او را ندا کند که ثواب تو بر من است و راضی نیستم برای تو بغیر از بهشت و در
حدیث دیگر فرموده که چون کسی برای برآوردن حاجت مومن راه رود حق تعالی
ده ملک را موکل کرداند از طرف راست و چپش که برای او استغفار کنند
و دعا کنند که حاجتش برآورده شود و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن
جعفر علیه السلام منقول است که برادر مومن او بنزد او بیاید برای حاجتی او رحمتی است
که خدا بسوی او فرستاده است اگر قبول کرد پس پیوند کرده است دوستی ما را
بدوستی [illegible] حق تعالی موصول است و اگر او را رد کرد و او قادر بود که حاجتش
را برآورد حق تعالی بر وی مسلط کرداند در قبرش ماری از آتش که او را بگزد تا روز
قیامت خواه در قیامت خدا او را بیامرزد و خواه عذاب کند و از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام منقول است که مومنی برادر مومنش حاجتی بنزد او بیاورد
و او قادر باشد بر برآوردن حاجت او و [illegible] شود بسبب این خدا
[illegible] بهشت را برای او واجب کرداند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که
مومنی در حاجت برادر مومن خود راه رود ده حسنه برای او نوشته شود و ده
گناه از او محو شود و ده درجه در بهشت برای او بلند شود و ثوابش برابر ده
بنده آزاد کردن باشد و بهتر باشد از اعتکاف یکماه در مسجد الحرام و از
حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که خدا را بندگان هستند که سعی میکنند
در حاجت مردم ایشان ایمنند در روز قیامت و هرکه دل مومنی را شاد کرداند
حق تعالی در قیامت دل او را شاد کرداند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده که
هرکه راه برود برای برآوردن حاجت برادر مسلمان خدا هفتاد و پنج هزار ملک را

بهشت که او را سایه کنند و بهر قدمی برای او حسنه بنویسند و گناهی محو
کنند و درجه بلند کنند و چون از کار برادر او فارغ شود ثواب حج و عمره
در نامه عملش بنویسند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که چون براه روم در حاجت
برادر مسلمان دوست‌تر دارم از آزاد کردن هزار بنده و هزار کس را بر اسبان
زین لجام کرده سوار کنم و به جهاد بفرستم و در حدیث دیگر فرمود که هر که
سعی کند و راه رود در حاجت برادر مسلمان خود از برای رضای خدا حق تعالی
برای او هزار هزار حسنه بنویسد که بسبب آنها خویشان و همسایگان و آشنایان
او را بیامرزند و هر که با او نیکی کرده باشد و در روز قیامت باو خطاب رسد
که داخل جهنم شو و هر که در دنیا با تو نیکی کرده است او را بیرون آور و
داخل بهشت کن مگر آنکه دشمن اهل بیت رسول صلی الله علیه و آله باشد
و فرمود که حق تعالی فرموده است که خلایق عیال من اند محبوب‌ترین ایشان
نزد من کسی است که با ایشان مهربان‌تر باشد و سعی در برآوردن حاجت
ایشان بیشتر کند و فرمود که هر که بفریاد رسد برادر مومن غمگین و
مضطر خود را در هنگام شدت و محنت غم او را بردارد و حاجت
او را برآورد حق تعالی واجب کرده است برای او هفتاد و دو رحمت که یکی را در دنیا
باو بدهد که کارهای دنیای او باو ساخته شود و هفتاد و یک رحمت دیگر
را برای او ذخیره کند برای ترسها و شدتهای روز قیامت و فرمود
که هر که غمی از مومنی بردارد حق تعالی غمهای آخرت از او بردارد و چون
از قبر بیرون آید خوشحال و شاد باشد و هر که مومنی را طعام
دهد حق تعالی از میوه‌های بهشت او را طعام دهد و هر که مومنی را آب

دهد حق تعالی از شراب سر بمهر بهشت او را آب دهد و در حدیث
دیگر فرمود که هر که غمی از مومنی بردارد حق تعالی حاجتهای دنیا و آخرت
او را برآورد و هر که عیبی را بپوشاند حق تعالی هفتاد عیب از عیبهای
دنیا و آخرت او را بپوشاند و تا مومن در یاری برادر مومن است خدا
یاور است و در حدیث معتبر از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیه
منقولست که هر که حاجت برادر را برآورد که یکی بهشت باشد و هر که
غمی از مومنی بردارد حق تعالی غمهای او را در قیامت بردارد و هر که اعانت
کند مومنی را بر ظالمی حق تعالی یاری کند در گذشتن بر صراط در وقتی که
قدمها بلغزد و هر که حاجت مومنی را برآورد که او شاد شود چنان
باشد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را شاد کرده باشد و هر که
مومنی را آب دهد در وقت تشنگی حق تعالی او را از شراب بهشت سیراب
کند و هر که مومنی را سیر کند حق تعالی از میوه‌های بهشت او را سیر گرداند
و هر که مومنی را جامه بپوشاند در وقتی که عریان باشد حق تعالی
او را از دیبا و حریر بهشت بپوشاند و هر که جامه بر او بپوشاند در غیر
عریانی پیوسته در ضمان خدا باشد از بلاها تا از آن جامه بر آن
مومن تاری باقی باشد و هر که خادمی او را بدهد خدا او را از پسران
بهشت خادم بدهد و هر که او را از پیاده بودن سوار کند حق تعالی او را
روز قرار از ناقه‌های بهشت سوار کند که در قیامت با ملائکه مباهات
کند و هر که بعد از مردن کفن بپوشاند بر مومن چنان باشد که او را
جامه داده از هنگام ولادت تا وقت مردن و هر که ... مومنی را بدهد که

که با او نیکی کرده حق تعالی او را در قبر مونس او گرداند و در قیامت بر وی بهتر
ترین اهل او گرداند و بعضی که در بیماری عیادت مومن نکند ملائکه
او را از همه جهت فرو گیرند و تو بینید ... که از او بهشت
از برای او والله قضای حاجت مومن بهتر است از روزه ماه روزه
داشتن و اعتکاف کردن دو ماه از ماههای حرام و از حضرت امام موسی
منقولست که خدا در قیامت سایه ساخته که در زیر آن سایه
نیست مگر پیغمبری یا وصی پیغمبری یا مومنی که بنده مومن را آزاد کند
یا مومنی که قرض مومن را ادا کند یا مومنی که بنده مومن را کد خدا
کند و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مومنی
در قیامت بگذرد بر شخصی که حق تعالی او را ... باشد که او را بجهنم برند
و ملک او را برد بجهنم خطاب کند مومن را که من یادم ... که در دنیا
من با تو نیکی میکردم و حاجت ترا برمی آوردم مومن بملک گوید که دست
از او بردار حق تعالی فرماید که چون بنده مومن شفاعت او کند او را بگذار
و در حدیث معتبر از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیه منقولست که
که بگو مسلمانان را بمنزله اهل خانه خود بدان پیران ایشان را بمنزله پدر خود
بدان و جوانان ایشان را بمنزله فرزند خود بدان و اطفال که ... برادر
بمنزله برادر خود بدان پس کدام یک از اینها ... ظلم کنی
یا ... ایشان را نفرین کنی و ... [illegible]
... [illegible] ...
... [illegible] ...

مردم را ... [illegible] گناه کردم ... بهتر است و اگر ...
... [illegible] ... دائم ...
... [illegible] ... مردم ...
میکنند ... [illegible] ...
... [illegible] ...
چون ... [illegible] ... بسیار شوند
و ... کم شوند و از ... ایشان شاد شوید و از بدی ایشان ...
نشوی و بدانکه ... کسی است که ... ایشان
۳۹ رسد و ... ایشان ... باشد و ... ایشان ... اهل
دنیا ... مال ... مال ...
... [illegible] ...
با ایشان ... [illegible] ... حدیث دیگر منقولست
که حضرت ... [illegible] ...
... [illegible] ... حدیث ...
... حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
... [illegible] ...
... [illegible] ... قیامت ...
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ...

نکنم خواه تنها مردم و خواه در ایشان کنم و در حدیث دیگر فرموده که مومنی که
منع کند از مومنی چیزی که او محتاج بآن باشد و او قادر باشد که آن را
بدهد خود یا بدهد دیگران بآن مومن رساند حق تعالی او را در روز قیامت با روی سیاه
و دیده‌های کبود و دستها در گردن غل کرده باز دارد پس بگویند که این
خاینی که با خدا و رسول خیانت کرده است پس بفرماید که او را بجهنم
برند و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که در قیامت سه کس در
سایه عرش الهی باشند در روزی که سایه بغیر از آن نباشد کسی که
برادر مسلمان خود زنی بدهد و کسی که خدمت او کند و کسی که راز او را
پنهان دارد فضیلت در دیدن مومنان و عیادت بیماران ایشان
در احادیث معتبره بسیار وارد شده است از حضرت امام محمد باقر و حضرت
امام جعفر صادق علیهما السلام که هر که بدیدن برادر مومن خود برود از
برای رضای حق تعالی هفتاد هزار ملک را بر او موکل کرداند که او را ندا کنند
تا خانه خود برگردد که خوشا حالتو و گوارا باد ترا بهشت ... و در حدیث
معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که جبرئیل
مرا خبر داد که حق تعالی ملکی را بزمین فرستاد آن ملک رسید بمردی
که بر در خانه ایستاده بود و از صاحب خانه رخصت می‌طلبید که داخل
خانه شود ملک پرسید که با صاحب این خانه چکار داری گفت برادر
مسلمان منست از برای خدا بدیدن او آمده‌ام گفت هیچ مطلب دیگر
بغیر از این نداری گفت نه ملک گفت من رسول پروردگارم بسوی تو
و ترا سلام میرساند و میگوید که بهشت را واجب کردانیدم مواساة

میفرماید

و میفرماید که هر مسلمانی که بدیدن مسلمانی رود و حاجت نکند که برای حق من
و ثوابش بر من بهشت است و در حدیث دیگر از آن حضرت منقولست که هر که
بدیدن برادر مومن خود رود ... خدا و حق تعالی او را ندا میفرماید که تو مهمان
منی و بزیارت من آمده و مهمانداری تو بر من است و بهشت را برای تو واجب کردانیدم
بسبب آنکه دوستی داشتی برادر مومن خود را و در حدیث دیگر از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام منقولست که هر مومنی که بیرون رود بقصد دیدن برادر مومن
خود و شناسد بحق او حق تعالی ملکی با او موکل میگرداند که بالش را بر زمین بگذارد
و بیک بال دیگر بر سر او سایه افکند پس چون داخل خانه آن مومن شود خداوند
١٥ جبار او را ندا کند که ای بنده من که تعظیم حق من کردی و متابعت آثار پیغمبر
من نمودی لازم است بر من که ترا تعظیم کنم از من سوال کن تا بتو عطا کنم و مرا
بخوان تا اجابت دعای تو بکنم و اگر خاموش باشی من ابتدا برحمت بکنم پس
چون برگردد ملک او را مشایعت کند تا بدر خانه او ... بخانه خود
برگردد پس حق تعالی او را ندا کند که ای بنده من حق مرا بزرگ شمردی لازم است بر
من که ترا گرامی دارم بتحقیق که بهشت را برای تو واجب کردانیدم و ترا در حق
بندگان خود شفاعت دادم و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بدیدن
برادر مومن رفتن از برای خدا بهتر است از ده بنده مومن آزاد کردن و هر که
بنده مومنی را آزاد کند حق تعالی هر عضوی از آن بنده عضوی از او را از جهنم
آزاد کرداند و در حدیث معتبر منقولست که حضرت صادق ... بر سر جان
در حدیث که شیعیان ما را از من سلام برسانید و بگوئید رحمت کند خدا ...

باو بکری نیست و یاد کند ما را در حدیث دیگر که سوم ایشان ملکی است که از برای ایشان
استغفار کند و هر گاه که با یکدیگر بنشینند و یاد ما و احادیث ما بکنند که بسبب
همنشینی و مذاکره نمودن مذهب ما و دین ما زنده میشود و بهترین مردم بعد از ما
کسی است که مذاکره و احادیث ما بکند و ما را یاد کند و از حضرت امام محمد باقر
منقولست که بدیدن یکدیگر بروید از خانهای خود که باین زنده میماند دین
ما خدا رحمت کند کسی را که مذهب ما را زنده بدارد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که خوشا حال آنها که دوستی میکنند با یکدیگر برای خدا بدرستیکه
که حق تعالی در بهشت عمودی خلق کرده است از یاقوت سرخ و بر آن عمود
هفتاد هزار قصر است و در هر قصری هفتاد هزار غرفه است که خدا خلق
کرده است آنها را برای کسانی که دوستی با یکدیگر بکنند و بدیدن یکدیگر
بروند از برای خدا و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که قادر نباشد
که با احسانی بکند بشیعیان ما احسان بکند تا ثواب احسان کردن
بما از برای او نوشته شود و هر که قدرت بر دیدن ما نداشته باشد
بدیدن صالحان شیعیان ما برود تا ثواب دیدن ما برای او نوشته شود
و در حدیث معتبر منقولست که از حضرت صادق علیه السلام که هر که عیادت کند
مسلمان بیماری را هفتاد هزار ملک بر او صلوات فرستند اگر صبح
باشد تا شام و اگر شام باشد تا صبح و در حدیث دیگر فرمود که هر که بیماری را
عیادت کند هفتاد هزار ملک او را مشایعت کنند و برای او استغفار
کنند تا بخانه خود برگردد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که

هر که

هر که مومنی را عیادت کند در رحمت الهی فرو رود و پس چون نزد او بنشیند
رحمت باو احاطه کند پس چون برگردد هفتاد هزار ملک را باو موکل گرداند
که از برای او طلب آمرزش نمایند و بر او ترحم کنند و بگویند خوشا حال تو و
گوارا باد بهشت از برای تو تا روز دیگر تا آن وقت و باو عطا فرماید زاویه در بهشت
که سواره در آن چهل سال بتازد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر
مومنی که مومنی را در بیماری عیادت کند از برای خوش او موکل سازند ملکی را
که در قبر او او را عیادت کند و برای او استغفار کند تا روز قیامت در حدیث
دیگر فرمود که هر که عیادت کند بیماری را برای خدا و مومن باشد هفتاد هزار
١٨١ ملک را که همیشه عیادت او آیند در خانه [illegible] و تقدیس و تکبیر و تهلیل
الهی گویند تا روز قیامت و نصف ثواب ایشان از برای او باشد و در حدیث
دیگر فرمود که سزاوار است کسی که بیمار شود مردم مومن را اعلام کند بعیادت
او بیایند که ایشان را ثواب بیابد بخیر کردن ایشان [illegible] کند ده حسنه
برای او نوشته شود و ده گناه از او محو شود و ده درجه از برای او بلند شود
و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که چون کسی بیمار شود
مردم را رخصت دهد که بعیادت او بیایند بدرستیکه هیچ کس نیست مگر آنکه
او را دعای مستجابی هست و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسی که بعیادت بیمار است
برادر مومنی برود باید از بیمار خود طلب دعا کند که دعای او مثل دعای ملائکه
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در درد چشم عیادت نیست و [illegible]
بیماری سه روز [illegible] او را باید بعد از آن بگردد [illegible] چون بیماری
[illegible] او را با عیالش میباید [illegible] عیادت [illegible] و در حدیث

دیگر فرمود که چون بدیدن بیماران روید چیزی باخود ببرید یا ترنجی یا بوی خوشی یا عودی
باخود ببرید که بیماران آنرا ... حدیث دیگر فرمود که از تمامی
عبادت آنست که دست بر ذراع بیمار بگذاری ... دعا کردن و زود برخیزی
که عبادت احمقان دشوارتر است بر بیمار از درد و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه
منقولست که از عیادت کنندگان کسی ثوابش بیشتر است که زودتر برخیزد
مگر آنکه بیمار نشستن او را خواهد و از و سوال کند که بنشیند فصل
هفتم در طعام و شراب دادن بایشان و یاری کردن مظلومان از حضرت صادق
منقولست که هرکه مومنی را سیر کند بهشت او را واجب شود و هرکه کافری
سیر کند برخدا لازم است که شکم او را پر از زقوم جهنم کند و در حدیث دیگر
فرمود که هرکه سه نفر از مومنان را سیر کند حق تعالی او را از سه بهشت طعام
دهد جنة الفردوس و جنة عدن و جنة طوبی در حدیث دیگر فرمود که
هرکه مومنی را ... سیر شود هیچ یک از خلق خدا ندانند که او را
چه ثواب هست نه ملک مقرب و نه پیغمبر مرسل مگر پروردگار عالمیان پس
فرمود که از جمله چیزهائی که امرزش را واجب میکرده اند طعام دادن مسلمان
گرسنه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر شربتی آبی
بمسلمانی بدهد در جائی که آب بهم رسد حق تعالی بهر شربتی هفتاد هزار حسنه
باو عطا فرماید و اگر او را آب دهد در جائی که آب کم رسد چنان باشد
که ده بنده از فرزندان اسمعیل را آزاد کرده باشد و در حدیث حسن
منقولست که هرکه ... بدهد برادر مومن خود را از برای خدا چنانست
که صد هزار کس از دیگران را طعام داده باشد و در حدیث حسن منقولست

که فرمود سبب چیست که چه مانع میشود ... هر روز بنده آزاد
کنی گفت مال وفا نمیکند باو فرمود که هر روز یک مسلمان را طعام بده که این
ثواب از برابر باشد ... که مال دار یا بی نیان فرمود که مال داری هم که
که خواهش طعام دارد و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر لقمه که برادر مسلمان
مومن بخورد بهتر است از یک بنده آزاد کردن و در حدیث دیگر فرمود که
هر مومن که مومنی را از ... طعام بدهد برابر است با یک بنده از فرزندان
اسمعیل که او را از کشتن آزاد کند و هر که مومن محتاجی را طعام بخوراند
برابر است با صد بنده از فرزندان اسمعیل که او را از کشتن آزاد کند و در حدیث
دیگر فرمود که چهار چیز است که هرکه یکی از آنها با او باشد اهل بهشت شود
کسی که تشنه را سیراب کرده باشد یا گرسنه را سیر کند یا عریانی را بپوشاند
یا بنده را که در مشقت باشد آزاد کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
کند ... حق تعالی سه چیز ... سیر کردن ... گرسنه یا قرض
مسلمانی را ادا کردن یا عمی از و بر داشتن و فرمود که خیر و برکت بخانه که
در آن طعام داده میشود زودتر میرود از ... رفتن کارد بکوهان شتر و از
حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیه منقولست که هرکه جامه زیادتی داشته
باشد و داند که برادر مومنش بآن محتاج است و باو ندهد حق تعالی او را سرنگون
در آتش جهنم اندازد و هرکه سیر بخوابد و برادر مومنش گرسنه باشد
حق تعالی بملائکه فرماید که شما را گواه میگیرم بر این بنده که ... او را
و نافرمانی کرده و اطاعت دیگران کرده باشد که ... خود بگذاشتم
و ... و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که ایمان نیاورده است

بن کسی که سیر نماید و برادر [illegible] حسنه باشد و از حضرت صادق علیه السلم
منقولست که هر که خانه داشته باشد [illegible] محتاج شود که در ان ساکن شود
و او را جای نبود حق تعالی بملایکه فرماید که بنده من [illegible] بر بنده من مسکن
شد و در خانه او در بهشت و بعزت خود سوگند میخورم که هر که او را در بهشت
ساکن نگردانم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که دور کند
از راه مسلمانان چیزی که باعث آزار ایشان باشد حق تعالی ثواب خواندن
چهار صد آیه برای او بنویسد و هر که بهر حرفی ده حسنه برای او نوشته شود و در
روایت دیگر فرمود که [illegible] داخل بهشت شد بسبب خاری که از سر راه مسلمانان
برداشته بود و از حضرت امیر علیه السلم منقولست که نیکو چیزیست هدیه
فرستادن بیش از انکه حاجت را بگوید و فرمود که هدیه بیکدیگر بفرستید
که هدیه کینها را از سینها می برد و فرمود که دایم گرمانید هدیه را بر پس
[illegible] و ظرفهای [illegible] فرمود که هدیه بر سه قسم است هدیه که در برابرش
توقع نفع داشته باشی و هدیه که بعنوان رشوه فرستی و هدیه که از
برای خدا فرستی و غرض دنیوی نداشته باشی فصل سیم

در حقوق فقرا و ضعیفان و مظلومان و پیران و اصحاب بلا و آداب معاشرت
ایشان در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلم منقولست که فقرای مومنان
چهل سال پیش از توانگران ایشان در بهشت متنعم میشوند [illegible] مثلی که
[illegible] فقیر و غنی مثل دو کشتی است که بعشاری بگذرند کشتی
خالی را زود رها کنند و کشتی پرانبار را از برای حساب نگاه دارند
و در حدیث دیگر فرمود که هرچند ایمان بنده زیاد میشود تنگی روزی او بیشتر

میشود و فرمود که اگر نه این بود که مومنان الحاح و مبالغه در طلب روزی
میکردند هرآینه ایشانرا بتنگی تنگ تر از آنچه دارند می انداخت و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فقر و درویشی امانت از نزد خدا
است هر که آنرا پنهان دارد حق تعالی او را مثل ثواب کسی بدهد که
روزها روزه باشد و شبها بنماز ایستاده باشد و هر که آنرا اظهار کند نزد
کسی که قادر باشد بر برآوردن حاجت او و نکند بتحقیق که آن فقیر را
کشته است نه بشمشیر و نیزه بلکه بآن جراحتی که بر دل او کرده است و از
حضرت صادق علیه السلم منقولست که حق تعالی روز قیامت خطاب میکند
با فقرای مومنان مانند کسی که معذرت طلبد و میگوید که بعزت
و جلال خود سوگند میخورم که شما را در دنیا فقیر نگردانیده ام برای
خواری شما نزد من و امروز خواهید دید که با شما چه خواهم کرد و هر که
با شما در دنیا نیکی کرده است دستش را بگیرید و داخل بهشت کنید
یکی از ایشان گوید که پروردگارا اهل دنیا زنان خوش بهم رسانیدند و
جامهای نیکو پوشیدند و طعامهای نیکو خوردند و در خانهای نیکو سکنی
کردند و بر اسبان نفیس سوار شدند پس امروز بما هم مثل آنها عطا
نما پس حق تعالی فرماید که بهر یک از شما دادم مثل آنچه برای
جمیع اهل دنیا دادم از اول دنیا تا آخر دنیا و در حدیث دیگر فرمود که
مردی مالدار که جامه های پاکیزه پوشیده بود به خدمت حضرت رسول
آمد و نشست پس مرد پریشانی که جامهای کهنه پوشیده بود آمد
در پهلوی او نشست آن مالدار جامه خود را از زیر او کشید حضرت

رسول صلی الله علیه و آله فرمود که [illegible] رسیدی [illegible] از فقرا چیزی بتو برسد
گفت نه فرمود که نرسیدی [illegible] دو کری بتو با و چیزی رسد گفت نه فرمود که
نرسیدی که جامهایت چرکین شود گفت نه فرمود که [illegible] چه کردی
گفت یا رسول الله مرا همنشینی بدی هست از نفس و شیطان که هر بدی را
برای من زینت میدهد و هر نیکی را در نظر من بد میکند و من بشد از [illegible]
آنچه کردم نصف مال خود را باوی بخشم حضرت [illegible] بر آن [illegible] فرمود که
قبول میکنی گفت نه توانگر گفت که چرا قبول نمیکنی گفت میترسم که مثل تو شوم
و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت بشخصی پریشانی فرمود که آیا ببازار
میروی و میوها و چیزهای نفیس می بینی که قادر بر خریدن آنها نباشی
گفت بلی فرمود که بهر چیزی که می بینی و قدرت بر خریدن آنها نداری
حسنه برای تو نوشته میشود و در حدیث حسن دیگر از آنحضرت
منقولست که در روز قیامت گروهی [illegible] برخیزند و بیایند تا در بهشت
[illegible] بایشان که شما کیستید گویند فقیرانیم ملایکه گویند که
پیش از حساب آمده اید که به بهشت روید جواب گویند که چیزی
بما ندادند که ما را بر آن حساب کنند حق تعالی میفرماید که راست میگویند
بروید به بهشت و از حضرت امام موسی علیه السلم منقولست که حق تعالی
میفرماید که [illegible] اعتبار توانگر نکرده ام برای [illegible]
[illegible] ازالی چیز نکرده ام برای [illegible]
لیکن [illegible] کرده ام [illegible] فقیران و اگر فقیران نمی بودند توانگران
هرگز مستوجب بهشت نمی شدند و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که هرکه

خوار و ذلیل شمارد مومن را [illegible] حق تعالی او را در جمیع
خلایق در قیامت رسوا کند و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که مهیای
جنگ با من باشد کسی که آزار کند بنده مومن مرا و باید که ایمن باشد از
غضب من کسی که گرامی دارد بنده مومن مرا و اگر از میان مشرق تا مغرب نباشد
مگر یک مومن یا امام عادل هر اینه بعبادت او مستغنی ام از جمیع آنچه
خلق کرده ام [illegible] و هر اینه هفت آسمان و هفت زمین بایشان بر پا باشد
[illegible] از برای [illegible] از ایمان ایشان مونسی که محتاج نبود بمونس دیگر باشد
و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که [illegible] میفرماید که هرکه دوستی
از دوستان مرا خوار کرد چنانست که بر روی من شمشیر ایستاده است و ۱۱۱۱
من بیاری [illegible] دوستان خود را و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که ذلیل ترین مردم کسی است که مردم را خوار کند و در حدیث دیگر
فرمود که هرکه مومنی را ذلیل [illegible] او را ذلیل کرد [illegible]
را از عظمت و جلال [illegible] هرکه [illegible]
اصرار کند بر خدا [illegible] کرده است و از حضرت امیر المومنین علیه السلم منقولست
که حقیر مشمارید ضعیفان و برادران خود را که هرکه مومنی را حقیر شمارد
[illegible] بهشت جمع [illegible]
کند [illegible] منقولست که [illegible]
[illegible] که [illegible] پوشیده باشد اگر بر خدا [illegible]
نکند و حضرت صادق علیه السلم فرمود کسی که [illegible] ایشان
[illegible] باشد فرمود که [illegible] مومن فقیر [illegible] هرکه

حقیر شمارد مر مؤمن فقیر را [illegible] باشد خدا او را حقیر شمارد و
پیوسته با او در غضب باشد تا توبه کند و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
منقولست که حلال نیست مسلمان را که مسلمانی را بترساند و از حضرت صادق
منقولست که هر که اعانت کند بر آزار مؤمنی به نیم کلمه در روز قیامت
در میان دو چشم او نوشته باشد که ناامید است از رحمت الهی و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که گرامی دارد برادر مسلمان خود را به یک
کلمه از روی لطف یا حاجت او را برآورد [illegible] برداریم پیوسته
رحمت الهی بر سر او سایه افکنده باشد تا در کارسازی و مهربانی برادر
مؤمن باشد پس فرمود که مؤمن را برای این مؤمن میگویند که مردم در
جان و مال خود از او ایمن اند و مسلمان کسی است که مردمان از دست و زبان
او سالم باشند و مهاجر کسی است که از گناهان هجرت کند و هر که مؤمنی
دستی بزند او را [illegible] بر روی او بزنند تا جزای که
[illegible] بسبب با و جای او و ملایکه پیوسته او را لعنت کنند تا
او را راضی کند و توبه کند پس [illegible] تعجیل مکنید در آزار مردم
که شاید او مؤمن باشد و شما ندانید و صبر و آهستگی و هموارگی
بکنید که هیچ چیز نزد خدا بهتر از نرمی و آهستگی نیست و در حدیث
دیگر فرمود که [illegible] مسلمانی [illegible] در پهلوست
استخوان است [illegible] جهت [illegible] مشهور
شود تا [illegible] شود مگر آنکه توبه کند و در حدیث معتبر
دیگر فرمود که دشنام دادن مؤمن گناه بزرگ است زیرا که

کفر است و غیبت او کردن نافرمانی خدا است [illegible] و در حدیث معتبر از حضرت صادق
که هر که بترساند مؤمنی را به سلطان جابری که آزار او برساند و نرساند او در آتش است
و اگر برساند او را آزار با فرعون و آل فرعون باشد در آتش
و در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که
بکشد کسی را که قصد کشتن او نداشته باشد و بزند کسی را که قصد زدن
او نداشته باشد ملعون است نزد خدا و در حدیث دیگر فرمود که بحق
خداوندی که عالم در قبضه قدرت اوست [illegible] اهل آسمانها و زمین
همه شریک شوند در کشتن مؤمنی یا راضی شوند بکشتن او همه را داخل
جهنم کند و بحق آن پروردگاری که جانم در دست قدرت اوست که هیچ
کس کسی را تازیانه نزند مگر آنکه در جهنم مثل آن تازیانه بر او بزنند
و فرمود که هر که نظری کند بمؤمنی که او را از آن نظر بترساند حق تعالی
بترساند در روزی که پناهی بجز پناه او نباشد و او را در [illegible]
محشور کرداند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که لعنتی که
از دهان شخصی بیرون می آید میگردد اگر راه بیابد بجا قرار میگیرد
و الا بگوینده [illegible] بر میگردد و در حدیث دیگر فرمود که هر که لعنی
میکند در روی مؤمنی [illegible] که عاقبتش
[illegible] دیگر منقولست که شخصی [illegible]
چه میفرمایند [illegible] مسلمانی که مسلمان دیگر را بدید [illegible] در خانه
باشد [illegible] و از حضرت [illegible] و حوض [illegible]
[illegible] فرمود که [illegible] بدید [illegible] باید [illegible] کاری [illegible]

باشد و او را از حضرت [illegible] بیرون نیاید پیوسته در لعنت خدا باشد
با یکدیگر ملاقات کنند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر مومنی
که میان او و مومنی حجابی باشد که باو نتوانند رسید حق تع در قیامت میان
او و بهشت هفتاد هزار حصار قرار دهد که غلظت هر حصاری هزار ساله
راه باشد و از هر حصاری تا حصاری دیگر هزار ساله راه باشد و در حدیث
دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که در زمان بنی اسرائیل چهار نفر
از مومنان بوده اند [illegible] نفر از ایشان در خانه مجتمع بودند برای گفتگوی
و چهارم آمد بدر خانه و در زد و غلام بیرون آمد و پرسید که مولای تو
کجاست گفت در خانه نیست آن شخص برگشت و غلام رفت و بمولای خود
گفت که فلان شخص آمده بود و من با او چنین گفتم و برگشت و او ساکت شد
و بر او انکار نکرد و غلام را ملامت نکرد که چرا چنین گفتی و از برگشتن آن مرد
آزرده نشدند هیچ یک از ایشان و مشغول صحبت خود شدند و روز دیگر
باز آن مرد بامداد نزد ایشان آمد دید که ایشان از خانه بیرون آمدند
و بر سر مزرعه خود میروند با ایشان سلام کرد و گفت من با شما بیایم گفتند
بلی و عذر [illegible] گذشته را از او نخواستند زیرا که آن مرد بایشان محتاج
بود در اثنای راه ناگاه ابری ظاهر شد گمان کردند که باران خواهد آمد
[illegible] ایشان شد ندا از میان ابر [illegible] کرد
که ای آتش [illegible] بگیر و منم جبرئیل رسول خدا پس ناگاه آتش از آن ابر آمد
و آن سه نفر را [illegible] سوزانید و آن مرد تنها ماند
[illegible] برگشت و بعد از حضرت یوشع آمد و آن قصه را نقل کرد

حضرت یوشع فرمود که خدای بر ایشان غضب کرد بعد از آنکه از ایشان راضی بود
بسبب آنچه نسبت بتو کردند [illegible] آن قصه را برای او نقل کرد آن مرد گفت من
ایشان را حلال کردم و در گذشتم از کرده ایشان یوشع گفت اگر پیش از آمدن
عذاب میبود نفع میکرد و اما الحال نفع نمیکند و شاید در نسبت بایشان
نفع دهد [illegible] و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که هر مومنی که [illegible] برادر مومن خود را و او قادر بر یاری کردن او باشد
خدا او را در دنیا و آخرت یاری نکند [illegible] امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که حاضر نشود احدی از شما در وقتی که [illegible] کسی را زند یا کشد بایستی
بر و کند هرگاه یاری او نکند زیرا که یاری مومن بر مومن واجبست هرگاه
حاضر باشد و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
شخصی از نیکان را در قبرش نشانیدند پس باو گفتند که ما صد تازیانه از عذاب
الهی بر تو میزنیم گفت طاقت ندارم گفتند یک تازیانه میزنیم پرسید که
بچه سبب این تازیانه را بر من میزنید گفتند باین سبب که روزی بی وضو
نماز کردی و بر ضعیفی گذشتی که بر او ظلم میشد و او را یاری نکردی پس
تازیانه از عذاب خدا بر او زدند که قبرش پر از آتش شد و در حدیث
دیگر [illegible] که چهار کس اند که حق تع نظر رحمت در قیامت بسوی ایشان
نمیافکند [illegible] که کسی چیزی از غیر بخشد [illegible]
و او قبول نکند کسی که نزد او مضطری بیاید [illegible]
و کسی که عزم [illegible] کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که کسی [illegible] برادر مومن خود برسد که او را [illegible] ما الذی [illegible]

می‌آید حق تعالی برای او ده حسنه بنویسد [illegible] و ده درجه بلند کند و ثواب ده
بنده آزاد کردن با او کرامت فرماید و ده عذاب از او بردارد و ده شفاعت
برای او در قیامت مهیا گرداند و از حضرت امام حسن [illegible] علیه السلام منقولست
که هر که ببیند بیچاره‌ای را در راهی که چهارپایش افتاده است و کسی در بار
او نمی‌رسد پس همراه او برسد و او را بر چهارپای خود سوار کند و بارش
بردارد حق تعالی با او خطاب فرماید که خود را [illegible] و نهایت
سعی کردی در فریادرسی برادر [illegible] خود [illegible] مومن [illegible] ملکی چند که
عددشان زیاده باشد از جمیع آدمیان از اول دنیا تا آخر دنیا و هر یک را
آنقدر قوت باشد که آسان باشد برو برداشتن آسمانها و زمینها تا
بنا کند برای تو در بهشت [illegible] و خانه‌ها و بلند کند برای تو درجه‌ها و
[illegible] در بهشت همراهی پادشاهان بهشت یابی و کسی که دفع کند از
مظلومی [illegible] بدر [illegible] حق تعالی خلق
کند به عدد هر حرفی از گفته‌های او و بعدد هر حرکتی از حرکتهای او و در
آن در نگهبانی [illegible] هزار ملک که دفع کنند از او شیاطین را که قصد کنند
که او را گمراه کنند و بازای هر ضرر قلبی که از او دفع کرده باشد صد هزار
از خدمتکاران بهشت و صد هزار از حوریان با او عطا فرماید که او را
خدمت کنند [illegible] و [illegible] اینها همه در برابر [illegible] کردن
مومن است [illegible] برادر مومن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که [illegible] بمیرد [illegible] و او را [illegible] کند برای
[illegible] او را [illegible] قیامت فرمود که [illegible] تعظیم [illegible]

تعظیم کردن مومن [illegible] که از ما نیست کسی که در جوانی ما
رحم نکند و پیران ما را تعظیم نکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که لقمه‌ای
کند برای کوری [illegible] از ظلمات [illegible] برای او و در آن ظلمت راه رو
شن کند [illegible] آن برادر [illegible] حق تعالی [illegible] و از آتش
جهنم [illegible] حاجت دنیا او را برآورد و [illegible]
باشند تا [illegible] و علیه السلام منقولست که [illegible]
[illegible] و از حضرت امام
حسن عسکری [illegible] منقولست که حضرت [illegible] فرمود که هر که
کوری شود چهل گام بر زمین هموار [illegible] ازان
اگر تمام زمین را پر کند از طلا و اگر [illegible] باشد و او را ازان
[illegible] صد هزار
[illegible]
بهشت برساند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که [illegible]
[illegible] و در حدیث
دیگر فرمود که [illegible] دیگر [illegible]
[illegible] و از حضرت
صادق [illegible] منقولست که [illegible]
و از مومنین [illegible]
منقولست که [illegible] کسی که [illegible]

دانسته باشد و بیسی و دیوانه و ولد [illegible] خوب بادیه نشین و در حدیث دیگر
فرمود که کم نظر کنید باهل بلا و مبتلایان [illegible] وجود با ایشان مکدر نکرد
که مبادا برسد آنچه بایشان رسیده است و در حدیث حسن از حضرت امام
محمد باقر علیه السلم منقولست که چون کسی را ببینی که به بلائی مبتلاست بگو
الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاک به وفضلنی علیک [illegible] همگی
خلق و آهسته بگو که او نشنود و در حدیث حسن [illegible] منقولست که
چون کسی از صاحبان بلا [illegible] که نشنود الحمد لله
الذی عافانی مما ابتلاک به [illegible] فعل که هر که چنین کند هرگز آن
بلا باو نرسد و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق منقولست
که هر که مبتلائی را ببیند این دعا بخواند هرگز بان بلا مبتلا نشود
الحمد لله الذی عدل عنی ما ابتلاک به وفضلنی علیک بالعافیة اللهم
عافنی مما ابتلیته به و در روایت دیگر [illegible] این دعا بخواند اللهم انی
لا اسخر ولا افخر ولکن احمدک علی عظیم نعمائک علی و از حضرت امام موسی
منقولست که چون اصحاب بلا را ببینند حمد خدا بکنند و بایشان نشنوانند
که باعث اندوه ایشان میشود [illegible] در بیان حقوق مومنان
در غیبت ایشان در حدیث معتبر منقولست که شخصی حضرت امام زین
العابدین [illegible] عرض کرد [illegible] فلان شخص شما را [illegible]
[illegible] حق [illegible] او را رعایت نکردی [illegible] او را
[illegible] کردی و حق [illegible] نکردی که چیزی که من [illegible] ولیس [illegible]

همه را ملک در بهشت است و معصوم [illegible] شد و روز قیامت [illegible]
[illegible] نکن که ما [illegible]
و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلم از رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که
[illegible] بشنید در مجلسی که [illegible] دشنام دهند یا غیبت
مسلمانی کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که غیبت مسلمانی کند ثواب روزه
و وضویش [illegible] و در روز قیامت از وی بوی آید گندیده تر از بوی مردار
که اهل محشر [illegible] و اگر پیش از توبه بمیرد حلال کرده باشد
چیزی را که خدا حرام کرده است و هر که [illegible] برادر مومن در مجلسی که
غیبت او کنند حق تعالی هزار نوع از بدیها را در دنیا و آخرت از او دور کند و
اگر رد نکند و قدرت بر رد غیبت او داشته باشد و از حضرت صادق علیه السلم
منقولست که هر که ببیند [illegible] گناه کند و دو گواه عادل بر او گواهی
ندهند که گناهی کرده است و از اهل عدالت است و گواهی [illegible]
هر چند در واقع گناهی [illegible] باشد و هر که غیبت کند او را [illegible]
باشد و از دوستی خدا بیرون رفته است و در دوستی شیطان داخل [illegible]
و بتحقیق مرا خبر داد پدرم از پدرانش از رسول صلی الله علیه و آله که
هر که غیبت کند مومنی را بچیزی که در او نباشد [illegible]
شود [illegible] غیبت کند [illegible] باشد و در حدیث [illegible] دیگر فرمود
که هر که [illegible] برادر مومن خود بگوید آنچه چشم [illegible] دیده و گوشش
شنیده باشد از اهل [illegible] بوده که حق تعالی [illegible]
ان الذین یحبون [illegible] که شایع شود [illegible] عذاب [illegible]

از ان اعرابی ... در دنیا و آخرت و در حدیث دیگر فرمود که غیبت
آنست که برادر مومن عیبی و گناهی را بگوئی که خدا بر او پوشانیده است
و بهتان آنست که دروغ چیزی بگوئی که در او نباشد و در حدیث دیگر
فرمود که هرکه غیبت کند برادر مومن خود را آنچه دشمنی در میان
ایشان باشد شیطان در نطفه او شریک شده خواهد بود و در حدیث
دیگر فرمود که سه خصلت است که در هرکه باشد چهار چیز برای او
لازم میشود کسی که چون سخن گوید دروغ نگوید و چون با مردم خلطه
کند بر ایشان ظلم نکند و [illegible] اگر وعده کند خلاف وعده نکند از جمله کسانیست که
عدالت او در میان مردم ظاهر باشد و مروت او در میان ایشان هویدا
باشد و غیبت او بر ایشان حرام باشد و اخوت او بر ایشان واجب باشد
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که غیبت بدتر است از زنا
[illegible] زنا میکند و خدا توبه اش را قبول میکند و غیبت کرده را
توبه [illegible] مقبول نیست تا آن شخص او را حلال نکند و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که برادران خود را یاد کنید هرگاه غایب باشند از شما بهتر
از آنچه دوست میدارید که شما را در غایبانه یاد کنند و در حدیث دیگر فرمود
که چون فاسق علانیه گناه کند و پروا نکند او را حرمتی نیست و غیبت او
حرام نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که سه کس اند
که ایشان را حرمتی [illegible] کسی که صاحب بدعت باشد و [illegible]
[illegible] علانیه فسق کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که هرکه [illegible] بر کسی صرف بد برای آنکه در غیبت [illegible] مسلمانی

گوشت برادر خود [illegible] و در حدیث صحیح از حضرت امام [illegible]
مرویست که هرکه نزد او غیبت [illegible] برادر مومنش را بکند و او را نصرت و یاری
کند خدا او را [illegible] یاری کند و اگر قادر باشد که دفع آن غیبت
از او بکند و یاری او در این باب نکند و ترک کند خدا پست کند او را در دنیا و آخرت
و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقولست که هرکه حاضر باشد
در مجلسی [illegible] مجلس کسی غیبت برادر مومن او کرده باشد و او
صاحب جاه و اعتبار باشد و آن را رد کند بر آن ظالم و غیبت کننده [illegible]
را نگاه دارد حق تعالی نزد ملائکه [illegible] که جمیع میشوند نزد بیت المعمور
[illegible] نصف ملائکه آسمانها و ملائکه کرسی و عرش او را ثنا
نصف ملائکه حجب [illegible] که ایشان همه نزد خدا او را مدح و ثنا میکنند
و از برای او از خدا رفعت و منزلت و بلندی مرتبه او را سوال کنند
پس حق تعالی فرماید که من واجب کرده ام برای او بعدد [illegible] از
شما که مدح او میکنید [illegible] مثل [illegible] جمیع شما از [illegible] و
قصرها و باغها و بستانها و درختان از آنچه خواهم که عقل مخلوقی بآن احاطه
نکرده باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه نقل کند
در مذمت مومن برای آنکه عیب او را ظاهر کند و مروت او را از دیده مردم
و او را از دیدهای مردم بیندازد خدا او را از دوستی و یاری خود بیرون کند
و در دوستی [illegible] شیطان داخل کند و در احادیث [illegible] منقولست که هرکه
دو رو و دو زبان [illegible] باشد که در حضور مردم مدح [illegible] و غایبانه
غیبت ایشان کند [illegible] چون در قیامت محشور شود دو زبان از آتش داشته باشد

یا در بهشت رود و یکی در بهشت سر و در جهنم [illegible] ندا کند که این [illegible] که در دنیا دو رو
و دو زبان داشت و در روایتی دیگر منقول است که محمد بن فضیل بحضرت امام
موسی علیه السلم عرض کرد که شخصی از برادران مومن من چیزی از وی میرسد
که خوشم نمی آید پس از وی سوال میکنم او انکار میکند و حال آنکه جمعی از مردم
ثقه این خبر را بمن نقل کرده اند حضرت فرمود که چشم و گوش خود را تکذیب
کن در حق برادر مومن خود اگر پنجاه کس شهادت دهند [illegible]
[illegible] بگوید سخن او را تصدیق کن و ایشان را تکذیب کن و برای او
[illegible] مکن که موجب نقص و عیب او باشد و از حضرت رسول صلی الله
منقولست که هر که کسی را [illegible] در گناهی حیا نیست که آن گناه را
خود کرده است و هر که مومنی را بچیزی سرزنش کند از دنیا بیرون نرود تا آنرا
خود بکند و از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیه منقولست که هر که
[illegible] عرض مسلمانان نگاه دارد خدا گناهانش را در قیامت
بیامرزد و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلم منقولست که هر که بنا حق
بگوید برای مرد مومن یا زن مومنه چیزی که در او نباشد حق تعالی او را در میان
چرک و زرداب زناکاران که [illegible] دیگهای جهنم جوشد نگاه دارد تا آنکه
از عهده آنکه گفته بدر آید و از حضرت امام موسی علیه السلم منقولست که هر که
برای کسی چیزی بگوید که مردم از او دانند غیبت نیست و در حدیث معتبر
از حضرت صادق [illegible] منقولست که اظهار شماتت و شادی مکن به بلائی که
[illegible] نازل [illegible] او را رحم میکند و [illegible]
[illegible] شماتت کند بر مصیبت برادر مومن خود تا

بیرون نرود تا بآن بلا مبتلا نشود و در احادیث معتبره بسیار وارد شده
که نزدیکترین احوال بنده بکفر آنست که شخصی که با مومنی برادری کند و لغزشها
و گناهانش را [illegible] که روزی او را سرزنش کند بآنها و
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود که ای جماعتی که بزبان
مسلمان شده اید و ایمان بدل شما نرسیده است مذمت مسلمانان مکنید و
تفحص عیبهای ایشان مکنید که هر که تفحص عیبهای مردم بکند خدا عیبهای او را
رسوا کند اگر چه گناه را در میان خانه خود کرده باشد و حضرت [illegible]
فرمود که هر که [illegible] مومن [illegible] دنیا و آخرت [illegible]
کند و از حضرت رسول منقولست که [illegible] بدترین مردم [illegible]
و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که هر که تهمت بزند برادر مومنش را
ایمان در دلش گداخته میشود چنانچه نمک در آب گداخته میشود و از
حضرت رسول منقولست که فرمود که [illegible]
از بدترین شما [illegible] رسول الله فرمود که [illegible]
چینی میبرند و در میان دوستان جدائی می اندازند و [illegible]
عیب میجویند و حضرت امام محمد باقر علیه السلم فرمود که بهشت حرام است بر
سخن چینان و از حضرت صادق علیه السلم فرمود که دو شخص [illegible]
مگر آنکه [illegible] مستحق [illegible] و لعنت [illegible] میشود [illegible]
[illegible] شخصی [illegible]
فرموده برای آنکه [illegible]
و [illegible] و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست [illegible]

را بیرون از سه روز نمی باشند و از حضرت [illegible] منقولست که پیوسته شیطان
در فرح و شادیست تا دو مسلمان از یکدیگر آزرده اند و دوری میکنند و چون با هم
ملاقات میکنند زانوهایش بر هم میخورد و بندهایش [illegible] میشود و فریاد
میکند که وا ویلاه چه بلا بود که بر سر من آمد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که هر دو مسلمان که از هم دوری میکنند و سه روز بگذرد و صلح نکنند
از اسلام بدر میروند و میان ایشان دوستی الهی بر طرف [illegible] پس هر یک
[illegible] که با یکدیگر سخن بگوید در قیامت زودتر به بهشت [illegible] والعهدة [illegible]
[illegible] در این معاشرت سلاطین و عمله ایشان [illegible] معتبر
از حضرت موسی علیه السلام منقولست که شیعیان خود را منع کنید که ای گروه شیعه
گردنهای خود را ذلیل مکنید [illegible] ترک اطاعت پادشاه خود پس اگر عادل
باشد از خدا بطلبید که او را باقی دارد و اگر ظالم و ستمکار باشد از
خدا بطلبید که او را باصلاح آورد که صلاح شما با پادشاه شماست و پادشاه
عادل به منزله پدر مهربانست از برای شما بخواهید آنچه از برای خود میخواهید
و از برای او بخواهید آنچه از برای خود میخواهید و بسند معتبر از
حضرت [illegible] منقولست که خدا رحمت کند کسی را که یاری کند پادشاه
خود را بر نیکی [illegible] و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که متعرض
پادشاه ظالم شود و از او آزاری برسد خدا او را بر آن ثواب ندهد و صبر
او را روزی نکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که
[illegible] و نزد او شکستگی و تذلل کند برای طمع دنیای او
[illegible] باید ولا ترکنوا الی الذین ظلموا فتمسکم

النار [illegible] آنکه ظلم میکنند پس [illegible]
شما را آتش و فرموده که هر که راضی باشد بظلم ظالمی در جهنم با ظالمان و در
فرعون باشد [illegible] جانب ظالمی مسموم کند یا یاوری آن نماید در حین
چون ملک موت بنزد او آید بگوید بشارت باد ترا بلعنت خدا و آتش جهنم
و هر که نامه [illegible] نزد پادشاه ظالم [illegible]
روز قیامت [illegible] که از [illegible]
مسلط کرده اند [illegible] جهنم [illegible]
فاسقان [illegible] امیر المومنین صلوات الله علیه [illegible]
که دوستی [illegible] ایشان [illegible] فاسقان
[illegible] دشمن ایشان [illegible] منقولست که هر که دوست دارد
بقای ظالمان را دوست داشته است که خدا را معصیت کنند و هر که دوست دارد
که خدا را معصیت کند با خدا دشمنی کرده است [illegible] و در حدیث دیگر [illegible]
که حضرت عیسی [illegible] بنی اسرائیل [illegible] که یاری مکنید ظالم را بر ظلم که
فضل شما باطل میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چهار
چیز است که دل را فاسد میکند و نفاق در دل میرویاند چنانچه [illegible]
درخت [illegible] شنیدن [illegible] و [illegible]
بدر خانه پادشاه رفتن و [illegible] و از حضرت صادق [illegible] منقولست که
[illegible] حفظ کنید [illegible]
دهید [illegible] کردن از [illegible]
از طلب [illegible] از پادشاهان و [illegible]

وشکستگی کند نزد صاحب سلطنتی که مخالف او باشد دین خود
از برای طلب دنیای که در دست اوست خدا او را گمنام کند و دشمن دارد او را
و خود بگذارد اگر چیزی از دنیا بدستش بیاید ... ایمان برداریم
او را ثواب ندهد اگر خرج کند در حج یا عمره یا بنده آزاد کند و در حدیث
معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون روز قیامت
شود منادی از جانب خدا ندا کند که کجایند ظالمان و مددکاران ایشان و
... ایشان از ایشان که دواتی برای ایشان داشته‌اند
... ظالمان محشور کنید و در حدیث معتبر
فرمود که هیچ بنده نزد پادشاه نزدیک نمیشود مگر آنکه از خدا دورتر میشود
و هیچ بنده مالش زیاده نمیشود مگر آنکه حسابش دشوارتر میشود و هیچ
بنده اتباعش زیاده نمیشود مگر آنکه شیاطین او بیشتر میشوند و فرمود که
زنهار که احتراز کنید از در خانه پادشاه و ... که با پادشاه می‌باشند
که ... شما با ... و ... شما بند از خدا و هر که پادشاه را بر خدا
اختیار کند خدا پرهیزکاری را از او بردارد و او را حیران کرداند و در حدیث
صحیح از حضرت صادق علیه السلم منقولست که هر که معذرت خواهد ظالمی را
در ظلم او خدا مسلط گرداند بر او کسی را که ظلم بر او کند پس اگر دعا کند دعایش
مستجاب نشود ... او را بر آن ستم که میکشد ثواب ندهد و در حدیث
صحیح دیگر فرمود که هر که یاری دهد ظالمی را بر مظلومی پیوسته خدا بر او خشمناک
است تا ... یاری ... داد و در حدیث دیگر فرمود که در بنی اسرائیل حضرت موسی
... ظالم بود که ... مؤمن را شفاعت بنده صالحی برای ... پسران پادشاه

وانه ... هر دیگر ... و ... بپادشاه ... شد بد
و در بنای ... سند برای ... نامه ... در خانه خود ماند
تا کرمهای زمین ... خوردند پس حضرت موسی ... زنان آن
... تحال مشاهده فرمود ... گفت پروردگارا آن دشمن تو بود و تو
امداد ... از او بر داشته و این دوست تست و این حال ماندن است حق تعالی
وحی فرستاد که ای موسی این دوست من از آن جبار سوال کرد او به درخواست
او را مکافات دادم برای ... این و کرمهای زمین را ... دوست من
این مومن ... برای ... که ... و در حدیث معتبر
منقولست که سلیمان جعفری ... حضرت امام رضا علیه السلم عرض کرد
که چه میفرمائید در کارها که مردم ... میشوند از جانب پادشاهان
حضرت فرمود که داخل شدن در اعمال ایشان و یاری ایشان کردن و سعی در
حوائج ایشان نمودن معادل کفرست و عمداً نظر بسوی ایشان کردن گناه
کبیره است و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که هر که برود
بنزد توانگری و نزد او شکستگی کند برای توانگری او دو ثلث دینش
میرود و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقولست که هر که
برود بنزد پادشاه ظالمی و او را امر به پرهیزکاری کند و پند و نصیحت بگوید
او را مثل ثواب جن و انس بوده باشد و از علی بن ابی حمزه منقولست که من
... داشتم از نویسندگان بنی امیه ... امروز
عرض کرد که ... در دیوان بنی امیه کار کردم و مال ... بسیار ... حضرت
فرمود که اگر ... این بود که مردم برای بنی امیه ... و ... ایشان

ثلث

جمع میکنند روا نیست برای ایشان جمع کنند و نزد ایشان حاضر نشوند هر آینه
حق ما را غصب کرده اند آن شخص گفت الامر اجبار و مضطر بوده فرمود که اگر بگویم
خواهی کرد گفت میکنم فرمود هر چه کسب کرده در دیوان ایشان الا آنچه صاحبش
را میشناسی پس ده و آنچه نمیشناسی تصدق کن و اگر چنانچه چنین کنی من ضامن
بهشت میشوم برای تو اعنی آن شخص سر در زیر افکند پس گفت چنین میکنم
علی بن حمزه گفت که آن جوان با ما بکوفه آمد و تمام مال خود را داد حتی
جامهای پوشیده بود و ما در میان خود مالی جمع کردیم و جامها برای او خریدیم
و خرجی [illegible] فرستادیم چند ماهی بیمار شد چون به دیدنش
رفتیم در حال جان کندن بود پس چشم گشود و گفت حضرت صادق علیه السلام
بضامنی خود وفا کرد با من ای علی و مرد پس او را دفن کردیم و در سال دیگر
بخدمت آنحضرت رفتم چون نظر آنحضرت بر من افتاد فرمود که والله که
برای رفیق تو وفا به ضامنی کردیم و از مفضل بن مزید که نویسنده
خلفای بنی عباس بود و شیعه بود منقولست که بخدمت حضرت صادق
عرض کرد که میدانید که خدمتی که من بنزد ایشان میکنم حضرت فرمود
که آنچه بهم میرسانی بشیعیان خود بده حق تعالی میفرماید که حسنات گناهان
را [illegible] می برد و در حدیث معتبر منقولست که صفوان شتردار آمد
بخدمت حضرت امام [illegible] حضرت فرمود همه چیز تو خوبست بغیر از اینکه
شترهای خود را بهارون الرشید بکرایه میدهی صفوان گفت که والله
شتر خود را نمیدهم برای بازی و شکار و لهو و لیکن از برای راه مکه
بکرایه میدهم [illegible] حضرت فرمود که

ایا میخواهی که ایشان زنده باشند که کرایه ترا بدهند گفت فرمود که هر که زنده ماندن
ایشان را خواهد از ایشانست و هر که از ایشانست از اهل جهنم است و در حدیث
دیگر منقولست که عبد الغفار [illegible] از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسید
که چه میفرمائید در [illegible] بنزد پادشاه فرمود که خوب نمیدانم پرسید
گفت [illegible] است که [illegible] میروم و مرا ابراهیم بن ولید میبرند حضرت فرمود
که رفتن بنزد پادشاه و حکام سه چیز بهم میرساند اول محبت دنیا دوم
[illegible] مرگ سیوم راضی نبودن بآنچه خدا روزی کرده [illegible] گفت یا بن
رسول الله [illegible] عیال [illegible] و بتجارت میروم [illegible] حضرت
[illegible] فرمود و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقول است که هر که
راضی باشد [illegible] ظالمی اعانت [illegible] از دوستان او خواهد بود
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که دو صنف از امت من که
صلاح ایشان موجب صلاح تمام امت است و فساد ایشان موجب فساد امت
من است فقیهان و پادشاهان و حضرت صادق علیه السلام فرمود که امید نجات
دارم برای هر که اعتقاد امامت داشته باشد از این [illegible] مگر سه کس
صاحب سلطان ظالم [illegible] بمذهب خود و کسی که بدعت در دین کند و
کسی که علانیه فسق کند و فرمود که سه کس اند که هر که با ایشان منازعه
کند ذلیل میشود پدر و پادشاه و قرض خواه و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که [illegible] دوست ترین مردم
پادشاهان [illegible] و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که [illegible] که
مردم اختیار کند و عدالت کند و در [illegible] گشاید و پرده بردارد

که هیچ کس [illegible] نباشد و باحوال ایشان مردم نرسد بر حذر [illegible]
که شریک ایشان در قیامت با عیسی مبدل کرده اند و مراد اهل [illegible]
در حدیث دیگر فرموده که چون حق تعالی [illegible] پادشاه [illegible]
بر ایشان مسلط کرداند و برای او [illegible] معنی
از حضرت رسول [illegible] منقولست که خدا وند عالمیان میفرماید که منم پروردگار
که نیست بغیر من پروردگاری خلق کردم پادشاهان را و دلهای ایشان را بدست
خود [illegible] هر گروهی که اطاعت من کنند دلهای پادشاهان را بر ایشان [illegible]
[illegible] و هر گروه که معصیت من کنند دلهای پادشاهان را بر ایشان غضب
[illegible] پس مشغول مکنید [illegible] بدشنام دادن پادشاهان و توبه
کنید بسوی من تا دلهای ایشان را بر شما مهربان گردانم و در حدیث دیگر
فرمود که چون حق تعالی [illegible] که به بزرگواری خود [illegible]
[illegible] که داخل بهشت نکنم کسی را که همیشه شراب خورد [illegible]
[illegible]
که [illegible] مردم میکرد و قطع کننده [illegible] و کسی که [illegible]
قابل [illegible] و در حدیث دیگر فرمود که هر که [illegible]
شود و بر ایشان استیلا یابد [illegible] جهنم [illegible]
هزار سال [illegible]
[illegible]
ظالم بر ایشان [illegible] و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که هر که والی [illegible] شود [illegible] و باحوال ایشان نپردازد

٥٤
[illegible] بلاد [illegible]
منقولست که [illegible]
کند حق تعالی [illegible]
[illegible] است که [illegible]
[illegible] چنان است که [illegible] و در حدیث
[illegible] منقولست که حق تعالی [illegible]
که در مملکت پادشاه جباری [illegible] پادشاه [illegible] پادشاه
[illegible] و مالهای ایشان را بگیری برای [illegible]
کردم که صداهای مظلومان را [illegible]
ستمهائی که بر ایشان شود [illegible] و از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام منقولست که در جهنم [illegible] که آنرا صعد گویند
و در آن کوه وادی هست که آنرا [illegible] میگویند [illegible] آن چاه
[illegible] جهنم [illegible] و آن چاه جای جباران است
و در روایت دیگر منقولست که از [illegible] بن اسمعیل بن بزیع که حضرت
امام رضا علیه السلام فرمود که خدا را [illegible] پادشاهان [illegible]
که خدا [illegible] و ایشان [illegible]
که [illegible] و شان [illegible]
باصلاح [illegible] مومنان [illegible] ایشان پناه می برند
[illegible] و ایشان [illegible]
[illegible] میکند و [illegible]

و ما سمی [illegible] در زمین [illegible] نور ایشان روشنی میدهد اهل
آسمان را چنانچه ستاره ها روشنی می بخشد اهل زمین را و در قیامت
نور ایشان عرصه محشر را روشن میکند [illegible] انبیا نیز ایشان برای بهشت خلق
شده اند و گر خواهی که از ایشان باشی شاد کردن مومنان از شیعیان ما را
و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام و در حدیث معتبر از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که مدد بدهد برادر مؤمن و حاجت کسی که
[illegible] برادر است [illegible] ثابت [illegible] در روز [illegible] بر صراط
[illegible] در حدیث [illegible] منقولست که شخصی به حضرت نوشت [illegible]
صاحب [illegible] که منصرف [illegible] او [illegible]
حلال میداند [illegible] آنها را [illegible] و وصیت میکند و من گاهی
بر بعضی وارد شده ام و اگر طعام او نخورم با من عداوت میکند و گاهی
هدیه هم برای من میفرستد حضرت در جواب نوشتند که اگر این مرد
مالی و معاشی بغیر از آنچه در دست او است از وقف دارد طعامش را بخور و
احسانش را قبول کن و اگر بغیر از آن مال حرام چیزی ندارد طعامش را مخور
و احسانش را قبول مکن و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سه دعاست
از درگاه خدا رد نمیشود دعای پدر برای فرزند نیکوکار و نفرین او بر
فرزند بدکردار و نفرین مظلوم بر ظالم و دعای مظلوم برای کسی که انتقام
از ظالم برای او بکشد و دعای مومن برای مومنی که از برای دوستی اهل بیت
او را بمال خود اعانت کند و نفرین مومن بر کسی که اعانت او نکند با قدرت
و احتیاج آن مومن باو و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست

که [illegible] مسلمانان باید که [illegible] وصیت [illegible] ظلم [illegible] که
یاد [illegible] باید [illegible] منقولست که حق [illegible] باید که [illegible]
مستجاب [illegible] دعای کسی که مظلوم [illegible] نزد او باشد و از حضرت امیر المؤمنین
منقولست که ظلم کننده و یاری کننده او بر ظلم و کسی که راضی باشد بآن ظلم باشند هر سه
[illegible] شریک [illegible] از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که ظلمی بر کسی بکند
[illegible] دیگری بر کسی [illegible] ظالم [illegible] او بر فرزندان او یا فرزند
فرزندان او بکند [illegible] هر که حق مومنی را [illegible]
حق در قیامت [illegible]
جاری شود و منادی کند [illegible]
[illegible] پس [illegible]
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بهترین جهادها آنست که چون کسی صبح
ظلم کند بر کسی که حافظ [illegible] در آداب
معاشرت با همسایگان و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که سزاوار نیست مومن را که [illegible] شرکت کند
یا امانت [illegible] چیزی بخورند [illegible]
یا دوستی ایشان [illegible] در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام
منقول است که مسلمان را نباید که [illegible]
[illegible] ویا او [illegible] و در حدیث صحیح [illegible] که
اگر محتاج شوی بطبیب ترسا [illegible]
[illegible]

... بدانکه چون کسی را آثار موت [illegible] اول کاری که باید بکند با احوال
خود بپردازد آنچه ضرور [illegible] است که سفر آخرت در پیش دارد
و [illegible] آخرا [illegible] که از [illegible] است
از [illegible] و اعتراف بتقصیر [illegible] نماید [illegible] کرده
[illegible] تضرع و [illegible] حسنات [illegible] کردن [illegible] کرده [illegible] و در
[illegible] که [illegible] باید [illegible] و وصیت
و [illegible] و حقوق [illegible] ادا [illegible] و بدیگران [illegible]
که [illegible] احتیاط [illegible] ده و [illegible]
[illegible] وصیت [illegible] کنند اوصیاء [illegible] اورا [illegible] شود
که [illegible] نباشد و گوید برگردانید [illegible]
که [illegible] خود [illegible] در [illegible] و حضرت
[illegible] نفقه [illegible] مال خود [illegible]
و [illegible] مناسب حال خود داند وصیت کند که زیاده از ثلث
[illegible] دیگران [illegible] مومن خود [illegible]
وصیت [illegible] باشد [illegible] باشد [illegible]
باشد از [illegible] که [illegible] حاضر نباشد [illegible]
[illegible] التماس کند که برای او [illegible] خواهد [illegible] امور اطفال
[illegible] خود را بعد از [illegible] بجناب مقدس الهی [illegible] بگذارد و وصی
برای اولاد صغار خود تعیین نماید [illegible] خود را [illegible] کند و از
[illegible] شهادتین [illegible] و اذکار [illegible] و آیات [illegible]

مذکورات [illegible] رساله [illegible] اگر [illegible] حدیث [illegible]
[illegible] بیند و [illegible] شده باشد [illegible]
[illegible] باشد و [illegible] مقولست
که هر که [illegible] نویسند و هرگاه که
[illegible] کند [illegible] کفن [illegible] باید و باید که [illegible] کفن زن و فرزند و مال
[illegible] و [illegible] باشد و تفکر کند که این
امور فانی [illegible] در دنیا [illegible]
[illegible] چون [illegible] امور [illegible]
[illegible] خواهد [illegible] اگر [illegible]
با ایشان نمیتواند رسانید و ضرری از ایشان دفع نمیتواند کرد و [illegible] خداوند
[illegible] ایشان [illegible] است و باید که [illegible] در مقام
رجا و امید باشد و از رحمت الهی بسیار امیدوار باشد و از شفاعت [illegible]
خدا صلی الله علیه و آله و حضرت ائمه معصومین علیهم السلام امیدوار
باشد و منتظر قدوم شریف ایشان باشد و بداند که [illegible]
حاضر میشوند [illegible]
سفارش میکنند [illegible] حضرت [illegible] صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] که [illegible] وصیت [illegible] نقصان عقل و مروت
[illegible] کنند [illegible] رسول الله چگونه وصیت میکند فرمود [illegible]
نزدیک وفات او [illegible] مردم [illegible] جمع شوند بگوید اللهم فاطر السموات
والارض عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم انی اعهد الیک انی
اشهد ان لا اله الا انت وحدک لا شریک لک و ان محمدا صلی الله علیه [illegible]

ذلك ورسولك وان الساعة اتية لا ريب فيها وانك
تبعث من في القبور وان الحساب حق وان الجنة حق
وما وعد الله فيها من النعيم من المأكل والمشرب والنكاح حق و
ان النار حق وان الايمان حق وان الدين كما وصفت وان الاسلام كما
شرعت وان القول كما قلت وان القرآن كما انزلت وانك انت الله
الحق المبين واني اعهد اليك في دار الدنيا اني رضيت بك ربا وبالاسلام
دينا وبمحمد نبيا صلى الله عليه واله وبعلي اماما وبالقرآن كتابا وان اهل
بيت نبيك عليه وعليهم السلام ائمتي اللهم انت ثقتي عند شدتي
ورجائي عند كربتي وعدتي عند الامور التي تنزل بي وانت وليي
في نعمتي والهي واله ابي صل على محمد واله ولا تكلني الى نفسي طرفة عين
ابدا وانس في قبري وحشتي واجعل لي عندك عهدا يوم
القاك منشورا پس حضرت رسول صلى الله عليه واله فرمود كه اين عهد
وبيانيست باخدا در روزی كه ميخواهد كه وصيت ميكند ووصيت
لازم است وواجب بر هر مسلمانی پس حضرت امام صادق عليه السلام فرمود كه
بيان نقل اين حديث كه تصديق اين در سوره مريم است كه حق سبحانه فرمايد
لا يملكون الشفاعة الا من اتخذ عند الرحمن عهدا يعنی در قيامت
مالك شفاعت نميشوند مگر كسی كه گرفته باشد نزد پروردگار عهدی
چند را ان عهد نيست كه وحضرت رسول گفت بحضرت امير المؤمنين فرمود
كه اين وصيت را بگير وياد اهل بيت وشيعيان خود بياموز ...
... اين عهد را بر كفن ... بنويسد ... جميع ...
حاضر كند وبر اعتقاد ... كراه بكنند ... بگويد بسم الله الرحمن الرحيم

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له وان محمدا عبده ورسوله
صلى الله عليه واله وان الجنة حق وان النار حق وان الساعة اتية
لا ريب فيها وان الله يبعث من في القبور پس بنويسد بر پارچه يا
بر كاغذی بسم الله الرحمن الرحيم شهد الشهود المسمون في هذا
الكتاب ان اخاهم في الله عز وجل فلان ابن فلان ونام خود را
بنويسد ونام پدر اشهدهم واستودعهم واقر عندهم
انه يشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له وان محمدا صلى الله
عليه واله عبده ورسوله وانه مقر بجميع الانبياء والرسل
عليهم السلام وان عليا ولي الله وامامه وان الائمة من ولده ائمته
وان اولهم الحسن والحسين وعلي ابن الحسين ومحمد ابن علي وجعفر ابن
محمد وموسى ابن جعفر وعلي ابن موسى ومحمد ابن علي وعلي ابن محمد و
الحسن ابن علي والقائم الحجة عليهم السلام وان الجنة حق والنار
حق وان الساعة اتية لا ريب فيها وان الله يبعث من في القبور
وان محمدا صلى الله عليه واله رسوله جاء بالحق وان عليا ولي الله و
الخليفة من بعد رسول الله صلى الله عليه واله ومستخلفه في امته
مؤديا لامر ربه تبارك وتعالى وان فاطمة بنت رسول الله وابنيها
الحسن والحسين ابنا رسول الله صلى الله عليه واله وسبطاه وامام
الهدى وقائدا الرحمة وان عليا ومحمدا وجعفرا وموسى وعليا
ومحمدا وعليا وحسنا والحجة عليهم السلام ائمة وقادة ودعاة
الى الله عز وجل وحجة على عباده پس بگويد ... اينكه نام ... در اين صحيفه

... خواهد رسید با آن و یاوران و یا فلان و نام تا آخر بگوید اتّبعوا
الی هذه الشهادة ... تحضرنی لتقوم بها عند الحوض پس گواهان
با و بگویند یا فلان نشهد ... الشهادة والوفاء والاخاء
وَمَوْعُودَةٌ عِنْدَ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله ونقرأ علیک السلام ورحمة الله
و برکاته پس صحیفه را بپیچند مهر کنند بمهر آن شخص و بمهر گواهان
و او بجانب راست میت با جریده بگذارند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که بر سر شخصی از انصاری در وقت جان کندن حاضر شدند و او را
پرسیدند که خود را چون میبینی گفت امید از رحمت الهی دارم و از گناهان
خود میترسم فرمود که این دو حالت در هیچ دل کسی نمیباشند مگر آنکه
خدا امید او را بدهد و از آنچه میترسد او را ایمن میگرداند و در حدیث
دیگر منقولست که حضرت رسول حاضر شدند نزد شخصی که در حال احتضار
بود فرمودند که بگو اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الْکَثِیرَ مِنْ مَعْصِیَتِکَ
دران
وَاقْبَلْ مِنِّی الْیَسِیرَ مِنْ طَاعَتِکَ واما ... مشغول بخواندن و برادر
مومن است باید که او را در جمیع ... قرآن و دعا
بخوانند و سوره یس و الصافات نزد او بخوانند و اعتقاد بوحدانیت
خدا و رسول صلی الله علیه و آله و امامت ائمه معصومین صلوات الله علیهم
... و سایر اعتقادات حقه از بهشت و دوزخ و ... الهی
و نزد خدا تلقین کنند مکرر بگویند که او بگوید و اگر نتواند گفت
... اگر عرفی نداند بر او القا کنند و پاهای او را بسوی
قبله کنند ... و جنب نزد او نباید که ملائکه از ایشان نفرت

و در حال نزع ... بر او بخوانند

میکنند و اگر کسی دیگر حاضر نباشد برای اضطرار نزد او باشد چون نزدیک
شود که جانش بیرون رود ... در احادیث معتبر وارد
شده است که اگر جان کندن بر او دشوار شود او را ببرند بآنجائی که
همیشه نماز کرده ... او را بخوابانند که امید هست شفا می یابد و اگر نه
جان سپاری میبرد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول ص
داخل شدند بر شخصی از فرزندان عبدالمطلب و او در حال احتضار بود
... رو بسوی قبله کنید تا ملائکه ... رحمت الهی متوجه
او میگردد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که زنها که در حال
احتضار دست برو مگذارید و اگر دست برو نهند ... هرجا که
جاهلان میکنند و نزد او قرآن بخوانند و با خدا بکنند و صلوات بر محمد
و آل او بفرستید و در حدیث دیگر منقولست که فرزندی از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام در احتضار بود و حضرت امام محمد باقر ... در کنار خانه
... نشسته بودند و هرگاه کسی نزدیک او میرفت منع میکردند و میفرمودند
که دست برو مگذارید که او در نهایت ناتوانیست و هرکه دست
برو بگذارد چنان است که ... کشته است و در حدیث معتبر از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که تلقین کنید مردهای خود را که لا
اله الا الله بگوید و هرکه آخر سخنش لا اله الا الله باشد داخل بهشت شود
و در حدیث دیگر فرمود که لا اله الا الله تلقین ایشان بکنید که گناهان
در هم شکند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که هرگاه کسی که در وقت جان کندن بیابید نزد او ... فرج را تلقین کنند

ما یا بر روی جا ... نمازی که ... میکرده است

59

التسبیح

تا بگوید لا اله الا الله الملک [illegible] لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله
رب السموات ورب [illegible] السبع و[illegible] فیهن وما بینهن وما
تحتهن وهو رب العرش العظیم والحمد لله رب العالمین و در حدیث دیگر
فرموده که هر که از اهل ایمان حضرت [illegible] صلوات الله علیه محمد
[illegible] حضرت کلمات فرج [illegible] میفرموده [illegible]
[illegible] میفرموده [illegible] دیگر [illegible]
منقولست که حضرت [illegible] از بنی هاشم [illegible]
در حال [illegible] فرموده که این کلمات [illegible]
[illegible] که خدای او را از آتش جهنم نجات داد و در حدیث دیگر از حضرت
[illegible] منقولست که هیچکس نیست مگر [illegible] شیطان [illegible]
[illegible] میکرد [illegible]
[illegible] کرد [illegible] ایمان [illegible]
[illegible] و اقرأ [illegible]
[illegible] دیگر فرموده که اگر
[illegible] امامت [illegible] علیهم السلام [illegible]
[illegible] از آتش جهنم هیچ عضو او [illegible] فرموده
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible] پس حضرت [illegible]
[illegible] سؤال کنیم [illegible] حضرت فرمود که [illegible]
[illegible] فرمود که [illegible]

٦٠

[illegible] فرمود که بگو اللهم انما [illegible] معاصیک
وا[illegible] فرمود [illegible]
فرموده که [illegible] حضرت فرموده که چه [illegible]
گفت [illegible] فرموده که [illegible]
گفت [illegible] فرموده که [illegible]
که هر که [illegible] که این دعا [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] گفت [illegible]
بگو لا اله الا الله [illegible] گفت حضرت [illegible]
از زنی که [illegible] که این دعا [illegible] گفت [illegible] فرموده که
[illegible] گفتم فرموده که
[illegible] حضرت [illegible] بگو لا اله الا الله
[illegible] گفت [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت فرموده [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت فرموده که [illegible]
گفتم [illegible]
[illegible] فرموده که [illegible] دعا [illegible]
فرموده [illegible] گفت [illegible] که
[illegible] فرموده [illegible]

سنت است که دهانش را [illegible] کنار نهند و جامه‌اش را ببرند و چشمش را بر هم
گذارند و دستهایش را بر پهلویش کشند و جامه بر رویش پوشند و [illegible]
و قرآن نزد او بخوانند و زود بردارندش و از حضرت امام صادق علیه السلام
منقولست که سزاوار آنست که برادران مومن را خبر کنند به بردن جنازه
او حاضر شوند و بر او نماز کنند و از برای او استغفار کنند و میت ثواب
ببرد ایشان ثواب ببرند و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول
که چون مومن را در قبر گذارند ندا میکنند او را که اول عطائی که به تو دهیم
آنست که با جنازه تو آمده‌اند آمرزش گناهانست و در حدیث دیگر فرمود
که اول تحفه که بمومن میدهند در قبر آنست که می‌آمرزند هر کس را که
همراه جنازه او بوده است و در حدیث دیگر فرمود که هر که همراهی جنازه مومن بکند
تا او را دفن کنند حق تعالی در قیامت هفتاد ملک بر او بگمارد که همراهی او کنند
و استغفار از برای او بکنند [illegible] تا موقف حساب و فرمود که هر که
[illegible]
بگیرد از گناهان بیرون آید و بهتر آنست که اول دست راست پیش جنازه را که جانب
جنازه است [illegible] بدوش راست [illegible]
[illegible] پای چپ [illegible]
میت [illegible] دیگر تربیع کند از پیش
جنازه [illegible] برگردد [illegible] تربیع
بجا آورده بهتر آنست که پشت جنازه یا پهلوهای جنازه راه رود و پیش
جنازه نرود و ظاهر [illegible] آنست که اگر جنازه مومن باشد پیش آن

راه رفتن خوبست و در جنازه مخالف [illegible] پیش آن باید [illegible]
او را استقبال عذاب میکنند و با جنازه سوار [illegible] مکروه است و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که جنازه را ببیند و این دعا بخواند
هیچ ملکی در آسمان نماند مگر آنکه گریه کند برای او اللّٰه اکبر هذا ما وعدنا اللّٰه
ورسوله وصدق اللّٰه ورسوله اللّٰهم زدنا ایماناً وتسلیماً الحمد للّٰه الذی
تعزز بالقدرة وقهر العباد بالموت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که هر که تشییع جنازه بکند بهر قدمی که بر میدارد [illegible]
[illegible] نوشته شود و صد هزار گناه از او محو شود و صد هزار درجه برای
او بلند شود و اگر جنازه را نماز کند حق تعالی بعد از [illegible] ملک
بفرستد که بر جنازه او نماز کنند و از برای او استغفار کنند تا وقتی که
دفن شود و اگر بماند تا وقت دفن صد هزار ملک را حق تعالی بفرستد
که از برای او استغفار کنند تا از قبرش بیرون آید در قیامت و در حدیث
معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر مومنی که [illegible]
[illegible] دیگر [illegible] این دعا بخواند گناهان
یکساله او آمرزیده شود مگر کبیره اللّٰهم ان هذا [illegible]
[illegible] المؤمن [illegible]
عفوک [illegible] در حدیث دیگر فرمود که هر که میتی را غسل دهد و [illegible]
عیبهای آن میت بر او ظاهر شود بکسی نقل نکند گناهانش [illegible]
شود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت موسی [illegible]
که چه ثواب دارد کسی که میتی را غسل دهد [illegible]

میشود [illegible] در روز یکبار امر منور شده بوده است و در حدیث
صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر مومنی که مومنی را غسل دهد
در وقت غسل دادن مکرر بگوید رَبِّ عَفْوَکَ عَفْوَکَ خدا او را بیامرزد
و در فقه الرضا علیه السلام مذکور است که در وقت [illegible] هر کس می باید
این دعا بخواند اللّهُمَّ اِنَّ [illegible] محمّد و آله صلوات الله
عَلَیْهِمْ فی طینَتِهِ فاشْرِکْهُ بِهِ [illegible] رَحْمَتِکَ و در حدیث معتبر
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که کفن کند مومنی را چنانست
که ضامن پوشش او شده است تا روز قیامت و هر که بکند از برای
مومن قبری چنان باشد که او را در خانهٔ موافق جا داده باشد تا روز
قیامت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که بر جنازه
نماز کند هفتاد هزار ملک بر او نماز کنند و گناهان گذشته او آمرزیده
شود پس اگر همراهی کند تا او را دفن کنند بهر قدمی که بردارد قیراطی
از ثواب او بدهند که آن قیراط مثل کوه احد باشد و در حدیث دیگر
فرمود که هر مومنی که بر جنازه [illegible] بهشت او را واجب گردد مگر
منافق و عاق پدر و مادر باشد و [illegible] از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که چون مومنی [illegible] در جنازه او [illegible] از مومنان حاضر
[illegible] بگویند اللّهُمَّ اِنّا لا نَعْلَمُ مِنْهُ اِلّا خَیْراً وَ اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنّا
[illegible] خداوند [illegible] و [illegible] احوال او [illegible]
[illegible] بگویند [illegible] که من شهادت شما را قبول کردم
[illegible] آنچه [illegible] که میدانم و شما نمیدانید و در حدیث معتبر از

حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که اول تحفه که به مومن داده
میشود بعد از مردن آنست که [illegible] خدا [illegible]
[illegible]
حضرت صادق منقولست که چون میت را بقبر رسانی [illegible]
[illegible] داخل کن پس چون در قبر گذاری آیة الکرسی بخوان و بگو بسم الله
وَ فی سَبیلِ الله وَ عَلی مِلَّةِ رسول الله صلی الله علیه و آله اللّهُمَّ افْسَحْ
لَهُ فی قَبْرِهِ وَ اَلْحِقْهُ بِنَبِیِّهِ اللّهُمَّ اِنْ کانَ مُحْسِناً فَزِدْ فی اِحْسانِهِ
وَ اِنْ کانَ مُسیئاً فَاعْفُ عَنْهُ وَ ارْحَمْهُ [illegible] و استغفار از برای
[illegible] و حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیه چون میت را داخل قبر میکردند
این دعا میخواندند اللّهُمَّ جافِ الْاَرْضَ عَنْ جَنْبَیْهِ وَ صاعِدْ عَمَلَهُ وَ
لَقِّهِ مِنْکَ رِضْواناً و در حدیث دیگر فرموده که چون میت را در قبر گذارند
باید که اولای مردم نزدیک سر او باشد و نام خدا ببرد و صلوات بر حضرت
رسول صلی الله علیه و آله بفرستد و پناه برد بخدا از شر شیطان و سوره حمد
و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد و آیة الکرسی
بخواند و اگر تواند [illegible] کند و [illegible] و در [illegible]
کند [illegible]
و در حدیث [illegible] چون خاک بر میت بریزی بگو ایماناً
وَ تَصْدیقاً بِبَعْثِکَ هذا ما وَعَدَنا اللهُ وَ رَسُولُهُ [illegible]
[illegible] حسنه [illegible] نوشته شود [illegible] قبر [illegible]
بر کردند نزدیک [illegible] سر قبر بنشیند [illegible]

و تلقین کنند [illegible] منکر و نکیر از او سؤال کنند
و سنت مؤکد است که [illegible] در قبر او بگذارند
[illegible] مستحب است و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه
منقولست که هر که [illegible] باشد
و [illegible] هیچ چیزی کم نشود
و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام که مرده را زیارت کنید که ایشان
خرم می‌شوند [illegible] و چون نزد قبر
او برسد بگوید اللهم جاف الارض عن جنوبهم و صاعد الیک ارواحهم
و لقهم منک رضوانا و اسکن الیهم من رحمتک ما تصل به وحدتهم
و تونس به وحشتهم انک علی کل شیء قدیر و در حدیث معتبر وارد
شده است [illegible] و دست بر قبر
گذارد و هفت مرتبه سوره انا انزلناه فی لیلة القدر بخواند از فزع بزرگ
روز قیامت ایمن گردد و به روایت دیگر منقولست که حق تعالی او را و صاحب قبر
را هر دو بیامرزد و در روایت معتبر منقولست که حضرت امام محمد باقر
[illegible] این دعا را می‌خواندند اللهم ارحم غربته
و صل وحدته و آنس وحشته و اسکن الیه من رحمتک
رحمة یستغنی بها عن رحمة من سواک و الحقه بمن کان یتولاه و در روایت
منقولست که هر که سوره انا انزلناه [illegible] مرتبه
[illegible]
[illegible] برای میت می‌نویسند و چون [illegible]

از اهوال قیامت که برسد حق تعالی [illegible] ملایکه [illegible]
[illegible] و منقولست که مستحب است که [illegible] سوره حمد و قل اعوذ
برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد و آیة الکرسی هر یک را
سه مرتبه [illegible] رسول صلی
[illegible] است که هر که به قبرستان بگذرد و یازده مرتبه قل هو الله احد بخواند
و ثواب آن را به مردگان آن قبرستان [illegible] مردگان اجر و ثواب
باید بدانکه چون این رساله محل ذکر احکام احتضار و غسل و کفن و نماز و دفن
[illegible] باشد
به تفصیل همه در کتاب بحار الانوار مذکور است [illegible] در آداب
مجالس از سلام و مصافحه و معانقه و بوسیدن [illegible] و آداب
نشستن و برخاستن و صحبت داشتن و امثال اینها [illegible] در فضیلت
سلام و آداب آن در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله اصحاب خود را امر فرمود به [illegible] عیادت بیماران و [illegible]
[illegible]
برای عطسه کند و یاری کردن مظلوم و سلام کردن [illegible]
بودن در حدیث معتبر [illegible] منقولست که در بهشت [illegible]
هست که از اندرون بیرون می‌نماید و از بیرون اندرون می‌نماید
از امت من از برای کسی می‌شود که به زبان نیک با مردم سخن گوید و [illegible]
[illegible] و افشای سلام است که [illegible] سلام کند
مسلمانان و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که [illegible]

و[illegible] [illegible] که بر حضور بی سلام کنی وانحضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که هرکه ابتدا کند بسخن کفتن پیش از سلام جوابش مکویید
وکسی را بطعام خود مطلبید پیش از انکه سلام بکند ودر حدیث دیکر
فرمود که عاجزترین مردم کسیست که از دعا عاجز باشد وبخیل ترین مردم
کسی است که در سلام کردن بخیل باشد ودر حدیث دیکر فرموده هرکه [illegible]
از مسلمانان برخورد وبر ایشان سلام کند ثواب یك بنده آزاد کردن در نامه
عملش نوشته میشود وانحضرت صادق علیه السلام منقولست که هر مومنی
که بجماعتی از مومنان سلام کند [illegible] که در جواب سلام میکویند سلام
ورحمة الله وبرکاته [illegible] وانحضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که سلام
کردن سنت است وجواب سلام کفتن واجبست وانحضرت صادق علیه السلام منقولست
که چون کسی سلام کند بلند سلام کند که بشنوند تا نکوید که سلام کردم وجواب
سلام را نکفتند وچون کسی که جواب سلام کوید بلند بکوید که تا آن سلام کننده
نکوید که سلام کردم وجواب سلام مرا نکفتند ودر حدیث دیکر فرمود که [illegible]
السلام علیک بکوید ده حسنه [illegible] السلام علیکم ورحمة الله
وبرکاته بکوید سی حسنه [illegible] ودر حدیث دیکر فرموده که سه
کس [illegible] که بهیچ جمع با ایشان [illegible] تنها باشند کسی که
[illegible] کند میکوئی یرحمکم الله [illegible] که سلام بر
[illegible] کوید السلام علیکم وکسی که کسی را دعا کند میکوید عافاکم الله
[illegible] با ایشان [illegible] میباشند در [illegible] مومنان
[illegible] داخل میشوند [illegible] وانحضرت امیر المومنین صلوات الله علیه

وحضرت امیر المومنین صلوات الله علیه بر زنان [illegible] میکرد [illegible]
داشتند از سلام کردن بر زنان جوان و میفرمودند که میترسم که خوش آید
آواز او [illegible] کناه [illegible] که سلام کردن [illegible]
ایشان را [illegible] میفهمیدند [illegible] معصوم
ومنزه بودند وانحضرت صادق علیه السلام منقولست که ابتدا مکنید اهل
کتاب یعنی یهود ونصاری ومجوس را بسلام وچون ایشان سلام کنند
بکوئید علیکم ودر حدیث دیکر فرمود که چون یهود ونصرانی بایشان
[illegible] سلام کنند بکوئید علیك [illegible] سلام [illegible]
که چون خواهند داخل خانه کسی شوند [illegible] در بیرون خانه سه
مرتبه سلام کنند اگر جواب سلام بشنوند داخل خانه شوند واگر نه برکردند
وجواب این سلام واجب نیست وانحضرت صادق منقولست که [illegible]
سه مرتبه است در مرتبه اول میشنوند ودر مرتبه دوم حذر میکنند ودر مرتبه
سوم اگر میخواهند که رخصت میدهند واگر نمیخواهند ساکت میشوند که
او برکردد [illegible] [illegible]
بکنید وسلام بر اهلش [illegible] صادق علیه السلام فرمود که [illegible]
بر زمین زدن وسلام کردن است [illegible] خبردار شوند [illegible]
در فضیلت مصافحه یعنی دست یکدیکر کرفتن ومعانقه یعنی دست
بکردن یکدیکر کردن وبوسیدن وآداب هریك در حدیث صحیح از حضرت
منقولست که از تمامی تحیت وسلام [illegible] مصافحه
[illegible] سلام کردن کسی که از سفر آمده باشد دست در کردن یکدیکر کردن

ودر حدیث معتبر از ابو عبیده منقولست که گفت ... ردیم کجاوه حضرت امام
محمد باقر علیه السلم بودم من اول بکجاوه بر رفتم پس آنحضرت بکجاوه میرفتند
چون هر دو در کجاوه درست می نشستیم حضرت بر من سلام میکرد ... و احوال
از من میپرسیدند مانند کسی که مدتی باشد که یکدیگر را ندیده باشند
و با من مصافحه میکردند و چون از کجاوه فرود می آمدیم اول آنحضرت فرود
می آمدند پس چون هر دو بر زمین قرار میگرفتیم سلام میکردند و احوال میپرسیدند
مانند کسی که مدتها یکدیگر را ندیده باشد من گفتم یا ابن رسول الله شما
کاری میکنید که مردم که ... اینجا ... چنین نمیکنند ...
مگر نمیدانی که مصافحه کردن چه ثواب دارد بدرستی که دو مومن که با یکدیگر
ملاقات میکنند و مصافحه میکنند پیوسته گناهان از ایشان میریزد
چنانچه برگ از درخت میریزد و حق تعالی نظر رحمت بسوی ایشان میکند تا از
یکدیگر جدا شوند و در حدیث معتبر دیگر از ابو حمزه منقولست که
گفت هم کجاوه بودم با حضرت امام محمد باقر ... چون ... فرود آمدیم
حضرت ... راهی رفت ... برگشت و دست مرا گرفت ...
دادند گفتم فدای تو شوم ... با شما بودم ... کجاوه حضرت فرمود که مگر نمیدانی
که ... چون ... حرکتی بکند ... از آن دست برادر مومن خود را بگیرد
حق تعالی نظر رحمت بسوی ایشان می افکند و پیوسته ...
کرده اند و گناهان میفرماید که فرو میریزد از ایشان تا آنکه چون
جدا میشوند هیچ گناه بر ایشان نماند و در حدیث حسن از حضرت
... علیه السلم منقولست که حد مصافحه آنست که ... درخت ...

بسیار از آن

بسیار از آن مصافحه سنت است و حضرت امام محمد باقر علیه السلام ... سزاوار است
که دو مومن از یکدیگر پنهان شوند اگرچه درختی باشد که در میان ایشان فاصل
شود پس چون ملاقات کنند باید که مصافحه کنند و در حدیث دیگر
فرمود که دست را دیرتر بکشد ثوابش بیشتر است و حضرت صادق علیه السلام
فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه وآله با کسی مصافحه نکردند که دست
را از دست او بکشند تا آنکه آنشخص دست را بکشد و در حدیث دیگر
که با یکدیگر مصافحه کنید که کینها را از سینها می برد و فرمود که مصافحه
با مومن بهتر است از مصافحه کردن ملائکه و از حضرت ... منقولست
منقولست که چون ... مومن ملاقات نمائید با ایشان مصافحه
کنید و بشاشت و خوشحالی نزد ایشان ظاهر کنید تا آنکه چون جدا شوند
هیچ گناهی بر شما نمانده باشد و با دشمن نیز مصافحه کنید هرچند
او نخواهد که خدا چنین امر فرموده است و باعث دفع دشمنی او میشود
و در حدیث معتبر از ابو اسحق ... منقولست که گفت من در کوفه میبودم
... ... آنحضرت ... ترسیدم ... علام
خود امر کردم که هر که ... بخواهد ... بگوید که ... غائب است پس در آن سال بحج
رفتم و چون بخدمت حضرت صادق ... رفتم آنحضرت از خود ... دیدم ...
یافتم گفتم فدایت شوم چه چیز باعث تغییر شما شده است
فرمود که آنچه باعث تغییر تو شده است از مومنان گفتم
از شهرت ترسیدم و خدا میداند که چه مقدار ... ایشان ...
حضرت فرمود که ای اسحق ملال بهم مرسان از بسیاری آمدن ...

مومن [illegible] که چون برادران مومن با برادر مومن خود برمیخورد
و با او مرحبا میگوید خدا از برای او [illegible] مرحبا میگوید [illegible] چون
با یکدیگر ملاقات مینمایند و مصافحه میکنند حق تعالی بر ایشان صد رحمت
میفرستد که نود و نه از آنها از آنست که دیگری را بیشتر دوست میدارد و بهتر
رحمت بسوی اصحاب او بیشتر پس چون دست بر گردن یکدیگر کنند رحمت
ایشان را فرو میگیرد پس چون از برای خدا یکدیگر را ببینند و غرض دنیوی
نداشته باشند با ایشان خطاب میرسد که آمرزیده شده اید عملها را
از سر بگیرید چون از یکدیگر احوال بگیرید و سخن گویند ملایکه با
میگویند که دور شوید که میخواهند که با یکدیگر راز بگویند و خدای
بر ایشان پوشانیده است اسحاق گفت پس حرفی که میگویند ملایکه نمی
نویسند حضرت [illegible] آنها کنند و گریستند آنقدر که آب
دیده مبارک ایشان بر روی ریخت [illegible] ایشان روان شد فرمود که ای
اسحق حق تعالی ملایکه را امر فرموده است که چون دو مومن با یکدیگر ملاقات
کنند از ایشان دور شوند برای حرمت ایشان [illegible] نمی نویسند
[illegible] خداوند که مطلع [illegible] بر احوال ایشان و از پنهان و آشکار
[illegible] پنهان است نزد او آشکار است میداند که چه میگویند برای
[illegible] از خدا بترس چنانچه گویا او را میبینی و اگر تو او را نمی بینی او ترا
[illegible] و اگر گمان میکنی که ترا نمی بیند کافر میشوی و اگر میدانی
[illegible] می بیند و گناه را از خلق پنهان میکنی و نزد او هویدا میکنی
[illegible] او را از همه کس سهل تر شمرده و در حدیث دیگر فرمود که شما را [illegible]

کردن

کردن مثل ثواب [illegible] آنست که در راه خدا جهاد میکند و از حضرت امام محمد باقر
و حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما منقولست که هر مومنی که
از خانه بیرون رود بقصد دیدن برادر مومن خود و حق او را شناسد
حق تعالی بهر گامی که بردارد حسنه در نامه عملش بنویسد و گناهی را از نامه عمل
[illegible] و درجه برای او بلند گرداند پس چون در خانه را بکوبد درهای
آسمان برای او گشوده شود پس چون با یکدیگر ملاقات کنند و مصافحه کنند
و دست در گردن یکدیگر کنند حق تعالی رو بسوی رحمت خود ایشان کند
[illegible] حق تعالی با ایشان بر ملایکه مباهات کند و فرماید که نظر کنید بسوی
این دو بنده که بدیدن یکدیگر رفتند و از برای رضای من با یکدیگر دوستی
کردند بر من لازم است که بعد از این ایشان را عذاب نکنم پس چون برگردد
او را مشایعت کنند ملکی چند بعدد نفسهای او و گامهای او و سخنهای
او و او را حفظ کنند از بلاهای دنیا و [illegible] تا روز دیگر آن وقت و اگر
در بین میان [illegible] حساب قیامت [illegible] یابد و اگر مومن دیگر هم حق
او را شناخته [illegible] ثواب او هم داشته باشد و
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که شما شیعیان را نوری در پیشانی است
که بآن نور شما را در دنیا میشناسند چون یکدیگر بر میخورید [illegible]
[illegible] و در حدیث حسن دیگر فرمود که [illegible]
بوسیدن [illegible] کسی [illegible] رسول خدا صلی الله علیه و آله کسی که [illegible]
[illegible] حضرت رسول باشد و [illegible] معصومین
باشند و [illegible] که شامل سادات و علما [illegible] باشد [illegible]

ایشان برای آن می‌کردند که فرود از آن حضرت با حاملان علوم دین و فروع دین با حضرت ائمه
را خوطانست که بعد از وفات مبارک بوسیر و امام را ببوسند چنانچه
در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلم منقولست که شایسته نیست [illegible]
بوسیدن مگر پیغمبر یا وصی پیغمبر را و در حدیث صحیح از حضرت امام
موسی علیه السلم منقولست که کسی که خویش مؤمن را برای خوشنودی خدا ببوسد
[illegible] بوسیدن برادران مؤمن را پهلوهای روی ایشان ببوسند و امام را
میان دو چشمش ببوسند و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که دهن
بوسیدن نمی‌باشد مگر از برای زن و فرزند خود [illegible]
نشستن بدانکه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که وصیت فرمود
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه را که هشت کس‌اند که اگر خوار شوند
ملامت نکنند مگر خود را اول کسی که بر سر سفره که او را نخوانده باشند حاضر شود
و کسی که [illegible] بر صاحب خانه و کسی که طلب خیر کند از دشمنان خود و کسی که
توقع احسان کند از لئیمان و بخیلان و کسی که خود را داخل کند در رازی که
میان دو کس باشد بی رخصت ایشان و کسی که [illegible] بپادشاه
کسی که [illegible] کسی که [illegible] و از حضرت امیر المؤمنین
منقولست که کسی که مجموع [illegible] سه خصلت یا یکی از آنها در او نباشد
[illegible] در مجلس ننشیند اول آنکه [illegible] پرسند جواب
[illegible] دوم آنکه چون دیگران عاجز شوند [illegible] توانند کرد
سوم آنکه [illegible] باشد نتواند که
و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که سزاوار نیست که مؤمن بنشیند

۵۶

مگر رو به قبله که نشستن [illegible] بهترین مجلسها [illegible]
و [illegible] از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که [illegible] مجلس خود [illegible]
باشد از مجلسی که سزاوار است و هر که برسد و سلام کند [illegible]
که صاحب خانه [illegible] برای او جای [illegible]
و در حدیث دیگر فرمود که چون مردم در مجلس خود بنشینند و [illegible]
اگر کسی از ایشان [illegible] برخیزد [illegible] مکان او [illegible]
تا [illegible] و اگر کسی جائی از برای او [illegible]
که خواهد [illegible] بنشیند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که چون کسی به خانه
کسی بیاید هر جا که صاحب خانه می‌فرماید بنشیند که صاحب خانه [illegible]
بدخانه خود [illegible] و حضرت امیر المؤمنین فرمود که زنهار که
بر سر راهها منشینید و در حدیث دیگر فرمود که نباید کسی که در میان
جائی بنشیند [illegible] از آن [illegible] و از حضرت امام حسن [illegible]
[illegible] که هر که [illegible]
[illegible] باشد پیوسته خدا و ملائکه بر او صلوات می‌فرستند تا برخیزد
و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که چون [illegible] داخل مجلسی می‌شد
[illegible] هر گاه [illegible] می‌بود می‌نشست و در روایت دیگر
حضرت صادق [illegible] منقولست که در اکثر اوقات رسول خدا [illegible]
می‌نشست و در حدیث حسن منقولست که حضرت [illegible]
می‌نشست که هر دو زانوها را از زمین بر می‌داشتند و دستها را بر

بایین زانوها گذاشته اند ساعد یکدست را بدست دیگر میگرفتند و گاهی دو زانو می‌نشستند و گاهی یک پای را بر روی پای دیگر میگذاشتند و مکر چهار زانو می‌نشستند و در حدیث حسن از ابوحمزه منقول است که گفت دیدم که حضرت امام زین العابدین علیه السلام نشسته بودند و یک پای بر بالای پای دیگر گذاشته بودند گفتم مردم این نشستن را مکروه می‌دانند و میگویند که این نشستن پروردگار است حضرت فرمود که من برای ماندگی چنین نشسته‌ام و خدای را ماندگی نمیباشد و او را پینکی و خواب نمیباشد و جسم نیست و نشستن او را نمی‌باشد و در روایت دیگر منقول است که حضرت صادق علیه السلام چنین نشسته بودند و پای راست را بر روی ران چپ گذاشته بودند و در حدیث معتبر منقول است که رسول خدا فرمود که سزاوار نیست که جماعتی که با یکدیگر بنشینند در میان ایشان بقدر استخوان ذراع که [illegible] باشد و از هر طرف میان خود و دیگری فاصله بگذارند که از گرما آزار نکشند و از حضرت صادق منقول است که ادم [illegible] که در [illegible] حیوان [illegible] می‌نشیند [illegible] حدیث وارد شده است که احتبا دیوار عربان است و احتبا آنست که پاها را بایستد بجامه به بندد و [illegible] و حدیث یا دسته را قفل کنند [illegible] بسیار بیاز حاجت چنانکه [illegible] یعنی ایشان را از صحراها [illegible] که نزدیک [illegible] بیاز [illegible] بعوض تکیه برد بوار کردن و در حدیث موثق از حضرت [illegible] منقول است که پرسیدند که احتبا چون است فرمود که اگر عورت نمایان نمیشود باکی نیست و در حدیث دیگر فرمود که

حایز نیست

حایز نیست مرد را که احتباء کند در برابر کعبه [illegible] و در آداب ملاقات صاحب خانه با کسی که بخانه او می‌آید و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول است که برخاستن از برای تعظیم مکروه است مگر از برای کسی که بجهت دین مانند علم و صلاح و نیکی تعظیم کند و از حضرت رسول منقول است که چون کسی که داخل خانه نمیشود بر اهل آن خانه است که در وقت داخل شدن و بیرون رفتن پاره با او راه روند و فرمود که چون کسی داخل خانه شود بر صاحب خانه حاکم است تا وقتی که بیرون آید و آنچه گوید میباید که صاحب خانه اطاعت کند و از حضرت صادق منقول است که کسی که تحفه برای مومنی بیارد [illegible] بالشی یا متکایی ثابت یا طعامی یا پوشیدنی یا لباسی کند بر او بهشت لازم میشود که او را دهد پس حق تعالی او را وحی فرماید که من طعام بهشت را بر اهل دنیا حرام کردم مگر بر پیغمبر یا وصی پیغمبر چون روز قیامت شود بهشت حاضر شود [illegible] که امر نمود تحفه‌های ایشان را بده [illegible] کنیزان از بهشت بیرون آیند با طبقهای که بر روی آنها دستمالها از مروارید که انداخته باشند و بنزد ایشان بیرون آیند چون ایشان نظر کنند بجهنم و اهوال آن و بهشت و آنچه در آن هست عقل از [illegible] و از آن طبقها نخورند پس منادی از زیر عرش ایشان را ندا کند که حق تعالی حرام کرده است جهنم را بر کسی که از [illegible] بهشت بخورد پس دست دراز کنند و بخورند و در حدیث معتبر از منقول است که [illegible] مخصوص [illegible] حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه

امده که حضرت رسول هر یک از ایشان النبی اذا حضر ... کی بر ... البنی
نشست و دیگری آمد که حضرت فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که
هرگاه بیاید بسوی شما کسی که نزد قوم خود گرامی باشد شما او را گرامی دارید و در
حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سه کس اند که کسی جاهل
بحق ایشان نیست مگر منافقی کسی که در اسلام ریشش سفید شده باشد
و کسی که حامل لفظ و معنی قرآن باشد و امام عادل و فرمود که از تعظیم خدا
تعظیم پیران کردن و از حضرت رسول منقولست که کسی را که گرامی کنند
و او را گرامی دارند باید که او را قبول کند و رد نکند که رد نمیکند گرامی
را مگر خر و در حدیث حدیث از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدند که
که کدامست این گرامی که رد نمی باید کرد فرمود مثل آنکه جائی از برای او بگشایند
یا بوی خوشی برای او بیاورند یا بالشی برای او بگذارند یا مثل اینها از گرامیها
و از حضرت امام حسن علیه السلام منقولست که اکرام مکن کسی را که چیزی
که بر وی دشوار باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه
خدمت کند گروهی از مسلمانان حق تعالی بعدد ایشان ... در
بهشت با او کرامت فرماید و حضرت صادق فرمود که هرکه برادر مومن
او بسوی او بیاید و او را گرامی دارد چنانست که خدا را گرامی داشته است
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر بنده که ... کسی با برادر
مومن خود کند حق تعالی او را از خدمه بهشت کرامت فرماید و در حدیث
دیگر فرمود که هرکه گرامی کند برادر مومن را بکلمه که از روی لطف
با او بگوید و غمی از او بردارد پیوسته در سایه رحمت الهی ... مشغول

این کرام باشند در ... در بیان ... و آداب ...
روانست و جماعتی که همنشینی و مصاحبت ایشان سزاوار است که از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام منقولست که متابعت کن کسی را که ترا بگریاند و خیرخواه تو
و متابعت مکن کسی را که ترا بخنداند و در مقام فریب دادن تست و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که نظر کنید که با کسی مکوشید و مصاحبت
میکنید که هر کسی در وقت مرگ مصاحبانش را او مینمایند که اگر
خالصان نیکو است از مصاحبت ایشان شاد میشود و اگر حالشان بد است
غمگین میشود و حضرت ... فرمود که بهترین برادران تو نزد من کسی است که
عیبهای مرا بمن بگوید و فرمود که بر تو باد بمصاحبت ... احبان ... و حذر
کن از مصاحبت مصاحبان تازه که ایشان مهدی و امانی و وفائی نیست
و بر حذر باش از هر کسی هر چند امتداد بسیار داشته باشی و حضرت
امیرالمومنین در وقت وفات وصیت فرمود که ... اجتناب بکن از جاها
که محل تهمت ... و از مجلسی که گمان بد باو می برند که همنشین بد
... صاحب خود را ... و ... منقولست
که سزاوارترین مردم بتهمت کسی است که با اهل تهمت همنشین باشد
و از حضرت امیرالمومنین منقولست که هر که خود را در محل تهمت در
آورد ملامت نکند کسی را که گمان بد باو می برد و از حضرت امام ...
منقولست که بپرهیز بدار مواضع شک و تهمت و باید که ...
ماده خود در میان راه ... که ... اند که ما در
او ... منقولست که حضرت عیسی فرمود که مصاحب

بد اخلاقی سرایت میکند بانکس و همنشین بد انکس را هلاک میکند پس
نظر کن باکه همنشینی میکنی و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که دوستی نیکان
با نیکان ثوابی است برای نیکان و دوستی بدان با نیکان فضیلتی است برای نیکان
و دشمنی بدان با نیکان زینتی است برای نیکان و دشمنی نیکان با بدان
خواریست برای بدان و از حضرت امام زین العابدین علیه السلم منقولست که
پنج کس مصاحبت و همزبانی و رفاقت نباید کرد زینهار که با دروغگو مصاحبت
مکن که او از باب سرابست بد و عیبهای خود [illegible] و دور را
برابر تو نزدیک مینماید و نزدیک را در نظر تو دور مینماید زینهار که
مصاحبت مکن با فاسق که او ترا بیک طعام خوردن یا کمتر از آن بدیگری میفروشد
و با بخیل مصاحبت مکن که او ترا از مال خود یاری نمیکند در هنگامی که نهایت
احتیاج بهمراهی او داری و با احمق مصاحبت مکن که اگر خواهد بتو نفع رساند
ضرر میرساند و با کسی که قطع رحم کند مصاحبت مکن که حق تعالی در سه
موضع از قرآن مجید او را لعنت کرده است و حضرت صادق فرمود که سزاوار
نیست مسلمانرا که با فاجر و احمق و دروغگو برادری کند و حضرت [illegible]
فرمود که سه کس‌اند که همنشینی ایشان دل را میمیراند نشستن با مردم دون
و سخن گفتن با زنان و نشستن با توانگران و حضرت لقمان بپسر خود
گفت که بسیار با آشنایان نزدیک مرو که باعث خواری میشود
و از ایشان دوری هم مکن که خوار میشوی و [illegible] با کسی باش که خواهان
آن باشند [illegible] دوستی [illegible] نیکو [illegible]
بد کردار دوستی بد باشد هر که [illegible]

همچنین هر که با بدکردار مصاحبت میکند از بدبختی [illegible] و هر که مجادله
با مردم میکند دشنام میشنود و هر که در محال بد داخل میشود تهمت زده
میشود و هر که با دشمن بدی نشیند از بدی سالم نمی‌ماند و هر که زبان خود
نگاه ندارد همیشه پشیمانی میبرد و از حضرت صادق منقولست که مصاحبت
و همنشینی با اصحاب بدعت مکنید که نزد مردم مثل ایشان خواهید بود و حضرت
٦٥ رسول صلی الله علیه و آله فرمود که آدمی بر دین دوست و مصاحب خود میباشد
و فرمود که [illegible] با احمق مصاحبت مکن که [illegible]
[illegible] و از رسول صلی الله علیه منقولست که [illegible]
الحجت [illegible] و از حضرت صادق منقولست که
برادر مومن را برادری که مکروه او باشد [illegible] و نتواند که او را
[illegible] اجتناب
[illegible] مصاحبت [illegible]
صلوات الله علیه فرمود که بدترین مصاحبان [illegible] کسی است که معصیت خدا
در نظر تو زینت دهد [illegible] که همنشینی با بدان موجب گمان بد بردن
[illegible] و در حدیث [illegible] از حضرت صادق علیه السلم منقولست که
نظر کن بهر که نفع دینی بتو نمیرساند مصاحبت او [illegible]
[illegible] که
[illegible]
[illegible] شکر [illegible] که کسی [illegible]
[illegible] و از حضرت امام [illegible] علیه السلم منقول
که [illegible]

برهوی فرشتهای ... و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حواریان
بحضرت عیسی گفتند که با که همنشینی کنیم فرمود که با کسی که خدا را یاد
شما آورد دیدن او و علم شما بیفزاید سخن گفتن او و شما را بسوی آخرت
رغبت بفرماید کردار او و در حدیث دیگر فرمود که با اهل دین نشستن شرف
دنیا و آخرتست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلم فرمود که یک نشستن با کسی
که اعتماد بر او داشته باشم نزد من بهتر است از عبادت یکسال و در حدیث
دیگر فرمود که با توانگران منشینید که بنده اول با ایشان می نشیند چنان
میداند که خدا بر او نعمتی دارد و چون برخاست [illegible] چنان گمان میکند
که خدا هیچ نعمت بر او ندارد و از حضرت رسول [illegible] منقولست که چهار چیز است
که دلها را میمیراند [illegible] گناه کردن و با زنان بسیار سخن گفتن و با احمقان
مجادله کردن که تو گوئی و او گوید و هرگز بر خیر بر نگردد و همنشینی با مردگان کردن
گفتند یا رسول الله مردگان کیستند فرمود هر توانگری که خدا او را
در آسایش کرده باشد و از حضرت امام زین العابدین علیه السلم منقولست که
بفرزندان خود سفارش فرمود که با ظالمان [illegible] همنشینی مکنید و اگر
[illegible] ناچار باشید [illegible] مومنین [illegible] از [illegible] ایشان
و اگر ناچار باشد از همنشینی مردم پس با صاحبان مروت بنشینید که
ایشان در [illegible] نمیکنند و از حضرت امام موسی علیه السلم
منقولست که [illegible] است که آدمی [illegible] که
[illegible] مانند یکی [illegible] و در حدیث دیگر منقولست که حضرت
لقمان با پسر خود گفت [illegible] نظر کن در مجالس
اگر جمعی را ببینی که یاد خدا میکنند با ایشان بنشین زیرا که اگر تو عالمی

علم تو زیاده میشود و اگر جاهلی ترا [illegible] میکنند و شاید که خدا رحمتی بر ایشان
بفرستد و ترا هم با ایشان فرا گیرد و اگر ببینی جماعتی که یاد خدا نمیکنند
با ایشان منشین که اگر تو عالمی علمت ترا نفع نمیرساند و اگر جاهلی جهلت زیاد
میشود و شاید که عذابی از خدا بر ایشان نازل شود و ترا هم با ایشان فرو
٦١ گیرد و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که بر
تو باد به اختیار نمودن مجالسی که در آنجا یاد خدا کنند و در حدیث دیگر
فرمود که دانا [illegible] گمان [illegible] گفتند که سزاوار است که ترک
کردن [illegible] باشد اول رفتن بخانه که خدا [illegible]
و عمره دوم در خانه پادشاهان [illegible] ایشان طاعت خدای متعال
و حق ایشان واجب است و نفع شان عظیم است و ضرر مخالفت ایشان بسیار است
سیوم در خانه علما که از ایشان استفاده علوم دین و دنیا نمایند چهارم
در خانه اهل جود [illegible] بخشش که مال خود را [illegible] امید میدارند پنجم
در خانه [illegible] که در حوادث دهر با ایشان محتاج میشوند و در
در حاجتها با ایشان پناه می برند ششم در خانه اشراف و بزرگان برای طلب
عزت و احتیاج با ایشان هفتم در خانه جمعی که نزد ایشان امید منفعت دارند
از جهت رای [illegible] ایشان و نفوذ [illegible] در امور و مشوره کردن با
ایشان هشتم در خانه برادر مومن به سبب آنکه مواصلت ایشان واجب و
حق ایشان لازم است نهم در خانه دشمنانی که بمواصلت و مدارا کردن
ساکن بشود ضررهای ایشان و برفق و مدارا [illegible] عداوت ایشان
دفع شود دهم در خانه جمعی که از دیدن ایشان ادب حسنه استفاده

مبتلا نکرد و انس بن [illegible] مبتلا نگردد [illegible] در آداب عطسه
و آروغ و آب دهان انداختن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که
عطسه از برای بدن نافع است [illegible] که چون [illegible] سه روز
کند و چون بیمار شود او را عیادت کند و در غیبت حفظ [illegible] او باشد
و چون عطسه کند او را دعا کند و باید که اگر عطسه کند بگوید الحمد لله
رب العالمین لا شریک له و دیگران باو بگویند یرحمک الله و او در جواب
بگوید یغفر الله لکم و یرحمکم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است
که چون کسی عطسه کند او را دعا کنید اگرچه [illegible] در میان [illegible] فاصله
باشد و در حدیث [illegible] از حضرت [illegible] منقول است که [illegible]
از شیطان است و عطسه از خداست [illegible] و در حدیث دیگر
منقول است که [illegible]
[illegible] کند
[illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible] که [illegible]
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که [illegible] عطسه [illegible]
[illegible] و در حدیث حسن از [illegible] منقول است
که [illegible] کسی عطسه کند بگوید الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی
محمد و اهل بیته [illegible] و در حدیث دیگر فرمود که چون کسی عطسه کند
باو بگویند یرحمک الله و او در جواب بگوید یغفر الله لکم و یرحمکم

72

و در حدیث دیگر فرمود که کسی که عطسه کند بگوید الحمد لله لا شریک له
و دیگران باو بگویند یرحمکم الله و در جواب بگوید یغفر الله لک ولنا
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که [illegible] بالنبی [illegible]
عطسه کرد و گفت الحمد لله حضرت باو فرمود بارک الله فیک و در حدیث دیگر
منقول است که حضرت صادق علیه السلام عطسه کردند پس فرمودند الحمد لله
رب العالمین [illegible] و گفتند [illegible] نعم [illegible]
[illegible] و در حدیث معتبر منقول است که هر که بعد از عطسه بگوید
الحمد لله رب العالمین علی کل حال هرگز درد گوش و درد دندان [illegible]
صادق علیه السلام منقول است که هر که عطسه کسی را بشنود و حمد الهی کند و
صلوات بر محمد و اهل بیتش بفرستد هرگز بدرد چشم و درد دندان مبتلا نشود
و فرمود که این را [illegible] اگرچه دریا در میان تو و او فاصله باشد و در حدیث
دیگر فرمود که [illegible] درد دندان و درد گوش که چون کسی عطسه کند
حاضران [illegible] و در حدیث دیگر منقول است که [illegible] عطسه کرد [illegible]
باو گفتند یرحمک الله و در حدیث دیگر از حضرت رسول منقول است که
که چون مسلمانی عطسه کند و ساکت باشد از برای علتی ملائکه از جانب
او بگویند الحمد لله رب العالمین و اگر او بگوید الحمد لله رب العالمین ملائکه
میگویند یغفر الله لک و فرمود که عطسه کردن بیمار [illegible]
و راحت بدن است از حضرت صادق منقول است که عطسه [illegible]
[illegible] مادام که زیاده از سه نشود و چون زیاده از سه شود [illegible]
بیمار [illegible] و در حدیث دیگر فرمود که هر که عطسه کند [illegible]

کذارد و بگوید الحمد لله رب العالمین کثیرا کما هو اهله و صلی الله علی محمد
النبی و آله و سلم از سوراخ چپ بینی او مرغی بیرون اید از ملخ کوچک
تر و از مگس بزرگتر تا برود بزیر عرش و استغفار کند از برای او تا روز
قیامت و در حدیث دیگر فرموده که کسی که عطسه کند تا هفت روز از مرض
ایمن است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله در چند روایت منقولست که عطسه
تصدیق میکند سخنی را که مقارن او واقع میشود [illegible] و آنا سخن
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که عط[illegible] مرتبه دعا بگو و چون
[illegible] و در روایت دیگر منقولست که [illegible] کسی عطسه
کند سزاوار است که [illegible] شهادت بر روی بینی گذارد و بگوید الحمد لله
رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین رغم انفی لله رغما داخرا صاغرا
غیر مستنکف و لا مستحسر و هرگاه دیگری عطسه کند [illegible] مرتبه بگوید
یرحمک الله و چون زیاده شود بگوید شفاک الله و [illegible] و هر مؤمن عطسه کند
یرحمک الله و اگر زن باشد بگو یعافیک الله و اگر [illegible] ولله در
و اگر [illegible] باشد بگو [illegible] الله و اگر کافر ذمی باشد بگو یهدیک الله و اگر پیغمبر یا
امام باشد بگو صلی الله علیک و او در جواب بگوید یغفر الله لنا و لکم و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که [illegible] عطسه کردن [illegible] از پنج درد ایمن [illegible]
[illegible] زکام [illegible] چهار [illegible] صداع [illegible] و خشونت [illegible]
[illegible] چشم [illegible] عطسه [illegible]
بینی [illegible] ملک [illegible]
امام محمد باقر منقولست که [illegible] عطسه کند [illegible] حمد الهی [illegible]

۷۳

مکرر [illegible] منقولست که [illegible] امیر المؤمنین علیه السلام
منقولست که چون عطسه کند [illegible] بگوید یرحمکم الله و او در جواب بگوید یهدیکم الله
لکم و یرحمکم [illegible] و از حضرت امام رضا منقولست که صلوات [illegible]
آنحضرت [illegible] عطسه [illegible] حیوانات [illegible] حدیث [illegible]
حضرت رسول منقولست که کسی که از وقت زنده [illegible]
[illegible] محمد [illegible] حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقولست که [illegible] و اگر [illegible]
استغفار کند [illegible] حسن از حضرت صادق منقولست که [illegible]
در نماز عطسه کند الحمد لله بگوید و در حدیث دیگر [illegible] که کسی
عطسه میکند [illegible] بگو الحمد لله و صلی الله علی محمد و آل محمد [illegible] میان
[illegible] که عطسه کرده است [illegible] در سراغ کردن
و چند [illegible] کردن و آداب صحبت [illegible] در آن مجلس [illegible]
در حدیث صحیح [illegible] امام محمد باقر و در حدیث دیگر از حضرت امام [illegible] علیهما السلام
علیهما السلام منقولست که چون کسی سه نفر در مجلسی باشند دو نفر [illegible]
[illegible] که [illegible] و ایذای آن [illegible]
و [illegible] از حضرت رسول منقولست که هر که در میان سخن برادر مسلمان خود
سخن بگوید [illegible] است که [illegible] و [illegible] کرده است و در [illegible]
[illegible] منقولست که مجلس [illegible] است یعنی [illegible] باید که [illegible]
دیگر [illegible] که [illegible] حضرت رسول
[illegible] است [illegible] و نقل [illegible]

مگر آنکه آن علمی باشد که اظهار آن لازم است یا ذکر نیکیهای آن شخص باشد و
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که مجالس امانت است مگر مجالسی که
در آن خون حرامی که ریخته شود یا فرج حرامی را حلال کنند یا مالی را بناحق ببرند
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هیچ مومنی نیست مگر آنکه در وی مزاح
و خوش طبعی میباشد و در حدیث دیگر منقولست که آن حضرت از شخصی پرسیدند
که خوش طبعی کردن شما با یکدیگر چونست گفت کم است حضرت [illegible] که بکنید
که مزاح کردن از نیکی خلق است و موجب خوشحالی برادر مومن میشود و بسیار
بود که حضرت [illegible] صلی الله علیه و آله مزاح میکردند با شخصی که [illegible] او را شاد کردانند
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که خدا دوست میدارد کسی را که
خوش طبعی میکند در میان مردم مادام که فحش نگوید و از حضرت صادق ع
منقولست که خنده بدن مومن میباید تبسم باشد و صدا نداشته و
در حدیث دیگر فرمود که بسیار خندیدن دل را میمیراند و دین را میگدازد
چنانچه آب نمک را میگدازد و فرمود که از نادانی است خندیدن بی آنکه تعجبی
باعث آن شود و در حدیث دیگر فرمود که زنهار مزاح بسیار مکنید
که آبرو را می برد و فرمود که چون کسی را دوست داری با او مزاح مکن و مجادله
مکن و در حدیث دیگر فرمود که قهقهه کردن از شیطان است و فرمود که
بسیار خندیدن آبرو را می برد و از حضرت امیرالمومنین منقولست که زینهار
که قهقهه مکنید که کینها بهم میرسد و دشنام کوچک است و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون خنده قهقهه بکنی بعد از
فارغ شدن بگو اللهم لا تمقتنی و از حضرت صادق ع منقولست

که

که مزاح کردن آبرو را می برد و مهابت مرد را بر طرف میکند و در حدیث
دیگر فرمود که مجادله مکن که محبت را می برد و خوش طبعی مکن که باعث جرأت
مردم میشود بر تو و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی ع منقولست که مزاح
مکن که نور ایمانت را میبرد و مروتت را سبک میکند و در حدیث
دیگر منقولست که حضرت یحیی ع میگریست و نمی خندید و حضرت عیسی ع میگریست
و میخندید [illegible] ع میکرد بهتر بود از آنچه یحیی میکرد و در حدیث
دیگر منقولست [illegible] ع بحضرت سلیمان ع گفت که ای فرزند زنهار که
خنده بسیار مکن که بسیار خندیدن آدمی را فقیر میکند در روز قیامت و حضرت
رسول ص [فرمود] تعجب دارم از کسی که ایمان بجهنم دارد چرا میخندد و حضرت صادق فرمود
که چه بسیار کسی که بسیار بخندد از روی لعب در قیامت گریه اش بسیار باشد و چه
بسیار کسی که بسیار گرید بر گناه خود در بهشت خوشحالی و خنده اش بسیار شود
پس از این احادیث و بسیار دیگر چنین ظاهر میشود که مومن میباید که عبوس
و [illegible] نباشد و [illegible] رو خندان باشد و قدری از مزاح مطلوبست
اما بسیار خندیدن و بسیار خوش طبعی کردن مذموم است و فعل بیکاران و
سفیهان است

فصل هشتم

در سایر آداب مجالست و حقوق اصحاب
مجلس بر یکدیگر از حضرت رسول ص منقولست که نیکو مجاورت کن با کسی که
با تو مجاورت کند تا مومن باشی و نیکو مصاحبت کن با مصاحبان خود
تا مسلمان باشی و از مفضل منقولست که حضرت صادق [illegible] فرمود
که صاحب تو که بود در راه گفتم که بعضی از برادران مومن فرمود که او
را چه شد گفتم او داخل مدینه شده ام جایش را ندانم فرمود که [illegible]

بدانی که کسی که جهل کام با کسی مصاحبت کرد حق تع او را سر[illegible] میکند
در قیامت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که همین بس است که
آدمی را که از عیب مردم چیزی چند ببیند که از خود چشم بپوشد و مردم
سرزنش کند بر چیزیکه خود ترک آن نتواند کرد و آزار کند همنشین خود را
بچیزیکه نفعی باو ندهد و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که مردم باید اصل دین
مومن را آرزو باید کرد و حاجت [illegible] نباید [illegible] خواهی بود
و از حضرت صادق ع منقولست که از ما نیست کسی که [illegible] نکند با مصاحبان
خود و همنشینان [illegible] نکند با رفیقان خود و نیکو همسایگی نکند [illegible] کسی که نیک
خوبی با او و نیکو مهربانی نکند با کسی که با او مهربانی کند و از حضرت امام محمد باقر ع
منقولستکه با منافق بزبان خوش سازکاری بکن و محبت قلبی خود را خالص گردان
برای مومنان و اگر یهودی با تو همنشینی کند نیکو همسایگی کن با او و حضرت رسول ص
فرمود که مهربانی کن با مردم تا مردم [illegible] شوند و در حدیث دیگر فرمود که سه
چیز است که محبت آدمی را برای برادر مسلمان صاف و خالص میگرداند اول
آنکه چون با او برخورد بخوشرویی و خوشحالی او را ملاقات کند دویم آنکه
جای برای او بگشاید چون نزد او بنشیند سوم آنکه بهترین نامی که دوست
میدارد او را بخواند و فرمود که اظهار دوستی و مهربانی با مردم کردن نصف
عقل است و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که چون کسی را دوست
[illegible] دوستی خود را با او اظهار کن که بیشتر باعث ثبات محبت میشود
میان شما و او [illegible] حدیث صحیح دیگر وارد شده که حضرت رسول ص قسمت میکردند
[illegible] و نظرهای خود را میان اصحاب خود که یکی بیشتر از دیگری نظر نکند

75

و هر کس [illegible] صورت اصحاب خود پای دراز نکردند و در حدیث صحیح از حضرت
امام موسی ع منقولست که چون حاضر باشد او را بکنیت بخوان و چون غایب
شود او را باسم بخوان و در میان عجم القاب بجای کنیت است مثل آخوند
و میرزا و آقا و نواب و امثال آنها و از حضرت رسول ص منقولست که چون کسی
برادر مسلمان خود را دوست داشته باشد باید که اسم او را و نام پدر و قبیله او و
خویشان او [illegible] بپرسد [illegible] که این از جمله حقوق لازمه برادری و دوستی
و اگر نه آشنایی [illegible] باشد و در حدیث دیگر فرمود که سه
چیز است یکی آنکه شخصی برای کسی طعامی مهیا کند و او داخل شود و زیاد نکند و برود
و طعام او را بخورد دویم آنکه شخصی با کسی مصاحبت و همنشینی کند و معلوم
نکند که کیست و از کجاست تا از او جدا شود سوم آنکه کسی با زن خود جماع
کند و پیش از آنکه زن آب دهد او آب بدهد [illegible] که میباید که [illegible] نکند
و مکث کند تا هر دو با هم آب [illegible] و از حضرت امام موسی ع منقولست
که [illegible] پرده از میان خود و برادر مومن خود برمدار که باعث برطرف
شدن حیا است و از حضرت صادق ع منقولست که هر که از روی برادر
مومن خود کاهی یا خاشاکی یا کثافتی بردارد حق تع ده حسنه در نامه
[illegible] مینویسد و هر که تبسم کند در روی برادر مومن حق تع برای او حسنه
مینویسد و از حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه منقولست که [illegible]
خاشاکی یا مانند آن از برادر مومن بردارد و او در برابر این عمل بگوید
اماط الله عنک ما تکره [illegible] رسید [illegible] خواهی و در
حدیث دیگر منقولست از حضرت رسول ص فرمود که از آنکه کسی [illegible]

یکبی لا احبوتك وحواء زان چنانچه در فارسی میگویند [illegible] وبعان
فلان و در حدیث دیگر فرموده که بدترین امت من جماعتی اند که مردم ایشان را
گرامی دارند از ترس بدی ایشان بدترین خلق که از من نیست هر که چنین باشد
و از حضرت صادق ع منقولست که ولد الزنا چند علامات است اول دشمنی
اهل بیت رسالت صلوات الله علیهم دوم آنکه مایلست بآن حرام که از آن
خلق شده است سوم آنکه دین را خفیف [illegible] چهارم آنکه
مردم را بر حضور ایشان آزار میکنند و [illegible] مجبور دوازار
ایشان [illegible] آنکه با ولد الزنا است [illegible] حیض مادر [illegible] با وحامله شده است
و از حضرت رسول ص منقولست که زنهار که منازعه با مردم مکنید که کرامت
را می برد و مروت را برطرف میکند و پیوسته جبرئیل ع مرا نهی میکرد از
مجادله با مردم کردن چنانچه نهی میکرد از شراب خوردن و بت پرستیدن
و از حضرت صادق ع منقولست که کینه [illegible] محل میباشد
که دشمنی است چون از برادر خود جدا شود و [illegible]
ببیند تا آخر عمر میباشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و گفت مرا وصیتی بفرما
حضرت فرمود که ملاقات کن برادر خود را با روی گشاده و خنده [illegible]
[illegible] که حد نیکی خلق آنست که مهربانی کنی و سخن را نیکو گویی و با مردم [illegible]
خوش برخورد و حضرت رسول ص فرمود که خصلتی خوش [illegible]
خوردن کینه [illegible] و حضرت صادق ع فرمود که [illegible] چیزهاست که [illegible] علامت
[illegible] آنست [illegible] عفو کنی از کسی که بر تو ظلم کند و [illegible] که

٧٧

از تو ببرد و حلم کنی با کسی که با تو جهل کند و در حدیث صحیح [illegible] فرموده که
خشم را فرو خورد خدای عزت او را اندر دنیا و آخرت زیاده کرده اند و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که خشم را فرو خورد و قادر باشد که آن را
[illegible] حق تعالی دل او را از ایمنی و ایمان پر کند در روز قیامت
در فضیلت ذکر خدای در مجالس کردن از حضرت رسول ص منقولست که مبادرت
76 کنید [illegible] صفای بهشت پرسیدند که کدام است باغهای بهشت
که حلقهای ذکر [illegible] آنجا ذکر کنند و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
فرمود که در همه احوال یاد کنید که او همه جا با شماست [illegible] معتبر
منقولست که حضرت رسول ص از هیچ مجلسی برنخواستند هر چند اندکی
نشسته بودند تا آنکه بیست و پنج مرتبه استغفار میکردند و در حدیث
معتبر منقولست که از رسول خدا ص که یاد کننده خدا در میان غافلان مانند
کسی است که جهاد [illegible] در راه خدا در هنگام گریختن دیگران و چنین کسی [illegible]
او در بهشت [illegible] و در حدیث صحیح از حضرت [illegible] منقولست که هر
مجلسی که در آن جمع شوند نیکوکاران و بدکاران و برخیزند و یاد خدا در آن
مجلس نکرده باشند آن مجلس در قیامت باعث حسرت و ندامت ایشان
خواهد بود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر گروهی که در
مجلسی جمع شده بودند و در آن مجلس یاد خدا نکنند و صلوات بر پیغمبر خود
نفرستند آن مجلس حسرت و وبالست بر ایشان در روز قیامت و در حدیث
صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که در توریة نوشته است که
[illegible] است که حضرت موسی ع از پروردگار خود [illegible] الهی [illegible]

مجلس چند بر من وارد میشود که تو اعزیز تر وجلیل تر میدانم ایشان
که ترا در آن مجلس یاد کنم حق تع در جواب فرمود که یا موسی نام من بردن
ویاد من کردن در همه حال نیکوست وانحضرت صادق علیه السلم منقولست که حق تع
فرمود که ای فرزند آدم مرا یاد کن در مجمع مردم تا ترا یاد کنم در مجمعی که
بهتر از مجمع تو باشد ودر حدیث دیگر فرمود که حق تع میفرماید که
هر که مرا یاد کند در مجمعی از مومنان من اورا یاد کنم در مجمع ملایکه
واز حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقولست که هر که خواهد که در قیامت
ثواب [illegible] بعد در [illegible] که میخواهد که برخیزد از مجلس بگوید سبحان
ربک رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین
ودر حدیث دیگر منقولست که این کفاره گناهان آن مجلس است فصل
دوم در فضیلت ذکر حضرت رسول صلی الله علیه واله وایمه علیهم السلام در
مجالس ومباحثه علوم ایشان بودن واحادیث وفضایل ایشان را یاد کردن
[illegible] منقولست که هر قومی که در مجلسی جمع شوند وخدارا
یاد نکنند وما را یاد نکنند آن مجلس بر ایشان حسرت خواهد بود در
قیامت وحضرت امام محمد باقر علیه السلم فرمود یاد ما کردن از یاد خداست ویاد
دشمن ما کردن از یاد شیطانست وانحضرت صادق منقولست که حق تعالی
[illegible] که ایشان میکرده اند در زمین که هر گاه [illegible] بر جایی که
احادیث اهل البیت میکنند یکدیگر میگویند بایستید که مطلب خود را یافتید
[illegible] وبا ایشان [illegible] میشوند [illegible]
اگر بیمار شوند بعیادت ایشان میروند واگر غایب شوند بجست وجوی ایشان

حاضر شوند واگر غایب میشوند بجست وجوی ایشان میکنند ودر حدیث دیگر
فرمود که ملایکه در آسمانها بیند نظر میکنند بسوی یک دو وسه از شیعیان که
فضایل آل محمد را ذکر میکنند پس بیکدیگر میگویند که نمی بینید این جماعت
را با کمی ایشان وبسیاری دشمنان ایشان فضایل آل محمد را ذکر میکنند پس
طایفه دیگر از ملایکه در جواب ایشان میگویند که این فضل خداست بهر که
میخواهد [illegible] میدهد وخدای صاحب فضل عظیم است ودر حدیث معتبر
منقولست که [illegible] علیه السلم از میسر پرسید که ایا با شیعیان
با یکدیگر خلوت [illegible] میکنید وانعلوم اهل بیت وفضایل ایشان [illegible]
میگوید گفت بلی والله حضرت فرمود که والله که من [illegible] دوست میدارم که با شما
باشم در آن [illegible] بلی والله که من بوی شما وروح شما را دوست میدارم وبدرستی که
شما بر دین خدا وملایکه اید پس یاری کنید ما را در شفاعت خود به پرهیزکاری
[illegible] ودر حدیث دیگر فرمود که جمع نمیشوند سه
از مومنان یا زیاده مگر آنکه از ملایکه مثل ایشان جمع میشوند واگر
از خدا مسئلت [illegible] ملایکه آمین میگویند واگر پناه میبرند از شر
میکنند ملایکه که خدا آن بلیه را از ایشان بگرداند واگر حاجتی میطلبند ملایکه
از خدا سوال میکنند که حاجت ایشان را بر آورد وجمع نمیشوند سه نفر
یا زیاده از آن [illegible] برابر [illegible]
حاضر میشوند وهر سخنی که میگویند شیاطین هم [illegible] ایشان میروند
واگر [illegible] دوستی [illegible] میکنند
ایشان [illegible] رفاقت میکنند پس اگر کسی از مومنان [illegible]

ایشان چون شروع کند بمذمت دوستان خدا بپرهیزد و بترسد و همیشه بر شیطان
نباشد که هیچکس تاب مقاومت عذر حجت را ندارد و لعنت خدا هیچ چیز دفع
نمیکند و اگر شنوا که برخیزد و بدل انکار بکند و انکه ساعتی برخیزد بیمار کردد
و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که هیچ چیز شیطان و لشکرش
او را مجروح نمیکند مثل رفتن برادران مومن بدیدن یکدیگر از برای خدا
بدرستیکه دو مومن بایکدیگر برخورند و یاد خدا میکنند … فضیلت ما
اهل بیت را یاد میکنند بر روی شیطان هیچ پاره گوشت نمیماند مگر آنکه فرو
میریزد … و حتی باستغاثه در آید از شدت المی که بوی میرسد پس
ملائکه آسمانها و خازنان بهشت بر این معنی مطلع میشوند و او را لعنت میکنند
پس نا امید و محروم و مطرود بر زمین می افتد و از حضرت رسول منقولست
که زینت دهید مجالس خود را بذکر فضایل علی بن ابیطالب علیه السلام که در هر فضیلتی
فضیلت از فضیلتهای پیغمبر است و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی برای
برادرم علی بن ابیطالب علیه السلام فضیلتی چند قرار داده … که از بسیاری
… احصا نمیتوان کردن پس هر که یک فضیلت از فضایل او را ذکر کند
با قرار و اذعان گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود و هر چند
گناهش با گناه جن و انس برابر باشد و هرکه یک فضیلت از فضایل او را بنویسد
تا مادامی از آن کتابت باقی باشد ملائکه از برای او استغفار کنند و هرکه
گوش دهد بیک فضیلتی از فضایل آنحضرت خدا بیامرزد گناهانی که بگوش
او کرده باشد و هرکه نظر کند بنوشته که فضیلتی از فضایل آنحضرت
را نوشته باشد حق تعالی بیامرزد گناهانی را که بچشم کرده باشد

و در حدیث دیگر فرمود که هرکه بیک راهی برود برای طلب علم حق تعالی راهی برای
او بگشاید بسوی بهشت و بدرستیکه ملائکه بالهای خود را میگشایند از برای
طلب کننده علم بخشنودی و استغفار میکنند از برای طلب کننده علم
… که در آسمان و هرکه در زمین است حتی ماهیان دریا و فضل عالم بر عابد مانند
فضل ماه است در شب چهارده بر سایر ستارگان و در حدیث دیگر فرمود
… که در هر جمعه خود را از کلمه‌های دینی فارغ نسازد …
کردن مسایل دین خود … و در حدیث دیگر فرمود که بایکدیگر مذاکره کنید و
ملاقات کنید و حدیث ذکر کنید که حدیث جلا میدهد دلها را بدرستیکه
دلها زنگ میگیرند چنانچه شمشیر زنگ میگیرد و جلای دلها حدیث است
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که مذاکره علم ثواب نماز مقبول
دارد حدیث … در مشورت کردن با برادران و آداب آن از
حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که … الاخطار
می اندازد کسی که … نمیشود برای خود … برای دیگران و در حدیث دیگر
فرمود که مشورت کن با جماعتی که از خدا میترسند و دوست دار برادران
را بقدر پرهیزکاری ایشان و بپرهیز از زنان بد و از نیکان ایشان هم
حذر کن و اگر ترا به نیکی امر کنند مخالفت کن ایشان را تا طمع نکنند در
موافقت ایشان کنی در بدیها و در حدیث دیگر فرمود که … آدم را که
مسلمانی را مشورت کند و آنچه خیر او در آن داند نگوید … از حضرت
رسول منقولست که هر گروهی که بایکدیگر مشورت کنند … ایشان
… که نام ایشان محمد یا احمد یا محمود یا حامد باشد … ایشان داخل

و حق باشد البته آنچه خیر آن است بر ایشان ظاهر میشود و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که بسیار با ملی فرمود که اگر خواهی نعمت الهی برای تو مستقیم
باشد و مروت تو کامل باشد و زندگانی تو نیکو باشد در امور خود مشوره
مکن با بندگان و با مردم دون و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
مشوره مکن با جبان و ترسان که راه بیرون شدن بر تو تنگ میکند و مشوره
مکن با بخیلان که مانع میشوند ترا از رسیدن بغایت مراد و خود [illegible]
مکن با کسی که حریص دنیا داشته باشد که زینت [illegible] شوهر راهی
که [illegible] و در حدیث دیگر فرمود که یا علی کسی که طلب خیر از خدا میکند
حیران نمیشود و کسی که در کارها با مردم مشوره میکند پشیمان نمیشود
و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که هلاک نمیشود کسی که مشوره کند و در
حدیث دیگر منقولست که باید دید که حضرت امام موسی رضا علیه السلم با آن
عقل [illegible] مشوره میفرمود با سیاهی از غلامان خود میفرمود که بسا باشد
که [illegible] خیر ما را بر زبان او جاری گرداند و در احادیث معتبره منقولست که با عاقل
دیندار [illegible] مشوره کن و چون خیری بگوید خلاف آن مکن که موجب
فساد دنیا و آخرت تو میشود و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که هر که
[illegible] با او مشوره کند و آنچه محض خیر او داند نگوید خدای عقل و
نفس را [illegible] میکند و در حدیث دیگر فرمود که مشوره کردن [illegible] چند دارد
که هر که اینها [illegible] مشوره برای او [illegible] است اول
آنکه کسی که با او مشوره میکند عاقل باشد دویم آنکه آزاده و دیندار باشد
سیوم آنکه برادر دوست و باور او باشد چهارم آنکه او را از نهان خود

مطلع گرداند که چنانچه خود بحال آن امر را میداند او هم بداند اما
پنهان دارد و بکسی نقل نکند زیرا که اگر عاقل است منتفع میشوی بمشوره
او و اگر آزاده و دیندار است آنچه حق سعی است میکند در خیر خواهی تو
و اگر یار و دوست دار است چون راز خود را با او بگفتی افشا نمیکند و بدانکه
از برای منافع مشوره و اهتمام در آن همین کافی است که حق تعالی پیغمبر خود
را که عقل کل بود در قرآن مجید امر بمشوره فرموده است که
وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ یعنی مشوره [illegible]
اصحاب خود در امور [illegible] عزم کردی پس توکل [illegible]
[illegible] در آداب نامه نوشتن از حضرت امام جعفر صادق
منقولست که مهربانی و مواصلت میان برادران مؤمن در حضر باین است
که بدیدن یکدیگر بروند و در سفر باینست که نامه بیکدیگر بنویسند
و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که جواب کتاب [illegible] واجب است
[illegible] جواب سلام [illegible] و در حدیث دیگر فرمود که ترک مکن [illegible]
بسم الله الرحمن الرحیم را اگر چه بعد از آن شعری بنویسی و [illegible]
میباید که بسم الله الرحمن الرحیم بهتر از سایر چیزها که بنویسی حدیث
موثق از آنحضرت پرسیدند که در نامه ابتدا باسم آنحضرت
باو مینویسند پیش از نام خود کردن چون است فرمود که باکی نیست
اکرامیست که او را میکنند و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت امر
که نامه بجائی نویسند چون بدست آنحضرت دادند فرمود که چگونه
نامه [illegible] که آنچه در نامه نوشته ابد بعد البسمله [illegible] آنکه ان شاء الله ٨٠

٨

84

منقولست که کتاب خدا و نام خدا را پاکیزه آنچه می باید محو کنند و نهی
فرموده اند که بسوزانند و از آتش و از آنکه بقلم محو کنند و در بعضی از حدیثها
بجای قلم قدم است باب هفتم در آداب خانه و داخل شدن و
بیرون رفتن فصل اول در گشادگی خانه در حدیث حسن از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که از سعادت مرد آنست که خانه او
گشاده باشد و به حدیث صحیح منقولست که حضرت امام موسی علیه السلام
خانه خریدند و یکی از موالیان خود را فرمودند که در آن خانه ساکن شو که
خانه تو تنگ است آن شخص گفت که این خانه از پدرم [illegible]
[illegible] حضرت فرمود که هرگاه پدر تو احمق باشد تو نیز
میباید که احمق باشی و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سه چیز
که موجب راحت مومن است خانه گشاده که عیبها و امور پنهانی او را از مردم
پنهان دارد و زن صالحه که بر امور دنیا و آخرت او را یاری کند و دختر
یا خواهری که او را از خانه بیرون کنند [illegible] بشوهر دادن [illegible] از
حضرت امام موسی منقولست که [illegible] در گشادگی خانه و [illegible]
خدمتکاران است و در حدیث دیگر فرموده که زیادتی راحت در دنیا در فراخی
خانه و بسیاری دوستان است و از حضرت امام محمد باقر علیه [illegible]
که از [illegible] تنگی خانه تنگ است و در روایت دیگر منقولست که [illegible]
از انصار از تنگی خانه شکایت کرد برسول خدا حضرت فرمود که با آواز
بلند از خدا طلب که گشادگی در خانه تو بدهد و در حدیث دیگر
فرمود که از [illegible] آنست که فرزند [illegible] باو باشد و زن [illegible]

جامه ای که مناسب نیست نوشته اند پس فرمود که هر جا که [illegible] ندارد
ندارد [illegible] و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست
که چون نامه را نوشته اید خاک بر روی نامه بپاشید که حاجت بهتر
روا میشود و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه
در اول نامه می نوشتند بسم الله الرحمن الرحیم اذکرکم الله [illegible] وکلام
بذکر الله [illegible] فرمودند که اگر بگویم که کسی که ترک میکند [illegible] و نوشتن
رقعه [illegible] نوشتن مثل کسی است که نماز را ترک کند [illegible]
[illegible] حضرت صادق [illegible] منقولست [illegible] نامه نوشتن هرکس
استدلال بر عقل و بینائی او میتوان کرد و از رسولان [illegible] استدلال
بر فهم و زیرکی او میتوان کرد و در حدیث دیگر [illegible] رقعه یا نامه
برای حاجتی بنویسی و خواهی که آن حاجت برآید بقلم بی مداد بر سر رقعه بنویس
بسم الله الرحمن الرحیم ان الله وعد الصابرین المخرج مما یکرهون والرزق
من حیث لا یحتسبون جعلنا الله وایاکم من الذین لا خوف علیهم ولا هم
یحزنون راوی گفت که هرگاه چنین میکردم حاجتم برآورده میشد و در
حدیث صحیح منقولست که از حضرت امام موسی پرسیدند که کاغذ [illegible]
[illegible] میتوان سوزانید که در آنها نام خدا باشد
فرمود که نه بلکه اول بشویند و در حدیث صحیح دیگر منقولست که از حضرت
[illegible] که کاغذ [illegible] سوزانید ولیکن محو کنید و [illegible] و در حدیث حسن
منقولست که از آنحضرت پرسیدند که نامهای خدا را با آب [illegible]
محو میتوان کرد فرمود که با پاکیزه چیزی که بیابید محو کنید و از حضرت [illegible]

ودین ماردا شته باشد وچهارپای دهرا رداشته باشد وخادم کناد
داشته باشد ودر حدیث دیگر فرمود که شومی خانه در تنگی ساحت
وبدی همسایگان وبسیاری عیبهاء آنست ودر حدیث دیگر فرمود که
چهار چیز است که از سعادات آدمی است زن صالحه وخانه فراخ وهمسایه
شایسته ومرکب نیکو وچهار چیز است که از شقاوتست همسایه بد
وزن بد وخانه تنگ ومرکب بد واز حضرت صادق منقولست که از جمله
ننگهاء است اینکه شخص خانه نقل کردن ونان از بازار خریدن **فصل دویم**
در بیان کلفت بسیار در خانه کردن وبسیار بلند ساختن در حدیث صحیح
از حضرت صادق علیه السلم منقولست که هر که مالی را از غیر حلال کسب کند
حق تعالی برو مسلط میگرداند عمارت کردن وخاک وآب وگل که آن مال حرام
را در اینجا ضایع کند ودر حدیث دیگر فرمود که هر که بنائی زیاده بر قدر
حاجت بنا کند در قیامت وبالست بر صاحبش ودر حدیث دیگر فرمود که
هر کس عمارت کند دنیا را از [illegible] سنگینی باشد در قیامت او را تکلیف
میکنند که آنرا بردارد واز حضرت امام علی نقی منقولست که خداوند
زمین خود بقعه چند قرار داده است که اینها را مرحومات مینامند
[illegible] حرم که نام او را در آن بقعها ببرند واو را بخوانند واجابت
دعای ایشان نکند وخداوند در زمین بقعه چند قرار داده است که آنها را
نقمات [illegible] پس چون مالی را از غیر حلال کسب کند خدا یک
زمین از آن بقعها را برو مسلط میگرداند که آن مال را در اینجا صرف نماید
ودر حدیث دیگر منقول است که حضرت امیرالمومنین علیه السلم از خبر نماید

شخصی گذشتند اندکه از اجر ساخت بود پرسیدند که این ده خانه کیست
شخصی گفت که از فلان و غافل مغرور [illegible] پس در خانه دیگر گذشتند که صاحبش
با اجر ساخته بود حضرت فرمود که این خانه از مغرور وغافل دیگر است واز حضرت
رسول منقولست که هر که خانه بنا کند از برای ریا وسمعه که مردم ببینند
وبشنوند در روز قیامت آنرا از هفتم طبقه زمین آتشی کند او فروخته
35 ودر گردن او اندازند پس او را در جهنم اندازند وچیزی او را نگاه ندارد
تا قعر جهنم مگر آنکه توبه کند پرسیدند که یا رسول الله برای ریا وسمعه
ساختن چه معنی دارد فرمود که یعنی زیاده از قدر حاجت بسازد از برای
کبر بر همسایگان وفخر ومباهات کند با برادران خود واز حضرت صادق علیه السلم
منقولست که حق تعالی ملکی را موکل گردانیده است بعمارت که هر که سقف خانه
اش را زیاده از هشت ذرع بلند کند باو میگوید که کجا میخواهی که بروی ای
فاسق ودر روایت دیگر ای فاسق ترین فاسقان ودر چند روایت معتبر
وارد شده است که هر که سقف خانه را زیاده از هشت ذرع بلند کند
جنیان وشیاطین در آن خانه جای کنند ودر حدیث دیگر منقولست که
شخصی شکایت کرد بحضرت صادق علیه السلم از بنا و از اهل خانه وعیال
من میکیدند حضرت پرسید که ارتفاع سقف خانه ات چند است
گفت ده ذرع است حضرت فرمود که از زمین تا هشت ذرع بپیما و در
ما بین هشت تا ده آیة الکرسی بنویس برو و خانه زیر که هر خانه که از
آن زیاده از هشت ذرع است جنیان در آن خانها مسکن میسازند و در آنجا
سکنی میکنند ودر حدیث دیگر منقولست که هر خانه که از ذرعش زیاده

از هشت ذرع باشد بر سر هشت ذرع آیة الکرسی بنویس و در چند حدیث
دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام محمد باقر علیه السلم شکایت کرد که جنیان
مارا از خانه بدر کرده اند حضرت فرمود که سقف خانهای خود هفت ذرع
کشید و کبوتر را در اطراف خانه بجا دهید راوی گفت که چنین کردم دیگر
بدی ندیدم و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلم منقولست که بنا
کن خانه خود را هفت ذرع که اگر زیاده از هفت ذرع است شیطان در آنجا
ساکن میشود زیرا که شیطان در آسمان و در زمین نمی باشد بلکه در میان
هوا می باشد و در روایت معتبر منقولست که ابو خدیجه گفت که در خانه
حضرت صادق علیه السلم دیدم که آیة الکرسی بر دور حجره نوشته بودند و در جانب
قبله نمازگاه آنحضرت را نیز آیة الکرسی نوشته بودند [illegible]
در نقاشی کردن و تصویر کشیدن و صورت صاحب روحی را ساختن که
سایه داشته باشد مشهور میان علما آنست که حرامست چنین صورتی
ساختن و بر دیوارها و جامها نقش کردن مکروهست و بعضی قایل
[illegible] شده اند و احوط آنست که [illegible] کاری نکنند و مطلقا صورت
نکشند [illegible] تصویر درخت [illegible] و امثال آن خصوصا صورت ایشان که تمام
[illegible] باشند و اگر صورتی کشیده باشند بهتر آنست که از آن ناقص
[illegible] آنچنانکه اگر کسی باشد با عضوی از اعضا را محو کند و از
حضرت رسول منقولست که جبرئیل علیه السلم گفت یا محمد پروردگارت سلام
میرساند و نهی میکند از [illegible] صورتها کشیدن در خانها
و در احادیث معتبره از آنحضرت منقولست که جبرئیل علیه السلم گفت که ما گروه

ملایکه

۸۳

86

ملایکه داخل خانه نمیشویم که در آن سگ باشد یا صورت بدنی باشد
یا ظرفی باشد که در آن بول کنند و در احادیث معتبره وارد شده است
که هر که صورتی بسازد او را در قیامت عذاب کنند که جان در آن صورت
بدمد و نتواند دمید و در حدیث موثق منقولست که از حضرت صادق علیه السلم
پرسیدند از نماز در فرشی که صورت داشته باشد فرمود که باکی
نیست که در خانه باشد صورتی که پامال شود و بر روی آن بنشینند
و راه روند و در حدیث حسن از حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقولست که
باکی نیست که صورتها در خانه باشد اگر سرهای آنها تغییر داده باشند یا بر
بدنش بحال خود باشد و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی رضا علیه السلم
منقولست که نماز مکن در خانه که صورتی که در برابر تو باشد مگر آنکه
چاره نداشته باشی پس سرهای آن صورتها را قطع کن و نماز بکن و در چند حدیث
معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلم منقولست که حضرت رسول مرا [illegible]
فرستادند که [illegible] باشد محو کنم و قبرهای [illegible] را که
[illegible] بلند باشد هموار کنم و در حدیث دیگر از حضرت [illegible] منقولست که
بالای قبرها مکنید و صورت در سقف خانها مکشید که حضرت رسول
از این وجه کراهیت داشتند و در حدیث دیگر منقولست که [illegible]
پرسیدند از کشیدن صورت [illegible] درخت و آفتاب و ماه فرمود که باکی
نیست اگر صاحب روح نباشند [illegible] در آداب فرش خانه
از حضرت امام موسی منقولست که سه چیز است که از مروت است فرش نیکو و چهار
پا و غلام خوش رو و فرش نفیس و از حضرت [illegible] منقولست که آدمی را

که آدمی را فرشی برای خود و فرشی برای زوجه خود و فرشی برای مهمان در
کار است و زیاده از این از شیطان است و در روایت دیگر منقول است که در خانه
حضرت امام زین العابدین علیه السلام بالشها و نمدها بود که در آنها مثالها
و شکلها و صورتها بود و بر روی آنها می نشستند و در حدیث دیگر منقول است
که جمعی بخانه آن حضرت آمدند و بالشها و فرشها دیدند عرض کردند
که ما در منزل شما چیزی چند می بینیم که خوش نمی آید ما را حضرت فرمود
که ما زنان می خواهیم که مهر ایشان میدهیم ایشان آنچه میخواهند از برای
خود میخرند از آن ما نیست و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت
حضرت امام محمد باقر علیه السلام رفت دید که آن حضرت در خانه مزینی نشسته اند
که فرشهای نیکو در آن گسترده اند پس روز دیگر رفت دید که در خانه نشسته اند
که بغیر از حصیر چیزی در آن نیست و خود پیراهن کنده پوشیده اند پس
حضرت فرمود که آنچه دیروز دیدی مال آن از من نبود از زوجه من بود
و دیروز نوبت او بود و در حدیث صحیح منقول است که شخصی بحضرت
رضا علیه السلام عرض کرد که شخصی می نشیند بر فرشی که در آن صورتها
هست فرمود که عجمان تعظیم میکنند صورت فرشی را و ما آن را دشمن
[illegible] و در حدیث صحیح دیگر منقول است که از حضرت امام موسی علیه السلام
پرسیدند از فرش حریر و دیبا آیا بر روی آن میتوان خوابید و تکیه
داد [illegible] حضرت فرمود که در زیر می اندازی و بر رویش می نشینی
اما نمیباید که از آن تکبر کنی و در روایت دیگر منقول است که حضرت امام
رضا علیه السلام در تابستان بر روی حصیر می نشستند و در زمستان بر روی

حصیر و پلاس و در خانه قباهای کهنه می پوشیدند و چون بیرون می آمدند
برای مردم زینت میکردند و در روایت معتبر منقول است که چون حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه و حضرت فاطمه علیها السلام را تزویج
کردند پوشش ایشان عبایی بود و فراش ایشان پوست گوسفندی بود
و بالش ایشان [illegible] پوستی بود که درمیانش لیف خرما پر کرده بودند
و در حدیث دیگر منقول است که حضرت صادق فرمود که بسیار است که [illegible]
میکنم و در پیش روی من بالشی هست که در آن صورت مرغان هست پس
جامه بر روی آن بالش می اندازم و نماز میکنم و فرشی چند از برای هدیه
آورده بودند در آنها صورت مرغان نقش کرده بودند فرمود که سرهای
آنها را تغییر دادند و بصورت درخت کردند و در حدیث دیگر منقول است
که از آن حضرت پرسیدند که گاه هست که فرشها نزد ما می گسترند
که در آنها صورتها هست حضرت فرمود که چیزی بر آن فرش بکشند و بعد
کنند و بر روی آن راه روند باکی نیست اما در جایی که بر دار [illegible]
و کرسی نصب کنند خوب نیست [illegible] در آداب عبا [illegible]
خانه در حدیث صحیح از حضرت صادق [illegible] منقول است که [illegible]
صلوات الله علیه حجره در خانه مقرر فرموده بودند که [illegible]
بغیر از فرشی و شمشیری و مصحفی دیگر چیزی نبود در آن حجره [illegible]
میکردند و در حدیث موثق دیگر فرمود که حضرت امیر المومنین [illegible]
حجره در خانه قرار داده بودند که بسیار کوچک بود [illegible] بسیار بزرگ
از برای نماز کردن خود و چون شب میشد اطفال را با زنان در آن حجره می بردند

ودر آنجا نماز میکردند ودر حدیث موثق دیگر منقولست که آنحضرت [illegible]
نوشتند [illegible] که دوست میدارم از برای شیعه که در خانه خود نمازگاهی
قرار دهد ودو جامه کهنه بپوشد و آن موضع بروی دارد از خدا
سوال کنی که ترا از آتش جهنم آزاد کند وترا داخل بهشت کند ودعای
نامشروع مکن و [illegible] دین برکسی مکن ودر حدیث [illegible] از حضرت رسول ص
منقولست که منور گردانید خانهای خودرا بتلاوت قرآن وخانهای
خودرا مثل گور خود مکنید چنانچه یهود ونصاری کردند که نمازرا
در معبدها میکردند وخانهای خودرا معطل میگذاشتند
بدرستی که خانه که در آن تلاوت قرآن بسیار شود خیر آن بسیار میشود
واهلش برفاهیت ووسعت میباشند وآن خانه روشنی میدهد اهل
آسمانرا چنانچه ستارگان روشنی میدهد اهل زمین را ودر حدیث
حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که خانه که مسلمانی در آن قرآن
میخواند اهل آسمان آن خانه را بیکدیگر مینمایند چنانچه کواکب آسمانرا
[illegible]ن بیکدیگر مینمایند واز حضرت امیر المومنین ع منقولست که
[illegible] قرآن خوانده میشود ویاد خدا در آن خانه کرده میشود
[illegible] بسیار میشود وملایکه حاضر میباشند وشیاطین دور
[illegible] روشنی میدهد اهل آسمانرا چنانچه ستارها اهل زمین
[illegible] روشنی میدهند وخانه که در آن قرآن خوانده نشود ویاد خدا
در آن نکند برکت آنخانه کم باشد وملایکه دوری میکنند و
شیاطین در آن خانه حاضر باشند [illegible] در [illegible]

در اثبات [illegible] خانه خصوصا کبوتر وخروس از حضرت رسول صلی الله علیه وآله
منقولست که حیوانات در خانه بسیار نگاهدارید که شیاطین بآنها مشغول
شوند وباطفال شما ضرر نرسانند واز حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که
که خوبست حیوانات در خانه داشتن مثل کبوتر ومرغ وبزغاله تا آنکه
اطفال جنیان با آنها بازی کنند وباطفال شما بازی نکنند ودر حدیث
معتبر منقولست که شخصی بحضرت رسول صلی الله علیه وآله شکایت کرد از تنهایی که
حضرت فرمود که یک جفت کبوتر در خانه نگاهدار ودر حدیث صحیح از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که کبوتر از مرغان پیغمبرانست ودر حدیث دیگر وارد شده
که کبوتران خوب از نسل کبوترانی چند اند که حضرت اسمعیل ع نگاه داشته بود
وبا آنها انس میگرفت پس مستحبست که در خانه کبوتری چند نگاهدارند که
بالها را چیده باشند که با آنها انس بگیرند ودر حدیث دیگر فرمود که هر
خانه که در آن خانه کبوتر باشد [illegible] از جن با اهل آن خانه [illegible] جنیان
جن بازی میکنند [illegible] چون کبوتر در خانه هست مشغول آن میشوند و
متوجه آدمی نمیشوند ودر حدیث دیگر فرمود که کبوتر در خانه [illegible]
دوست انسی است [illegible] دعا کرده حضرت نوح است و [illegible]
باعث انس [illegible] میشود واز حضرت امام موسی ع منقولست که
باعث تفرقه [illegible] شیاطین میشود ودر روایت [illegible]
منقولست که گفت در خانه حضرت صادق ع کبوتر راعبی دیدم [illegible]
میخواند حضرت فرمود که میدانی که این کبوتر چه میگوید گفتم نه فرمود
که نفرین میکند بر قاتلان حضرت امام حسین صلوات الله علیه

بیشتر اینها را در خانه خود نگاه دارید و در حدیث دیگر منقول است که راوی
گفت که آنحضرت را دیدم که از برای کبوتری چند که در خانه آنحضرت بودند
نان ریزه میکردند و در حدیث دیگر از عبدالکریم منقول است که گفت رفتم
بخانه آنحضرت دیدم که سه کبوتر در خانه آنحضرت بود عرض کردم که اینها
خانه را کثیف میکنند حضرت فرمود که مستحب است نگاه داشتن اینها
در خانه و در حدیث دیگر فرمود که در خانه حضرت رسول صلعم یک جفت
کبوتر سرخ بود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیرالمومنین ع جماعتی
[illegible] خبر دادند بآنحضرت که جمعیان در آنجا سنگ می‌اندازند
حضرت آمدند بر سر آن جماعت ایستادند و فرمودند که دست از این عمل بردارید
والا کبوتران در جاجای میدهم پس فرمود که صدای بال کبوتر شیاطین
را دفع میکند و از محمد بن کرامه منقول است که گفت شنیدم حضرت امام
موسی [illegible] بلکه جفت کبوتر در منزل حضرت دیدم کبوتر نر سبز
بود و [illegible] ای سفید و کبوتر ماده سیاه بود حضرت نان از برای
آنها ریزه کردند و فرمودند که اینها در شب حرکت میکنند و بودن
[illegible] نزد اهل بیت باعث بر طرف شدن جنیان و شیاطین است که داخل
میشوند و در چندین حدیث از حضرت صادق علیه السلام
که [illegible] و میفرستند ناسی فرمود که از روی دانائی میبرد
دیگر [illegible] آنچه زیاده از این است از روی دانائی نیست مگر که نان خورش
و نفس بر آن آرامی دارد و در چند حدیث منقول است که کبوتر خانگی با کبوتر
باهم [illegible] خدا بسیار میکنند و اهل بیت را دوست میدارند و صاحبخانه را

87

دعا میکنند که خدا شما را برکت دهد و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع
منقول است که خروس بال گشاده سفیدی که در خانه باشد آن خانه
و هفت خانه دور آنخانه از بلاها نگاه میدارد و بلکه بال زدن کبوتر دور [illegible]
بهتر است از هفت خروس سفید و در حدیث دیگر فرمود که خروس
سفید یار من و یار هر مومنی است و از حضرت امام موسی علیه السلام
منقول است که در خروس پنج خصلت از خصلتهای پیغمبران است سخاوت
و شجاعت و شناختن وقت نمازها و بسیاری جماع کردن و غیرت و از
حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه منقول است که فرمود که خروس
نماز اوست و بال زدنش رکوع و سجود اوست و از حضرت رسول صلعم منقول است
که دشنام مدهید خروس را که از برای نماز مردم را بیدار
میکند **سیزدهم** در نگاه داشتن گوسفند و بز در خانه
در حدیث موثق از حضرت صادق ع منقول است که هر اهل خانه که یک
گوسفند را نگاه دارند خدا روزی آن گوسفند در ابتدای آن روز بعد
و روزی ایشان را زیاد میکند و فقر از ایشان یک منزل دور میشود و اگر
دو گوسفند نگاه دارند روزی آنها را بسیار [illegible] روزی ایشان
زیاد کند و پریشانی از ایشان دو منزل دور [illegible]
نگاه دارند حق تعالی روزی آنها را برساند و روزی [illegible]
و پریشانی از ایشان در اصل بر طرف شود و از [illegible]
منقول است که هر اهل خانه که نزد ایشان گوسفندی شیردار باشد هر
روز دو مرتبه ملائکه بایشان بگویند که خدا بر شما برکت دهد و در

از حضرت صادق منقول است که هر مومنی که در خانه او یک بز شیرده باشد
هر روز یک مرتبه ملکی در اطراف صبح آنها دعا کند که مطهر و پاک باشید خدا
برکت دهد شما را و نیکو باد احوال شما و نیکو باد نان خورش شما و اگر دو بز شیرده
باشد هر روز دو مرتبه ملک چنین دعا کند و در حدیث معتبر منقول است که
حضرت رسول به عمه خود فرمود که چه مانع است ترا از آنکه در خانه خود برکتی
نگاهداری گفت یا رسول الله برکت کدام است فرمود که گوسفندی که شیر دهد
پس فرمود که هر خانه که گوسفند شیرده یا بز شیرده یا گاو شیرده
باشد یک برکت خانه او میشود و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی سه
برکت فرستاده است آب و آتش و گوسفند و در حدیث معتبر از حضرت
صادق منقول است که هر خانه که سی گوسفند در پیش در خانه ایشان
شوند ملائکه نگاهبانی ایشان میکنند تا صبح و در حدیث دیگر فرمود که
که گوسفند نگاهدارید و شتر نگاهدارید و حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که نیکو مالیست گوسفند و در حدیث دیگر فرمود که چون گوسفند
[illegible] خوابگاه ایشان را پاک کنید و خاک از بدن ایشان پاک کنید

[illegible] در بیان احوال طیور و ذکر بعضی از حیوانات
است ما روایت شده در حدیث معتبر منقول است که فاخته
[illegible] از علیه السلام بعد آنحضرت روزی شنیدند که او خوا[illegible]
[illegible] بد چه میگوید گفتند نه فرمود که میگوید فقدتکم
فقدتکم [illegible] بنت شوید پس فرمود که من او را دفع میکنم پیش
از آنکه او ما را دفع کند پس فرمود که او را کشتند و در حدیث دیگر منقول است

که حضرت صادق [illegible] بخانه اسمعیل فرزند خود آمدند دیدند که
فاخته را در قفس کرده است و در باد میکند حضرت فرمودند که ای فرزند چه
باعث شده است ترا که این فاخته را نگاهداشته مگر نمیدانی که این
شوم است و میدانی که نفرین میکند صاحب خانه را پس آنرا رها کند
پیش از آنکه آن شما را نفرین کند و در حدیث معتبر منقول است که روزی حضرت صادق
نشسته بودند شخصی آمد [illegible] و پرستوک کشته در دست داشت حضرت
برجستند و آنرا از دست او گرفتند و بر زمین زدند فرمودند که ای عالم شما را
امر کرده است که این مرغ را بکشید یا فقیه شما [illegible] که مرا خبر داد
پدرم از جدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی فرمود از کشتن شش
جانور مگس عسل و مورچه و غوک و صرد و هدهد و پرستوک اما مگس
عسل زیرا که پاکیزه میخورد و پاکیزه از و جدا میشود و آنست چیزی که
خدای باو وحی کرده است که نه از جن است و نه از انس [illegible] در
واوحی ربک الی النحل و اما مورچه زیرا که قحطی در زمان حضرت سلیمان
بهم رسید و بطلب باران آنحضرت با اصحاب خود بیرون رفتند
ناگاه مورچه را دیدند آنحضرت که برپا ایستاده دست [illegible]
میگوید که [illegible] ما از جمله آفریده‌های توایم و از [illegible]
پس بفرست بر ما باران را و ما را مگیر بگناهان بنی [illegible] ندان
آدم پس حضرت سلیمان گفت که برگردید که حق تعالی بدعای غیر شما
باران فرستاد و اما غوک زیرا که چون نمرود آتش برای ابراهیم را افروخت
جانوران زمین از خدا رخصت طلبیدند که آب بر آن آتش بریزند

حوض جمع یک را بعضی فرمودند که بر اوضع نبود و ثلثان آن آتش بسوخت و یک
ثلث آن باقی ماند و اما هدهد آن دلیل حضرت سلیمان ع بود بسوی ملک بلقیس زیرا که
و اما صرد که آن مرغیست که سر بزرگی دارد و گنجشک را شکار میکند زیرا که راهنمای
حضرت آدم علیه السلم بود از بلاد سرندیب تا بلاد جده یک ماه و اما پرستک زیرا که
گرد بدن آن در هوا برای تاسف و اندوه است که بر مظلومیت اهل بیت رسالت ص
دارد و تسبیحش خواندن سوره حمد است مگر نمی بینی که در آخر خواندن که میگوید
میگوید و لا الضالین و در حدیث صحیح از منقولست که از حضرت امام موسی ع
پرسیدند ... از کشتن مورچه حضرت فرمود که مکش مگر آنکه ترا آزار کند و نیز
از کشتن هدهد فرمودند که از آزارش مکن و مکش و ذبح مکن که نیکو مرغیست آن
و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا منقولست که حضرت رسول نهی فرمود
از کشتن پنج جانور صرد و صوام که مرغیست که در میان علماء نیاسند
و ... هدهد و مکس عسل و مورچه و وزغ را امر فرمود که بکشند
پنج جانور زاغ و کورکور و مار و عقرب و سگ درنده و در حدیث دیگر
... که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هرکه ماری را بکشد حسنات
... است در حدیث ... منقولست که از حضرت امام موسی ع
... حضرت فرمود که هرکه ماری را بکشد که کشتن آن ... برای این
کناه ... ست و اما اگر برای این بکشی که حیوان ... بشوی از آن
برساند ... و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول ص نهی فرمود
از کشتن حیوانی را باتش بسوزانند و از حضرت صادق علیه السلم منقولست
که حق تعالی عذاب فرمود زنی را از برای آنکه گربه را بسته بود تا آنکه از

و در خانه را ببندید که شیطان در بسته را مفتوح نمیکند و دیگ را بپوشانید و چراغ را
خاموش کنید که موش آتش در خانه شما میزند و در حدیث دیگر منقولست
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در زمستان که از خانه بیرون می آمدند برای
خوابیدن در روز پنجشنبه بیرون می آمدند و چون هوا سرد میشد
و داخل خانه میشدند برای خوابیدن در روز جمعه داخل میشدند و
۹۲ در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقولست که هرکه بر روی
قبری بول کند یا ... بخندد یا ایستاده بول کند یا در آب ایستاده بول کند یا
در خانه تنها بخوابد یا دست آلوده بطعام بخوابد و شیطان او را بگیرد و
او را دیوانه کند دست از او بر نمیدارد در هیچ حالی شیطان بر آدمی استیلا ندارد
مانند این احوال بدرستی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در جنگی
میرفتند بوادی رسیدند که در آنجا جن بسیار بود در میان اصحاب خود
ندا کردند که هر دو تا دست بهم بدهید یکدیگر را بگیرید و داخل این وادی شوید
و هیچکس تنها نرود یک شخص تنها رفت و او را صرع گرفته بود خبر
دادند حضرت انگشت ابهام او را گرفتند و فشردند و گفتند بسم الله
اخرج خبیث انا رسول الله پس آن شخص بهوش آمد و برخاست
و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت از شخصی پرسیدند که در
کجا فرود آمدی گفت در فلان موضع حضرت فرمود که آیا در آنجا کسی با تو
هست گفت نه فرمود که در آنجا تنها مباش فان الخائف ... بین ...
کن که شیطان در هیچ وقت بر آدمی جرأت ندارد مثل آنکه در خانه تنها
باشد و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که

خاکروبه

که دستمال گوشت را شب در بیرون مگذارید که آن جایگاه شیطانست و
زادر بیت در جمع مکنید که آن جایگاه شیطانست و چون بدر حجره خود
برسید بسم الله بگویید که شیطان میگریزد و چون داخل حجره شوید
سلام بکنید که برکت نازل میشود و ملایکه انس میگیرند و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که خاکروبه را شب در خانه مگذارید و
روز بیرون ببرید که آن جای نشستن شیطانست و از حضرت امیر المؤمنین
منقولست که پاک کنید خانهای خود را از تار عنکبوت که گذاشتن
در خانه باعث فقر و پریشانی میشود و در حدیث دیگر از حضرت صادق ع
منقولست که شستن ظرفها و جاروب کردن خانها و ساحت اندرون
و بیرون خانه روزی را زیاد میکند و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه منقولست که تنیده عنکبوت را و خاکروبه را انگذاشتن باعث
پریشانی میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که دستمالی
که از آن پاک کرده اند آلوده بطعام و چرب است شب در بیرون
مگذارید که آن جایگاه شیطانست و از حضرت رسول منقولست که ظرفهای
خود را سر پوشیده بگذارید که ظرفی که بی سر پوشی باشد
شیطان در آن آب دهن می اندازد و آنچه در آن هست [illegible]
بر میدارد و از حضرت رسول منقولست که چهار پایان و اطفال و یاران
خود را نگاهدارید بعد از آفتاب فرو رفتن تا وقت خفتن که در
مابین شیاطین بر ایشان مستولی میشوند و در حدیث معتبر که حضرت
رسول نهی فرموده از آنکه کسی در خانه همسایه نظر کند و در حدیث

روزی یا لیالی اجارت باشد حلالست بیان را اقتصار میکنیم و روزه را [illegible]
و این رساله را گنجایش ذکر مفصل احکام اینها ندارد از مجلس طلب باید کرد

در آداب چراغ افروختن و خانه خریدن در احادیث

معتبر از حضرت رسول ص منقولست که چراغ را در شبها خاموش کنید که
فاسقه یعنی موش فتیله را بکشد که آتش در خانه اندازد و از
حضرت صادق ع منقولست که چهار چیز است که ضایع میشوند و کسی از آنها
منتفع نمیشود که چراغ در ماهتاب روشن کردن

٩١

و در حدیث دیگر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که پنج چیز است که ضایع میشود چراغی که در آفتاب روشن کنند
روغن ضایع میشود و از دو سه آنش منتفع نمیشوانند شد و بارانی که
در شوره زمین ببارد ضایع میشود و از زمین نفعی عاید نمیشود و طعامی که
شخصی در آن تکلف کند و نزد کسی آورد که او سیر باشد ضایع میشود
و زن خوش روئی را که عروس کنند برای شوهر عنین ببرند و نیکی که
بشخصی بکند که شکر نمیکند و در حدیث دیگر از حضرت [illegible] علیه السلام
منقولست که چراغ روشن کردن پیش از غروب آفتاب پریشانی برطرف
میکند و روزی زیاد میکند و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول ص
منقولست که کراهیت دارد که شخصی داخل خانه تاریک شود مگر آنکه
در پیش روی او چراغی یا آتشی افروخته باشد و از حضرت صادق ع
منقولست که چون چراغ را اندرون خانه بیاورند این دعا بخواند اللهم

دیگر نمود که حق تعالی شش خصلت را برای من خواسته است و من نمیخواهم
برای ایشان از فرزندان من و شیعیان ایشان بازی با دست و ریش و جامه
خود بازی کردن در نماز و فحش گفتن در روزه و منت گذاشتن بعد از
تصدق و جنب بمسجد رفتن و در قبرستانها خندیدن و برخانهای
مردم مشرف شدن و در حدیث صحیح منقولست که روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله
در حجره بعضی از زنان بود یعنی از رخنه در کاه در آن حجره نظر کرد
حضرت فرمود اگر میدانستم که میبینی چشمت را کور میکردم فصل
در آداب داخل شدن و بیرون رفتن از خانه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که بعد از ملک خواب اول شب از خانه بیرون نروید که خدا
را خلقی چند هست که در بیرون پهن میشوند در روی زمین آنچه میفرماید
میکنند و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که چون
از خانه بیرون روی بگو بسم الله آمنت بالله توکلت علی الله ما شاء الله
لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم چون این را بگوئی ملائکه میزنند
شیطان میروند و ملائکه از دور میکنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که هرگاه کسی که از خانه بیرون آید بگوید بسم الله ملائکه
باو بگویند که سلامت ماندی پس چون بگوید لا حول و لا قوة الا بالله
ملائکه باو بگویند که کارهایت ساخته شد پس چون بگوید توکلت
علی الله ملائکه باو میگویند از بلاها نگاهداشته شدی [illegible]
معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که چون پدرم از خانه بیرون
میرفت این دعا میخواند بسم الله الرحمن الرحیم خرجت بحول الله

اجعل لنا نورا نمشی به فی الناس ونورا نخرج به نورک یوم نلقاک واجعل
لنا نورا الیک نورا لا اله الا انت وچون چراغ خاموش کنید این را بخوانید
اللهم اخرجنا من الظلمات الی النور و در احادیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که هر که خانه بسازد پس گوسفند فربهی بکشد و گوشتش را مردم
بر بنان بخورانند پس بگوید اللهم ادحر عنی مردة الجن والانس والشیاطین
وبارک لی فی بنائی حق تعالی دفع ضرر متمردان جن و انس و شیاطین از او بکند
و آن خانه ساختن را برای او مبارک گرداند فصل در بیان بیرون آب
خانه و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که
کراهیت دارد که آب می در خانه شب برود و آن که در به پرده نداشته و در
حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که سه کس اند
که حق تعالی حفظ و حمایت خود را از ایشان بر میدارد کسی که در خانه شکسته
[illegible] کند و کسی که در میان راه نماز کند و کسی که چهارپای خود را
سر خود بگذارد و کسی بانکان نگاه دارد و در حدیث معتبر
از حضرت [illegible] که ساختهای خانه خود را جاروب کنید و شبیه مشوید
[illegible] آنجا [illegible] میکنند و در روایت معتبر از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه منقولست که خاک روبه خانه را شب در خانه مگذارید و بیرون
برید که شیاطین آنجا جا میگیرد و حضرت امام محمد باقر فرمود که خانه را
[illegible] برنجانی را برطرف میکند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود
که جای شیطان در خانهای شما جائی است که عنکبوت می تند و در حدیث
موثق از حضرت صادق منقولست که دهان ظرفهای آب و طعام را بر

وقوته لا عجزا وقوتی بحولك وقوتك یا رب متعرضا لرزقك
فأتنی به فی عافیة و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست
که چون کسی داخل خانه میشود بر اهلش سلام کند و اگر اهلی نداشته باشد
بگوید السلام علینا من ربنا و چون داخل میشود سوره قل هو الله احد
بخواند که فقر و پریشانی را بر طرف میکند و چون کسی خواهد پی حاجتی
برود در بامداد روز پنجشنبه برود سوره ال عمران را که پیش گذشت
بخواند ان فی خلق السموات والارض تا انک لا تخلف المیعاد و ایة الکرسی
و سوره انا انزلناه و سوره حمد بخواند و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع
منقولست که در بیرون رفتن از خانه بگو بسم الله توکلت علی الله ما
شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله اللهم انی اسالك خیر ما خرجت
له واعوذ بك من شر ما خرجت علیه اللهم اوسع علی من فضلك
واتمم علی نعمتك واستعملنی فی طاعتك واجعل رغبتی فیما عندك
وتوفنی فی سبیلك وعلی ملتك وملة رسولك صلی الله علیه و اله
و در حدیث صحیح دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که
در وقت بیرون رفتن از خانه این دعا بخواند گناهانش را بیامرزد و توبه
را قبول کند و کارهای ایشان را بسازد و او را از بدیها و شرها نگاه دارد
دعا اینست اعوذ بما عاذت به ملائکة الله ورسله من شر هذا
الیوم الجدید الذی اذا غابت شمسه لم تعد من شر نفسی
ومن شر غیری ومن شر الشیاطین ومن شر من نصب لاولیاء
الله ومن شر الجن والانس ومن شر السباع والهوام ومن شر

الرکوب الحار بهما اجبر نفسی بابن من کل سوء و در حدیث حسن
از حضرت صادق ع منقولست که هر که در وقت بیرون رفتن از خانه
ده مرتبه قل هو الله احد بخواند پیوسته در حفظ و حمایت الهی باشد
تا بخانه خود برگردد و در حدیث معتبر دیگر منقولست که آنحضرت در وقت
بیرون رفتن از خانه این دعا میخواندند اللهم بك خرجت ولك
اسلمت وبك امنت وعلیك توکلت اللهم بارك لی فی یومی
هذا وارزقنی فتحه ونصره وطهوره وهداه وبرکته و
اصرف عنی شره وشر ما فیه بسم الله وبالله والله اکبر والحمد لله
رب العالمین اللهم انی خرجت فبارك لی فی خروجی وانفعنی به
و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که چون آدمی از خانه بیرون
آید الله اکبر سه مرتبه بگوید بالله ادخل وعلی الله اتوکل سه مرتبه
بگوید اللهم افتح لی فی وجهی هذا الخیر واختم لی بخیر وقنی
شر کل دابة انت اخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم چون
این دعا بخواند پیوسته در ضمان حق تعالی باشد تا برگرداند او را بآن
مکان که در آنجا بوده است و در حدیث موثق از حضرت امام رضا ع منقولست
که هر که در وقت بیرون آمدن از خانه این دعا بخواند حق تعالی کارهای دنیا
و آخرت او را برآورد بسم الله حسبی الله توکلت علی الله اللهم انی
اسالك خیر اموری کلها واعوذ بك من خزی الدنیا وعذاب الاخرة
و در روایت دیگر منقولست که چون آنحضرت از حجره بیرون می آمدند
این دعا میخواندند بسم الله خرجت وعلی الله توکلت لا حول ولا قوة الا بالله

وازحضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر وقت بیرون شدن از خانه نگین
انگشتری خود را بکف دست بگردانند و بران نظر کرده کند و سوره انا انزلناه بخواند
پس بگوید امنت بالله وحده لا شریک له وکفرت بالجبت والطاغوت وامنت
بسر محمد وال محمد وعلانیتهم وظاهرهم وباطنهم واولهم واخرهم در ان روز
نرسید چیزی که مکروه او باشد و در روایت دیگر منقولست که هر وقت بیرون
امدن از خانه بگوید بسم الله وبالله ولا حول ولا قوة الا بالله توکلت علی الله
پس سوره حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و
ایة الکرسی هر یک از جانب پیش و پشت سر و جانب راست و جانب چپ و بالای
سر و پایین پای بخواند و هر وقت داخل شدن خانه بگوید بسم الله وبالله
واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله
پس سلام بر اهل خانه بکنید واگر کسی در خانه نباشد بعد ازان این بگوید
السلام علی محمد بن عبد الله خاتم النبیین السلام علی الائمة الهادین المهدیین
السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین و در حدیث معتبر از حضرت صادق
منقولست که ضامنم برای کسی که بنیت الحج ... از خانه بیرون رود انکه
سلامت باز گردد و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقولست
که چون بطلب حاجتی بیرون روید در روز بروید که در شب حاجت براورده نمیشود
باب بیست و پنجم در آداب پیاده رفتن و سوار شدن و بازار رفتن و
تجارت کردن و سفر کردن و چهارپایان نگاه داشتن فصل اول در سوار
شدن اسب و استر و الاغ هر یک از حضرت رسول منقولست که از سعادت
ادمی است که چهارپایی رهواری داشته باشد و حضرت صادق علیه السلم

منقولست که چهارپایان نگاهدارید که زینت شماست و کارها بان ساخته
میشود و روزیش بر خداست واز حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقولست که از
بدی زن کابین است و چهارپایان ... و حضرت صادق فرمود که هر که چهارپا بخرد
سواریش از دوست و روزیش بر خداست و در حدیث دیگر فرمود که از سعادت
مومن است که چهارپایی داشته باشد که حوایج خود و کارسازی برادران مومن بران
سوار شود و در حدیث دیگر منقولست که انحضرت فرمود بیونس بن یعقوب
که الاغی نگاه دار که بابت بردارد بدرستی که روزیش بر خداست ... فرمود
که الاغی خریدم و چون سر سال حساب خرج خود کردم هیچ زیاده نشده بود
و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام موسی از ابن یقطین پرسید که بر
چه چیز سوار میشوی گفت بر الاغی فرمود که چند خریده گفت سیزده اشرفی
حضرت فرمود که این اسراف است که الاغی بخری باین قیمت بایستی که یابویی بخری
گفت خرج یابو بیشتر است فرمود که انکسی که خرج الاغ را میرساند خرج یابو
را هم میرساند مگر نمیدانی که هر که اسبی نگاهدارد و انتظار فرج حضرت
بکند و دشمنان الخصم او ... نگاهدارند حق تعالی روزیش را
برساند و سینه اش را گشاده گرداند و آرزوهایش را براورد و یاور او
بر حوائج او و در روایت دیگر منقولست که روزی حضرت امام موسی علیه السلم
بر استری سوار شدند شخصی از مخالفان گفت که این چه چهارپایی است
که سوار شده که از پی دشمن نمی توان دوانید و بر وقت جنگ نمیتوان
کرد حضرت فرمود که رفعت ... اسب را ندارد و مذلت الاغ را ندارد
و بهترین امور اوسط انهاست و در حدیث دیگر از انحضرت منقولست که

هرکه [illegible] پدر و مادر عرق را هر روز از نامهٔ عمل او سه گناه محو
شود و از ده حسنه نوشته شود و هرکه اسبی به بندد که یکی از [illegible]
پدر وش غیر عرقی باشد هر روز دو گناه از عملش محو شود و هفت حسنه برای
او نوشته میشود و هرکه یابوی به بندد برای زینت خود بر او آن کارها
خود یا دفع دشمن خود هر روز یک گناه از نامهٔ عملش محو شود و شش حسنه
برای او نوشته شود و در روایات معتبره از [illegible] منقولست که خیر
نیکی بر پیشانی اسبان بسته است تا روز قیامت و در حدیث دیگر از حضرت امام
موسی منقولست که هرکه نگاه دارد اسب سرخ مویی که در پیشانیش سفیدی
بسیاری بوده باشد و اگر سفیدی پیشانیش تا بینی آمده باشد و چهار
دست و پایش سفید باشد بهتر است نزد من و هر خانه که در آن خانه چنین اسب
باشد فقر و پریشانی داخل آن خانه نمیشود و مادام که آن اسب در ملک آن
شخص باشد ظالم در آن خانه داخل نمیشود و از حضرت محمد باقر علیه السلم
منقولست که هرکه از خانه خود یا از خانه دیگری بیرون آید در اول روز
و شب و آن پیشانی سفید [illegible] ببیند که دست و پایش هم سفیدی
باشد در آن روز بغیر از خوشحالی نه بیند و اگر سفیدی پیشانیش تا
پایین آمده باشد بس نهایت خوشحالی [illegible] او را دهد و اگر بیکاری
زده و چنین اسبی را [illegible] حاجتش بر آورده شود و در حدیث
دیگر منقولست از حضرت امیر المؤمنین که چهار است از زمین آورده اند برای حضرت
رسول ص پرسیدند که در میان اینها اسبی هست که [illegible]
داشته باشد حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که بلی [illegible] از نواحی هست

٩٢ [illegible] که در کوهستان‌ها رسته فرمود که از برای امام حسن و امام حسین علیهما السلام
نگاهدارید پس فرمود که آن چهار اسب را سیاه [illegible]
[illegible] قیمتش [illegible] و حال خود کن که مبارکی و میمنت در پیشانی
سفید است و [illegible] سفید دست و پا باشد و حضرت امام
موسی فرمود که چهار [illegible] کراهت دارد مگر ابلق و استر نشانهای
سفید در استر ابلق کراهیت دارد و نشان سفید در پیشانی استر کراهت
ندارد مگر آنکه سفیدیش تا بینی کشیده باشد و آن هم بر خوب نیست و
٩٦ از حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقولست که بهترین چهارپایان نزد من
ابلق است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که میمنت است
در سرخ و در سیاه پیشانی سفید است که سه دست و پایش سفید باشد
و دست راستش سفید نباشد و [illegible] منقولست که حضرت
صادق ع [illegible] طلبید نداشتن سیاهی که [illegible]
سفید باشد [illegible] در [illegible] نگاهداشتن و رعایت حق
[illegible] چهارپایان در حدیث معتبر از حضرت رسول منقولست که
چهارپا را بر صاحبش شش حق هست [illegible] تاکید کند تعلف دادن او
چون فرود آید [illegible] آب برسد او را و عرض کند که اگر خواهد بچرد
رویش چیزی نزند که تسبیح پروردگار [illegible] و بر روی او سواره
نایستد مگر وقتی که جهاد کند در راه خدا [illegible] از توانایی آن بار بیش
نکند [illegible] آنقدر [illegible] که طاقت داشته باشد و از حضرت
صادق منقولست [illegible] زیاده [illegible] هرکه چهارپایی را [illegible]

چون فرو نهد اول او را آب و علف بدهد پیش از آنکه خود چیزی بخورد و
حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که سه کس بر یک چهارپای ردیف
سوار نشوند که از ایشان ملعون است یعنی آنکه پیش نشسته است و
در حدیث دیگر منقولست که آن حضرت شتری را دیدند که بارش بر پشتش
و پایش بسته است فرمودند که صاحب این شتر را بگویید که مستعد باشد
که این شتر با او در قیامت مخاصمت خواهد کرد و در حدیث معتبر منقولست
که قطار شتری از پیش حضرت صادق گذشت دیدند که بار بر شتری کج است
بصاحب شتر گفتند که عدالت کن بر این شتر که خدا عدالت را دوست میدارد
و در احادیث معتبره منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلم بیست و
حج کردند بر شتری یک تازیانه بر آن نزدند و در احادیث معتبره منقولست
که هیچ صاحب روحی را چیزی بر نمی‌نشیند که نرنجد و بدی و کار میگوید
و هر چه بر او منتی است ... و چهارپایان در بدی ایشانست و از ابو ذر
... الله عنه منقولست که چهارپایان میگویند که خداوندا مالکی
نیکوئی با کرامت روزی کن که ما را سیر کند با ما و نیکی کند با و آب و علف
با هم بر ما وصف و تعدّی بر ما نکند و بسند معتبر از حضرت امام جعفر
و امام موسی علیهما السلام منقولست که هر دابه که صاحبش میخواهد بر او
سوار شود در آن وقت میگوید اللّهم اجعله بی رحیما یعنی خداوندا
او را بمن مهربان گردان و بروایت معتبره دیگر از حضرت صادق علیه السلم
منقولست که شخصی دید ابو ذر رضی الله عنه که درهمی بدهد ... آب
... که مگر کسی ندارید که برای شما ... بدهد گفت

شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود که هیچ دابه نیست مگر آنکه
هر صبح از خدا سؤال میکند که خداوندا روزی کن مرا صاحب نیکی
که مرا از علف و آب سیراب گرداند و زیاده از توانائی مرا تکلیف نکند
باین سبب میخواهم که خود سیرابش کنم و در حدیث موثق از صفوان جمال
منقولست که گفت شتری برای حضرت امام جعفر صادق علیه السلم خریدم
بهشتاد درهم چون آن را بخدمت آن حضرت بردم فرمود که یا لکی و دینی اند
بر داشته نبیه کجاوه بر آن بار کردم و بخدمت عرض کردم حضرت فرمود
که اگر مردم بدانند که حق تعالی چهارپایان ضعیف را میکند و توانائی بار
برداشتن میدهد و هر آینه هرگز چهارپای گران نخرند و در حدیث
دیگر از ابن ابی یعفور منقولست که حضرت صادق علیه السلم دیدند
که من پیاده راه میروم فرمودند که چرا سوار نمیشوی گفتم که شتر من
ضعیف است میخواهم که بارش سبک باشد فرمود که مگر نمیدانی که
شتر ضعیف و قوی هر دو را خدا تاب و توانائی بار ... میدهد
و در چند حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که بر کوهان هر شتری شیطانی نشسته است ... ده ... بدو برم
کنید و نام خدا بر آن ببرید در وقت سوار شدن و بار کردن و در
حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقولست که ... شتر که هفته ...
از آن حج برند و در موقف عرفات ... بد البته خوش از آن
چهارپایان بهشت گرداند و در حدیث دیگر سه هم وارد شده است
و از حضرت ... امام ... علیه السلم منقولست که هر که بر شتر ماده ...

خود را [...] نیست ماند و در حدیث پایین آمدن او میرود داخل جهنم شود
و در حدیث دیگر فرمود که هر که چهارپا در زیر کسی نبرد در آید صاحبش او نگوید
تعسّت یعنی هلاک شوی چهارپا میگوید تعس اعصانا للرب یعنی هلاک
شود هر که نافرمانی پروردگار خود بیشتر کرده است و در حدیث معتبر
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که اگر دابه دویم کند او را بزنید
در سر دوم که آمدن بر نیند آن را و در حدیث دیگر فرمود که بر روی چهارپا
بر روی پای دیگر مگذارید با آنکه بیک جانب میل کنید و پشتش را
ضایع مکنید که اینان بر روی آن صحبت بدارید بلکه وقتی که راه نرود
فرود آئید چون نخواهید براه روید سوار شوید و از حضرت علی بن
الحسین صلوات الله علیه منقول است که حیوانات از چهار چیز غافل نمی
باشند پروردگار خود را میشناسند و مرگ را میدانند و نر و ماده را
میشناسند و چراگاه مدت را میدانند و از حضرت صادق ع پرسیدند
که [...] را برنم برای راه رفتن فرمود که اگر آن روشی که در وقت
خوردن بطویله خود میرود [...] بر روی آن بزن [...] و در آداب
زین و لجام [...] آن هیچ ملک زین و لجام از طلا و نقره
نباشد [...] بالش میان زین و آنچه که بر روی اسب اندازند و قطیفه
که بر روی آن نشینند [...] شود حریر نباشد و سرخ نباشد و زنان را
بر زین سوار شدن کراهیت [...] دارد و در احادیث معتبره وارد شده است
که از جمله علامات بدی که در آخر الزمان ظاهر شود آنست که زنان بر زین سوار
و بروایت حسن از حضرت صادق ع که زین سرکه [...] برای زنان

۹۳

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که جایز نیست زن را سوار
شدن بر زین مگر از برای ضرورت یا در سفر و در حدیث صحیح منقول است
که علی بن جعفر از حضرت امام موسی ع پرسیدند که آیا سوار میتوان شد
اسپی که زین و یا لجام آن از نقره باشد فرمود که اگر روکش باشد که از او جدا
نتوان کرد باکی نیست و اگر چنین نباشد سوار نمیتوان شد و در حدیث دیگر از
حضرت صادق ع منقول است که حلقه بینی ناقه حضرت رسول صلی الله علیه و آله
از نقره بود و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که حضرت رسول ص
و حضرت امیرالمومنین ع فرمود که زنهار که سوار مشو بر میثره سرخ که آن
از چیزهائیست که شیطان بر آن سوار میشود و میثره بالش زین یا چیزیست که
بر روی چهارپا مینشینند و بر روی آن سوار میشوند و در روایت دیگر
منقول است که حضرت امام زین العابدین ع بر قطیفه سرخ سوار میشدند
و در حدیث دیگر منقول است که از حضرت صادق ع پرسیدند که از پوست
حیوانات درنده مانند پوست ببر و پلنگ و شیر و حضرت [...] که بر
روی آنها سوار میتوان شد اما در [...] را نمیتواند پوشید [...]
احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله [...] فرموده
پنج چیز است که نام بردن آن [...] یکی سوار شدن بر الاغ [...]

و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که بر بینی هر چهارپا شیطانیست
چون خواهید که افسار لجام کنید بسم الله بگوئید و در حدیث صحیح
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر چهارپائی که چون [...] در وقت

سوارم

لجام کردن و عیب آن یاد کند در لوحش بخواند اگر بگذارد و اگر نه برود بخواند
این آیه را افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات والارض
طوعاً وکرهاً والیه یرجعون [illegible] در آداب ادعیه و آداب
سواری بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون
کسی بر چهارپائی سوار شود و بسم الله بگوید ملکی ردیف او میشود و او را
نگاه میدارد تا فرود آید و اگر در وقت سوار شدن بسم الله نگوید شیطان
ردیف او میشود و باو میگوید خوانندگی کن و اگر نتواند خواندگی کرد باو
میگوید آرزوهای باطل بخیال بکن پیوسته در آرزوست تا پائین
آمد و در [illegible] که هرکه در وقت سواری بگوید بسم الله لا حول ولا
قوة الا بالله الحمد لله الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی لولا
ان هدانا الله سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین البته
محفوظ باشد خود و چهارپایش تا فرود آید و از حضرت رسول صلی [illegible]
منقولست که هرکه سوار شود و آیة الکرسی بخواند پس بگوید استغفر
الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم واتوب الیه اللهم اغفر لی
ذنوبی [illegible] الذنوب الا انت حق تعالی بملائکه خطاب فرماید که بنده
من [illegible] که گناهان را [illegible] غیر از من کسی پس گواه باشید که
گناهان او را آمرزیدم و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که چون سوار شوید بر چهارپایان خدا را یاد کنید و بگوئید
سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون
و از عمر ابن ربیعه منقولست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه

چون پا در رکاب گذاشتند گفتند بسم الله پس چون درست نشستند
این دعا خواندند الحمد لله الذی کرمنا وحملنا فی البر والبحر ورزقنا من الطیبات
وفضلنا علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له
مقرنین پس سه مرتبه سبحان الله و سه مرتبه الحمد لله و سه مرتبه الله اکبر فرمودند
پس این دعا خواندند رب اغفر لی فانه لا یغفر الذنوب الا انت و در روایت
دیگر منقولست که چون حضرت صادق علیه السلام پا در رکاب مبارک گذاشتند میفرمودند
سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین و هفت مرتبه سبحان الله
و هفت مرتبه الحمد لله و هفت مرتبه لا اله الا الله میگفتند و در روایت دیگر
منقولست که چون آنحضرت سوار شتر میشدند این دعا میخواندند بسم الله
و لا حول ولا قوة الا بالله سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین
وانا الی ربنا لمنقلبون و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بر
کوهان هر شتری شیطانی هست چون سوار آن شوید چنانچه خدا فرموده
بگوئید که سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین [illegible] بسند
معتبر منقولست که چون چهارپائی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام [illegible]
آمد یا پایش میلغزید این میخواندند [illegible] رحمت [illegible] وال
نعمتک ومن تحویل عافیتک ومن فجاءة نقمتک و در حدیث دیگر
منقولست که شخصی بحضرت صادق [illegible] که [illegible] من [illegible] است
و در هنگام رفتن [illegible] اسپ [illegible] حضرت فرمود که این دعا را در
گوشش بخوان اولم یروا انا خلقنا لهم مما عملت ایدینا انعاما فهم لها
مالکون وذللناها لهم فمنها رکوبهم ومنها یأکلون و در حدیث

حسن از حضرت صادق علیه السلم منقولست که لازم است که سواره تا حذر کند پیاده را
ام باشد [illegible] چون برساند چهارپای او و فرمود که روزی حضرت امیر المؤمنین
[illegible] سوار شدند جمعی پیاده با حضرت روان شدند فرمود که آیا کاری دارید گفتند
نه ولیکن میخواهیم که در رکاب تو راه رویم فرمود که برگردید که راه رفتن
پیاده با سواره باعث غرور و فساد سواره و موجب مذلت و خواری پیاده است
در حدیث دیگر از عبد الله عطا منقولست که گفت روزی بخدمت حضرت
امام محمد باقر علیه السلم رفتم فرمود که دو چهارپا برای من زین کن رفتم
الاغی و استری را زین کردم و استر را پیش بردم که آنحضرت سوار شوند
فرمود که الاغ را پیش بیار که بهترین چهارپایان نزد من الاغ است و استر را
خود [illegible] و بین الاغ را آوردم و رکاب گرفتم چون سوار شدند گفتند
الحمد لله الذی هدانا للاسلام وعلمنا القرآن ومن علینا بمحمد صلی الله علیه وآله
والحمد لله الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون والحمد لله
رب العالمین [illegible] روان شدند در اثنای راه دیدم که الاغ شوخی میکند
[illegible] حضرت خود را به پیش زین چسبانیدند عرض کردم که یا ابن رسول الله
که [illegible] رسول خدا صلی الله علیه وآله الاغی داشت
که او را یعفور مینامیدند و چون سوار آن [illegible] شدند از شادی آنکه
آنحضرت بر پشت [illegible] رفتار میکرد که دوشهای مبارک
آنحضرت بحرکت می آمد حضرت خود را به پیش زین می چسبانیدند و
میفرمودند اللهم لیس منی ولکن من عفیر یعنی خداوندا این از من
نیست ولکن از عفیر است [illegible] هر زمان

ذکر شده که این بزرگواران [illegible] و رفتار الاغ را [illegible] داشته اند
و بدرگاه خدا عز وجل مطلب [illegible] آنکه بر اسبهای تازی [illegible]
باین [illegible] سوار میشوند و بر آسمان و زمین بر رفتار خود [illegible]
مینهند و غیر خود کسی را موجود نمی شمارند و چگونه عنایت حق [illegible]
در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلم منقولست که آیا شرم نمیکنید که شما بر
روی چهارپای خود خوانندگی میکنید و آنچه زیر شماست تسبیح پروردگار [illegible]
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که فرمود که چهارپای [illegible]
برهنه نیامد زیرا که هرگز من بر هیچ برهنه [illegible]
کسی را پالان نکردم [illegible] در آداب پیاده رفتن بعضی از احادیث
این فصل در آداب کفش و جامه پوشیدن گذشت و در حدیث [illegible] از
حضرت [illegible] منقولست که [illegible] راه [illegible] بر [illegible]
حسن از حضرت رسول منقولست که [illegible] راه برود
مردان در میان راه بروند و در حدیث [illegible] که سواره [illegible]
بیان [illegible] راه رفتن از پیاده و پای [illegible] احوال [illegible]
کفش پوشیده است و در [illegible]
چنان [illegible] که گو [illegible]
و می ترسد که پرواز کند و در [illegible] پیش میگرفت
و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که هر که
راه رود کسی بر روی زمین تکبر [illegible] خدا لعنت کند او را زمین [illegible]
[illegible] است [illegible] زمین است و در حدیث دیگر فرمود

هرگاه که گروهی ... ندامت من از سایلان در وقتی که از ایشان چیزی بطلبند
... بخشند از راه روند پس هرچه کار من بعزت شود سوگند خورده ام
که ایشان را بیکدیگر عذاب کند و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه که امت من
در رفتار تبختر کنند و دستها ... کنند و خدمت ایشان کنند غلامان
فارس و روم در میان ایشان فتنه و فساد باشد و بریکدیگر شمشیر کشند
و در حدیث دیگر فرمود که هر که با عصا راه رود از روی تواضع و شکستگی
... هر قدمی که بر او هزار حسنه نوشته میشود و هزار گناه
از وی محو شود و هزار درجه برای او بلند شود و در حدیث حسن فرمود
که عصا بدست گیر که از سنتهای پیغمبرانست و بنی اسرائیل صغیر و کبیر
جوان و پیر ایشان عصا در دست میگرفتند تا آنکه خیلا و تکبر نکنند
... و فرمود که بدست گرفتن عصا فقر و پریشانی را برطرف میکند
شیطان نزدیک او ... حضرت ... علیه السلام مروی است که اگر عاقلی
... بهر جانب که میشود ... خود را درست کنی و عوض
... خود را ... و بعضی کنی نفس را که امر نماید ...
... رفتن پیوسته در فکر و اندیشه
با ... الهی عبرت بگیری و در رفتار تبختر
نکنی و بدن خود را ... ساز ... زمین خدا پسند بده ...
و پیوسته مشغول خدا باشی بدرستیکه مواضعی که در آن ذکر خدا
کرده باشند شهادت میدهند برای ... در قیامت و استغفار میکنند
برای او تا داخل بهشت شود و در ما ... بسیار ... مکو که خلاف

۹۷

۱۰۱

ادب ... کنز را ... گناه شیطانست از مکر او غافل مباش و چنان کن
که رفتن و برگشتن در طاعت خدا باشد و رفتار تو ... بنوعی
باشد که موجب خشنودی خدا است بدرستیکه جمیع حرکات تو در نامه
عملت نوشته میشود فصل سیم در نگاهداشتن شتر
و گاو و گوسفند در حدیث معتبر منقولست که از حضرت رسول پرسیدند
که کدام مال بهتر است فرمود که زراعتی که آدمی بکارد و درو کند
... و حق خدا را بدهد گفتند بعد از زراعت دیگر کدام مال
بهتر است فرمود که شخصی که گوسفندی چند داشته باشد و در جایی که
آب و علف پیدا شود بچراند و نماز را بجا آورد و زکوة مال را بدهد
گفتند که بعد از گوسفند کدام مال بهتر است فرمود گاو که در بامداد
و پسین شیر میدهد گفتند که بعد از گاو کدام مال بهتر است فرمود
که ... درخت خرما ... در گل فرو برده اند و ... میدهند
در ... درخت خرما پس فرمود که ... است درخت خرما هر ...
قیمتش از ... خاک ... که ... کوه بلندی ...
مگر آنکه بعوض آن درخت ...
خرما کدام ... بهتر است حضرت ... چرا
شتر را ... فرمود ... و ...
... حواصل ... و شام ... و در حدیث دیگر فرمود که
گوسفند ... وقتی که ... میکند ... کرده است و وقتی ... میکند ...
بجای وقتی که در میان شان مرکب ... مسکنی و ...

نمیکند وگاو [illegible] که رو میکند رو کرده است و وقتی که پشت میکند
پشت [illegible] و شتر همسایه شیطانست اگر رو میکند پشت کرده است
اگر پشت میکند پشت کرده است یعنی وقتی که خوابست هم برای صاحبش
ضرر دارد و نفع ندارد گفتند یا رسول الله بعد از این شما در باب شتر فرموده اید
که نگاه نخواهید داشت از آن فرمود که همیشه بدبختان و فاجران هستند که
نگاه میدارند و در حدیث دیگر فرمود که نه عشر روزی در تجارت
و یک عشر آن در نگاه داشتن گوسفندان است و در حدیث دیگر فرمود که بر
شما باد نگاه داشتن گوسفندان که هر بامداد و پسین نفع شان بشما
میرسد و در حدیث دیگر منقولست که فرمود که شتر باعث عزت اهلش است
و در حدیث صحیح منقولست که حضرت صادق علیه السلم بصفوان شتردار فرمود
[illegible] برای من بخر و باید که بد صورت باشد که عمرش درازتر است و در
[illegible] دیگر منقولست که [illegible] شتران سیاه بد صورت بخرید که عمرشان
[illegible] باشد و در حدیث معتبر دیگر منقولست که فرمود که شتران [illegible]
[illegible] کناه [illegible] باشد و از رسول صلی الله علیه و آله منقولست
[illegible] قطار شتری نیست مگر آنکه
[illegible]
[illegible] و در حدیث حسن منقولست که حضرت
امام زین العابدین صلوات الله علیه مدت [illegible] حج [illegible] بر شتری بعبادت [illegible]
[illegible] سوار میشد و در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین
منقولست که یکی از حاملان عرش بصورت گاو است و گاو سید و بهترین
چهارپایانست و در میان حیوانات خوش و تر و سرافرازتر از گاو نبود تا آنکه

بنی اسرائیل گوساله پرستیدند و آن ملکی که بصورت گاو است از شرم چشم
بر زیر انگند و بآن سبب هر گاوی چنین شد و از شرم [illegible]
آسمان نگاه نمیکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
گوشت و شیر شتر را که فضله آدمی را خورد و سوار آن میشوند تا آنکه چهل روز
آنرا علف بدهند و علما خوردن گوشت و شیرش را حرام میدانند و بعضی
را مکروه میدانند و این حکم حیوانات دیگر هم دارد و پاک کردن آنها بآن
میشود که علف پاک بخورانند و آنها را مدتی چند که برای هر یک مقرر
شده است و در کتابهای علما مذکورست [illegible] در آداب خریدن و
نگاهداشتن حیوانات در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلم
منقولست که هر که چهارپائی بخرد بر جانب چپ او بایستد و موی ناصیه
او را بدست راست بگیرد و بر سرش بخواند سوره حمد قل هو الله و قل ا[illegible]
و قل اعوذ برب الناس و آخر سوره حشر [illegible] القرآن علی
تا آخر سوره و آخر سوره بنی اسرائیل قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن
تا آخر سوره و آیة الکرسی پس چون چنین کند [illegible]
جمیع آفتها و در حدیث [illegible] حضرت امام جعفر [illegible]
منقولست که چون کنیزی خواهی بخری بگو اللهم [illegible]
و استخیرک [illegible] بگو اللهم [illegible] الله لی المؤمن
حیوة و اکثرهن منفعة و خیرهن عاقبة و در حدیث صحیح منقولست
که علی ابن جعفر از حضرت امام موسی علیه السلم سوال کرد آیا [illegible]
میتوان زد و بر رویش داغ [illegible] فرمود که باکی نیست یعنی حرام نیست

اما مکروه است چنانچه در حدیث معتبر منقولست که از حضرت [illegible]
پرسیدند از داغ کردن حیوانات فرمود که در هر جا بغیر از روی داغ میتوان
کرد و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود
از آنکه حیوانات را در رویشان داغ بکنند یا چیزی بر رویشان
بزنند زیرا که تسبیح پروردگار خود میکنند و در حدیث دیگر از آنحضرت
پرسیدند از داغ کردن گوش گوسفندان فرمود که داغ را در گوش ایشان
بکنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که در وقت دوشیدن
شیر حیوانات اندک شیر در پستان بگذارید تا زود شیر جمع شود و در پستان
نگذارند را بدوشید دیرتر می آید و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه گوسفندان
را آب دهید و آنچه از بینی ایشان بیرون می آید پاک کنید و نماز در طویله
[illegible] که گوسفندان از حیوانات بهشت است و از [illegible]
منقولست که [illegible] گوسفندان در وقت روشن و صدا [illegible]
[illegible] برکت است و در حدیث معتبر منقولست که از آنحضرت پرسیدند
[illegible] حضرت و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
[illegible] مذهب دار [illegible] حیوانات و حکایت [illegible]
آن [illegible] که پهلوی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
در راهی گذشتند که حیوانی [illegible] ماده [illegible] در میان راه
حضرت را مکروه دانستند و فرمود که سزاوار نیست که جای [illegible] بکنند این
مکروه و قبیح است بلکه باید که این را در جای مخفی بسازند که مردم نبینند
[illegible] و در حدیث معتبر منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند

که دنبه گوسفند

که دنبه گوسفند زنده را میتوان برید فرمود که اگر [illegible] باشد که
مال خود را باصلاح آورد باکی نیست اما آن دنبه میته است و [illegible]
نمیتوان شد و باید که مشهور میان علما موافق احادیث معتبره آنست که
اگر بره یا بزغاله شیر خوک را بخورد تا آنکه گوشتش از آن شیر
بسته شود بره و نسل آن گوشتش حرام است و همچنین اگر گوسفندان
معلوم باشد که از نسل او است حرام است و هرچه معلوم نباشد حلال است
و اگر چند شیر خورده باشد و باین حد نرسیده باشد گوشتش
مکروه است و کراهتش باین برطرف میشود که اگر بیرون شیر خورد هفت روز
شیر گوسفند را بخورد و اگر از شیر باز کرده باشد در این مدت علف
و دانه حلال بآن بخورانند و در حدیث صحیح منقولست که شخصی بخدمت
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نوشت که بزی نر بزغاله ماده را شیر داد و بعد
[illegible]
[illegible] شیر [illegible] در جواب نوشت [illegible]
[illegible] مکروه [illegible] است و باکی نیست خوردن شیران
مجمل احوال و اقسام حیوانات حرام است معتبره از حضرت [illegible]
منقولست که هیچ مرغی و حیوانی [illegible]
آن [illegible] در حدیث دیگر فرمود که هیچ وحشیان
و مرغان [illegible]
کشته [illegible]
کردند و در حدیث دیگر فرمود که [illegible] که

که مرد که میکند بر جانش میبرند وان صورت امام میبرد که ...
سفنا ... آنچه کرکس در بادی که میگوید کای فرزند آدم هر چیز که
و کلی کن اهریمن میرکت است و انعمل میکند و میگوید که دانای بجا
وای دفع کننده بلاها و عادت میگوید که بر خود فقط ترم و معز و درین
خود شدم پس بیا بر دمرا و دراج میگوید الرحمن علی العرش استوی
و هدهد میگوید که هر که خدا شناخت باشد او را افسوس میکند و مرغ
خانگی میگوید که ای خداوند ... توئی توئی که توئی مخزن و باشد میگوید
که ایمان آورید خداوند بنمود ... بر دوامست ... میگوید که توکل
کن بر خدا ... و روزی ... که هر که ... آمد ...
عاجز شد و ناهمن میکند سبحان الله ... و ... میکند که ...
و بیهوس بیشترست و کلاغ میگوید که ای ... [illegible]
طال و غلک میکند که ... ... [illegible]
... هر که انعام ... [illegible]
... [illegible] ... میگوید که چه بسیار
و ... حسنت خدا مکند ... میگوید که ای ... جهان و
و ... که ... میگوید که
... خدا ... میگوید
... [illegible] ... میگوید
لا اله الا الله حقا حقا و ... میگوید ... حق ...
میگوید که ای فرزند آدم چه غافلی ... میگوید که ...

١٥٠ باشد او ... باید ... میگوید که ای ... آنچه ... و ...
(٥٦) میگوید ... جمیع ... کلی ... ای ...
الکاسه ... میگوید که ...
... میگوید که ...
... میگوید که ... براه ...
میگوید که ... و کدام ... میگوید که ...
... میگوید که ...
... که او را ... و او همه را ...
... میگوید که برای ... وقت ...
... میگوید که ... میگوید ...
... که ... بینند ... میکنم ...
... میگوید که ...
... میشود و شغال میگوید که عذاب و ویل برای گناهکاران ...
گناه ... و ... میگوید که ...
... میگوید که ...
میگوید که ... [illegible] ...
و ... میگوید که ... و ... میگوید
... که ... [illegible]
... میگوید که ... که ...
... میگوید که ... است ...

حضرت فرموده که هیچ خلقی نیست مگر آنکه او را تسبیح هست چنانچه خدا فرموده است
وإن من شيء إلا يسبح بحمده ولكن لا تفقهون تسبيحهم یعنی هیچ
چیز نیست مگر آنکه خدا را تسبیح میگوید و تمجید و ثنا ملتبس است ولیکن
شما نمی فهمید تسبیح ایشانرا و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که
حیواناتی که مسخ شده اند دوازده صنف اند اما فیل پس آن پادشاهی بود
که زنا و لواطه میکرد و خرس اعرابی بادیه نشینی بود که دیوثی میکرد و
خرگوش زنی بود که با شوهر خود خیانت میکرد و عقرب چغلی و خیانت میکرد
و شب پره حرمت مردم را میدزدید و سهیل مردی بود که در یمن عشاری
میکرد که عاشر بود و هاروت و ماروت ازو فریب خوردند و میمون و خوک جماعتی
بودند از بنی اسرائیل که در روز شنبه شکار ماهی کردند و اما جریث و سوسمار
گروهی بودند از بنی اسرائیل که در زمان حضرت عیسی علیه السلام چون مائده
آسمان نازل شد ایمان نیاوردند و مسخ شدند پس گم کردند ایشان بدریا
... و دیگری بصحرا و اما عقرب مردی سخن چینی بود و اما زنبور
... دزدی میکرد و در روایت دیگر منقولست که خرس
... [illegible] ...ند و سوسمار اعرابی بود که مال
حاجیان ... [illegible] ...زنی بود که از برای شوهر خود سحر میکرد
و در سوم مرد سخن چینی بود که در میان دوستان جدائی می انداخت
و مارماهی دیوث بود و شب پره خرماها از درخت می دزدید و میمون
یهود آنند که ماهی در شنبه شکار میکردند و خوک جماعتی اند که ایمان
بمائده آسمان نیاوردند و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که موش

101 گروهی از یهود بودند که خدا بر ایشان غضب کرد و بعضی مخفی بود از پیغمبر
پیغمبران میکرد و شبش از حسد مسخ شده است و روزی پیغمبری از
پیغمبران بنی اسرائیل نماز میکرد یکی از بیخردان بنی اسرائیل آمده و
برابر او استهزا با او میکرد و بصورت شبش مسخ شد و جلپاسه جماعتی از
بنی اسرائیل بودند که فرزندان پیغمبران را دشنام میدادند و با ایشان دشمنی میکردند
و در حدیث دیگر منقولست که خارپشت مردی بدخلقی بود و در بعضی از روایات
وارد شده است که زهره و سهیل که مسخ شده اند این دو ستاره نیستند
بلکه دو جانورند در دریای محیط و در روایت معتبره وارد شده است که هر ملک
از ملکها که میمیرند بصورت جلپاسه مسخ شوند و هم بود که هر گاه
جلپاسه را بکشی غسل بکن و در روایت دیگر منقولست که آنها که مسخ شدند زیاده
از سه روز زنده نماندند و مردند و حق تعالی بصورت ایشان حیوانی چند خلق نموده
گوشت آنها را حرام کرد تا مسلمانان عبرت بگیرند از دین ایشان و مثل عمل
آنها نکنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حق تعالی
صد امت را مسخ کرد برای آنکه بعد از پیغمبر ایشان ... از ایشان
پس چهار صد صنف ایشان بصحرا رفتند و سیصد صنف از ایشان بدریا
رفتند [illegible] در فضیلت تجارت کردن و تحصیل روزی
و در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که نیکو یاوری است
بر پرهیزکاری توانگری و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
چیزی نیست در کسی که نخواهد که مالی از حلال جمع کند که بآن مال روی خود را
از سؤال حفظ کند و قرض خود را ادا کند و با خویشان نیکویی و احسان کند و در حدیث

دیگر فرمود که استعانت بجویید بدنیا بر آخرت و بار مردم مشوید و از حضرت رسول
منقولست که ملعونست کسی که بار عیال خود را بر مردم بیندازد و در حدیث حسن
منقولست که شخصی از حضرت صادق پرسید که ما طلب دنیا میکنیم و دوست
میداریم که مال دنیا بما رو کند فرمود که برای چه میخواهید گفت برای خرج خود
و عیال خود بکنم و صله رحم بکنم و تصدق و حج و عمره بکنم فرمود که اینها برای اینها
کسب کردن طلب دنیا نیست طلب آخرتست و در حدیث دیگر فرمود که تو نگذار که
ترا از طلب منع نماید بهترست از بریانی که ترا بر گناه بدارد و در حدیث معتبر منقولست
که شخصی از علمای اهل سنت بحضرت امام محمد باقر علیه السلام برسید در روز بسیار گرمی
دید که آنحضرت بر دو غلام تکیه کرده براه میروند گفت که شما مرد پیری هستید
از بزرگان قریش مناسب نیست که در چنین وقت از برای طلب دنیا بیرون آیید اگر مرگ
در این حال بشما برسد چه خواهید کرد حضرت فرمود که مرگ در این حال برسد در وقتی
رسیده خواهد بود که مشغول اطاعت خداوند عالمیانم و کاری میکنم که خود را و عیال خود
را از سوال کردن از تو و از دیگران مستغنی سازم من آنوقت میترسم که مرگ برسد و در معصیت
خدا باشم [illegible] بگویم و نکنم [illegible] و در حدیث معتبر
از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که [illegible] خطاب [illegible] علیه السلام
[illegible] اگر از بیت المال [illegible] بدست خود [illegible] خطاب
[illegible] حضرت [illegible] که [illegible] برای بنده
من [illegible] شد [illegible] بدست خود
[illegible] بساخت و بهزار درهم میفروخت [illegible]
از بیت المال مستغنی شد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق از احوال عمر

را پرسیدند گفتند که ترک تجارت کرده است حضرت فرمود که عمل شیطانست
مگر نمیدانند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله تجارت فرمود و حضرت [illegible]
جماعتی را که مردان چند بودند که غافل میکردند [illegible]
با ایشان جماعتی بودند که تجارت میکردند و چون وقت نماز میشد بمشغول
نماز میشدند و این بهترست از کسی که تجارت نکند و نماز را در وقت خود بکند
و در حدیث موثق منقولست که بآنحضرت عرض کردند که شخصی میگوید که در خانه
می نشینم و نماز میکنم و روزه میدارم و عبادت پروردگار خود میکنم و روزی
من البته برای من میرسد حضرت فرمود که این مرد از آن کسانیست
که دعای ایشان مستجاب نیست و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بآنحضرت
عرض کرد که میخواهم دعا کنید که خدا مرا روزی بدهد با راحت فرمود که طلب
روزی بکن چنانچه خدا ترا امر کرده است من دعا نمیکنم برای تو و در حدیث دیگر
منقولست که آنحضرت احوال شخصی را پرسیدند شخصی گفت که او پریشان شده
حضرت پرسیدند که بچه کار مشغولست گفت که در خانه نشسته [illegible] و
عبادت الهی میکند فرمود که معاشش بچه وضع میگذرد گفت بعضی از برادران
مومن باحوال او میرسند حضرت فرمود که آنکه روزی او را میدهد [illegible]
عبادتش بهترست از عبادت او و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که کسی که طلب دنیا کند برای آنکه از مردم سوال نکند [illegible] عیال
خود را فراخ کند [illegible] بهمسایگان خود احسان کند [illegible] قیامت روی
او مانند شب ماه چهارده باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که عبادت هفتاد جزو است بهترین آنها طلب حلال است و در حدیث دیگر

فرمود که هرکه نشنود والد و مادر از طلب حلال چون شب بسر آید آمرزیده
شده باشد و در احادیث معتبر منقولست که در هر کار خود در [illegible]
خود را بمن کردی لجنت برتو بود [illegible] توکل بر خدا کن و [illegible]
معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که در حجة الوداع فرمود که
بدرستی که جبرئیل در دل من دمید که هیچ نفسی نمی میرد مگر آنکه
روزی مقدر خود را تمام میخورد پس از خدا بترسید و مبالغه در طلب
روزی مکنید که دیر رسیدن روزی باعث شما را بر آنکه طلب روزی
از راه معصیت خدا بکنید زیرا که حق تعالی روزی را در میان خلق
خود حلال قسمت کرده است و حرام قسمت نکرده است پس کسی که از معصیت
خدا بپرهیزد و صبر کند روزی او از حلال میرسد و هرکه پرده
دری کند و تعجیل نماید و از حرام بگیرد از روزی حلال او همان مقدار کم
میشود و در قیامت حساب او خواهند کرد بر آن از روزی حرام و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که اگر بنده در سوراخی باشد خدا روزی او میرساند
پس با خدا در طلب روزی [illegible] و در احادیث معتبره از آنحضرت منقولست
که [illegible] مقرر فرموده است که [illegible] نداشته
باشد برای آنکه چون نمیداند که روزی از کجا می آید دعا بسیار
میکند و در احادیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که تجارت
کردن عقل را زیاده میکند و ترک تجارت کردن عقل را کم میکند و حضرت
امام موسی علیه السلام بتجار فرمود که بامداد بروید [illegible] و چیزیکه موجب عزت شما است
[illegible] و در احادیث معتبره منقولست که بامداد بطلب روزی [illegible]

برابر است با مکه حج مقبول و در حدیث معتبر دیگر منقولست که هرکه
ده بار بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان
محمدا عبده و رسوله حق تعالی چهار هزار حسنه برای او بنویسد و در
حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هرکه داخل
بازار شود و نظرش [illegible] بگوید اشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریک له وان محمدا عبده و رسوله اللهم انی اسألک
من فضلک واستجیرک من الظلم والغرم والمأثم و در روایت دیگر
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه داخل بازار شود و بگوید اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له وان محمدا عبده و رسوله اللهم انی
اعوذ بک من الظلم والمأثم والمغرم حق تعالی بعدد اهل بازار [illegible]
[illegible] ثواب برای او بنویسد و از حضرت امیرالمؤمنین
منقولست که یاد خدا در بازار بکنید در وقتی که مردم مشغول باشند
که کفاره گناهان شما باشد و باعث زیادتی حسنات شما میشود شما را
از غافلان ننویسند و چون [illegible] از بازار بیرون
میروند [illegible] بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا
شریک له واشهد ان محمدا عبده و رسوله صلی الله علیه و آله
اللهم انی اعوذ بک من [illegible] و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی
الله علیه و آله منقولست که هرکه در وقت داخل شدن بازار بگوید سبحان الله
والحمد لله ولا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و
یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر [illegible]

خدا خلق کرده است تا قیامت بار ثواب کرامت فرماید و در حدیث صحیح از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون خواهی متاعی یا غیر آن بخری سه مرتبه
الله اکبر بگوید پس سه مرتبه این دعا بخواند اللهم انی اشتریته
التمس فیه من خیرک واجعل لی فیه خیراً اللهم انی اشتریته التمس
فیه من فضلک فاجعل لی فیه فضلا اللهم انی اشتریته التمس فیه من
رزقک فاجعل لی فیه رزقاً و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام
رضا علیه السلام بر هر متاعی که میخریدند مینوشتند برکةً لنا و محتملست
که مراد نوشتن با انگشت باشد و در حدیث صحیح از آنحضرت صادق علیه السلام
که چون خواهی که چیزی بخری این دعا بخوان یا حی یا قیوم یا دائم یا رؤف
یا رحیم اسئلک بعزتک و قدرتک وما احاط به علمک ان تقسم لی من
التجارة الیوم اعظمها رزقاً واوسعها فضلا وخیرها عاقبة فانه
لا خیر فیما لا عاقبة له و فرمود که چون حیوانی یا بنده خواهی بخری بگو
اللهم قدر لی اطولها حیوةً واکثرها منفعة وخیرها عاقبةً له
و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که چون خواهی که چهارپائی بخری
سه مرتبه این دعا بخوان اللهم ان کانت عظیمة البرکة فاضلة
المنفعة میمونة الناصیة فیسر لی شراءها وان کانت غیر ذلک
فاصرفنی عنها الی الذی هو خیر لی منها فانک تعلم ولا اعلم وتقدر و
لا اقدر وانت علام الغیوب و در روایت دیگر منقولست که چون خواهی
حاجتی بطلبی یا متاعی بخری باید که وضو ساخته باشد که سرهای شفقش
پوشیده باشد و دو رکعت نماز بکن و در رکعت اول بعد از سوره حمد

قل هو الله احد و در رکعت دوم قل یا ایها الکافرون بخوان پس چون سلام
بگوئی این دعا بخوان اللهم انی طلبت المس من فضلک کما امرتنی
فارزقنی من فضلک رزقاً حسنا واسعا حلالا طیبا واعطنی فیما رزقتنی
العافیة عددون بحول الله وقوته علیه بغیر حول منی ولا قوة ولکن
بحولک وقوتک وابرأ الیک من الحول والقوة اللهم انی اسئلک
برکة هذا الیوم فبارک لی فی جمیع اموری یا ارحم الراحمین وصلی الله
علی محمد واله الطیبین الطاهرین و در فقه الرضا علیه السلام مذکورست
که چون خواهی که متاعی را به سفر ببری و نگاه داری آیة الکرسی بخوان و
بنویس و در میان متاع بگذار و این دعا را نیز بنویس و جعلنا من بین ایدیهم
سداً و من خلفهم سداً فاغشیناهم فهم لا یبصرون لا ضیعة علی
ما حفظ الله فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و
هو رب العرش العظیم چون چنین کنی آن متاع از هر بلائی محفوظ باشد
و فرمود که اگر مال از تو بدزدند یا ضایع شود این دعا بخوان اللهم انی اسئلک بعزتک
وارتهب بذلک وابرأ ... ... ما سبق بیدک حکمک
تبارک و تقبل ما ترید اللهم ذلک الحمد ... فما الحمد ولک
اللهم هو مالک و رزقک و انا عبدک ... خولتنی ...
اللهم فالهمنی شکرک فیه والصبر علیه حین اصبت و اخذت
انت اعطیتنا و اخذت وانت اصبت اللهم لا تحرمنی ثوابه ولا تنسنی
من خلفه فی دنیای و امری الیک هو کل شیء قدیر ... فاذا اصابت
انا الک ... الیک ... ولا املک لنفسی ضراً ولا نفعاً ...

معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بدترین بقعها
زمین بازارهاست و آنها میدان شیطانند هر روز بامداد علم خود در
بازارها میزند و کرسی خود را میگذارد و بران می نشیند و فرزندان
خود را پهن میکند که یکی را فریب میدهد که ترازو را کم میکند و
دیگری کیل را کم میکند و بگزی کم میزند و دیگری را دلال دروغ میگوید
پس میگوید بفرزندان خود که بر شما باد بجماعتی که پدر ایشان مرده است یعنی
حضرت آدم که پدر شما زنده است پس اول کسی که داخل بازار میشود شیطان
داخل میشود تا آخر کسی که بیرون میرود و بهترین بقعهای زمین نزد خدا
مسجدهاست و محبوب ترین مردم نزد خدا کسی است که زودتر بمسجد رود
و دیرتر بیرون می آید و در حدیث دیگر فرمود که دشمن ترین مردم نزد خدا
کسی است که زودتر ببازار برود و دیرتر بیرون آید و از حضرت صادق ع
منقولست که چهار جنس از مردمند که کار ایشان بسته شده است که
سودا با ایشان برکت ندارد و در حدیث دیگر فرمود که با کردان مخالطه
مکنید که ایشان برکت ندارند و در حدیث دیگر فرمود که با کردان معامله
مکنید که ایشان گروهی اند از جنیان که حق تعالی پرده از ایشان برداشته است
و در احادیث معتبره وارد شده است که معامله مکنید با جماعتی که مرضهای
بد دارند مانند پیسی و خوره و در احادیث معتبر فرمود که با نوکیسه
سودا مکنید و بلکه سودا بکنید با کسی که در مال و نعمت نشو و نما کرده باشد و
در حدیث دیگر فرمود که با مردم دون که از دشنام گفتن و شنیدن
پروا ندارند سودا مکنید و در حدیث صحیح دیگر فرمود که از ما کسی نیست

که مومنی را فریب دهد و فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود
از آب در شیر کردن و در حدیث حسن منقولست که حضرت امام موسی علیه السلم
بهشام فرمود که در تاریکی و زیر سقف متاع مفروش که متاع خوش قماش
مینماید و آن غش است و غش کردن حلال نیست و فرمود که کسی که هر که بقسم
بفروشد مگر بقسم حق تعالی در قیامت نظر رحمت بسوی او نفرماید و از
حضرت امیر المومنین ع منقولست که زنهار قسم مخورید اگرچه متاع را روا
میکند اما برکتش را می برد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
کسی که میفروشد و میخرد روزی میباید و کسی که نگاه میدارد برای آنکه
گران میشود ملعونست و فرمود که قافله که متاع آورده کسی از آن بیرون شهر
استقبال نکند بگذارید که داخل شهر شوند و شهری وکیل نشود در خرید
و فروش برای بادیه نشینان خدا بعضی از شما را بسبب بعضی دیگر روزی (۱۰۹)
میدهد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت صادق ع با اسحق بن عمار
فرمود که فرزند خود را بصرافی مده که صراف از ربا سالم نمی ماند و بکفن فروشی
مده که کفن فروش آرزوی مرگ مردم میکند و بسیار مردن مردم او را
خوش می آید و بجو گندم فروشی مده که سالم نمی ماند از جمع کردن و نگاهداشتن
برای گرانی و بسلاخی مده که رحم از دلش برطرف میکند و کسی که سنگین دلست
از خدا دور است و ببرده فروشی مده که بدترین مردم کسی است که مردم
را فروشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود که
بخاله خود غلامی بخشیدم و نهی کردم او را از آنکه بقصابی یا بحجامت
کردن یا زرگری بدهد و در احادیث دیگر منقولست که اگر مزد حجامت

را اول شرط نکند و آنچه بعد از حجامت بدهد قبول کند باکی نیست و در بعضی
از اخبار مذمت جولاهی وارد شده است و در حدیث دیگر منقول است که
شخصی از حضرت صادق ع پرسید از تعلیم کردن اطفال فرمود که مزد بر آن
مگیر گفت که کتابهای شعر و رسالها و مثال آنها می‌خوانند اول شرط مزد
خود با ایشان بکنم فرمود که بلی اما بشرطی که اطفال [مزد] برابر باشند و بعضی را
بر بعضی زیادتی ندهی و در حدیث دیگر منقول است که با آنحضرت عرض کرد
که مردمان میگویند کسب معلم حرام است فرمود که دروغ میگویند این
دشمنان خدا میخواهند که اطفال مردم قرآن یاد نگیرند اگر کسی دیه فرزند
خود را بمعلم بدهد بر او حلال است و بهتر آنست که اول شرط مزد نکند و
آنچه بدهند بگیرند و در احادیث معتبره وارد شده است که چون قرآن را
نفروشید کاغذ و جلد آن را بفروشید و قصد در نوشتن نوشته نکنید
و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که باکی نیست در
مزد گرفتن برای نوشتن قرآن و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع
منقول است که هر که تمام شب بیدار باشد برای کسب کردن و بهره بدن
خود را از خواب ندهد آن کسبش حرام است و اکثر علما حمل بر کراهیت شدید
کرده‌اند و در چند حدیث معتبر از آنحضرت منقول است که هر که خود را
بمزدوری و نوکری مردم باجاره بدهد روزی بر خود حرام کرده
و خود را از روزی خدا محروم گردانیده است **فصل یازدهم**
در فضیلت زراعت کردن و درخت کشتن از علی بن ابی حمزه منقول است
که حضرت امام موسی علیه السلام را دید که در زمین خود کار میکردند و پاهای

آنحضرت در عرق فرو رفته بود گفت فدایت شوم خدمتکاران کجا رفتند
که شما خود این کار میکنید فرمود که با بیل در زمین کار کرده است کسی که
بهتر از من و پدر من بوده است پس فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و تمام پدران من در زمین
بدست خود کار کرده‌اند و این کار پیغمبران و اوصیای ایشان و صالحان است و
در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حق تع برای پیغمبران
تخم و دانه کشت کردن را اختیار کرده است که از آمدن باران کراهت نداشته
باشند و در حدیث دیگر فرمود که حق تع روزی پیغمبران را در زراعت و
شیر بستن حیوانات قرار داده است تا از قطرهای باران آسمان کراهت نداشته
باشند و در حدیث دیگر فرمود که زراعت کنید و درخت بنشانید والله
١١٥ که مردم کاری از این حلالتر و پاکیزه‌تر نمیکنند والله که زراعت خواهند کرد
و درخت خواهند کشت بعد از بیرون آمدن دجال هم در حدیث معتبر
از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است که بهترین اعمال زراعت است
که از آن نیکوکار و بدکردار میخورند و اما نیکوکار آنچه میخورد برای او استغفار
میکند و اما بدکردار آنچه میخورد او را لعنت میکند و حیوانات و مرغان
نیز از آن میخورند و از حضرت صادق ع که کیمیای بزرگ زراعت است
و در حدیث دیگر فرمود که زراعت کنندگان گنجهای مردم‌اند میکارند و
چیزی نیکو پاکیزه خدا کرامت فرماید و ایشان در قیامت جایگاه ایشان از
سایر مردم نیکوتر است و منزله ایشان از دیگران نزدیکتر است و ایشان را
در آن روز مبارک می‌نامند و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت بر جماعتی

کم شنیدند که تخم میکردند فرمود که زراعت بکنید که [illegible] میوه ماند
زراعت را جانچه باران میرویاند و در احادیث معتبره منقولست که آنحضرت
برجماعتی گذشتند که تخم میکردند و فرمودند که زراعت کنید که حضرت
امیرالمومنین علیه السلم بدست خود زمین کار میکردند و مزرعها آباد میکردند و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله هسته خرما را با آب دهان مبارک خود تر میکردند
و بزمین فرو میبردند و در ساعت سبز میشد و حضرت امیرالمومنین علیه السلم
هزار غلام از کد یمین خود خریدند و آزاد کردند و در حدیث موثق منقولست
که شخصی رسید بحضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه که زیاده از نیم من
هسته خرما بار کرده بودند و میبردند پرسید که اینها چیست فرمود که
صد هزار درخت خرماست انشاء الله پس اینها را در باغستان خود کشتند
یکی از اینها ضایع نشد و در حدیث معتبر از ابی عمر منقولست که گفت دیدم
حضرت صادق علیه السلم جامه کنده پوشیده بودند و بیلی در دست داشتند
و در باغ خود کار میکردند و عرق از پشت مبارک میریخت گفتم فدایت
شوم بده من بکنم فرمود که دوست میدارم که آدمی آزار بکشد از آفتاب
برای طلب معیشت و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که شش
خصلت است که مومن بآنها منتفع میشود بعد از مردن فرزند صالحی
که برای او استغفار کند و مصحفی که از او باند و تلاوت کنند و چاهی
که بکند و درختی که بکارد و تصدق آبی که جاری کند و سنت نیکی که میان
مردم بگذارد که بعد از او مردم بآن عمل بکنند و در حدیث حسن از آنحضرت
منقولست که هیچ چیز آدمی بعد از مرگ خود نگذارد که برودشوار

نزباشد

نزباشد [illegible] گفت که چه کند فرمود که باغ و خانه بخرد و در حدیث
دیگر فرمود که در تورات نوشته است که هر که زمین یا آب بفروشد
و عوض آن زمین یا آب دیگر نخرد قیمتش باطل شود و منتفع نگردد از آن
[illegible] در آداب زراعت کردن و درخت کشتن بسند
معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که چون حضرت آدم
بزمین آمد محتاج بخوردن و آشامیدن شد پس نزد [illegible] شکایت
کرد جبرئیل گفت زراعت کن آدم علیه السلم گفت دعا تعلیم کن جبرئیل علیه السلم
111 گفت بگو اللهم اکفنی مؤنة الدنیا و کل هول دون الجنة والبسنی
العافیة حتی تهنئنی المعیشة و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلم
منقولست که چون خواهی زراعت کنی یک کف از تخم را بگیر و رو بقبله
بایست و بگو سه مرتبه افرایتم ما تحرثون ءانتم تزرعونه ام
نحن الزارعون پس بگو اللهم اجعله حبا مبارکا وارزقنا فیه السلامة
پس آن دانه که در کف داری بپاش و در روایت دیگر منقولست که چون
دانه را بپاشی بگو اللهم قد بذرت وانت الزارع فاجعله حبا متراکبا
متراکبا و در حدیث دیگر فرمود که در وقت درخت نشاندن و دانه
پاشیدن بر هر درختی و دانه بخوان که سبحان الباعث الوارث که البته
خطا نمیکند و در روایت دیگر فرمود که در وقت درخت کشتن و درامت
کردن این آیه را بخواند و مثل کلمة طیبة کشجرة طیبة اصلها
ثابت و فرعها فی السماء تؤتی اکلها کل حین باذن ربها و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلم منقولست که یک قبضه از تخم بگیر و رو بقبله

بیت و سلام بر شما بگو که امشب [illegible] عن [illegible] [illegible]
اجعله حرزاً مبارکاً وارزقنا فیه السلامة والتمام واجعله عیاناً مبارکاً
ولا تخرجنی خیر ما اتقی ولا تفتننی بما منعتنی عن [illegible] واله الطیبین
لبس ان قبضه را بپاشی و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که میخواهد
که درخت خرما خود را بار آورد و [illegible] شود ماهیهای کوچک
[illegible] بریزد و [illegible] کند و در هر کو [illegible] بباشد [illegible]
[illegible] بکند و در میان درخت خرما [illegible] و در حدیث دیگر
از آن حضرت منقولست که درخت خرما را مبرید که عذاب بر شما نازل
میشود و در روایت دیگر فرمود که بریدن درخت خرما مکروهست
پرسیدند که درختهای دیگر بریدن چونست فرمود که باکی نیست
که درخت سدر را بریدن چونست فرمود که درخت سدری که در بادیه
باشد بریدن مکروهست زیرا که در آنجا کمتر است اما در شهر باکی نیست
و از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدند که چونست بریدن درخت
سدر فرمود که پدرم درخت سدر را برید بجای او درخت انگور
کشت و از حضرت امیرالمؤمنین منقولست که باکی نیست که فضله آدمی
را در درختها بریزند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
حضرت عیسی [illegible] در میوه های ایشان کرم بسیار بود و
[illegible] آن حضرت شکایت کردند فرمود که چون درخت میکارید اول خاک
میریزید و بعد از آن آب میریزید [illegible] بسبب کرم در میوه ها بهم میرسد
بعد از این اول آب بریزید و بعد از آن خاک بپاشید چون چنین کردند

کرم از میوه

کرم از [illegible] برطرف شد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که هر که درخت سدر را آب دهد چنانست که مؤمنی را در وقت تشنگی
آب داده باشد و فرمود که هیچ چیز بر درخت [illegible] نکرده است مگر
آنکه میوه داشته که میخواسته خورده چون مردم [illegible]
[illegible] میوه [illegible] درختان برطرف شد [illegible]
دارند درختان خار بهم رسانیدند باب سیزدهم در آداب
سفر [illegible] در بیان سفر [illegible] ایام و ساعات [illegible]
112 برای سفر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در حکمت آل داود نوشته است که
نباید کسی که سفر کند مگر از برای سه چیز سفری که توشه آخرت در آن
حاصل شود یا [illegible] باعث مرمت امر [illegible] یا سفری که از برای [illegible]
لذتی باشد که حرام نباشد و در حدیث دیگر فرمود که سفر کنید تا بدنهای
شما صحیح باشد و [illegible] نعمت دنیا و آخرت [illegible] بیابید و حج کنید
[illegible] و در حدیث دیگر فرمود که سفر قطعه ایست از عذاب
چون کار شما در سفر ساخته شود زود بسوی اهل خود برگردید و در حدیث
صحیح منقولست که [illegible] از حضرت صادق علیه السلام پرسید که
[illegible] بیرون روم [illegible] فرمود که [illegible]
[illegible] بر زمین [illegible] در آنجا هلاک شود و در
حدیث صحیح منقولست که [illegible] حضرت امام موسی علیه السلام آمد
و گفت [illegible] برای من دعا کنید فرمود که [illegible]
گفت [illegible] از برای برکت [illegible] زیرا که حضرت رسول صلی

در روز دوشنبه که متواتر شده است حضرت وفات کرد [illegible] بود
حضرت رسول در روز جمعه متولد شده است و هیچ روزی شوم‌تر از
روز دوشنبه نیست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آن روز وفات
کردند و وحی آسمان از ما منقطع شد و در آن روز حق ما را غصب کردند
میخواهی که خبر دهم ترا و دلالت کنم بر روز سهل آسانی که خدا نرم کرد
در آن روز آهن را از برای حضرت داود علیه السلام گفت بلی فرمود که آن روز سه
شنبه است و در حدیث معتبر از آنحضرت صادق علیه السلام منقولست که
هرکه ارادهٔ سفری داشته باشد باید که در روز سه شنبه سفر
کند که اگر گرسنگی از کوه بگردد و در روز سه شنبه البته از آن جا
جای خود برگرداند و هرکاری که برود دشوار شود در روز سه شنبه طلب
کند که آن روزیست که آهن برای حضرت داود نرم شده است و در حدیث
معتبر منقولست که حضرت رسول در روز پنجشنبه بسفر بیرون میرفتند
و میفرمودند که روز پنجشنبه را خدا و رسول و ملائکه دوست میدارند
و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مکروهست سفر
کردن و سعی در حوایج کردن در بامداد روز جمعه از برای آنکه مبادا از
نماز باز مانند اما بعد از نماز از برای تبرک خوبست و در حدیث دیگر
فرمود که باکی نیست سفر کردن در روز جمعه و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقولست که هرکه در چهارشنبه آخر ماه سفر کند بر رغم آنها که
بفال بد میدانند از هر بلائی نگاه داشته شود و حاجتش را خدا
برآورد و در بعضی از روایتها وارد شده است که سفر مکن در روز سوم

ماه و روز چهارم

113

ماه و [illegible] روز پنجم ماه و روز سیزدهم ماه و شانزدهم ماه و روز
بیستم ماه و روز بیست یکم ماه و روز بیست چهارم و روز بیست و پنجم ماه
روز بیست ششم ماه و در روایت دیگر منقولست که روز چهارم و بیست یکم ماه
برای سفر خوبست و در روایت دیگر منقولست که هشتم ماه و بیست و سوم
ماه برای سفر خوب نیست و اگر روزهای ماه با روزهای هفته معارض شود
رعایت روزهای هفته کردن اولی است زیرا که احادیث هفته در این باب
بیشتر است و در روایت دیگر معتبر منقولست که هرکه سفر کند یا زن
خواهد و ماه در عقرب باشد عاقبت نیکو نبیند [illegible]
در دفع نحوستهای سفر بتصدق و دعا در حدیث صحیح از حضرت صادق
منقولست که تصدق کن و در هر روز که خواهی برو بسفر و در حدیث صحیح
دیگر منقولست که از آنحضرت پرسیدند که آیا کراهیت دارد سفر کردن
در روزی از روزها مثل چهارشنبه و غیر آن فرمود که افتتاح سفر
بتصدق کن و بیرون رو هر وقت که خواهی و در حدیث صحیح دیگر منقولست
که ابن ابی عمیر گفت که من در علم نجوم نظر کردم و طالع را میشناختم و
در خاطرم میخلید و در بعضی از ساعات بعضی از کارها را اختیار
کردن در این باب بخدمت حضرت امام موسی شکایت کردم فرمود که هرگاه
که در دل تو چنین چیزی بهم رسد تصدق کن بر اول مسکینی که می‌بینی و برو که
حق تعالی ضرر را از تو دفع میکند و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هرکه در اول روز تصدق کند حق تعالی نحوست آن روز را از او
دفع میکند و در حدیث دیگر منقولست که چون حضرت امام زین العابدین علیه السلام

بعضی از مزرعهای خود میخواستند بروند میخریدند ... را
از خدا بالجمله میسر میشد از تصدق و این تصدق فرا در وقتی میدادند
که پا در رکاب میگذاشتند و چون خدا آنحضرت را بسلامت برمیگردانید
شکر و حمد الهی میکردند و تصدق میکردند بالجمله میسر میشد و در حدیث
حسن منقولست که عبد الملک بن اعین بحضرت صادق علیه السلام عرض کرد که
من مبتلا بعلم نجوم شده ام و گاهی میخواهم بکاری بروم و بطالع نظر میکنم
و می بینم که در طالع شری هست می نشینم و ترک رفتن میکنم و اگر طالع
نیکو می بینم میروم حضرت فرمود که از حاجت بر آورده میشود که بآن
حکم نجوم میکنی گفت بلی فرمود که کتابهای نجومت را بسوزان و سید ابن
طاوس علیه الرحمة روایت کرده است که چون خواهی متوجه سفر شوی
در وقتی چند که سفر کردن در آن اوقات کراهیت دارد پیش از متوجه شدن
سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی و انا
انزلناه فی لیلة القدر و آخر سوره آل عمران ان فی خلق السموات والارض
تا آخر سوره بخوان پس بگو اللهم بك یصول الصائل وبك وبقدرتك
یطول الطائل ولا حول لكل ذی حول الا بك ولا قوة یمتارها ذو قوة
الا منك اسألك بصفوتك من خلقك وخیرتك من بریتك محمد
نبیك وعترته وسلالته علیه وعلیهم السلام صل علیه وعلیهم و
اكفنی شر هذا الیوم وضره وارزقنی خیره ویمنه وبركاته واقض لی
فی متصرفاتی بحسن العافیة وبلوغ المحبة والظفر بالامنیة و
كفایة الطاغیة الغویة وكل ذی قدرة لی علی اذیة حتی ا

اکون

اكون فی جنة وعصمة من كل بلاء ونقمة وابدلنی فیه من المخاوف
امنا ومن العوائق فیه یسرا حتی لا یصدنی صاد عن المراد ولا یحل بی
طارق من اذی العباد انك علی كل شیء قدیر والامور الیك تصیر یا من
لیس كمثله شیء وهو السمیع البصیر و در حدیث صحیح از حضرت امام
موسی منقولست كه هفت چیز است كه اگر در برابر مسافر ظاهر شود برای
114 او شوم است كلاغی كه فریاد كند از جانب راست او و سگی كه دم را علم كرده
باشد و گرگی بر دم خود نشسته باشد و بر روی او فریاد كند پس سه
مرتبه بلند شود و ایستاده شود و آهوی كه بجانب راست او بیاید و
بجانب چپ او برود و جغدی كه فریاد كند و زن پیر سفید مویی كه رو
... او بیاید و ماده الاغی كه گوشش بریده باشد پس كسی كه از دیدن
اینها ترسد در خاطرش بباید بگوید اعتصمت بك یا رب من شر
ما اجد فی نفسی فاعصمنی من ذلك و چون این را بگوید مضرتی باو نرسد
و در روایتی منقولست كه چون پیش از سفر تصدق نكند و در وقت تصدق
این دعا بخواند اللهم انی اشتریت بهذا الصدقة سلامتی وسلامة
سفری وما معی فسلمنی وسلم ما معی وبلغنی وبلغ ما معی ببلاغك الحسن الجمیل
و بعد از تصدق نگوید لا اله الا الله الحلیم الكریم لا اله الا الله العلی العظیم
سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضین السبع وما فیهن وما
بینهن وهو رب العرش العظیم وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین
وصلی الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین اللهم كن لی جارا من كل جبار عنید
ومن كل شیطان مرید بسم الله دخلت وبسم الله خرجت اللهم انی اقدم

بین یدی و من خلفی بسم الله و ما شاء الله فی هذه [illegible]
انت المستعان علی الامور کلها و انت الصاحب فی السفر و الخلیفة فی الاهل
اللهم هون علینا سفرنا و اطو لنا الارض و سیرنا فیها بطاعتک و طاعة
رسولک اللهم اصلح لنا ظهرنا و بارک لنا فیما رزقتنا و قنا عذاب النار
اللهم انا نعوذ بک من وعثاء السفر و کآبة المنقلب و سوء المنظر فی
الاهل و المال و الولد اللهم انت عضدی و ناصری اللهم اقطع عنی
بعده و مشقته و اصحبنی فیه و اخلفنی فی اهلی بخیر و لا حول و لا قوة
الا بالله العلی العظیم فصل [illegible] در آداب عزم و نماز و دعا در
وقت بیرون رفتن سید بن طاوس علیه الرحمه روایت کرده است که چون
کسی اراده سفر نماید سنت است که غسل کند پیش از بیرون رفتن و در وقت غسل
بگوید بسم الله و بالله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و علی ملة رسول الله
و الصادقین عن الله صلوات الله علیهم اجمعین اللهم طهر قلبی و اشرح
به صدری و نور به قبری اللهم اجعله لی نوراً و طهوراً و حرزاً
و شفاءً من کل داء و آفة و عاهة و سوء مما اخاف و احذر و طهر
قلبی و جوارحی و عظامی و دمی و شعری و بشری و مخی و عصبی و ما اقلت
الارض منی اللهم اجعله لی شاهداً یوم حاجتی و فقری و فاقتی الیک
یا رب العالمین انک علی کل شیء قدیر و در حدیث معتبر از حضرت رسول
منقول است که هیچ خلیفه نمی گذارد در اهل خود بهتر از آنکه در وقت
بیرون رفتن دو رکعت نماز بکند و بعد بگوید اللهم انی استودعک
نفسی و اهلی و مالی و ولدی و دنیای و آخرتی و امانتی و خاتمة عملی

وابن طاوس

و ابن طاوس علیه الرحمة گفته است که در رکعت اول قل هو الله و در رکعت
دوم انا انزلناه فی لیلة القدر بخواند و در حدیث معتبر منقول است که چون حضرت
امام زین العابدین علیه السلام اراده سفر میکردند عیال خود را در حجره جمع میکردند
و این دعا میخواندند اللهم انی استودعک الغداة نفسی و مالی و
اهلی و ولدی و الشاهد منا و الغائب فی جوارک اللهم لا تسلبنا نعمتک
و لا تغیر ما بنا من عافیتک و فضلک و سید ابن طاوس علیه الرحمة روایت 115
نموده که بعد از نماز این دعا بخواند اللهم انی استودعک الیوم نفسی
و اهلی و مالی و ولدی و من کان منی بسبیل الشاهد منهم و الغائب اللهم
احفظنا بحفظ الایمان و احفظ علینا اللهم اجعلنا فی رحمتک
و لا تسلبنا فضلک انا الیک راغبون اللهم انا نعوذ بک من وعثاء
السفر و کآبة المنقلب و سوء المنظر فی الاهل و المال و الولد فی الدنیا و
الآخرة اللهم انی اتوجه الیک هذا التوجه طلباً لمرضاتک و
تقرباً الیک اللهم فبلغنی ما اؤمله و ارجوه فیک و فی اولیائک
یا ارحم الراحمین و [illegible] اللهم خرجت فی وجهی
هذا بلا ثقة منی لغیرک و لا رجاء آوی به الا الیک و لا قوة به
اتکل علیها و لا حیلة الجأ الیها الا طلب رضاک و ابتغاء رحمتک
و تعرضاً لثوابک و سکوناً الی حسن عائدتک و انت اعلم بما سبق لی
فی علمک فی وجهی مما احب و اکره اللهم فاصرف عنی مقادیر کل بلاء
و مقضی کل لأواء و ابسط علی کنفاً من رحمتک و لطفاً من عفوک
و سعة من رزقک و تماماً من نعمتک و جماعاً من معافاتک و

ووفق لی فیه یا رب جمیع قضائک علی موافقة هوای وخففه علی وادفع
عنی ما احذر وما احذر علی نفسی مما انت اعلم به منی واجعل ذلک خیرا
لآخرتی ودنیای فیمن مع ما اسئلک ان تخلفنی فیمن خلفت ورائی
من ولدی واهلی ومالی واخوانی وجمیع خزانتی بافضل ما تخلف به
غائبا من المومنین فی تحصین کل عورة وحفظ کل مضیعة وتمام
کل نعمة وادفاع کل سیئة وکفایة کل محذور وصرف کل مکروه وکمال
ما یجمع لی به الرضاء والسرور فی الدنیا والآخرة ثم ارزقنی ذکرک وشکرک
وطاعتک وعبادتک حتی ترضی وبعد الرضاء اللهم انی استودعک الیوم
دینی ونفسی ومالی واهلی وذریتی وجمیع اخوانی اللهم احفظ الشاهد
منا والغائب اللهم احفظنا واحفظ علینا اللهم اجعلنا فی جوارک و
لا تسلبنا نعمتک ولا تغیر ما بنا من نعمة وعافیة وفضل ودر حدیث
معتبر منقولست که چون حضرت صادق علیه السلام ارادهٔ سفری میکردند این
دعا میخواندند اللهم خل سبیلنا واحسن تسییرنا واعظم عافیتنا
در دعائی دیگر منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه وآله ارادهٔ
سفری می‌نمودند این دعا میخواندند در وقتی که برمیخواستند که متوجه
شوند اللهم بک انتشرت والیک توجهت وبک اعتصمت انت
ثقتی ورجائی اللهم اکفنی ما اهمنی وما لا اهتم له وما انت اعلم به
منی اللهم زودنی التقوی واغفر لی ووجهنی للخیر حیثما توجهت
ودر حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر ع منقولست که هرکه ارادهٔ
سفری نماید ودر خانهٔ خود بایستد رو بجانبی که اراده دارد که متوجه شود

پس سورهٔ حمد را از پیش رو وجانب راست وجانب چپ بخواند پس بگوید اللهم
احفظنی واحفظ ما معی وبلغنی وبلغ ما معی ببلاغک الحسن الجمیل حق تع
حفظ کند او را وآنچه با اوست وسید ابن طاوس علیه الرحمه روایت کرده است
که چون بدر خانه بایستد تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بخواند و
سورهٔ حمد وآیة الکرسی را بنحوی که گذشت بخواند پس بگوید اللهم الیک
وجهت وجهی وعلیک خلفت اهلی ومالی وما خولتنی وقد وثقت بک
فلا تخیبنی یا من لا یخیب من اراده ولا یضیع من حفظه اللهم صل
علی محمد وآل محمد واحفظنی فیما غبت عنه ولا تکلنی الی نفسی یا ارحم الراحمین
اللهم بلغنی ما توجهت له وسبب لی المراد وسخر لی عبادک وبلادک
وارزقنی زیارة نبیک وولیک امیر المومنین والائمة من ولده و
جمیع اهل بیته علیه وعلیهم السلام ومدنی منک بالمعونة فی جمیع
احوالی ولا تکلنی الی نفسی ولا الی غیری فاکل واعطب وزودنی التقوی
واغفر لی فی الآخرة والاولی اللهم اجعلنی اوجه من توجه الیک واین
دعا را نیز بخواند بسم الله وبالله توکلت علی الله واستعنت بالله
والجات ظهری الی الله وفوضت امری الی الله رب آمنت بکتابک الذی
انزلت وبنبیک الذی ارسلت لانه لا یاتی بالخیر الا انت ولا یصرف
السوء الا انت عز جارک وجل ثناؤک وتقدست اسماؤک وعظمت
آلاؤک ولا اله غیرک. بسند حسن که در حدیثی وارد شده است که هرکه
صبح از خانه بیرون آید این دعا بخواند بلائی باو نرسد تا شام که عائد بر
گردد وهرکه در شام بخواند واز خانه بیرون رود بلائی باو نرسد تا صبح

که عبادت برگردد و در روایت دیگر وارد شده است که چون حضرت صادق ع
بسفری میرفتند این دعا میخواندند اللهم احفظنی واحفظ ما معی وسلّمنی
وسلّم ما معی وبلّغنی ببلاغک الحسن بالله استفتح وبالله استنجح وبمحمد صلی الله علیه وآله
اتوجه اللهم سهّل لی کل حزونة وذلّل لی کل صعوبة واعطنی من الخیر
کله اکثر مما احذر فی عافیة یا ارحم الراحمین واین دعا نیز میخواند
اسال الله الذی بیده حاجتی وجعل بیده ادوات البلایا ان یقضی لنا
فی سفرنا امناً وایماناً وسلامة واسلاماً ورزقاً وتوفیقاً وبرکة وهدی
وشکراً وعافیة ومغفرة عزماً لا نغادر ذنباً واز حضرت امیر المومنین
صلوات الله علیه منقولست که چون کسی بسفری بیرون رود بگوید اللهم انت
الصاحب فی السفر والحامل علی الظهر والخلیفة فی الاهل والمال والولد
باید که این دعاها را از برای خانه بیرون آمدن و سوار شدن در فصلهای
سابق گذشت بخواند پس چون سوار شود بگوید الحمد لله الذی هدانا
للاسلام ومنّ علینا بمحمد وآله سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له
مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون والحمد لله رب العالمین اللهم انت الحامل
علی الظهر والمستعان علی الامر اللهم بلغنا بلاغاً یبلغ به الی خیر بلاغاً
الی رحمتک ورضوانک ومغفرتک اللهم لا ضیر الا ضیرک ولا خیر الا
خیرک ولا حافظ غیرک **فصل هشتم** در آداب بیرون
رفتن و بیان چیزی چند که باید که با خود بیرون برد و در حدیث معتبر از
حضرت امیر المومنین ع منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود
که هر که بسفری برود با خود بردارد عصای از چوب بادام تلخ و این آیات را بخواند

صنع و دراین که ازدار هر سبع درنده و هر دزدی و هر صاحب زهری
تا باو وخود برگردد و باو هفتاد و هشت ملک باشند که از برای او استغفار
کنند تا برگردد و همه را کفایت باشد این آیات ولما توجه تلقاء مدین قال
عسی ربی ان یهدینی سواء السبیل ولما ورد ماء مدین وجد علیه
امة من الناس یسقون ووجد من دونهم امراتین تذودان قال ما
خطبکما قالتا لا نسقی حتی یصدر الرعاء وابونا شیخ کبیر فسقی
لهما ثم تولی الی الظل فقال رب انی لما انزلت الی من خیر فقیر فجاءته
احدیهما تمشی علی استحیاء قالت ان ابی یدعوک لیجزیک اجر ما
سقیت لنا فلما جاءه وقص علیه القصص قال لا تخف نجوت من
القوم الظالمین قالت احدیهما یا ابت استاجره ان خیر من استاجرت
القوی الامین قال انی ارید ان انکحک احدی ابنتی هاتین علی ان تاجرنی
ثمانی حجج فان اتممت عشراً فمن عندک وما ارید ان اشق علیک ستجدنی
ان شاء الله من الصالحین قال ذلک بینی وبینک ایما الاجلین قضیت فلا
عدوان علی والله علی ما نقول وکیل و در روایت دیگر از حضرت صادق
که هر که خواهد که زمین در زیر پای او پیچیده شود با خود عصای از
بادام تلخ بردارد و در حدیث دیگر وارد شده که حضرت آدم ع امر شد از
بهشت رسانید ... دمشق ... حضرت جبرئیل ع فرمود که چون از
بهشت بادام تلخ خدا آن را به سینه خود بستان حبیبین کرد و منع زحمت
ها از او دفع کرد و بدانکه از جمله چیزها که باید همیشه در سفر با خود داشته
باشد تسبیح تربت حضرت امام حسین صلوات الله علیه است چنانچه منقولست

که چون حضرت صادق علیه السلام بعراق تشریف آوردند مردم نزد آن حضرت
آمدند و پرسیدند که میدانیم که تربت حضرت امام حسین علیه السلام شفای
هر دردیست آیا باعث ایمنی از هر خوف و بیم میشود فرمود که هرگاه کسی
خواهد که او را از هر بیمی امان بخشد تسبیحی از تربت آن حضرت بگیرد
و سه مرتبه این دعا بخواند اصبحت اللهم معتصما بذمامك وجوارك
المنیع الذی لا یطاول ولا یحاول من شر کل طارق غاشم وطارق وغاشم
من سایر من خلقت وما خلقت من خلقك الصامت والناطق فی جنة
من کل مخوف بلباس سابغة حصینة وهی ولاء اهل بیت نبیك علیهم
السلام محتجزا محتجبا من کل قاصد لی الی اذیة بجدار حصین الاخلاص
فی الاعتراف بحقهم والتمسك بحبلهم جمیعا موقنا ان الحق لهم
ومعهم ومنهم وفیهم وبهم اوالی من والوا واعادی من عادوا
واجانب من جانبوا فاعذنی اللهم بهم من شر کل ما اتقیه یا عظیم حجزت
الاعادی عنی ببدیع السموات والارض انا جعلنا من بین
ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون پس
تسبیح را ببوسد و بر هر دو چشم مالد و بگوید اللهم انی اسئلك بحق
هذه التربة المبارکة وبحق صاحبها وبحق جده وبحق ابیه وبحق
امه وبحق اخیه وبحق ولده الطاهرین اجعلها شفاء من کل داء وامانا
من کل خوف وحفظا من کل سوء و اگر در صبح چنین کند در امان خدا باشد
تا شام و در روایت دیگر منقولست که هرکه از پادشاهی یا غیر او ترسد
و چون از خانه بیرون آید چنین کند حرز او باشد برای او از شر ایشان

و در فصول خواتیم کذ

و در فصول خواتیم کذشت که انگشترها که مناسب است که در سفرها همراه داشته
باشد و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ضامنم برای
کسی که عمامه بر سر بسته از خانه بیرون آید آنکه سالم بخانه خود برگردد و
در روایت معتبر دیگر از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که ضامنم
برای کسی که اراده سفری داشته باشد عمامه بر سر ببندد و سر عمامه
را در زیر حنك به بندد آنکه او را دزد و غرق شدن و سوختن بر عوض نرسد
و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که حضرت رسول
فرمود که هرکه روز شنبه از خانه بیرون رود و عمامه سفید بر سر داشته
باشد که تحت الحنك بسته باشد و اگر برود بر سر کوهی که او را از آنجا بکنند
اینه بعمل آید و در حدیث معتبر منقولست که حضرت لقمن با پسر خود
گفت که ای فرزند چون بسفر روی شمشیر و کمان و آب و موزه و عمامه
و رسنهای که ضرور میشود و سنك آتش و سوزن و خیاط با خود بردار
و از دواها آنچه تو و اصحاب تو بآن محتاج باشند بردار و در روایت دیگر
منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله بسفر میرفتند
شیشه از روغن و سرمه دان و مقراض و آینه و مسواک و شانه و سوزن
و ریسمان و چیزیکه بان کفش را پینه کنند و تسمه‌های نعل را میداشتند
و از جمله تعویذاتی که در سفر مناسب است تعویذیست که مرویست که در
شمشیر حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله نقش شده بود و آن این
تعویذ است بسم الله الرحمن الرحیم یا الله یا الله یا الله اسئلك یا ملك الملوك
الاول القدیم الابدی الذی لا یزول ولا یحول انت الله العظیم الکافی لکل

لکل شیئ اللهم اکفنی باسمک الاعظم الاجل الواحد الاحد الصمد الذی
لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوًا احدٌ واحجب عنی ورهم وشرّ
الاعداء کلهم سیوفهم واسهم والله من ورائهم محیط اللهم
احجب عنی شر من ارادنی بسوء بحجابک الذی احتجبت به فلم یسطر الیک
احد من شر فسقة الجن والانس ومن شر الاحرصم ومن الحدید ومن
کل ما یخوف ویحذر ومن شر کل شدة وبلیة ومن شر ما انت به اعلم
وعلیه اقدر انک علی کل شیء قدیر وصلی الله علی نبیه محمد واله وسلم
تسلیمًا عوذه که در میان عمامه گذارند اقبل ولا تخف انک من الامنین
لا تخف نجوت من القوم الظالمین لا تخف انک انت الاعلی لا تخافا اننی
معکما اسمع واری لا تخاف درکا ولا تخشی الذی اطعمهم من جوع
وامنهم من خوف فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم فالله خیر
حافظا وهو ارحم الراحمین ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم
غالبون وعلی الله فتوکلوا ان کنتم مومنین عوذه که بر چهار
پای ستوری به بندد اللهم احفظ علی مالو حفظه عنیرک لضاع
واستر علی مالو ستره غیرک لشاع واحمل عنی مالو حمله وغیرک لکاع
واحمل علی طلا طلبلا انوفی کل من رامنی بسوء او نصب لی منکرا
او حبالی مکروها حتی نعود وهو غیر طاق فانا قادر علی اللهم
احفظنی بما حفظت کتابک المنزل علی قلب نبیک المرسل اللهم انک
قلت وقولک الحق انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون و از حضرت
صادق علیه السلم منقولست که هر که سوره عبس را در کاغذ سفید

بنهد

119

بنهند و بهر راهی که رود باخود نگاه دارد و دران راه بغیر از نیکی نه
بیند و از مفاسد ان راه محفوظ باشد سرعجم در اداب بر
برداشتن در سفرها اداب بر نکردن ان از حضرت صادق علیه السلم منقولست
که چون بسفر روید سفره باخود بر دارید و طعامهای نفیس در ان بکذارید
و از حضرت رسول صلی الله علیه واله منقولست که از شرف ادمی انست
که توشه خود را نیکو کند هرگاه بسفری رود و در حدیث دیگر منقولست
که حضرت امام زین العابدین علیه السلم چون بحج یا عمره میرفتند از بهترین
توشها بر میداشتند مانند لوز و شکر و قاووت ترش و شیرین و از
حضرت صادق علیه السلم منقولست که نان در میان توشه خود بردار که باعث
برکت میشود و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام موسی علیه السلم
نظر کردند بسفره که دران حلقها از برنج بود فرمودند که این حلقها را
بکنید و حلقهای اهن بگذارید تا جانوران داخل سفره نشوند و در حدیث
دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلم از بعضی اصحاب خود پرسیدند
که بزیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلم میروید گفتند بلی فرمودند
که سفره باخود میبرید گفتند بلی فرمودند که اگر بزیارت قبر پدران
و مادران خود بروید چنین نخواهید کرد و گفتند پس چه چیز بخوریم
فرمودند که نان با شیر بامات و در حدیث دیگر فرمود که شنیده ام
که جمعی هستند که چون بزیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلم میروند
باخود سفره بر میدارند که در میان ان بزغاله بریان و حلواهاست
اگر بزیارت قبر دوستان بروند چنین نمیکنند و از حضرت رسول

منقولست که بهترین خرج کردنها نزد خدا میانه رویست و اسراف
را دشمن میدارد مکر در راه حج با عمره و در حدیث حسن منقولست که
صفوان از حضرت صادق علیه السلم پرسید که من اهل خود را با خود
بحج میبرم و خرج خود را در کمر خود میبندم حضرت فرمود که بلی پدرم
میگفت که از قوت مسافرست که نفقه خود را حفظ کند و در حدیث
دیگر منقولست که دیگری با حضرت عرض کرد که دراهمی که صورتها در آن
نقش کرده اند با خود دارم و احیانا همیانی میکنم و بر کمر می بندم
در حالت احرام فرمود که باکی نیست خرجی تست و اعتماد تو بعد از خدا
بر آنست فصل ششم در رفیق با خود بردن در سفر و آداب معاشرت
ایشان در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که کسی که تنها بسفر
رود ملعونست و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله
بحضرت امیر المومنین ع وصیت فرمود که یا علی هرگز بسفر تنها مرو که
شیطان با یک کس است و از دو تا دورتر است یا علی شخصی که تنها
بسفر میرود گمراهست که دو کس که میروند گمراه اند و سه کس که
میروند سافرند و در روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت صادق ع
آمد حضرت پرسیدند که در راه که مصاحب تو بود گفت تنها بودم
فرمود که اگر من پیشتر ترا میدیدم ترا تادیب میکردم که چگونه باید
بسفر رفت پس فرمود که یک کس شیطانست و دو تا شیطانند و سه نفر
مصاحبانند و چهار نفر رفیقانند و بسند معتبر از حضرت موسی ع
منقولست که هر که تنها بسفر رود بگوید ما شاء الله لا حول و لا قوة

الا بالله

الا بالله العلی العظیم اللهم آنس وحشتی و اعنی علی وحدتی و اد غیبتی
و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و اله منقولست
که اول رفیق بهمرسان پس بسفر برو و فرمود که دو کس اعم رفیق
نمیشوند مگر آنکه محبوبترین ایشان نزد خدا و آنکه ثوابش بیشتر است
آنست که مدارا با رفیق اش بیشتر کند و در حدیث دیگر فرمود که بهترین
رفیقان و مصاحبان نزد خدا چهار نفرند و هیچ گروهی زیاده از هفت
129 کس نمیشوند مگر آنکه صداهای شان بسیار می باشد پس از این احادیث
معلوم شد که اقل رفیقان سه اند و اکثر ایشان هفت و آنکه زیاده
از هفت خوب نیست و رفیقان هم توشه هم سفراست و از حضرت
رسول صلی الله علیه و اله منقولست که سنت است که رفیقان هم توشه
اول خرجیهای خود را بدر آورند و بروی یکدیگر بگذارند که این بیشتر
باعث خوشنودی خاطر و نیکی اخلاق ایشان میشود و از حضرت امیر المومنین
منقولست که مصاحبت مکن در سفر با کسی که فضیلت ترا بر خود نداند
آنقدر که تو فضیلت او را بر خود میدانی و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که مصاحبت و رفاقت مکن با کسی که تو باو زینت یابی و مصاحبت
مکن با کسی که او بتو زینت یابد یعنی تو کسب و علم و کمالات ازو توانی
نمود و در حدیث دیگر شهاب منقولست که گفت بخدمت حضرت صادق
عرض کردم که شما میدانید حال توانگری مرا و احسانی که با برادران خود
میکنم با جماعتی که از ایشان رفیق میشوم در راه مکه و بر ایشان توسعه
میکنم و بسیار خرج میکنم فرمود که ای شهاب چنین مکن اگر تو وسعت خرج

کردن بکنانی و ایشان هم بکنانند با ایشان مهم زود بسر میرسد و پریشان
میشوند و اگر تو نکنی ایشان نکنند باعث مذلت ایشانست پس رفاقت
با جمعی بکن که مثل تو باشند در توانگری و توانائی و در روایت دیگر
از حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقولست که اگر مصاحبت کنی با مثل و مانند
خود مصاحبت و رفاقت کن و با کسی رفیق مشو که خرج ترا کشد و این
موجب خواری مومن است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
حق مسافر بر رفیقان آنست که چون بیمار شود سه روز برای او توقف
کنند و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت امام محمد باقر علیه السلم
پرسیدند که جمعی با یکدیگر رفیق می شوند و در میان ایشان مالدار
و پریشان هست آیا آن مالدار خرج ایشان را میتواند کشید فرمود که
اگر ایشان بطیب خاطر راضی باشند باکی نیست و در روایت دیگر منقولست
که از حضرت صادق ع پرسیدند که شخصی رفیق میشود با جمعی
مالدار که از ایشان مالش کمتر است و ایشان خرج خود را بیرون می آورند
و او مثل ایشان نمیتواند خرج کردن فرمود که من دوست نمیدارم
که خود را ذلیل کند با کسی رفیق شود که مثل او باشد و در احادیث
معتبره منقولست که از ما نیست کسی که مصاحبانش نیکو مصاحبت نکند
و با رفیقانش نیکو رفاقت نکند و با کسی که نمک خورده حق نمک را رعایت
نکند [illegible] در بیان سایر آداب سفر و در حدیث معتبر منقولست
که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت لقمان پسر خود را
نصیحت کرد که چون سفر کنی با گروهی مشورت با ایشان بسیار بکن در کارهای خود

و کارهای ایشان

و کارهای ایشان و بروی ایشان تبسم بسیار بکن و در توشه خود سخی کریم
باش در میان ایشان و چون ترا بیاری بطلبند قبول کن و اگر از تو مدد طلبند
یاری ایشان بکن و سه چیز بر ایشان غلبه کن به بسیاری خاموشی و بسیاری
نماز و سخاوت و جوانمردی کن در هر چه با خود داری از چهارپا و مال و توشه و
اگر گواهی از تو طلبند بامر حقی خواهند ترا گواه کنند اطاعت بکن و چون
با تو مشورت کنند تا توانی سعی کنی که رای نیکو برای ایشان اختیار کنی و زود
عزم مکن و رای خود را با ایشان مگو تا تامل کنی و فکر کنی و جواب ایشان مگو
در مشورت ایشان تا آنکه در آن فکر برخیزی و بنشینی و بخوابی و چیزی بخوری
و در اثنای این احوال فکر خود و حکمت خود را در مشورت ایشان بکار فرمائی زیرا که
هر که خیرخواهی خود را برای کسی که با او مشورت کند خالص نکرده اند حق تع
رای و عقل او را از و سلب میکنند و امانت را از و برمیدارد و هرگاه که
ببینی که رفیقان تو پیاده میروند با ایشان پیاده برو و هرگاه که ببینی که
کاری میکنند با ایشان بکن و اگر تصدق کنند یا قرض دهند تو نیز با
ایشان بده و بشنو سخن کسی را که از تو بزرگتر باشد و هرگاه رفیقان ترا بکاری
بفرمایند یا چیزی از تو سوال کنند بگو بلی و نه مگو که نه گفتن علامت
عجز و موجب ملامت است و چون راه را گم کنید و حیران باشید فرود آیید
و اگر در راه مشتبه شوید بایستید و با یکدیگر مشورت کنید و مصلحت
ببینید و اگر یک کس را ببینید خبر راه از و مپرسید و مصلحت
از و مبینید که یک شخص در بیابان آن کس را بشک می اندازد که شاید
جاسوس دزدان باشد یا شیطانی باشد که خواهد شما را حیران کنند

121

وارد شخص نیز حذر کنید مگر آنکه چیزی چند از غنا مثنا و فرزندها به بینید
که من نمی بینم زیرا که عاقل باید خود که نظر مبذول دارد بسوی چیزی که الهیه
حقیقت آنان می شناسند و هر چیزی چند می بینند که غایب می بینند
ای فرزند چون وقت نماز در آید آن برای امور او را با خبر میدان و نماز را
بجا آر و راحت را بیاب که نماز قرض است هرچند بیشتر ادا کنی هم یکبار بیش نبود
و نماز را با جماعت بکن هرچند بر سر نیزه باشی و بر روی چهار پای خواب مکن که
زود باعث زخم پشت آن میشود و این از کردار دانایان نیست مگر آنکه در
میان کجاوه باشی که ممکن باشد که بخوابی برای سستی مفاصل و چون
نزدیک شوی بمنزل از چهار پای خود فرود آی که آن چهار پای باور نیست
و ابتدا کن بعلف دادن آن پیش از آنکه چیزی بخوری و چون خواهید که فرود
آئید پس اختیار کنید از بقعهای زمین مکانی را که خوش رنگ تر و خاک آن
نرم تر و پر گیاه تر باشد و چون فرود آئی پیش از آنکه بنشینی دو رکعت نماز
بکن و چون خواهی بقضای حاجت بروی باید دور بروی و چون خواهی که
رحلت کنی دو رکعت نماز بکن بجا آر زمین را وداع کن و سلام بر آن زمین و اهل
آن زمین بکن که هر بقعه از زمین را اهلی چند از ملایکه هست و اگر توانی
مخور هیچ طعامی را مگر آنکه قدری از آن تصدق کنی و بر تو باد بخواندن قرآن
مادام که سوار باشی و بر تو باد به تسبیح و یاد خدا کردن تا مشغول کاری باشی
و بر تو باد بدعا [illegible] وقتی که تنها بکار باشی و زنهار که در اول شب راه
مرو بلکه در اول شب فرود آی و در نصف آخر شب راه برو و زنهار که در
راه رفتن صدا بلند مکن و از حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه منقولست

که مروت مرد

که مروت مرد در حضر [illegible] قرائت است و همنشینی با علما کردن و تفکر در فقه
و علوم کردن و محافظت بر نمازهای جماعت کردن و اما مروت سفر پس توشه خود
را نیکو کردن و مخالفت با رفیقان نکردن و خدا را در هر بلندی و پستی و فرود
آمدن و ایستادن و نشستن بسیار یاد کردن است و در روایت دیگر از حضرت
صادق علیه السلم منقولست که مروت سفر توشه بسیار برداشتن و پاکیزه کردن
توشه است و عطا کردن از آنچه که رفیق نماند آنکه بعد از مفارقت از رفیقان
رازهای ایشان را که بر آنها مطلع شده بپوشانی و مزاح و خوش طبعی بسیار بکنی
در چیزی که خدا را خشم نیاورد و در حدیث دیگر فرموده که از مروت نیست

که نقل کند آدمی چیزی چند را که در سفر دیده است و از حضرت رسول ص
منقولست که توشه [illegible] حدی خواندن است و خواندن شعری چند که
در آن حرامی و باطلی نباشد و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که چون با
جماعتی رفیق شوی مگو اینجا فرود آئید یا اینجا فرود میائید که در میان
ایشان کسی هست که این کار را بکند و اگر تو با ایشان بکذاری و در احادیث
معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که اعانت کند مومن
مسافر را حق تعالی از او هفتاد و سه شدت از شداید دنیا بردارد و امان دهد
او را از اندوه و هفتاد و دو شدت و غم در آخرت از او بردارد و وقتی که از شدت
احوال قیامت نفسهای مردم گرفته باشد [illegible] در آداب راه رفتن
و زیر و بم بودن آمدن و در احادیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که چون از پیاده رفتن مانده شوید استعانت جوئید بشتاب
رفتن که ماندگی را برطرف میکند و در حدیث معتبر دیگر فرموده که کم لعنکم

برسد بد و بر روی شکم بر سد بد تا آنکه پیاده ، وعنی پیاده آسان شود و در
حدیث معتبر از حضرت صادق ع که در طرف بامداد و بین راه رو بد و در روایت
معتبر از حضرت رسول ص منقولست که بر شما باد براه رفتن در شب که زمین در
شب پیچیده میشود و از حضرت صادق ع منقولست که زمین در اول شب پیچیده
میشود و در حدیثی که چون حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه واله میخواست
سفر میکردند در اول شب حرکت میکردند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله
منقولست که چون در شب فرود آیید بر سر راه فرود میایید و در شکم رود
خانه فرود میایید که محل درندگان و مارانست و در حدیث معتبر از حضرت
صادق ع منقولست که در میان رودخانه فرود میایید که مبادا سیلابی بیاید
و شما را ضرر رساند و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقولست که حق تع
مدارا کردن را دوست میدارد و یاری میکند بران پس چون بر حیوانات لاغر
سوار باشید و در منزلها فرود آیید پس اگر زمین خشک باشد و گیاه
نداشته باشد تند بروید و اگر گیاه باشد منزل بمنزل فرود آیید و از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام که اگر در زمین خشک بی گیاه سفر کنید تند بروید
و اگر در زمین پر آب و علف روید بتانی و مدارا بروید و از حضرت رسول ص که
چون راه غلط کنید بجانب راست میل کنید و از حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه
منقولست که هر که در سفر راه گم کند فریاد کند یا صالح ارشدونی برحمتی که
که از برادران مومن شما از جنیان شخصی هست که صالح نام دارد که [illegible]
در شهرها میگردد چون صدای شما را می شنود جواب میگوید و
راهنمائی میکند و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون

میگویند و فرمود که حقتعالی امت مرا عزیز کردانیده است بسم اسپان
ایشان و سنان نیزهای ایشان و فرمود که جبرئیل ع مرا خبر داد که
هر که از امت تو در راه خدا جهاد کند و یک قطره باران یا دردسری
باو برسد ثواب شهادت در نامه عملش نوشته شود و در حدیث
دیگر منقولست که لشکر معویه در زمان حضرت امیرالمومنین ع
در انبار که محلیست در حوالی کوفه غارت کردند آنحضرت خطبه خواندند
که از بعض از فقرات آن خطبه ترجمه میشود در بدرستیکه جهاد کردن از
خدا دریست از درهای بهشت که حقتعالی برای مخصوصان دوستان خود
کشوده است و نجاتیست که برای ایشان ذخیره کردانیده است و جهاد
123 زره حفظ نماینده و سپر محکم الهی است پس هر که ترک جهاد کند
با قدرت بران حقتعالی بر وجامه مذلت و خواری بپوشاند و بلا
او را فرو گیرد و خوشنودی از و دور کند و در دیدها حقیر و ذلیل
شود و در راه اندیشه بر دلش بسته میشود و مغلوب ... و کردد
و با انصاف و عدالت سلوک نکند بدرستیکه من شما را مقرر خوانده
ام بجهاد این کروه در شب و روز و آشکار و پنهان کفتم که با ایشان جهاد
بکنید پیش از آنکه ایشان بجنک شما آیند قبول نکردید والله که هر کروهی
که در میان دیار و مملکت ایشان با ایشان جنگ کنند البته ایشان ذلیل و
بمقدار میشوند در نظرها پس سستی ورزیدید و بیکدیگر حواله کردید
تا آنکه غارتها بر شما آوردند و وطنهای شما را مالک شدند اینک سردار
ایشان معویه با لشکرش بانبار آمده و حسان را کشته و حرمهای لشکر ...

کرفته و شنیده ام که شخصی از ایشان بخانه زن مسلمان و زنی ذمی که جزیه میداد
می آید و دست ربخ و خلخال او را میکنده است و او چاره بغیر
تضرع و عجز کردن و انا لله و انا الیه راجعون گفتن نداشته است پس
همه برگشتند آن طاغیان با مال فراوان و هیچ یک از ایشان جراحتی برنداشته
و خونی از ایشان بر زمین نریخته است پس اگر مرد مسلمان بعد از چنین
مصیبتی بمیرد از حزن و تاسف محل ملامت نخواهد بود بلکه نزد من
پسندیده خواهد بود پس تعجب دارم تعجبی که دل را می میراند و غمها را جمع میکند
از جمعیت آن جماعت بر دین باطل خود و پراکندگی شما از دین حق خود
پس بد است حال شما و اندوه مهیا از برای شما که نشانه تیر دشمنان کردیده
اید بر شما غارت می آرند و شما بر ایشان غارت نمی برید و بجنگ شما می آیند
و شما بجنگ ایشان نمی روید و این قسم نافرمانی خدا میکنند و شما راضی میشوید
اگر در تابستان میگوییم بجنگ بروید میگویید عین شدت گرماست
ما را مهلت ده تا گرما کم میشود و اگر در زمستان میگوییم که بروید
میگویید عین شدت سرماست ما را مهلت ده تا سرما برطرف شود
و هرگاه شما از سرما و گرما میگریزید پس از شمشیر بیشتر میگریزید
ای مردمانی چند که مثل عقلهای طفلان و زنان دارید کاش هرگز
شما را ندیده بودم و شما را نمی شناختم دلم را پر از چرک و سینه ام را پر
از خشم کردید و بسکه نافرمانی کردید رای مرا ضایع کردید تا قریش میگویند
که پسر ابوطالب شجاع است اما علم جنگ را نیکو نمیداند که از من داناتر است
بجنگ که از من بیشتر جنگ کرده است من هنوز بیست سال نگذشتم که شروع بجهاد

کردم

کردم و اکنون از شصت سال گذشته ام اما کسی را که فرمان نبرند چه
رای بکار برد و در حدیث دیگر فرموده که حقتعالی جهاد را واجب ساخت
و عظیم شمرده و آن را موجب نصرت و یاری گردانیده والله که دین درست و
دنیا با صلاح نمی آید مگر بجهاد و از حضرت رسول صلی الله و آله منقو
لست که هر که پیغام جهاد کند مرا یا بلش برساند چنان است که بنده آزاد
کرده باشد و ثواب جهاد او شریک باشد و در حدیث دیگر فرموده
که جهاد کنید که باعث عزت و بزرگواری فرزندان شما میشود
بدانکه بعضی از آداب متفرقه و فواید نافعه از حضرت صادق
منقول است که بعضی از شیعیان در افتتاح بعضی از کارهای فراموش
میکنند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم را پس حقتعالی ایشان را امتحان 124
می نماید بلائی تا متنبه شوند و بیاد آورند شکر الهی را و ثنای مر او را
حقتعالی بسبب آن بلا محو می نماید از ایشان منفعت آن تقصیری که
از ایشان صادر شده است پس باید که آدمی با بتداء هر کاری افتتاح
بگفتن بسم الله کند و از حضرت امام محمد باقر منقول است که چون
حقتعالی حضرت آدم را نهی فرمود از خوردن میوه از آن درخت خورد
و از بهشت بیرون آمد پس حقتعالی فرمود پیغمبرش را و لا تقولن لشیء
انی فاعل ذلک غدا الا ان یشاء الله و اذکر ربک اذا نسیت یعنی چیزی که
این را می کنم فردا مگر آنکه مقید بمشیت الهی گردانی که بگویی که مگر آنکه
خدا خواهد که بکنم و یاد کن پروردگار خود را اگر هرگاه فراموش کنی
آنرا یعنی هرگاه که گفتن ان شاء الله را فراموش کنی در هر وقت که بخاطرت

بیاید بکن اگرچه بعد از یکسال باشد و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن
جعفر منقولست که نه چیز است که کردن آنها علت فراموشی است خوردن
سیب ترش و گشنیز و پنیر و نیم خورده موش و بول کردن در آب ایستاده
و خواندن نوشته قبرها و راه رفتن در میان دو زن و شپش را زنده انداختن
و حجامت کردن در گردن و از حضرت امیر المؤمنین منقولست
که سه چیز است که حافظه را زیاد میکند مسواک کردن و روزه داشتن
قرآن خواندن و در حدیث منقولست که روزی آنحضرت غمگین شدند
فرمودند که نمیدانم بچه سبب غمگین شده ام پس عتبه در نشستم و میان
گله گوسفندان نگذشتم و نیز جامه ایستاده نپوشیدم و دست و رو را
بجامه پاک نکردم و از حضرت صادق منقولست که ده چیز است که
اندوه را برطرف میکند راه رفتن و سوار شدن و سر در آب فرو بردن و
سبزه را نظر کردن و خوردن و آشامیدن و جماع کردن و مسواک
کردن و سر شستن با خطمی و نظر بر روی زن کردن و با مردان
سخن گفتن و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که چند چیز است که باعث
پریشانی و توانگری میشوند اما آنها که باعث فقیری و پریشانی
میشوند تار عنکبوت را در خانه گذاشتن و در حمام بول کردن و در
حال جنابت چیزی خوردن و با چوب گز خلال کردن و ایستاده شانه
کردن و خاک روبه در خانه گذاشتن و قسم دروغ گفتن و زنا کردن
و اظهار حرص کردن و خواب کردن بعد از صبح پیش از طلوع آفتاب و
دروغ بسیار گفتن و غنا و ساز شنیدن و مرغ را در شب سوال کند

چیزی

چیزی نداد [illegible] زیاده از اندازه کردن و با خویشان بدی
کردن و اما آنها که موجب توانگری و زیادتی مال میشوند نماز
پیشین و پسین را یکجا کردن و نماز شام و خفتن را یکجا کردن و
بعد از نماز صبح و بعد از نماز عصر تعقیب خواندن و با خویشان نیکی کردن
و احسان کردن و ساخت خانه را جاروب کردن و مال خود را با برادران
مؤمن قسمت کردن و بامداد طلب روزی رفتن و استغفار بسیار
کردن و خیانت در مال مردم نکردن و سخن حق گفتن و اجابت مؤذن در
اذان گوید آنچه او گفتن و در بیت الخلا سخن نگفتن و حرص در طلب
دنیا نداشتن و شکر کسیکه نعمتی بر اینکس داشته باشد کردن و از
قسم دروغ اجتناب کردن و پیش از طعام دست شستن و ریزها که
از سفره ریزد خوردن و هر که هر روز سی مرتبه سبحان الله بگوید حق تعالی
هفتاد نوع بلا را از و دور گرداند که کمتر آنها پریشانی و در حدیث معتبر از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در مدح اهلبیت صلوات
الله علیهم یک بیت شعر بگوید حقتعالی برای او خانه در بهشت بنا کند
و در حدیث دیگر فرمود در مدح شعر بگوید موید بروح القدس گردد و در
حدیث دیگر فرمود از حضرت [illegible] منقولست که هر مؤمنی که یک بیت شعر در
مدح اهلبیت بگوید حقتعالی در بهشت برای او شهری بنا کند بزرگتر از
برابر دنیا و چون در آن شهر درآید هر ملک مقرب و هر پیغمبر مرسل بدیدن
او بیایند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که شکم
کسی که پر از چرک و ریم باشد بهتر است از آنکه پر از شعر باشد و در حدیث دیگر

منقولست که حضرت رسول صلعم فرمود که از چیز خوردن در حالت جنابت
و فرمود که موجب بریده شدن است و نهی فرمود از کوفتن دندان و
ناخن و از مسواک کردن در حمام و از آب بینی انداختن در مسجد و از خوردن
نیم خورده موش فرمود که مسجد ها را ممر مکنید که از در بیاید و از در
دیگر بدر رود مگر آنکه دو رکعت نماز بگذارید و نهی کرد از آنکه بول
کند در زیر درخت میوه دار یا در میان راه و نهی کرد از آنکه بدست
چپ یا بر پهلو تکیه کرده چیزی بخورند و نهی فرمود از آنکه مالیدن
قبر عالم و نماز کردن در قبرستان ها و فرمود که هر که در فضای غسل کند
با جیر اشد عورتش کشوده شود و نهی فرمود از آب خوردن از پیش
دسته کوزه که در آنجا چرک جمع میشود و نهی فرمود از بول کردن
در آب ایستاده که باعث رفته شدن عقل میشود و نهی فرمود از آنکه
کسی با یک پای نعل پوشیده رود و یا ایستاده نعل بپوشد و نهی فرمود
از آنکه کسی بول کند و فرجش بجانب آفتاب یا ماه باشد و نهی فرمود
که چون داخل بیت الخلا شوید اجتناب کنید از نشستن رو بقبله
و نهی فرمود از گریه بلند و نوحه بلند کردن در مصیبت و نهی فرمود
از [illegible] نام خدا [illegible] نعلی فرمود از آنکه محو کند چیزی از قرآن
با آب دهان یا آنکه چیزی قرآن با آب دهان بنویسند و نهی فرمود از
خواب دروغ بستن و فرمود که هر که چنین کند حقتعالی او را تکلیف
میکند که بخود گره بزند و او نتواند کرد و باین سبب معذب باشد
و نهی فرمود از ساختن صورتها و فرمود که هر که صورتی کرباشد

حقتعا

حقتعالی او را در قیامت تکلیف کند که جان در آن صورت بدمد
و نتواند [illegible] از آنکه حیوانی را باتش بسوزانند و نهی
فرمود از دشنام دادن خروس زیرا که از برای نماز بیدار میکند
و نهی فرمود از آنکه مومنی خواهد چیزی بفروشد یا بخرد دیگری
بیاید بگوید من متاع بهتر دارم از من بخر این متاع را یا گوید
زیاده می خرم و نهی فرمود که از بسیار سخن گفتن در وقت
جماع و فرمود که از این می باشد لال بودن فرزند و فرمود که خاک
روبه را شب در خانه نگذارید و در روز بیرون برید و شیطان در آن
جا میکند و نهی فرمود از آنکه در شب کسی بخوابد با دست آلوده
بطعام پس اگر چنین کند و شیطان او را دیوانه کند ملامت
126 نکند مگر خود را و نهی فرمود از آنکه کسی استنجا کند بسرگین
و استخوان و نهی فرمود از آنکه زن بی رخصت شوهر از خانه
بیرون رود پس اگر برود لعنت کنند او را ملائکه آسمان ها و هر
چه برو بگذرد از جنیان و آدمیان تا بخانه برگردد و نهی فرمود از آنکه
زن برای غیر شوهر زینت کند پس اگر بکند بر خدا لازم است که
او را باتش بسوزاند و نهی فرمود از آنکه زن در غیر شوهر خود
و محرم [illegible] زیاده از پنج کلمه ضروری سخن بگوید و نهی فرمود از آنکه
زنی با زن دیگر نقل کند آنچه در خلوت میان او و شوهرش گذشته
باشد و نهی فرمود از آنکه خود رو بقبله جماع کند و نهی فرمود از آنکه
در میان راه با زن خود جماع کند پس اگر چنین کند خدا و ملائکه و همه مردمان

او را لعنت کند ونهی فرمود از انکه بروند بمزد جماعتی که خبرها از ایشان
بکویند مانند منجمان وکاهنان ورمالان و[illegible] کذاب وهرکه
نزد ایشان رود وتصدیق کند ایشان را پس او بیزار شده است
از خبرهائیکه بحضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله نازل شد
از بازی کردن بنرد وشطرنج وطبل وتنبک وطنبور وعود ونهی
فرمود از غیبت کردن وکوش دادن بان واز سخن چینی وکوش
دادن بان فرمود سخن چین داخل بهشت نمیشود ونهی فرمود از قبول
ضیافت فاسقان ونهی فرمود از قسم دروغ وفرمود که اهل
خانها بر می اندازد وفرمود که هرکه قسم دروغ بخورد برانکه مال
مسلمانی را ببرد در قیامت خدا با او در غضب باشد مکر انکه توبه کند
ومال آن شخص را پس بدهد ونهی فرمود از نشستن بر سر خوانی که
در آن شراب خورند ونهی فرمود از انکه کسی زن خود را بحمام فرستد
یعنی در بلادیکه احتیاج بحمام نباشد ونهی فرمود از داخل شدن بحمام بی لنک
ونهی فرمود از طپانچه زدن بر رو در وقت مصیبت ونهی فرمود از سخن
کفتنی را که آدمی را از یاد خدا غافل کرداند ونهی فرمود از آشامیدن آب
در ظرف طلا ونقره ونهی فرمود از پوشیدن حریر ودیبا وکفت نماز مردان
را در آن باکی نیست ونهی فرمود از فروختن خرما در درخت پیش از انکه
سرخ یا زرد شود ونهی فرمود از انکه رطب را در درخت بخرما بفروشند
وانکور را در درخت بمویز بفروشند ونهی فرمود از فروختن آلات نرد
وشطرنج ونهی فرمود از خوردن وخورانیدن وخریدن شراب وفرمود

که حق

که حقتعالی لعنت فرموده است شراب را وآنرا که درخت انکور را بقصد
شراب میکارد وآنکه انکور را برای شراب بیفشارد وآنکه مینوشد
وآنکه ساقی میشود وآنکه میفروشد وآنکه میخرد وآنکه قیمتش را
میخورد وآنکه برمیدارد وآنکه از برای او میبرند وهمه ملعونند
وفرمود که هرکه شراب بخورد تا چهل روز نمازش مقبول نیست
واکر بمیرد ودر شکمش چیزی از شراب باشد بر خدا لازم است که بخوراند بما
از آنچه از فرج زناکاران از چرک وریم بیرون آمده ودر سالهای دراز در
جهنم جوشیده است پس چون بخورد بکدازد احشا وامعا وپوست
ایشان را ونهی فرمود از خوردن سود وشهادت ناحق دادن

ونوشتن کاغذ سود ولعنت کرده است خدا که بر سود دهنده سود
ونویسنده سود وکواه سود را ونهی فرمود از مصافحه کردن
با کافران واهل ذمه ونهی فرمود از خواندن شعر در مسجد که بجای
که بنده زیاد کردن در مسجد ونهی نمود از انکه شمشیر در مسجد برهنه
کردن واز انکه چیزی بر جانوران بزنند ونهی فرمود از انکه کسی بعورت
مسلمانی نظر کند وهفتاد هزار ملک او را لعنت کند ونهی فرمود
از خنده کردن در قبرستان ودر میان راه ودر [illegible] رود
خانه [illegible] ان را ببندند وبر بام کعبه معظمه ونهی فرمود از
کشتن مکس عسل واز داغ کردن بر روی چهارپایان ونهی فرمود از انکه کسی
بغیر از خدا قسم بخورد وهرکه بغیر از خدا قسم بخورد از رحمت خدا بی نصیب شد
ونهی فرمود از قسم خوردن بسوره قران وفرمود که هرکه بسوره قران قسم

یاد کند بهرابه یک کفاره بروی لازم است خواه راست قسم خورده باشد
وخواه دروغ وعلما حمل براستحباب کرده اند کفاره را و نهی فرمود از انکه
کسی قسم دروغ بخورد بجان تو وبجان فلان ونهی فرمود از انکه کسی
جنب در مسجد بنشیند ونهی نمود از برهنه شدن در شب در بستر
ونهی فرمود از حجامت کردن در روز چهارشنبه و در روز جمعه
ونهی فرمود از سخن گفتن در روز جمعه در هنگامی که پیش نماز خطبه
خواند پس اگر چنین کند او را ثواب جمعه کامل نیست و نهی فرمود از
انگشتر برنج و آهن در انگشت کردن ونهی فرمود از انکه صورت حیوان
در نگین نقش کنند ونهی نمود از نماز نافله کردن نزد بیرون آمدن
وفرو رفتن افتاب ووقت نزدیک زوال و نهی فرمود از روزه کرفتن
در عید رمضان وعید قربان وسه روز بعد از عید قربان در منی
ویوم الشک بقصد ماه رمضان ونهی فرمود از انکه بروش چهارپایان
دهن بر آب گذارند وبیاشامند وفرمود که با دستهای خود بر
دارید و بیاشامید که بهترین ظرفهای شماست ونهی نمود از آب دهن
انداختن در چاهی که آب از ان خورند ونهی فرمود از انکه مزدور
کار فرمایند پیش از انکه مزدش را قرار دهند ونهی نمود از انکه
دو کس از یکدیگر یکی با دیگری دوری کنند و اگر ناچار باشد زیاده
سه روز نکشد که هر که چنین کند آتش جهنم بر او لازم است ونهی فرمود
از انکه طلا را بطلا ونقره را بنقره بفروشند با زیادتی بلکه می باید
برابر یکدیگر بفروشند ونهی فرمود از مدح کردن مردم در برابر ایشان

وفرمود

وفرمود که خدا ... اشد بر مردی صلح کننده کان و دو مردی که حق
مزد مزدوری را کم کند یا ندهد حقتعالی ثواب عملش را از ان حبط کند
وبوی بهشت را بر او حرام کرداند وفرمود که هر که قران یاد کیرد
و بعد از ان باعتباری فراموش کند در قیامت دستهایش در کردن
بسته باشد حقتعالی بهر آیه ماری بوی مسلط کرداند مکر
انکه خدا او را بیامرزد وفرمود که هر که قران بیاموزد پس بعد
از ان حرامی بخورد و با محبت دنیا و زینت دنیا را بر ان عمل کردن
بقران اختیار کند مستوجب غضب الهی کردد مکر انکه توبه کند و
اکر بی توبه بمیرد قران با او خصمی کند و هر که زنا کند با زن مسلمان
یا با زن ترسائی یا جهودی یا کبری خواه آزاد باشد وخواه بنده و
بی توبه بمیرد حقتعالی سیصد در از جهنم بکشاید که از انها مار
وعقرب و اژدها از جهنم بقبرش در آیند و او را در آتش
جهنم سوزانند و همه کسان را با این عمل قبیح باشند تا بجهنم
رود وفرمود که هر که در خانه مؤمنی نظر کند بر مستوران او
مطلع شود خدا او را محشور کرداند با منافقانی که عیبهای
مسلمانان را تفحص کردند و از دنیا بیرون نروند تا خدا او را
رسوا کند ... وفرمود که هر که راضی نباشد با آنچه
خدا روزی او کرده است و شکایت کند و از برای خدا صبر
بر تنکی روزی نکند هیچ حسنه از و بالا نرود و در قیامت خدا از و
در خشم باشد مکر انکه توبه کند وفرمود که هر که ظلم کند بر زنی

کند را و راند هد و من بخدا زنا کار است وحقتعالی در قیامت
عتاب میفرماید که من کابین خود را در عقد تو دادم و بر مهری
و پیمانی و تو وفا به پیمان من نکردی و کابین من ستم کردی پس
از حسنات او بگیرند و در عوض مهر بان زن بدهند تا همه
حسنه اش تمام شود او را امر کنند که بجهنم برند و نهی فرمود
از پوشانیدن گواهی فرمود که هر که گواهی بپوشاند او باشد و بپوشاند
حق تعالی در قیامت در حضور خلایق گوشت بدن او بخوراند
او بدی بد و فرمود که پیوسته جبرئیل مرا وصیت میکرد در
حق همسایگان که من گمان کردم که میراثی برای او قرار خواهد داد
و مرا وصیت میکرد [illegible] بات غلامان و کنیزان که من گمان کردم
مدتی قرار خواهد داد که چون آن مدت بگذرد آزاد شوند
وصیت میکرد مرا به نماز شب تا آنکه گمان کردم که نیکان امت من
در اصل در شب نخواهند خوابید و فرمود که هر که سبک
شمارد مکوا [illegible] توبه کند و هر که مسلمانی چیزی را اکرام دارد
در قیامت خدا از او راضی و خشنود باشد و هر که گناهی بخواهد
خواهی مرتکب او را پیش آید و از ترس خدا آنرا ترک نماید حق
تعالی جهنم را بر او حرام گرداند و او را [illegible] در قیامت
[illegible] و در بهشت که در قرآن او را وعده فرموده با و عطا
فرماید و هر که در میان دنیا را بر آخرت مترددشود پس دنیا را
بر آخرت اختیار کند در قیامت و را حسنه نباشد بسبب آن

جهنم بجانت زیاده و هر که آخرت را اختیار کند بر دنیا خدا از او خشنود
گردد و گناهانش را بیامرزد و هر که چشمش را پر کند از نظر کردن
به [illegible] نیکه بر وحرام باشد دیدن او حقتعالی چشم او را در
قیامت از آتش جهنم پر کند مگر آنکه توبه کند و هر که مصافحه
کند با زنی که بر او حرام باشد خدا از او خشمناک گردد و هر که زنی را
بحرام در بر گیرد او را با شیطانی در یک زنجیر بند بکشد و هر دو را
بجهنم اندازند و هر که فریب دهد مسلمانی را در خرید و فروش
از ما نیست و در قیامت با یهودان محشور شود و فرمود که هر زنی
که شوهر خود را بزبان آزار دهد حقتعالی هیچ حسنه او را قبول
نفرماید تا او را از خود راضی کرده هر چند روزها روزه داشته
و شبها بنماز ایستد و بندها آزاد کند و مردان را بر اسبان سوار
کرده بجهاد فرستد و همچنین حال مردی که بر زن خود ستم کند
و هر که خشمی از کسی فرو خورد و تواند انتقام بکشد حقتعالی
با او ثواب شهیدی کرامت فرماید و نهی فرمود از خیانت کردن
در اموال مردم و فرمود که هر که خیانت کند امانتی را که در دنیا
و با پیش پس دهد امرا او در یابد بر غیر ملت من مرده باشد
و حق تعالی در قیامت او در خشم باشد و هر که شهادت ناحق بر
احدی اندهم بدهد حقتعالی او را برناقش در آویزند و در درک
الاسفل جهنم با منافقان باشد و هر که عالم الخیانت بخورد دانسته باشد
که خود خیانت کرده باشد و هر که حق [illegible] در دنیا اجیر [illegible]

د تعالی برکت روزی بر و حرام کرداند [illegible] کند
و هر که گناهی از کسی بشنود و آن را فاش کند چنان است که خود کرده باشد
و هر که برادر همسایه‌اش او محتاج در قرضی و او قادر باشد [illegible]
حقتعالی بوی بهشت بر وی حرام گرداند و هر که صبر کند از برای
خدا بر رنج خلق و زن خود حقتعالی ثواب شکر کننده کار او را کرامت
فرماید و هر که زنی که سازگاری و مدارا با شوهر خود نکند و او را
بر چیزی که قدرت ندارد [illegible] باشد حقتعالی هیچ حسنه او قبول نفرماید
و در قیامت از او در خشم باشد و هر که گرامی دارد برادر مسلمان
خود را چنان است که خدا را گرامی داشته و نیز فرمود از آنکه
کسی چیزی کرمنا بکند که ایشان با او راضی نباشند و هر که چیزی
کسی بکند برضای ایشان بکند و در وقت مناسب حاضر
شود و نماز را نیکو بجا آورد مثل ثواب همه آن کسی داشته
باشد بی آنکه از ثواب ایشان چیزی کم شود و هر که [illegible]
خویش نخود [illegible] خود بدن او را برای آنکه مالی از برای او
ببرد حقتعالی ثواب صد شهید او را کرامت فرماید و هر گامی
چهل هزار حسنه برای او نوشته شود چهل هزار گناه او محو
شود و چهل هزار درجه برای او بلند شود و چنان باشد که
صد سال از برای خدا عبادت کرده باشد و هر که از برای
[illegible] حاجتی از حوایج دنیا او برآورد دولت برای او در آن حاجت
[illegible] حقتعالی [illegible] از نفاق

و بیزاری از آتش جهنم او عطا فرماید و هفتاد حاجت از حاجات
دنیای او را برآورده و پیوسته در رحمت الهی باشد تا برگردد و هر که
یک شب [illegible] روز بیماری بکشد و عیادت کند کان خود شکایت
نکند حقتعالی او را با حضرت ابراهیم خلیل مبعوث گرداند تا آنکه بر
صراط بگذرد مانند برق لامع و هر که سعی نماید از برای بیماری
حاجتی خواه برآورده شود و خواه نشود از گناهان بیرون آید
مانند روزی که از مادر متولد شده بود پس شخصی از انصار عرض کرد
که اگر آن بیمار اهل خانه باشد ثوابش بیشتر است فرمود که بلی
و فرمود که هر که از مومنی شدتی و غمی از غمهای دنیا بردارد حقتعالی
هفتاد و دو غم از غمهای دنیا بردارد و هفتاد و دو [illegible] از غمهای
دنیا از او دفع کند که آسان تر آنها درد شکم باشد و فرمود که
هر که شخصی از و حقی طلبد و قادر بر ادای آن باشد و تاخیر کند هر روز
گناه [illegible] نوشته شود و هر که احسانی بر برادر مومن خود
بکند و بر او منت گذارد حقتعالی عملش را حبط کند [illegible]
[illegible] حقتعالی فرمود که من بهشت را حرام کردم بر منت نهنده
بر بخیل و بر سخن چینی و هر که تصدقی بکند بر زنی هر درهمی
برای او مثل کوه احد [illegible] از نعیم بهشت که هر که تصدق
بدهد برای محتاج مثل ثواب کسی داشته باشد که آن تصدق را
داده است بی آنکه از ثواب چیزی کم شود و هر که از ترس خدا
آب از دیده های او جاری شود به هر قطره که از دیده او بیرون

ود حقتعالی قصری در بهشت باو عطا فرماید که زمین با شمال برابر
و [illegible] جواهر و در آن قصر باشد آنچه چشمی ندیده و گوشی نشنیده
و بر خاطری خطور نکرده و هر که بسوی مسجد [illegible] برای نماز
جماعت هر گامی که بردارد هفتاد هزار حسنه برای او نوشته
شود و هفتاد هزار درجه برای او بلند شود و اگر بر این حال بمیرد
او را [illegible] حقتعالی هفتاد هزار ملک بر او موکل گرداند که
در قبر او [illegible] کنند و مونس او باشند در تنهائی و از برای او
طلب آمرزش کنند تا مبعوث شود و هر که اذان بگوید از برای
خدا تعالی باو ثواب چهل هزار شهید و چهل هزار صدیق کرامت
فرماید و شفاعت در چهل هزار گناهکار داخل بهشت شوند بدرستیکه
چون مؤمن موذن اشهد ان لا اله الا الله میگوید بر او هفتاد
هزار ملک صلوات میفرستند و از برای او استغفار میکنند و در روز قیامت
در سایه عرش الهی باشد حقتعالی از حساب خلایق فارغ شود و ثواب
گفتن اشهد ان محمدا رسول الله از چهل هزار ملک باشد و اگر به
جماعت محافظت نماید بر صف اول و تکبیر اول و آزار مسلمانان نکند حق
مثل ثواب موذن در دنیا و آخرت او را کرامت فرماید و فرمود که
هیچ بدی را حقیر مشارید هر چند در نظرها کوچک نماید و هیچ کار
نیک را بزرگ مشارید هر چند در نظرها بزرگ نماید بدرستیکه گناه
کبیره نمی ماند با استغفار و گناه صغیره نمی باشد با اصرار بلکه چون
گناه صغیره را اصرار کنی [illegible] کبیره میشود و در [illegible]

راه کم کنی فریاد کن یا صالح یا ابا صالح ارشدونا الی الطریق رحمکم الله
راوی حدیث گوید که ما در سفری راه گم کردیم و شخصی را گفتم که اینها را
فریاد کرد باین نحو که مذکور شد پس برگشت و گفت آهسته شنیدم
که گفت راه از جانب راست است اندک مسافتی که رفتیم راه را یافتیم
و از عمرو بن یزید که از نقبای اصحاب ائمه است روایت کرده اند که گفت
ما در یک سال [illegible] در سفر مکه معظمه راه را گم کردیم پس روز ماندیم و راه را
طلبیدیم نیافتیم پس چون روز سیوم شد آب که برداشته بودیم آخر شد
پس جامهای احرام را پوشیدیم بعنوان کفن و حنوط کردیم در این حال
شخصی از رفیقان ما برخاست و فریاد کرد که یا صالح [illegible] پس کسی
131 از دور جواب داد پرسیدم که کیستی خدا رحم کند گفت من از آن گروهم
از جن که بحضرت رسول ایمان آوردند و کسی بغیر از من از آنها نمانده است
و کار من این است که گم شده را براه رسانم ما همه جانب صدای او رفتیم
تا براه رسیدیم   در بیان دعا که در ورود منزل باید خواند
و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق منقولست که چون حضرت
رسول در سفرها سر اشیب میرفتند سبحان الله می گفتند و چون سر
بالا میرفتند الله اکبر میگفتند [illegible] حدیث دیگر فرمود که چون در سفر
باشی بگو اللهم اجعل مسیری عبرا و صمتی تفکرا و کلامی ذکرا
در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
هر که بر در خانه پائین رود پس لا اله الا الله و الله اکبر حقتعالی [illegible] کند

...ود خانه را از برای او وحشت و در حدیث دیگر فرموده که هر که لا اله
الا الله والله اکبر بگوید در بلندی ها که در بین داشت تا منتهای
زمین همه لا اله الا الله والله اکبر بگویند و در حدیث دیگر
منقولست که دو کس آمدند بخدمت حضرت رسول که ما میخواهیم
برای تجارت بشام برویم و حرزی تعلیم ما فرما که در راه بخوانیم
فرمود که چون در منزل فرود آئید و نماز خفتن بکنید بعد از نماز
پهلو را بر جامه خواب بگذارید و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بخوانید
پس آیة الکرسی بخوانید چون چنین کنید تا صبح محفوظ باشید چون
ایشان روانه شدند جمعی از دزدان در عقب ایشان رفتند چون
فرود آمدند و نماز خفتن کردند خوابیدند و تسبیح حضرت فاطمه علیها
السلام و آیة الکرسی را خواندند پس دزدان غلام خود را فرستادند
که از ایشان خبر بگیرد چون به نزد ایشان آمد و دیواری دید و از
ایشان اثری نیافت چون بدزدان خبر داد ایشان نیز آمدند و همین
حال را مشاهده کردند چون صبح شد بنزد ایشان آمدند پرسیدند
که شما دوش در کجا بسر بردید گفتند در همین موضع گفتند ما آمدیم
بتفحص شما و بغیر از دو دیوار چیزی ندیدیم شما قصه خود را نقل کنید
ایشان گفتند که در وقت خوابیدن تعلیم حضرت رسول تسبیح حضرت
فاطمه و آیة الکرسی خواندیم دزدان گفتند که دیوار که دزدیدیم شما
دست نخواهند یافت و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که هر که
در منزلی فرود آید که از درنده گان ترسد این دعا بخواند

اشهد

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد بیده الخیر
وهو علی کل شیء قدیر اللهم انی اعوذ بک من شر کل سبع چون
دعا بخواند ایمن گردد انشاء الله درندگان تا منزل بار کنند و در حدیث
دیگر حضرت صادق ع منقولست که کسی خواهد که داخل شود در
موضعی که خوفی داشته باشد این آیه را بخواند رب ادخلنی مدخل
صدق و اخرجنی مخرج صدق واجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا
پس چون ببیند آنشخص را چیزیکه از و بیم داشته باشد آیة الکرسی
بخواند و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه در سفری یا بیابانی ترسی
و از جنیان یا غیر ایشان ترسی دست راست خود را بر سر بگذار و باواز بلند
بگوید افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات والارض طوعا
132 وکرها والیه یرجعون و در روایت دیگر منقولست که حضرت
رسول با حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که یا علی چون در
هر منزل فرود آئی بگو اللهم انزلنی منزلا مبارکا وانت خیر المنزلین تا
نیکی منزل ترا روزی شود و شر آن از تو دفع شود و در حدیث معتبر
دیگر منقولست که حضرت رسول بحضرت امیر المؤمنین ع فرمود که چون داخل
شدن شهری یا دهی داشته باشی چون نظرت بر آن افتد بگو اللهم انی
اسئلک خیرها واعوذ بک من شرها اللهم اطعمنا من جناها واعذنا من
وباها وحببنا الی اهلها وحبب صالحی اهلها الینا و در روایت دیگر از حضرت
صادق ع منقولست که چون بشهری مشرف شوی و نظرت بر آن
بیفتد بگو اللهم رب السموات وما اظلت ورب الارضین سبع وما اقلت

ورب الرياح وماذرين ورب الشياطين وما اظللن اسئلك ان تصلي على
محمد وال محمد واسئلك من خير هذه القرية وما فيها واعوذ بك من
من شرها وشر ما فيها ودر حديث ديگر از حضرت [illegible] منقول
كه سياه ابن ده ميان محملها و كجاوها بدر مى ايند شر [illegible]
دهند پس از براى دفع ايشان اية الكرسى بخوانند وانحضرت امام
[illegible] عليه السلام منقولست كه هر كه در سفرى باشد واز دزد ترسد
بترسد بربال [illegible] بنويسد لا تخاف دركا ولا تخشى تا ضرر نيابد باذن الله
انه محفوظ شود وراوى گفت كه من بسفر حج رفتم در ميان راه جمعى
عربان امدند وقافله را دزدند ومن در ميان ايشان بودم اين اية را بال
اسب نوشتم برادران ومردمى كه حضرت رسول را برسالت فرستاد
وحضرت امير المؤمنين را بامامت مشرف گردانيده است كه حق تعالى
ايشانرا از من كور گردانيد وضررى از ايشان بمن نرسيد ودر روايت
ديگر مرويست كه چون حضرت رسول بسفرى ميرفتند وشب ميشد
اين دعا ميخواندند يا ارض ربي وربك الله واعوذ بالله من شرك
ومن شر ما فيك وسوء ما خلق فيك وسوء ما يدب عليك واعوذ
بالله من اسد واسود ومن شر الحية والعقرب ومن شر ساكن
البلد ومن والد وولد اللهم رب السموات السبع وما اظللن ورب الارضين
السبع وما اقللن ورب الرياح وما ذرين ورب الشياطين وما اضللن
اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد واسئلك هذه الليلة وخير هذا
اليوم وخير هذا الشهر وخير هذه السنة وخير هذا البلد واهله وخير

هذه القرية واهلها وخير ما فيها ومن شر كل دابة ربي اخذ بناصيتها
ان ربي على صراط مستقيم وسيد ابن طاوس روايت كرده است
كه هر [illegible] كه بر جايى يا بلندى يا مى بالا رود بگويد الله اكبر الله اكبر
لا اله الا الله والله اكبر والحمد لله رب العالمين اللهم لك الشرف على كل
شرف و [illegible] نيز مذكور است كه هر كه در راه از دشمنان و
دزدان ترسد اين دعا بخواند يا اخذ بنواصي خلقه والسافع بها
الى قدرته والمنفذ فيها حكمه وخالقها وجاعل قضائه لها غالبا
مكيد بضعفي ولقوتك على من كادني تعرضت فاخلت بيني وبينهم
فذلك ما ارجوا وان اسلمتني اليهم غيروا ما بي من نعمتك يا خير المنعمين
لا تجعل احدا متغير نعمك التي انعمت بها علي سواك ولا تغيرها انت
133 وقد ترى الذي نزل بي فحل بيني وبينهم بحق ما به تستجيب الدعاء يا الله رب
العالمين واز براى دفع دشمنان از حضرت امير المؤمنين منقولست كه
ابتدا بخواند اللهم اني اعوذ بك ان اضام في سلطانك اللهم اني
اعوذ بك ان اضل في هداك اعوذ بك ان افتقر في غناك اللهم اني
اعوذ بك ان اضيع في سلامتك اللهم اني اعوذ بك ان اغلب والامر لك
وانحضرت صادق تعليم دعوتى نمود كه در راه از ان نان بگويد
وسيد ابن طاوس عليه الرحمة روايت كرده است كه چون در منزل فرود ايند بگو
اللهم انزلني منزلا مباركا وانت خير المنزلين پس دو ركعت نماز بگذارد
سوره حمد و هر سوره كه خواهد از سورهاى كوچك بخواند پس بگويد
اللهم ارزقنا خير هذه البقعة واعذنا من شرها اللهم اطعمنا من جناها [illegible]

من [illegible] اهلها وجنبنا صالحی اهلها الینا پس بگوید اشهد ان
لا اله الا الله وحده لا شریک له وان محمدا عبده ورسوله وان [illegible] امیر المؤمنین
والائمة من ذریته الائمة اتولاهم وابرء من اعدائهم اللهم انی [illegible] خیر هذه
البقعة واعوذ بک من شرها اللهم اجعل اول دخولنا هذا صلاحا واوسطه
فلاحا وآخره نجاحا وگفته است که هرگاه در منزل و در سفر [illegible] جوران
زمین ترسی [illegible] بخوان که از جمله دعاها است یا ذاری ما فی الارض
کلها العلمک بما یکون ذرأت لک السلطان علی کل من دونک انی اعوذ
بقدرتک علی کل شیء من الضرر فی بدنی من سبع او هامة او عارض
من سائر الدواب یا خالقها بفطرتها ادراها عنی واحجزها ولا تسلطها علی
وعافنی من شرها [illegible] یا الله العلی العظیم احفظنی بحفظک واجرنی
بجوارک الوافی فی مخافی یا رحیم و شیخ طوسی رحمه الله ذکر کرده است
که چون خواهی بار کنی دو رکعت نماز بگذار و از خدا بطلب و حمایت آن
و آن موضع را امل آن موضع را وداع کن که هر موضعی را اهل ملائکه
است پس بگو السلام علی ملائکة الله الحافظین السلام علینا و علی عباد الله
الصالحین ورحمة الله وبرکاته [illegible] در [illegible] سفر دریا در بیان
[illegible] وجریها و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر
صادق منقول است که مکروه است بدریا سوار شدن برای تجارت و از حضرت
امیر المؤمنین منقول است که نیکو طلب روزی [illegible] که کسیکه بدریا سوار
شود از برای تجارت و در حدیث صحیح از حضرت محمد باقر منقول است
که کسیکه بکشتی سوار میشود برای تجارت دین خود را در معرض تلف

[illegible] و در اخبار معتبره وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه
[illegible] سوار شدن دریا در [illegible] امان از [illegible]
از حضرت [illegible] رضا علیه السلام منقول است که چون [illegible]
بگو [illegible] مجریها ومرسیها ان ربی لغفور رحیم و چون دریا [illegible]
[illegible] تکیه کن و بدست راست بسوی موج اشاره کن و بگو
قر بقرار الله واسکن بسکینة الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
و در بعضی روایات وارد شده است که [illegible] طلاطم دریا
بگو بسم الله اسکن بسکینة وقر بقرار الله واهدا باذن الله ولا حول
ولا قوة الا بالله راوی گفت که من مکرر بکشتی سوار شدم و [illegible]
طلاطم دریا آنچه حضرت فرموده بودند [illegible] خواندم پس در ساعت ساکن
136 شد چنانچه گویا هرگز نبوده است و از حضرت امیر المؤمنین منقول است
که هر که از غرق شدن بگوید بسم الله مجریها ومرسیها ان ربی لغفور
رحیم بسم الله الملک الحق وما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم
القیمة والسموات مطویات بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون و در حدیث
دیگر از [illegible] منقول است که چون از غرق ترسد بگوید الله الذی
نزل الکتاب بالحق وهو یتولی الصالحین وما قدروا الله تا آخر آیه و در روایت
دیگر منقول است که چون خواهد بکشتی سوار شود صدقه بدهد الله
اکبر بگوید و صدقه به صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و صدقه به ظالمان
آل محمد لعنت کند باین نحو که اللهم العن من ظلم آل محمد پس بگوید
بسم الله وبالله وصلوة علی رسول الله وعلی الصادقین من آل الله

ان نصیرنا و نظیم اجورنا اللهم بک انتشرنا و الیک توجهنا و بک
امنا و بک اعتصمنا و علیک توکلنا اللهم انت ثقتنا و رجاؤنا
و ناصرنا لا تحببنا ما لا نحب اللهم بک نحل و بک نسیر اللهم انت
... انا و انقم ما فینا انت الخلیفة فی الاهل و المال ... علی
المال و علی تطهیر و قال ارکبوا فیها بسم الله مجریها و مرسیها ان
ربی لغفور رحیم و ما قدروا الله حق قدره و الارض جمیعا قبضته یوم القیمة
و السموات مطویات بیمینه سبحانه و تعالی عما یشرکون اللهم
انت خیر من وفد الیه الرجال و شدت الیه الرحال و انت سیدی
اکرم مزور و اکرم مقصود و قد جعلت لکل زائر کرامة و لکل وافد
تحفة فاسئلک ان تجعل تحفتک ایای فکاک رقبتی من النار و شکر سعی
و ارحم مسیری من اهلی ... بل لک المنة از جعلت
سبیلا الی زیارة و الیک عرفتنی فضله و حفظتنی فی لیلی و نهاری
حتی بلغتنی هذا المکان و قد رجوتک ان تقطع رجائی ... فلا تخیب
املی و اجعل مسیری هذا کفارة لذنوبی بالحمد ... ابن ادریس
علیه الرحمه گفته است که اگر مطلبش از کثرت نسبت ...
عبادات را تغییر دهد بنحوی که مناسب مقصود او باشد و در حدیث دیگر
معتبر از حضرت صادق منقول است که بر بلندی هر چیزی ...
شیطانی هست چون بالای ... بسم الله بگوئید تا از شما دور شود و
حدیث دیگر منقول است که چون قدم خود را بر جسری یا بلندی بگذاری بگو
بسم الله اللهم ادحر عنی الشیطان الرجیم   در آداب مشایعت

در مشایعت مسافر و آداب برگشتن آن بسند حدیث صحیح از حضرت صادق منقول
که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله ... را وداع میکرد ...
رحمکم الله و زودکم التقوی و وجهکم الی کل خیر و قضی لکم کل حاجة
و سلم لکم دینکم و دنیاکم و ردکم سالمین الی سالمین یعنی خدای ...
... را توشه شما گرداند ... هر چیزی متوجه گرداند
و جمیع ... دین و دنیای شما ...
... بسوی جمعی که ایشان بسلامت باشند ... دیگر از حضرت
محمد باقر علیه السلام منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله
مسافری را وداع میکرد دست او را میگرفت و میگفت
احسن الله لک الصحابة و اکمل لک المعونة و سهل لک الحزونة و قرب لک البعید
135 و کفاک المهم و حفظ لک دینک ... و وجهک لکل خیر علیک
بتقوی الله ... استودع الله ... و در روایت دیگر منقول
که در وقت ... اللهم ...
... وجهک الخیر حیث ما توجهت و زودک التقوی و غفر
لک الذنوب ... دیگر منقولست که جمعی از مردم بخدمت
حضرت صادق رفتند که آنحضرت را وداع کنند فرمود اللهم
ما اذنبنا و ما نحن مذنبون ... بالفعل ...
و الدنیا و عافنا ... من شر ما قضیت فی عبادک و بلادک فی
هذه المنقلبات ... عجل نصر آل محمد و اخز عدوهم عاجلا ... بحدیث
معتبر منقول است که مسافر را سنت است که چون از سفر برگردد

برادران مؤمن خود را بضیافت بطلبد و در حدیث معتبر از حضرت امام
محمد باقر منقولست که چون کسی از سفر باز آید برای اهل خود تحفه
بیاورد اگرچه سنگی باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که حضرت رسول صلعم بمسافر و باکسی که از مکه می آید فرمودند تقبل الله منك
واخلف علیك نفقتك وغفر ذنبك و در حدیث دیگر منقولست که
هرکه دست بگردن حاجی بکند در وقتیکه باگرد راه است چنانست
که حجر الاسود را بوسیده است و در روایت دیگر منقولست که چون
کسی از سفر برگردد سزاوار آنست که مشغول کاری نشود تا غسل نکند
و دو رکعت نماز کند و بسجده رود و صد مرتبه شکر الهی بگوید و چون
جعفر طیار از حبشه آمد حضرت رسول صلعم بینی خود چسپانید و میان
میان دو چشمش را بوسید و عادت حضرت رسول چون یکدیگر
میرسیدند مصافحه میکردند و چون یکی از ایشان از سفر می آمد
دست در گردن او میکردند و در احادیث معتبره وارد
شده است که مشایعت و استقبال مؤمنان مستحب است و از برای مشایعت
و استقبال مؤمنان نماز را قصر میتوان کرد و روزه ... مباداا ...
میتوان خورد ... در آداب ... تاختن و تیر انداختن و در
احادیث معتبره وارد شده است که مسابقت و گروبندی جایز نیست
مگر در اسب و الاغ و شتر و فیل و در تیر انداختن و در احادیث معتبره
وارد شده است که حضرت رسول صلعم اسبی بگرو تاختند و گرو را
چند اوقیه نقره بستند که هر اوقیه تخمینا بیست و یک مثقال نقره

باشد

باشد و از حضرت رسول صلعم منقولست که سواری بکنید و تیر
دوست دوست تر میدارم از سواری کردن و همه لهو و بازی
که مؤمن کند باطلست مگر سه چیز در تادیب و تعلیم اسب و تیر
و تیر انداختن و با زن خود بازی کردن که اینها حقست بدرستیکه
یك تیر که در راه خدا بیندازند حقتعالی سه کس را بیامرزد آن کسی که
تیر ساخته است و آنکسیکه آن تیر را بجهاد کنده ... آنکسی که
آن تیر را بجهاد انداخته است و در حدیث معتبر منقولست که ملائکه
میگریزند در هنگام گروبندی و لعنت میکنند کسی را که این کار میکند
136 مکروه بشتر و فیل دوانی یا اسب و استر و الاغ دوانی و تیر اندازی یا شمشیر
و نیزه بازی و بدانکه گرو نتوانند بست در اسب استر و الاغ و شتر
و فیل جایز است و گرو بستن بکبوتر برای که کدام یك دورتر بروند
و یا بکشتی راندن که دو کشتی را بر روی آب بدوانند یا آنکه دو کس
گرو ببندند که کدام یك بیشتر بروند یا دو کشتی گرفتن که کدام یکدیگر را
بهم بزنند یا برداشتن چیزها که از انجا بریزد تا آنکه گرو ببندند
خلافست و جایز بودن اینها قوی تر است خصوصا در کشتی گرفتن که
بعضی از احادیث دلالت بجواز آن میکند چنانچه در حدیث معتبر منقولست
که شبی حضرت رسول صلی الله علیه وآله بخانه حضرت فاطمه ع
آمدند پس حضرت رسول آن ... دیده فرمودند که برخیزید و با یکدیگر
کشتی بگیرید پس ایشان مشغول کشتی گرفتن شدند و حضرت فاطمه ع
پی کاری بیرون رفتند چون برگشتند شنیدند که حضرت رسول صلعم

نمایند ای حسن بگیر حسین و برزمین انداز حضرت فاطمه فرمود
ای پدر چه عجب است که بزرگتر را ترغیب میفرمائی که کوچک
را بر زمین افکند حضرت فرمود که ای دختر اینک جبرئیل میگوید
که ای حسین حسن را بگیر بیندازمن در برابر چنین میگویم و در فقه
الرضا منقولست که زنهار چوگان بازی مکن که در آن حال شیطان
با تو یار میکند و فرشتگان از تو نفرت میکنند و اگر کسی در آن حال
بچهار پایش بر در آید و او بمیرد بجهنم میرود و بدانکه در گرو بستن
مسابقه شرطست که آن مالی را که قرار میکنند برای کسی قرار میکنند
که پیشی گیرد پس اگر آن برای آنکسی قرار کنند که پس مانده است
جایز نیست و همچنین اگر از برای کسی قرار کنند که با ایشان در عمل شریک
نباشد جایز نیست چنانچه متعارفست که دو کس با یکدیگر گرو می
بندند و دیگری نیز میاندازند یا اسپ میتازند و اگر امام از بیت المال
مسلمان قرار کند که هرکه بیشتر میرود یا بیشتر میزند نقدی میدهم
جایز است و همچنین اگر کسی مالی بدر آورد و بگوید که این مال
آنکسی است که بیشتر میرود از این دو کس که میتازند جایز است
و همچنین جایز است که دو کس میتازند هر یک مالی بدر آورند و بگویند
که این هر دو مال از آن اوست که بیشتر برود و مشروطست در گرو
دوانیدن موافق مشهور میان علما چند شرط اول آنکه تعین کنند
ابتدا و انتها و افقی را که در آن میتازند است هر یک در این مسافت پیشی
گیرد و او برده است دوم آنکه مالی را که گرو بر آن مال می بندند فقط

و جنس آن معلوم باشد که چند است و از چه جنس است نقره یا طلا است
یا غیر آن سیم آنکه حیوانی را که بر آن هر یک سوار میشوند تعین کنند
بدیدن و بعضی از اعتقاد آنست که تعین آن باوصاف بکنند جایز است
چهارم آنکه هر یک از آنها محتمل باشد بحسب عادت که بر دیگری پیشی
گیرد پس اگر حیوان کمرفته و لاغر را بتازند با حیوان تند روی
فربهی که معلوم باشد عادت که بر آن پیشی نمیتواند گرفت جایز نیست
پنجم آنکه آن دو حیوان که میتازند از یک جنس باشند که هر دو اسپ باشند
یا استر یا الاغ یا شتر یا فیل بتازند جایز نیست و در این شرط خلاف است
و نزد فقیر ثابت نیست ششم آنکه هر دو یکمرتبه بتازند پس اگر شرط
137 کنند که یکی زودتر از دیگری بتازد جایز نیست موافق مشهور میان علما
هفتم آنکه سوار شوند و بدوانند اگر بی پیهاران تازند که خود شوند بدوانند
جایز نیست هشتم آنکه مسافتی تعین کنند که پیش از رسیدن بمنتهای آن
مسافت از چهار پایان مانده نشوند نهم آنکه نگه با هم میتازند هر دو آن با
نزد ناز دهم آنکه هر دو در وقت تاختن برابر یکدیگر هر دو ایستاده
باشند و در این شرط خلاف است و اظهر آنست که اگر یکی بیشتر از دیگری
ایستاده باشد جایز است و ده اسپ را با یکدیگر بتازند و در میان عرب
هر یک نامی دارد آنکه از همه بیشتر است آنرا مجلی گویند و آنکه
از آن پس مانده و بر دیگری پیشی گرفته است آنرا مصلی میگویند و
بعد از آن را تالی گویند و بعد از آن را بارع میگویند و بعد از آن را مرتاح میگویند
و بعد از آن را مومل میگویند و بعد از آن الطیم میگویند که از همه پس مانده

وار وای همرجایز است چیزی قرار دهند بعیر ان اخر پس اگر این ده اسب
هم بیکی آخر میدان برسند از برای هیچ یک چیزی نخواهد بود و
بدانکه گرو شمشیر و نیزه و تیر و جایز است و در تیر انداختن چند
شرط است بحسب مشهور میان علما اول انکه تعیین کنند که این چند
تیر را در میان چند تیر زند سیوم انکه تعیین کنند بچه بخورد بنشانه
یکی از آنها که بعد ازین بیان این خواهیم کرد چهارم انکه تعیین کنند
جز یکی نشانه را موضع انداز اماج خانه ششم انکه کمان هر دو
و تیر یک یکجنس باشد و درین خلاف است و اقوی آنست که
شرط نیست اما اتفاقیست که در کار نیست که کمان و تیر معین را شرط کنند
بلکه بعضی گفته اند که اگر شرط تعیین کنند باطلست هفتم انکه یا مبادره
باشد یا محاطه و مبادره آنست که شرط کنند که هر که در عرض نیست
تیر پنج تیر را مثلا بیشتر بزند برده است پس اگر هر یک ده تیر
انداخته اند و یکی از ده پنج تا را زده بر نشانه و دیگری چهار تا را
زده است برده است و اگر هر یک پنج تیر زدند هیچ یک از
دیگری نبرده اند و محاطه آنست که شرط کنند که ... زدن تیر
مثلا پنج زده از آنکه هم زده ... و اگر یکی پنج تیر مثلا بیشتر از دیگری
زده باشد برده است پس اگر هر یک بیست تیر بیندازند یکی پانزده
تیر بر نشانه زده باشد آنکه پانزده زده است برده است و اگر
یکی چهار ده تیر زند و دیگری ده تیر هیچ یک نبرده است و احوط
آنست که در اول یکی از این دو صورت را تعیین کنند مانی ظاهر نیست

بر جمیع

جمیع باشد و باید دانست که زدن نشانه بچند قسم میباشد اول حاتی
بعضی در اول بزمین خورد و از زمین بجهد و بنشانه خورد دوم
خاصر یعنی بر یکی از دو جانب نشانه متصل شود سیوم خارق که
نشانه را زخم کند و در آن فرو نرود چهارم خاسق که نشانه را سوراخ
کند و بند شود پنجم مارق که بنشانه بخورد و از طرف دیگر
بر رود ششم خارم که پهلوهای نشانه ببرد و در میان نشانه فرو
نرود و پس که در اول شرط کنند که کدام نحو بزنند برده است و اگر
شرط کنند که اگر بپهلوی نشانه بزند برده باشد و او بر میان نشانه
بزند با نبرده است و اگر شرط کنند که بنشانه فرو رود چنان بزند
138 که از جانب دیگر بدر رود برده است و همچنین هر که پست تر شرط کنند و نیکو تر
شرط کنند و پست تر بزند نبرده است و باید دانست که در تیر اندازی
و گرو بندی و دوانیدن محلل میباشد یعنی کسیکه با ایشان شریک
میشود که اگر ببازد ... بر محصر بگیرد و اگر نیاید چیزی ندهد
و بهتر آنست که اگر ببرد ... مال ببرد و اگر نبرد برای گرو بندی چنین کسی را
با خود شریک کنند و احوط آنست که در اول صیغه بگویند که
یکی از آنها با این عقد را این شرطها که مذکور شد بلفظ ...
و دیگری قبول کند و سنت آنست که در هنگام تیر انداختن و اسب
انداختن غرض ایشان محض لهو نباشد بلکه مطلب ایشان در ...
در راه خدا و تقویت دین و ایمان و معاونت شیعیان از شر مخالفان بوده
باشند تا ... ثواب بیابند و در حدیث معتبر منقولست حضرت رسالت

صلی الله علیه و آله اصحاب خود را فرمودند که اسب را بکشند و با بچه
بر آن کرده بستر می شد از مال خود میدادند و در روایت دیگر منقولست
بر صد و پنجاه و چهار مثقال نقره گرو بستند و چون از جنگ تبوک
برگشتند با اسامه بن زید شتر بگرو دوانیدند و جناب مقدس صلوات
الله علیه و آله از حبس بازی منزه و مبرا بودند بلکه از برای تقویت
دین اسلام و تحریص مردم بر جهاد فی سبیل الله تا کافران بر
مسلمانان و مخالفان بر شیعیان مستولی نشوند و جان و مال و عرض
مردم از شر اشرار محفوظ باشد و جهادیکه در زمان غیبت امام میباشد
آنست که دفع ضرر کافران و مخالفان از شیعیان بکنند و اگر جمعی از مخالفان
یا کافران بر سر گروهی از شیعیان بیایند بر آن جماعت واجبست که جهاد کنند
و دفع آنها و اگر کشته شوند شهیدند اگر آنها عاجز باشند بر جمیع مؤمنان
واجبست که مدد ایشان بکنند و در دفع آن کافران بکوشند و در
احادیث معتبره وارد شده است که کسی را برای دفع از عرض
خود یا مال خود کشته شود شهید است و در حدیث معتبر از حضرت
رسول منقولست که تمام خیرات در شمشیر و زیر سایه شمشیر است
شمشیر اهل حق کلید بهشت است و شمشیر اهل باطل کلید جهنم است
و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که بهشت را دری هست
که آنرا در جهاد کنندگان میگویند آنها که در راه خدا جهاد کرده اند
بسوی آن در میروند و می بینند که برای ایشان کشوده اند و ملائکه ایشان را مرحبا

مرعید

دیگر منقولست که نهی فرموده از کشتن مارها که در خانه می باشند
و نهی فرموده از آنکه کسی گوش دهد بسخن جماعتی که نخواهند که
او سخن ایشان را بشنود و اگر چنین کند در قیامت در گوشش سرب
خواهند ریخت و نهی فرموده از خندیدن در قبرستان و در حدیث
معتبر از حضرت جعفر صادق منقولست که سه کسند که
حقتعالی در قیامت نظر رحمت بسوی ایشان نمی افکند و
اعمال ایشان را قبول نمی فرماید و بعذاب دردناک معذب
میگرداند مرد دیوث باشد و کسیکه فحش گوید و بشنود
و پروا نکند و کسیکه چیزی داشته باشد و از مردم سوال کند
139 و از حضرت رسول منقولست که بهشت حرام بر فحش گوینده
جائیکه پروا نکند و از آنچه خود گوید و از آنچه با او گویند و چنین
کسی را تفتیش کنی از احوال او یا ولد الزناست یا شیطان در
نطفه او شریک شده است و در حدیث معتبر دیگر فرمود
که بوی بهشت از پانصد ساله راه میرسد عاق پدر و مادر
و دیوث آنرا نمی شنود پرسیدند که دیوث کیست فرمود
کسیکه زنش زنا کند و او داند و تغافل کند و در حدیث معتبر
از حضرت صادق منقولست که زنانیکه با یکدیگر مساحقه
میکنند در قیامت ایشانرا می آورند و جامها از آتش و مقنعها از آتش
و زیر جامها از آتش بر ایشان می پوشانند و عمودی از آتش در شکم
ایشان میکنند و در جهنم می اندازند ایشانرا اول کسی که این عمل

کرد قوم لوط بودند و از حضرت رسول صلعم منقولست که کافرند
بخدای عظیم ده کس از امت من کشنده مردم بناحق و جادوگر
و دیوث کسی که دختر بر زن حرام کند و کسیکه با حیوانی جماع
کند و کسیکه با محرمات خود مانند خواهر خود و مادر خود جماع
و کسیکه سعی در فتنه و فساد کند و کسیکه حرب بکافران
بفروشد و کسیکه زکوة مال خود نه دهد که هرکه در خانه
او طنبور یا عود یا چیزی دیگر از آلتهای ساز باشد یا نرد و شطرنج چهل
روز بماند … عجب باشد و نرد ود و از حضرت امام موسی
علیه السلام منقولست که هرکه در خانه او طنبور یا عود
یا چیز دیگر از آلتها میسازد و نرد و شطرنج چهل روز باشد مستوجب
غضب الهی گردد و اگر در این چهل روز بمیرد فاجر فاسق مرده
باشد و جای او جهنم باشد و از حضرت امیر المؤمنین منقولست
که کبوتر خوانندهای که میکنند لعنت و نفرین میکنند بر آنها که سازها
میزنند و کنیزان خواهنده را نگاه میدارند و نی زنند و عود می نوازند
و در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست که هرکه چهل روز چهار تار
او طنبور بنوازد حقتعالی برو مسلط کرداند شیطانی را که او را قفنذ
میگویند پس هیچ عضوی از اعضای او نماند مگر آنکه آن شیطان
بر آن بنشیند پس چون چنین شود چنان از و برطرف میشود غیرت
که … از آنچه میگویند یا میشنوند و غیرت از و زائل شود تا آنکه
اگر داند که با زنانش زنا میکنند غیرت نورزد و از حضرت صادق

برسید

پرسیدند از تفسیر آیه کریمه فاجتنبوا الرجس من الاوثان واجتنبوا
قول الزور که ترجمه لفظش اینست که اجتناب کنید از نجس و پلیدی
که از آن بتهاست و اجتناب کنید از گفتار باطل و فرمود که آن بتها
شطرنج است و گفتار باطل غنا و خوانندگی و فرمود بپرهیز از شطرنج
اما شطرنج پس نگاه داشتن آن کفر است و بازی کردن بان
شرکت و یاد دادن آن یکی کفر نیست اما گناه کبیره هلاک کننده است
و سلام کردن بر کسی که بازیش کند گناه است و کسیکه دست در میان
آن کند مانند چنانست که دست در میان گوشت خوک کند و کسی که
نظر بسوی آن کند چنانست که بفرج مادر خود نظر کند و کسیکه نرد
١٤٥ بازی کند بقمار مثل کسی است که گوشت خوک خورد و کسیکه بقمار
و کعبتین بازی کند چنانست که دست در میان گوشت و خون
خوک کرده باشد و حاجب نیست انگشتر بازی و غیره که بر سر و پشت میکنند
می چسبند و بازی میکنند اینها امثال اینها تمام قمار است حتی بازی کردن
اطفال با گردیان و نیزها که صبح میزنند که شیطان با تو میرود
و ملائکه از تو میگریزند و از حضرت امام رضا منقولست که
هرکه با پسری لواطه کند حدش آنست که او را باتش بسوزانند یا
دیواری بر سرش بکنند یا شمشیری برو بزنند که کشته شود و خون
و مادران پسر بران هر دو حرام میشوند و در قیامت او را بحلق میکشند
در کنار جهنم تا حقتعالی از حساب خلق فارغ شود پس او را در آتش
اندازند و پس هر طبقه از طبقات جهنم او را عذاب کنند تا باخر طبقات

جهنم برسد و لواطه بدتر از زناست زیرا که حق تعالی امتی را بسبب
زنا هلاک نکرده و بلوط شهری چند را هلاک کرد و از حضرت
امیر المؤمنین منقولست که لواطه آنست که در میان دو ران بسر علی
بکند اما اگر در دبر فرو برد پس آن کفر است بخدا و از حضرت رسول
منقولست که هر که مصر باشد با وطی در دبر پس نمیرد تا آنکه مبتلا
شود با آنکه مردم را تکلیف کند که با او این عمل قبیح بکند و از حضرت
امام محمد باقر منقولست که حقتعالی میفرماید بقدرت و جلال
خود سوگند میخورم که بر استبرق و حریر بهشت ننشیند کسیکه او
در دبر وطی کند و در حدیث موثق منقولست که شخصی بخدمت
حضرت امام جعفر صادق آمد و گفت مرا موعظه بگو و فرمود که
حقتعالی متکفل روزی مردم شده است پس غم خوردن
برای چیست و اگر روزی از جانب خدا قسمت شده است پس
حرص از برای چیست و اگر حساب قیامت حق است پس جمع کردن مال
از برای چیست و اگر آنچه در راه خدا میدهد عوض میدهد پس بخل
ورزیدن از برای چیست و اگر شیطان دشمن است پس غافل شدن
از آن برای چیست و اگر همه کس را بر صراط می باید گذشت پس عجب و خود
ستانی ورزیدن برای چیست پس اگر همه چیز بقضا و قدر الهی است
پس اندوه برای چیست و در حدیث معتبر از حضرت رسالت پناه
منقولست که عابدترین مردم کسی است که زکوة مال خود را بدهد
و زاهدترین مردم کسی است که آنچه خدا حرام کرده است ترک

نماید

نماید و پرهیزکارترین مردم کسی است که در همه جا حق بگوید
خواه بنفع او باشد و خواه بضرر او داشته باشد و عادل
ترین مردم کسی است که از برای مردم بپسندد آنچه از برای خود
می پسندد و از برای مردم نخواهد آنچه برای خود نخواهد
و زیرکترین مردم کسی است که یاد مرگ بیشتر کند و محسودترین
مردم کسی است که بزیر خاک رفته باشد و از عقاب الهی ایمن شده
باشد و امید ثواب خدا داشته باشد و غافلترین مردم کسی است
که از گردیدنهای دنیا از حالی بحالی پند نگیرد و صاحب قدر
ترین مردم کسی است که دنیا را نزد او قدری نباشد و داناترین
۱۴۱ مردم کسی است که علم مردم را با علم خود جمع کند و شجاعترین مردم کسیست
که بر خواستهای نفس غالب باشد و گرانبهاترین مردم کسی است
که علمش فراوانتر باشد و کم‌بهاترین مردم کسی است که علمش
کمتر باشد و کم‌لذت‌ترین مردم کسی است که حسد مردم برد و کم
راحت‌ترین مردم کسی است که بخیل است و بخیل‌ترین مردم کسی است
که بخل ورزد بر چیزیکه خدا بر او واجب گردانیده است و اولی‌ترین
مردم بحق کسی است که عملش بحق بیشتر کند و بیحرمت‌ترین مردم
فاسق است و بیوفاترین مردم کسی است پادشاه باشد و کم‌دوست
ترین مردم پادشاهان است و فقیرترین مردم صاحب طمع است و بی
نیازترین مردم کسی است که اسیر حرص نباشد و کسی که ایمانش بالاتر است
که خلقش نیکوتر باشد و گرامی‌ترین مردم پرهیزکارترین ایشان است

و کسیکه قدرش عظیم‌تر است که چیزهائیکه فایده با او نداشته باشد
متعرض نشود و پرهیزکارترین مردم کسی است که نهان را رضا و علم
کند هرچه حق با او باشد و بی‌مروت‌ترین مردم دروغ‌گوست
و سفله‌ترین مردم پادشاهند و دشمن‌ترین مردم نزد خدا متکبرانند
و کسیکه در طاعت الهی بیشتر کوشیده است که ترک گناه کرده باشد
و داناترین مردم کسی که از جاهلان بگریزد و سعادتمندترین
مردم کسی است با نیکان خلطه نماید و عاقل‌ترین مردم کسی است
با مردم مدارا بیشتر کند و سزاوارترین مردم بتهمت کسی است که
با اهل تهمت همنشینی کند و طاغی‌ترین مردم کسی است که بکشد
کسی که قصد کشتن او نداشته باشد و بزند کسیکه او را نزند و
سزاوارترین مردم بعفو کردن کسی است که قدرت بر عقوبت بیشتر
داشته باشد و سزاوارترین مردم است بگناهکاری کسی است که در
خطوه مردم سفاهت کند و در غایبانه غیبت کند و ذلیل‌ترین مردم
کسی است که مردم را خوار کند و دوراندیش‌ترین مردم کسی است
که خشم خود را بیشتر فرو خورد و شایسته‌ترین مردم کسی است که برای
مردم کسی است که برای مردم شایسته
تر باشد و بهترین مردم کسی است
که مردم از او منتفع شوند
بالجانب کریم